

- خواندنی‌های نوروزی در زمینه اقتصاد و مدیریت ۴۳
- مانده تا آمدن قاصدک سبز بهار ۴۸
- دقیقا کجا برم؟ ۴۹
- پنج اپلیکیشن کاربردی برای مدیریت کار گروهی ۵۱
- جعبه جادویی در تکاپوی آشتی دوباره با مخاطب ۵۲
- از هزاران گره مانده به راه؛ تو بیا تا گره‌ای باز کنیم! ۵۴
- دهه جنگ و صلح ۵۶
- گفت‌وگو با علی اصغر حسن‌زاده، ارزشمندترین بازیکن مسابقات فوتسال قهرمانی آسیا
- غیر از ایران هیچ تیمی شایسته قهرمانی نبود ۵۸
- فوتبال در گروه یک تار مو ۶۰
- یک فنجان چای ۶۲
- جلال حسینی: کت و شلوارپوش‌ها از تیم ملی انتقاد می‌کنند ۶۴

انعکاس نظرات اشخاص حقیقی و حقوقی در قالب مقالات، مصاحبه‌ها و گزارش‌ها، لزوماً به معنای تایید محتوای تمامی آن‌ها از سوی ماهنامه نیست.

- سرسبز تا همیشه ۲
- دکتر حجت اله صیدی، مدیر عامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی
- پیام‌ها و یادداشت‌های اعضای هیئت مدیره و مدیران گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی ۳
- گزارش اختصاصی از تولد یک کتاب متفاوت در حوزه مدیریت
- «مدیر باش، رئیس!» رونمایی شد ۱۶
- پرونده بازار سهام در سالی که با احتیاط شروع شد و با خوش بینی به آخر رسید
- رونق بورس، وام‌دار «برجام» است ۲۲
- نقش «تشکل‌های سرمایه‌گذاری» در توسعه ایران ۲۴
- تحلیل فضای پیش روی اقتصاد ایران در گفت‌وگو با دکتر نادر هوشمندیار
- روزهای خوب اقتصاد در راه است ۲۶
- دو نگاه به اقتصاد ایران ۲۹
- نوآوری در گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی ۳۰
- ریتم‌های حیاتی زندگی ۳۶
- ثروتی که در سفرهای تفریحی به جیب همسایه‌ها می‌رود! ۴۰
- پیش‌نیازهای اصلاحات اقتصادی در سال ۹۵ ۴۲

ضوابط درج مقالات در ماهنامه "وخارزم"

ماهنامه وخارزم از دریافت مقالات علمی، تخصصی و کارشناسی در حوزه‌های مرتبط با اهداف راهبردی گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی به ویژه در زمینه‌های اقتصاد کلان، تحولات بازار سرمایه، فناوری اطلاعات، برنامه ریزی و مدیریت منابع انسانی استقبال می‌کند. مقالات ارسالی باید شامل این موارد باشد: عنوان مقاله، نام و مشخصات نویسنده یا مترجم (شامل عناوین اصلی علمی و شغلی، شماره تلفن تماس و نشانی الکترونیکی). چکیده و متن کامل مقاله (مقدمه، متن، نتیجه) در قالب نرم افزار Word - فهرست منابع و پیوست‌های احتمالی. حجم مقالات ارسالی حداکثر ۱۰ صفحه A4 (معادل ۳۳۰۰ کلمه) باشد که با احتساب تصاویر، جداول، نمودارها و تیتراژ، نهایتاً از ۴ صفحه نشریه بیشتر نخواهد بود. تحریریه ماهنامه وخارزم، در ویرایش محتوایی و شکلی مطالب واصله آزاد است و اصل مقاله نیز به ارسال‌کنندگان محترم مسترد نمی‌گردد. مسئولیت محتوای علمی - حقوقی مطالب با نویسندگان یا نویسندگان است و ماهنامه از انتشار مقالات منتشر شده در سایر نشریات و رسانه‌ها معذور می‌باشد.

vakharazm@kharazmi.ir

زیر نظر شورای سردبیری

دبیر اجرایی تحریریه: سینا کلیچ‌خانی

همکاران این شماره: علی ماندگار، علی

طرزجانی، ایلیا پیرولی، مجید بختیاری، سعید

مرادی، مرجان قنادزاده

طراح جلد: طاهرا مرادی

گرافیک و صفحه‌آرایی: نادر قبله‌ای

ویراستار: شیدا محمدطاهر، مرجان ابری

امور دفتری: وحیده بهزادی

نشانی: میدان فرهنگ، بلوار فرهنگ، بین

خیابان ۲۲ و ۲۴ شرقی، پلاک ۱۸

تلفکس: ۰۲۱-۸۸۶۹۰۵۶۲

نشانی الکترونیک:

vakharazm@kharazmi.ir



ماهنامه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی
برای خانواده بزرگ شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی



شماره ۲۵ - فروردین ۱۳۹۵



سر سبز تا همیشه

• دکتر حاجت اله صیدی، مدیر عامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی

وحشت کم شدن سکه عیدی از شمردن زیاد ایجاب می‌کند که بیشتر از آن‌که به بازشماری دستاوردهای یک سال تلاش بی‌وقفه در گروه خوارزمی پرداخته شود، در آستانه نو شدن جهان، سرفصل‌های مهم برنامه‌های اصلی گروه در ماه‌های پیش رو مورد اشاره قرار گیرد تا در راستای برنامه راهبردی هفت ساله برای ثروت‌آفرینی پایدار، بتوان گام‌های اساسی تحقق برنامه در سال نودوپنج خورشیدی را محکم‌تر و مصمم‌تر برداشت. سنت نیکوی دیرینه‌ای است که باید در آستانه عید، تصمیم‌های برنامه‌ریزی‌شده را نوتر ساخت و با توکل به تدبیرکننده روز و شب، برای تحول حال دعا کرد.

آن‌چه در نیمه دوم سال سپری‌شده نیروی زیادی از گروه را برای باز شدن نماد سهم به خود اختصاص داد، در هفته‌های پایانی سال با برداشتن گام‌هایی مهم از سوی شرکت و سازمان بورس و اوراق بهادار با رویکردی مسئولانه و دقیق از هر دو سوی بحث، در آستانه به فرجام رسیدن قرار گرفت و دور نیست که وخارزم در بازار سرمایه ظرفیت واقعی خود را بازیافته و با ارزش‌هایی که امانت‌داران شاغل در گروه در یک سال گذشته خلق کرده‌اند، پاداش مناسبی را از سوی بازار در ازای صبر پسندیده‌ای که فعالان بازار و سهام‌داران ارجمند داشته‌اند، نصیب آنان سازد. سال جدید، سال تداوم پرشتاب‌تر ثروت‌آفرینی برنامه‌ریزی شده است. بخش مهمی از طرح تجاری‌سازی نیروگاه منتظر قائم در ماه‌های پیش رو به سرانجام می‌رسد که علاوه بر افزایش بهره‌وری نیروگاه و تحقق بیشتر اهداف زیست‌محیطی، همراه با منطقی‌تر شدن بهای تمام‌شده برق تولیدی، رقابت‌پذیری شرکت افزایش چشم‌گیری یافته و زمینه‌های تکمیل فرایند پذیرش شرکت توسعه برق و انرژی سپهر در فرابورس فراهم می‌شود. طرح‌های ساختمانی توسعه ساختمان خوارزمی، به‌ویژه طرح بزرگ هم‌اکسیدز در سال پیش رو با پیشرفت‌هایی که در اجرای آن وجود دارد، وارد مرحله تجاری و پیش‌فروش خود می‌شود که با تحقق این امر، فعالیت‌های تکمیل طرح‌های دهکده المپیک، الهیه و دیگر طرح‌ها نیز سرعت مناسب‌تری به خود می‌گیرد. سال نودوپنج سال عرضه اولین شمش طلای شرکت توسعه معادن صدر جهان هدف‌گذاری شده است. صدر جهان به‌عنوان هلدینگ تخصصی فلزات گران‌بهای ایران، با شروع عملیات اکتشاف معدن طلای شادان و معادن پنج‌گانه دیگر، در آستانه تولید با مقیاس اقتصادی قرار خواهد گرفت تا نتیجه نزدیک به دو سال کاوش در اعماق زمین، تبدیل ذخایر نهفته در دل خاک به ثروتی طلائی و پایدار باشد. به فرجام رسیدن برجام تحولی بزرگ در بازار پولی کشور را نوید می‌دهد که در این راستا سرمایه‌گذاری‌های گروه - اعم از خوارزمی و شرکت بزرگ توسعه مدیریت سرمایه خوارزمی - در صنعت بزرگ و ارزشمند بانک‌داری را پرارزش‌تر و سودآورتر خواهد کرد. بدیهی است که در این مسیر، فرصت‌هایی بیشتر برای «مفاخر»، به‌عنوان هلدینگ فناوری اطلاعات گروه و شرکت داده‌پردازی خوارزمی برای افزایش حجم عملیات و سودآوری فراهم می‌شود. با رفع محدودیت‌های بین‌المللی، بزرگ‌ترین تولیدکننده داروهای چشمی و گوشی در ایران - لابراتوارهای سینا دارو - در کنار طرح‌های نوسازی و توسعه‌ای که دارد، ظرفیت صادراتی بیشتری پیدا کرده و از این طریق بازده مناسبی را عاید سرمایه‌گذاران خود خواهد کرد. همچنین است شرکت نیرو پارسه که علاوه بر عقد قراردادهای جدید ساخت و فروش نیروگاه‌های مقیاس کوچک، شرکای بالقوه فنی و تجاری صاحب‌نام جهان را نیز به سوی خود جلب کرده و ساختاری بلندمدت را برای توسعه نیروگاه‌های یادشده ایجاد کرده است و پیش‌بینی می‌شود که در سال نودوپنج از شرکت‌های پربازده گروه باشد.

سه گام مهم و نو در سال پیش رو برداشته خواهد شد که نتیجه برنامه‌ریزی برای استفاده از فرصت‌های طلایی دوره پسابرجام است. نخستین آن تکمیل فرایند تشکیل هلدینگ نفت و گاز گروه - موسوم به زیما - است که ساختار اولیه آن شکل گرفته و اکنون می‌رود تا با ثبت رسمی، فعالیت‌های برنامه‌ریزی‌شده خود را آغاز کند. دومین گام مهم، توسعه پرشتاب فعالیت‌های بین‌المللی است که مراحل اولیه آن در سال گذشته با تشکیل «شرکت خوارزمی اینوستمنت» در کشور امارات طی شده و با کسب سودی مناسب در اولین سال فعالیت، می‌رود که وارد فاز جدی‌تر توسعه عملیات شود. در این اثنا، مذاکرات مهمی با شرکا و همکاران بالقوه خارجی صورت گرفته، که تداوم آن‌ها موجبات گسترش حوزه‌های سودآوری در بازارهای جهانی را ایجاد خواهد کرد. و در نهایت گام سوم اساسی، تبدیل شرکت سرمایه‌گذاری آتی‌نگر سپهر ایرانیان به هلدینگ مالی بین‌المللی گروه است که در ابتدای فرایند خود قرار داشته و با بهره‌گیری از امکانات کارگزاری آینده‌نگر خوارزمی، بیمه سرمد و ترکیب مناسب سبد سرمایه‌گذاری، می‌تواند یکی از بنگاه‌های پیش‌رو در بازارهای مالی باشد. بر اهل فن پوشیده نیست که اجرای این برنامه‌ها، توان و همتی مضاعف ایجاب می‌کند که در صورت تحقق، بخش مهمی از افزایش ثروت برنامه‌ریزی‌شده را تامین می‌کند و البته بخش مهم دیگر، افزایش ارزشی است که در سبد سهام بورسی شرکت رخ داده و خود منبع مهمی برای سودآوری به حساب می‌آید. اصلاح ساختار و بهینه‌سازی ترکیب سبد سرمایه‌گذاری در سال گذشته، زمینه دست‌یابی به ارزش افزوده بیشتر در ماه‌های آتی را فراهم کرده است که با توجه به پیش‌بینی افزایشی بودن شاخص بورس در اثر گسترش تعاملات بین‌المللی و تداوم طرح‌های اصلاحات اقتصادی دولت، تحقق این افزایش ارزش بسیار محتمل به نظر می‌رسد. اجرای تمامی آن‌چه به‌عنوان برنامه‌های عملیاتی سال جدید مورد اشاره قرار گرفت، علاوه بر این‌که زمینه‌های مساعدتری در فضای کسب‌وکار را طلب می‌کند، نیاز وافر به پشتیبانی سهام‌داران از نمایندگان خود در گروه و مدیران و کارکنان دارد تا بتوان مسیر رشد را هموار کرد و با عبور از موانع، که در عین دشواری، بسیار طبیعی هم به نظر می‌رسند، به اهداف برنامه هفت ساله دست یافت.

بهار سراغاز سبز شدن و جوانه زدن است و اکنون درخت تنومند خوارزمی با سربرآوردن جوانه‌ها و شکوفه‌های امید بر شاخه‌هایش، با عزمی جدی، اراده‌ای راسخ و عشقی پایان‌ناپذیر به استقبال بهار می‌رود و شکوفه‌های دستانش را تقدیم تمامی ذی‌نفعان خود می‌کند و باز با دوستان خود آواز تبریک سر می‌دهد که:

آوای خوش هزار تقدیم تو باد سرسبزترین بهار تقدیم تو باد
گفتند که لحظه‌ای است رویدن عشق آن لحظه هزار بار تقدیم تو باد

فرصت را غنیمت بشماریم

محمدرضا عرفانی، عضو هیئت مدیره گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی



نوبهار است در آن کوش که خوش‌دل باشی
که بسی گل بدمد باز و تو در گل باشی

سهام‌داران گران‌قدر و همکاران گران‌سنگ در آستانه رستاخیز دوباره طبیعت و تجلی رنگارنگ و نقش از اعجاز خلقت ایستاده‌ایم تا اولاد آدمی با یکی از شگفت‌انگیزترین فصول کتاب آفرینش، یعنی بهار دلکش، تجدید دیدار کند.

در آستانه تقاضای «حول حالنا» بی‌دیگر از پیشگاه حضرت دوست تمنا داریم تا ما را در کنف عنایتش به سرمزمل در «احسن الحال» هدایت و حمایت کند.

فرصت را غنیمت شمرده و طلوع قریب‌الوقوع خورشید نوروز را از مشرق طبیعت به سبزینه وجود آن جان‌های خداجوی تهنیت می‌گوییم و از درگاه ایزد یکتا برایتان عزت و تندرستی و بهروزی طلب می‌کنم. عیدتان خجسته و ایامتان همواره به کام، دست حق در همه لحظات نگاه‌دارتان.

زندگی پروژه‌های است چندین دهه‌ساله...

علی دهقان منشادی، رئیس هیئت مدیره گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی



زندگی پروژه‌های است چندین دهه‌ساله در پیش روی هر یک از ما، که با آغاز هر بهاری، تازه و با حلول هر سالی با طراوت می‌شود و بانی پیدا می‌کند. بی‌تردید این موهبت بی‌تکرار نیاز به توجه و مدیریتی درست و هوشمندانه دارد تا در پایان آن بتوانیم خود را مدیر پروژه‌های

موفق بدانیم، به‌طوری‌که دیگران مشتاق و خریدار روش و منش ما باشند و از آن الگو بگیرند. اینجانب در آستانه شکفتن شکوفه‌های بهار و فرارسیدن سال نو و تجدید حیات طبیعت، آرزوی سلامتی، سربلندی و توفیق روزافزون برای یکایک مدیران و کارکنان در راه اعتلای اهداف عالی‌ه گروه را از خداوند تبارک و تعالی مسئلت می‌نمایم.

امید به تحقق سودآوری پایدار

پیام نوروزی علیرضا بلگوری، عضو هیئت مدیره گروه خوارزمی



یا مقلب القلوب و الابصار
یا مدبر اللیل و النهار
یا محول الحول و الاحوال
حول حالنا الی احسن الحال

بهار طلیعه‌ای برای جهان خاکی است تا درختانش شکوفه کنند و نسیم، قاصد فروردین باشد. صبا هم سرود «از نو» و «تو شدن» می‌سراید برای آنان که تغییر با تدبیر شیوه‌شان است.

سال نو نویدبخش تغییر و نو شدن، یادآور تازه شدن و آغازی دوباره است.

با استعانت از آفریدگار جهان و به انگیزه رستاخیز طبیعت، فرارسیدن بهاران شکوهمند را که هنگامه تجلی مواهب الهی بر بستر طبیعت است، به حضورتان تبریک و تهنیت عرض کرده و سالی سرشار از سلامتی و موفقیت از درگاه خداوند متعال مسئلت دارم.

امید واثق دارم با الهام از این تازگی طرب‌انگیز طبیعت و با یاری شما همکاران پرتلاشم، رویکرد نوین و موثری در عرصه فعالیت‌های شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی، تحقق هدف افزایش کارایی و سودآفرینی پایدار برای شرکت و میهن عزیز اسلامی‌مان داشته باشیم.

به امید هزاران بهار دیگر...

پیام نوروزی مهندس محمد ربیع‌زاده، عضو هیئت مدیره گروه خوارزمی



گفت پیغمبر به اصحاب کبار
تن مپوشانید از باد بهار
آنچه با برگ درختان می‌کند
با تن و جان شما آن می‌کند...

بهار خرم با رنگ‌وبوی طیب، مسیح نفس، به آفریده‌های مقلب‌القلوب مزده شادی و محبت می‌دهد و وعید که بازگشتی به شکفتن و تقاضای سبز شدن است، حول حالناگویان فرارسیده و مردمان را به ستایش

سوسن صدزبان و بهار درون دعوت می‌کند و در تودیع زمستان؛ باد، گیسوی درختان چمن را شانه زده و به بهار خوش‌عذار خیر مقدم می‌گوید. آری سالی دیگر از عمر همچو نسیم سحر گذشت و هم‌قدم با خانه‌تکانی‌های پرزحمت دم عید، ما را به خانه‌تکانی درونی از هرچه از درد حکایت می‌کند ندا می‌دهد. این پیام بهانه است برای تبریک سال نو و عید نوروز باستانی ما ایرانیان به همه عزیزان به‌ویژه ذی‌نفعان گرانقدر شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی و شرکت‌های وابسته و تابعه و آرزوی این‌که، خلق ثروت و سودآوری مستمر، هزاران بهار در دفتر پرافتخار این شرکت ثبت کند.

عزم جدی برای برنامه محوری و توسعه سرمایه گذاری ها

دکتر سیدرضا موسوی، معاون سرمایه گذاری و توسعه گروه خوارزمی



گشایش های اقتصادی برای ایران در فضای اقتصادی پسابرجام، برنامه راهبردی هفت ساله خود را برای دستیابی به سهم قابل قبولی از رشد و توسعه اقتصادی کشور بنا نهاد. در این راستا، گروه سرمایه گذاری خوارزمی با وفاق تمامی مدیران و کارکنان تلاش گر گروه، تمامی همت خود را برای سرمایه گذاری هدفمند در چهارچوب برنامه راهبردی هفت ساله به کار بسته و عزم آن را دارد که تا پایان برنامه، با درک ضرورت تحول و برنامه محوری (که از مشخصه های بنیادین سازمان های هوشمند تلقی می شود)، اهداف برنامه را به طور مستمر پی گیری کند.

بدین ترتیب، بر اساس برنامه ریزی های انجام شده در گروه سرمایه گذاری خوارزمی، صنایع استراتژیک و دارای مزیت نسبی از جمله بانکداری، معدن و صنایع معدنی، انرژی (شامل برق و انرژی های پاک و صنایع نفت، گاز و پتروشیمی)، فناوری اطلاعات، ساختمان، بازرگانی و سایر فرصت های سرمایه گذاری پربازده و پایدار از جمله صنعت داروسازی مدنظر قرار گرفته است.

با فراهم آمدن زمینه های اصلاح پرتفوی در هفته های اخیر، اصلاح و متوازن سازی پرتفوی شرکت در سهام بورسی و غیربورسی در دستور کار قرار گرفته است. نکته مهم آن که، به طور طبیعی نمی توان انتظار داشت که تصمیم های سرمایه گذاری شرکت تحت تاثیر نوسان های بازار نباشد، بلکه نوسان ها جزئی از چرخه های اقتصادی تلقی می شود و بی شک تلاطم هایی را در بازار ایجاد می کند. از این منظر، اتخاذ سیاست های مناسب سرمایه گذاری در دوران رکود و رونق می تواند زمینه ساز بهبود و اصلاح پرتفوی برای دستیابی به اهداف برنامه باشد.

به هر ترتیب، ضمن آرزوی بهروزی برای خانواده بزرگ گروه سرمایه گذاری خوارزمی، امیدواریم در سال ۱۳۹۵ به یاری خداوند متعال شاهد ظهور تدریجی رونق پایدار اقتصادی همراه با تقویت روحیه برنامه محوری در حوزه های زیرساختی اقتصادی و حقوقی باشیم تا زمینه های رشد متوازن و پایدار اقتصادی در بخش های مولد اقتصادی کشور فراهم شود. گروه سرمایه گذاری خوارزمی سال ۱۳۹۵ را که سال سوم اجرای برنامه راهبردی است، فرصتی مغتنم می شمرد و با تمام قوا می کوشد تا با درک و یادآوری مستمر تحول پیش گفته و اتخاذ نگرش برنامه محور، توسعه سرمایه گذاری در بخش های داخلی و بین المللی را در چهارچوب برنامه راهبردی شرکت پی گیری کند.

سالی که گذشت، کشور عزیزمان ایران با رویدادهای امیدبخشی در حوزه های اقتصادی و سیاسی مواجه شد که خدادهای مطلوبی را برای کشور نوید می دهد، به نحوی که با انجام توافق هسته ای در تیرماه ۱۳۹۴ و به فرجام رسیدن برنامه جامع اقدام مشترک «برجام» در بهمن ماه ۱۳۹۴، شاهد فراهم شدن زمینه های نگرشی برجام

گونه در عرصه اقتصادی برای مواجهه با تنگنای موجود هستیم. تنگنای غیرقابل انکاری که در صورت عدم چاره جویی به موقع و تخصصی برای آن ها، آثاری مخرب بر پیکره اقتصادی کشور دارد و امید می رود مدیریت اقتصادی کشور، با تدابیر مبتنی بر دیدگاه های کارشناسی و در چهارچوب وفاق ملی، در عرصه اقتصاد کشور را در مسیر تعادل رهنمون باشد.

درواقع با توجه به پتانسیل های رشد موجود در صنایع مختلف کشور و با تکیه بر عوامل درونزا و برون گرا، فضای اقتصادی و سیاسی لازم برای رشد و توسعه اقتصادی و افزایش تولید ملی کشور در چهارچوب اقتصاد مقاومتی فراهم شده و اینک نیاز مبرم به جبران عقب افتادگی ها در راستای رشد صنعتی کشور، کاهش نرخ بی کاری، کاهش تورم و بهبود رونق اقتصادی، بیش از پیش احساس می شود.

باین حال و در شرایطی که موجی از شگفتی در بورس کشور طی هفته های پایانی سال ۱۳۹۴ تحت تاثیر خوش بینی ها نسبت به آتی اقتصاد رقم خورد، اکثر صنایع داخلی با مشکلات جاری و طرح های ناتمام مواجه هستند و ارزیابی گزارش های مربوط به پیش بینی تولید و فروش شرکت ها حکایت از نمود آثار رکود بر پیکره بخش حقیقی اقتصاد دارد.

از این رهگذر، اهمیت پرورش روحیه برنامه محوری در دنیای پرتلاطم امروز و لزوم ایجاد وفاق برای اجرای برنامه های اصلاحی در حوزه های اقتصادی و به تبع آن آمادگی برای ورود به بازارهای جهانی و فراهم ساختن بسترهای اقتصادی و حقوقی لازم، از جمله مهم ترین اقدام ها در دوره کنونی است. به گونه ای که بتوانیم مبانی رشد حوزه های استراتژیک و دارای مزیت نسبی در اقتصاد کشور را بر اساس اصول درست و پایدار بنا نهیم.

در شرایط توصیف شده، گروه سرمایه گذاری خوارزمی، از فصل سوم سال ۱۳۹۲، با پیش بینی آگاهانه از



گام‌های درست در مسیر برنامه راهبردی

دیدگاه‌های مرتضی سامی؛ مشاور اجرایی مدیرعامل گروه خوارزمی



مرتضی سامی؛ مشاور اجرایی مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی در گفت‌وگو با «خوارزم» می‌گوید:

مهم‌ترین چالش سال آتی شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی؛ کمبود نقدینگی در شرکت‌های گروه و به تبع آن در شرکت مادر خواهد بود. نحوه مقابله با آن نیز انجام تغییراتی در ترکیب دارایی‌های شرکت و وصول مطالبات شرکت توسعه برق و انرژی سپهر است. شرایط پساتحریم

در رابطه با شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی به صورت کلی فرصت محسوب می‌شود. برقراری ارتباط مالی مناسب با کشورهای دیگر قطعاً به نفع شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی خواهد بود و باید به آن توجه ویژه‌ای شود. از طرف دیگر محصولات قابل عرضه شرکت‌های گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی، به صورتی نیست که با آمدن شرکت‌های خارجی و ایجاد رقابت به خطر بیفتد و سهم بازار را از دست بدهد. عمده فعالیت‌های شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی در حوزه برق و انرژی و ساختمان است، که مقوله واردات محصولات مشابه و رقابت در این خصوص موضوعیت ندارد. اما موضوع تامین نقدینگی مناسب دارای اهمیت است و شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی از طریق دسترسی به منابع خارجی نیز می‌تواند بخشی از آن را مدیریت کند.

او ادامه می‌دهد: در خصوص برنامه هفت‌ساله راهبردی، شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی در مسیر و روی ریل هدفگذاری شده و به درستی قدم برمی‌دارد و اقدامات لازم را انجام می‌دهد، اما در برخی مواقع از برنامه عقب هستیم و شرایط پساتحریم می‌تواند به پیشرفت کار و جلو بردن برنامه هفت‌ساله کمک بزرگی کند. شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی امکانات بالقوه مناسبی در اختیار دارد، که در این راستا می‌تواند به خوبی از آن‌ها استفاده کند.

سامی درباره مهم‌ترین برنامه‌ها، اقدامات و دستاوردهای شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی در سال ۱۳۹۴ اظهار می‌کند:

تحلیل و عرضه‌یابی شرکت‌های بزرگ گروه و آغاز اقدام جدی جهت حل مشکلات موجود، از دست‌آوردهای مهم سال ۱۳۹۴ است. تلاش در بالا بردن بازدهی شرکت‌های گروه و استفاده بهینه از دارایی‌های در اختیار، یکی دیگر از اقداماتی است که شرکت در سال ۱۳۹۴ آغاز کرده و در آینده نیز ادامه خواهد یافت. با عنایت به مناسب‌تر شدن شرایط بازار سهام در اسفندماه و انتظار ادامه آن در سال جدید، با فعالیت جدی در بازار می‌توان سود مناسبی کسب کرد. از سوی دیگر فراهم شدن شرایط بهره‌برداری از ظرفیت کامل و امکانات بالقوه موجود در شرکت‌های بزرگ گروه؛ از جمله شرکت توسعه برق و انرژی سپهر، توسعه ساختمان خوارزمی، لابراتوارهای سینادارو، تولید توسعه ایستگاهی نیروپارسه و... نیز بسیار دارای اهمیت است. در برنامه‌ریزی و بودجه سال ۱۳۹۵ شرکت‌های گروه، به امکان افزایش سود واحدها در شرایط جدید توجه ویژه‌ای شده است.

مشاور اجرایی مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی خاطر نشان می‌کند:

شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی از شرایط پساتحریم می‌تواند استفاده‌های مطلوبی ببرد. به عنوان نمونه، توسعه روابط بین‌المللی و فعالیت در حوزه‌های جدید مانند نفت، گاز و پتروشیمی، توسعه فعالیت‌های تجاری کالا و خدمات، فراهم شدن شرایط برای دسترسی به منابع مالی خارجی، امکان اجرای پروژه‌های جدید در شرکت و استفاده از منابع مالی خارجی، فراهم شدن شرایط دسترسی به تکنولوژی نوین (ICT و IT) و امکان راه‌اندازی یک گروه مالی با رویکرد انجام فعالیت در بازارهای مالی بین‌المللی را باید مدنظر قرار دهد.

شرایط پساتحریم راهگشای برنامه راهبردی هفت‌ساله

مرتضی داودی؛ معاون امور اداری

و پشتیبانی گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی



مهم‌ترین برنامه‌های پیش روی شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی را می‌توان برنامه‌ریزی جهت افزایش سود شرکت‌های گروه، افزایش ظرفیت نیروگاه منتظر قائم، تجاری‌سازی نیروگاه منتظر قائم، پی‌گیری و اجرایی کردن طرح‌های در دست اقدام از جمله نفت و گاز و پتروشیمی،

جذب سرمایه خارجی جهت مشارکت در طرح‌ها، فروش پروژه‌های توسعه ساختمان، فروش بخشی از سهام منتظر قائم و انتشار اوراق مشارکت دانست، که این موضوع بسیار حائز اهمیت است.

در این میان مهم‌ترین دستاوردهای سال گذشته شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی، برنامه‌ریزی برای ورود به حوزه نفت و گاز، تحقق بخشی از برنامه شرکت معدنی صدر جهان برای خرید معادن موردنظر، برنامه‌ریزی برای جذب سرمایه‌گذار خارجی، فعال کردن بخش بین‌الملل شرکت و تحقق و پی‌گیری برای تشکیل کمیته ریسک و حسابرسی داخلی شرکت‌ها را شامل می‌شود.

بدیهی است استفاده از فرصت‌های موجود در اقتصاد ایران در سال آینده و تحقق برنامه‌های در دست اجرا، می‌تواند راهگشای تحقق چشم‌انداز و برنامه راهبردی هفت‌ساله گروه باشد و شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی باید توجه ویژه‌ای به این موضوع مبذول بدارد.

شرایط مساعد کشور در دوران پساتحریم، فرصتی طلایی جهت دستیابی شرکت به اهداف برنامه هفت‌ساله است؛ در این راستا شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی می‌تواند با توسعه سرمایه‌گذاری‌ها و نیز جذب سرمایه خارجی جهت مشارکت در بخش‌های صنعتی، معدن، نفت و گاز و ایجاد گروه مالی بین‌المللی توسط شرکت‌های زیرمجموعه، از این فرصت جهت گسترش فعالیت‌ها و افزایش سودآوری استفاده کند.

از درگاه خداوند رحمان برای مدیران و همکاران پرتلاش گروه خوارزمی سلامت و موفقیت روزافزون در مسیر خدمت و افزایش ثروت سهام‌داران شریف خوارزمی آرزو دارم.

فرصت‌های تازه، انتخاب‌های تازه را می‌طلبد

دکتر ابن‌الرسول، معاون طرح و برنامه گروه خوارزمی



دکتر سیداصغر ابن‌الرسول، معاون طرح و برنامه شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی و استادیار دانشگاه صنعتی مالک اشتر در گفت‌وگو با «وخارزم» از تلاش‌های هدفمند گروه خوارزمی در مسیر برنامه‌ریزی و سودآوری صحبت می‌کند.

او با اشاره به اهمیت برنامه استراتژیک گروه می‌گوید:

در سال ۱۳۹۲ در شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی برنامه‌ریزی‌های مناسبی صورت پذیرفت و برنامه استراتژیک هفت‌ساله تدوین شد که طبق این برنامه شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی در سال ۱۳۹۹ باید در حدود ۳۳ هزار میلیارد تومان دارایی داشته باشد و به ۸۵۰۰ میلیارد تومان سود نیز برسد. بر مبنای برنامه استراتژیک هفت‌ساله، شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی سبدهای خود را آماده کرده و سهم هر سید هم روشن شده است. بر این مبنای می‌توانیم عملکرد مجموعه خوارزمی را مورد تحلیل قرار دهیم و مشخص کنیم که در طی هر سال شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی باید به چه اهدافی دست پیدا کند. در حال حاضر دو سال از تدوین این برنامه استراتژیک گذشته و تحلیل‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که در سال اول شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی به اهداف یک‌ساله خود دست پیدا کرده است. از طرفی در سال اول شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی، شرکت برق سپهر و نیروگاه منتظر قائم را خریداری کرد که این نیروگاه بالای دو هزار میلیارد تومان دارایی دارد. از طرف دیگر با این‌که در سال ۱۳۹۳ بازار بورس در وضعیت مناسبی به سر نمی‌برد، اما شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی با وضعیت خوبی این سال را پشت سر گذاشت.

ایجاد بستری مناسب برای سرمایه‌گذاری

ابن‌الرسول می‌افزاید: در سال‌های آینده وضعیت صنعتی و اقتصادی کشور شرایط مناسبی را تجربه خواهد کرد. در حال حاضر بانک جهانی رشد اقتصاد کشور ایران را برای سال ۲۰۱۶ بالای سه درصد پیش‌بینی کرده است و شرکت‌های بین‌المللی و مراکز تحقیقاتی حتی رشد اقتصادی کشور ما را بالای سه و نیم درصد در نظر گرفته‌اند و به‌طور کلی طبق پیش‌بینی‌های انجام‌شده رشد صنعتی کل کشور در حدود پنج درصد خواهد بود. از طرفی دولت بسیار مصمم است که ارزش را تکنرخی کند و سود سپرده‌های بانکی را کاهش دهد. در این میان دولت در زمینه نرخ

خوراک پتروشیمی‌ها به دنبال ثبات قیمت است. مجموعه این اقدامات دولت باعث می‌شود زمینه سرمایه‌گذاری در داخل کشور بیش از پیش مهیا شود و شرایطی را به وجود آورد که سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی به سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقدام کنند.

باز مهندسی سید خوارزمی

این استاد دانشگاه می‌افزاید: شرکت خوارزمی با توجه به شرایط جدید باید به‌سرعت وضعیت آینده را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد. به‌عنوان نمونه تحلیلی از وضعیت صنعت پتروشیمی داشته باشد که این صنعت به چه سمتی در حال حرکت است و مطابق با این موضوع برنامه‌ریزی‌های مناسبی را انجام دهد که بتواند متمرکز و واقع‌شود. از طرفی مطابق با تحلیل وضعیت صنایع مختلف کشور، برنامه استراتژیک هفت‌ساله خود را بازمهندسی کرده و مشخص کند با توجه به شرایط، بهتر است شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی در چه صنعتی وارد شود و از چه صنایعی خارج شود. همچنین شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی باید مشخص کند که در چه صنایعی نیز بماند و فعالیت‌های خود را ادامه دهد. در حال حاضر بر اساس تحلیل‌هایی که انجام شده است، صنایعی مانند IT، پتروشیمی و حمل‌ونقل برای سال آینده از جمله صنایع مناسب برای سرمایه‌گذاری محسوب می‌شوند.

تعامل با سرمایه‌گذاران خارجی

معاون طرح و برنامه شرکت سرمایه‌گذاری در ادامه می‌گوید: سرمایه‌گذاران خارجی با توجه به این‌که در کشورهای خود با سودآوری کمتری نسبت به بازار ایران برخوردار هستند، حاضر مانند پتروشیمی، IT و... سرمایه‌گذاری‌هایی را انجام دهند. اما این سرمایه‌گذاران به شرطی به بازار ایران ورود پیدا می‌کنند که از آینده خود در این بازار اطمینان حاصل کنند. مجموعه‌هایی مانند شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی هم به دنبال رشد و سودآوری بالا هستند. به همین دلیل این شرکت می‌تواند با سرمایه‌گذاران خارجی تعامل‌هایی را برقرار کند و نوع این تعامل عمده‌تاً به این شکل باشد که سرمایه‌گذاران خارجی از نیروی انسانی ایرانی در بازار ایران استفاده کنند و شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی نیز از سرمایه‌های این سرمایه‌گذاران در راستای پیشبرد اهداف خود استفاده کند. از طرفی شرکت خوارزمی می‌تواند در این تعاملات از تکنولوژی‌های تولیدی این شرکت‌ها بهره‌برد و دانش فنی‌ها را از سرمایه‌گذاران خارجی دریافت کند. شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی هم‌چنین می‌تواند

از فعالیت‌های نرم شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی مانند سیستم‌های مدیریتی، کنترل پروژه و نظایر آن استفاده‌های زیادی ببرد و به موفقیت خوبی دست پیدا کند. در این رابطه شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی باید Bench marking یا الگوبرداری از بهترین‌ها را انجام دهد و از فعالیت‌های شرکت‌های معتبر خارجی بهره‌برداری کند.

شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی درعین حال که با برخی از شرکت‌های معتبر خارجی رقیب است، اما باید بتواند از تجارب و دانش فنی این شرکت‌ها بیاموزد. از طرف دیگر شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی باید بتواند به‌سرعت به بازارها پاسخ‌گو باشد و به‌درستی به نیازهای مشتریان و سهام‌داران پاسخ مناسبی بدهد. در این راستا شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی باید انعطاف‌پذیری بالایی داشته باشد. سرمایه‌گذاری روی سیستم‌های IT به منظور تسهیل تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و کارشناسی با بهره‌گیری از اطلاعات دقیق و به‌موقع نیز باید در دستور کار باشد. هم‌چنین این موضوع بسیار حائز اهمیت است که سیستم‌های اطلاعاتی شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی از امنیت بالایی برخوردار باشند تا رقبای ما نتوانند از اطلاعات سازمانی ما استفاده کنند.

سازمانی چابک

او در ادامه می‌گوید: شرکت خوارزمی باید روی این موضوع متمرکز شود و برنامه‌هایی را انجام دهد که شرکت‌های زیرمجموعه خوارزمی از حداقل نیروی انسانی برخوردار باشند؛ البته نیروهایی مجرب و متخصص. این جهت‌گیری باعث می‌شود سازمان با چابکی بیشتری پیش برود.

پایش برنامه استراتژیک و حاکمیت شرکتی

دکتر ابن‌الرسول در پایان درباره مهم‌ترین برنامه‌های پیش روی گروه خوارزمی می‌گوید: هدف برنامه استراتژیک که در سال ۱۳۹۲ در شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی تدوین و در کل شرکت پیاده‌سازی شد، این است که همه اجزای شرکت در قالب تعهدی جمعی و در راستای اهداف روشن و معینی حرکت کنند. این در حالی است که سال آینده باید این اقدامات و برنامه‌ها مورد پایش قرار گیرد. البته در سال ۱۳۹۴ نیز پایش صورت پذیرفته، اما تکمیل نشده است و این پایش باید در سال جدید به صورت کامل انجام شود. در این میان شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی بنا دارد که نظام حاکمیت شرکتی را نیز در گروه تقویت کند. یعنی تمام هیئت مدیره‌ها در تمام شرکت‌ها باید نسبت به عملکرد مجموعه تحت مدیریتشان پاسخ‌گو باشند. البته هیئت مدیره‌ها به موازات وظایف مشخص‌شده، از اختیارات لازم نیز برخوردار باشند. در این صورت است که ظرفیت پاسخ‌گویی آن‌ها هم ارتقا خواهد یافت.

می‌کوشیم پاسخگویی شایسته به اعتماد سهام‌داران باشیم

دکتر محمدرضا ستایش، معاون امور مالی و اقتصادی گروه خوارزمی

تعریف شده، پاسخگویی مناسب به این اعتماد و حفظ این پشتوانه گرانقدر سهام‌داران است.

بدیهی است استفاده از رویه‌های جدید و تسهیل چگونگی برقراری ارتباط با این عزیزان، دغدغه گذشته و حال شرکت بوده و در این راستا با استفاده از همراهی همیشگی بانک صادرات ایران، از توانمندی شعب گسترده بانک و کارکنان خدوم آن در برقراری تعامل با سهام‌داران بهره گرفته شده است.



از همه سوی جهان جلوه او می‌بینم
جلوه اوست جهان کز همه سو می‌بینم
چو به نوروز کند پیرهن از سبزه و گل
آن نگارین همه رنگ و همه بو می‌بینم
«شهریار»

سالی دیگر بر خوارزمی و سهام‌داران عزیز آن گذشت.

سالی پر از فرازونشیب و آکنده از اتفاقات.

تجربه موفق پرداخت سود سهام و نیز ارائه اوراق حق تقدم افزایش سرمایه از طریق شعب بانک در سراسر کشور، شاهدی بر این مدعاست.

استفاده از امکانات ارتباطی جدید اعم از پیش‌بینی زمان و ساعت مشخص به منظور برگزاری جلسات مستمر و استفاده از تجربیات ارزشمند و نقطه‌نظرات سهام‌داران محترم، از موضوعات بااهمیتی است که در سال آتی در دستور کار شرکت و به‌طور اخص معاونت مالی و اقتصادی قرار گرفته است، که فرآیند اجرایی آن در آینده نزدیک توسط روابط عمومی شرکت اطلاع‌رسانی خواهد شد.

در شرایط جدید پیش روی کشور، سرمایه‌گذاری خوارزمی نیز با تجهیز خود در راستای استفاده از منابع ارزان‌تر، مدیریت وجوه و به‌کارگیری آن در نیازهای برنامه هفت‌ساله اقدام کرده و تلاش خود را بر بهره‌مندی از پتانسیل‌های موجود در بازار سرمایه در شرایط پساتحریم متمرکز کرده است. در این راستا برنامه‌های عملیاتی تدوین و اجرای آن به‌عنوان دغدغه و وظیفه اصلی این معاونت تعریف شده است. در خاتمه ضمن سپاس از همراهی تمام عزیزان از تمام کاستی‌های سال گذشته پوزش طلبیده و سالی سرشار از موفقیت و بهروزی را برای خانواده بزرگ خوارزمی آرزومندیم.

فریدون فرخ فرشته نبود

ز مشک و ز عنبر سرشته نبود

به داد و دهش یافت آن نیکویی

تو داد و دهش کن فریدون تویی

«فردوسی»

خوارزمی در راستای برنامه هفت‌ساله مصوب سهام‌داران خود، گام‌های بااهمیت و ارزشمندی در حوزه‌های مختلف برداشت. تمام این رویدادها به همت و مساعدت سهام‌داران و عزیزانی که پایبندی خود بر عهد و پیمانشان با شرکت را همواره به اثبات رسانیده بودند سپری شد.

در سال گذشته با تمام پستی و بلندی‌های بازار سرمایه، اجرایی شدن افزایش سرمایه شرکت را شاهد بودیم. رویدادی که اگر مساعدت و همراهی عزیزان سهام‌دار را باور نداشتیم، در این راه گام نمی‌گذاریم.

ثبت این مهم قبل از برگزاری مجمع عمومی سالیانه شرکت که به‌زعم برخی از دست‌اندرکاران بازار سرمایه امری محال و غیرممکن به نظر می‌رسید، با مشارکت سهام‌داران به سرانجام رسید و برگ زرین دیگری در پرونده شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی به ثبت رساند.

تهیه و ارائه صورت‌های مالی شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی و اخذ گزارش مقبول، رویداد دیگر سال ۹۴ بود که نشان از شفافیت و رویکرد صادقانه شرکت با سهام‌داران خود داشت. امری که سالیان اخیر به رویه‌ای اساسی و پیمان ارزشمندی با این عزیزان بدل گردیده است.

برگزاری مجمعی در حد و شان سهام‌داران و ارائه اطلاعات کافی به آنان به منظور اتخاذ تصمیم، از جمله رویکردهایی بود که تشکیل آن با حضور بیش از نود درصد سهام‌داران در این مجمع نشان از اهتمام جدی آنان برای همراهی با مدیریت شرکت داشت.

آنچه در سرلوحه برنامه‌های شرکت و حوزه معاونت مالی و اقتصادی و امور سهام شرکت در سال پیش روی



گفت‌وگو با عباسعلی
ارجمندی، مدیرعامل
شرکت توسعه مدیریت
سرمایه خوارزمی

برای رقابت در فضای پسابرجام برنامه داریم

حضور در بازار سرمایه، آن هم در شرایط دشوار و با وجود فرازونشیب‌های بسیار، نیازمند شناخت، تحلیل درست و واقع‌بینانه و نیز برنامه‌ریزی مناسب است. در آستانه سال نو در این زمینه‌ها گفت‌وگویی داشتیم با عباسعلی ارجمندی، مدیرعامل شرکت توسعه مدیریت سرمایه خوارزمی. ارجمندی در این گفت‌وگو از دلایل تداوم موفقیت‌های گروه خوارزمی و ظرفیت‌های آن برای حضور فعال و هدفمند در اقتصاد پسابرجام از جمله در عرصه همکاری با شرکت‌های خارجی و نیز چالش‌های پیش روی بازار سرمایه در ایران سخن گفت.



و برنامه‌ریزی هم کرده‌ایم. هم‌اکنون کارگروه‌های تخصصی تشکیل شده است که مشغول انجام کارهای مطالعاتی هستند و مراوداتی را هم با شرکت‌هایی در خارج از کشور داشته‌اند و کم‌کم به سمت انعقاد قرارداد پیش می‌روند. فضای اقتصادی کشور به قدری بکر است که جا برای کسی تنگ نمی‌شود؛ چه برای آن‌هایی که بخواهند مستقیماً سرمایه‌گذاری کنند و چه برای آن‌ها که بخواهند کارهای مشتری را تعریف کنند. در حال حاضر شرکت سرمایه‌گذار خارجی در حال تعریف کارهای مشترک با شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی است و تصمیم دارد تا جای ممکن از ظرفیت‌های جدید ایجاد شده استفاده کند.

ارجمندی با اشاره به پایان سال خورشیدی، جلب توجه تمام شرکت‌های گروه خوارزمی به سمت بین‌المللی شدن را، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای سال گذشته دانست و افزود:

با توجه به توسعه و تنوع فعالیت‌های شرکت و نیز با توجه به اهداف پیش رو، فضای اقتصادی داخل کشور برای فعالیت‌های جدید خوارزمی کافی نیست. اگر فهرست ۱۰۰ شرکت برتر - که کمتر از یک ماه پیش منتشر شد - را مرور کنید، متوجه می‌شوید که شرکت خوارزمی توانسته است رتبه ۱۰۷ را به خود اختصاص دهد. وقتی این رتبه را با رتبه چهار سال پیش که حدود ۴۰۰ بود، مقایسه کنید، رشد و پیشرفت سریع و چشم‌گیر این شرکت را در خواهید یافت. هم‌چنین شرکت خوارزمی در سال ۱۳۹۴ توانست لوح و تندیس هلدینگ برتر کشور را نیز به دست بیاورد که همه این‌ها نشان از رشد سریع این مجموعه سرمایه‌گذاری دارد. جهت‌گیری برنامه هفت ساله گروه هم این است که در پایان برنامه در شمار یکی از پنج شرکت سودآور کشور و سه شرکت برتر در بورس تهران باشد.

این اهداف با شرایط کنونی کشور ملموس و قابل دسترسی است، به‌ویژه در سایه نگاهی که تمام شرکت‌های گروه به سمت بین‌المللی شدن دارند. به‌طور نمونه شرکت داروسازی ما باید به سمت تعریف کارهای مشترک

مدیرعامل شرکت توسعه مدیریت سرمایه خوارزمی با اشاره به توافق ایران با شش قدرت جهانی و به‌تبع آن برداشته شدن تحریم‌ها گفت: بعد از برداشته شدن تحریم‌ها و در زمان پساتحریم فرصت‌های بسیار زیادی برای کشور و به‌تبع آن برای شرکت خوارزمی مهیا می‌شود. شرکت خوارزمی برنامه هفت‌ساله‌ای را از دو سال پیش تدوین کرده است که طی آن در خردادماه سال ۱۳۹۹ ارزش دارایی گروه خوارزمی، معادل یک درصد GDP کشور خواهد بود و ۸۵۰۰ میلیارد تومان هم سود خالص برای این شرکت در پایان این برنامه پیش‌بینی شده است. علاوه بر تلاش و برنامه‌ریزی دقیق، فضای پساتحریم هم کمک بسزایی در رسیدن به این هدف می‌کند. ما امیدواریم بتوانیم از فرصت‌هایی که در این دوره زمانی برای شرکت خوارزمی به وجود می‌آید، حداکثر بهره‌برداری ممکن را داشته باشیم و حتی به فراتر از حد برنامه‌ریزی خود نیز دست پیدا کنیم.

ارجمندی در ادامه با اشاره به این‌که شرایط پساتحریم بیشتر از این‌که یک چالش باشد، یک فرصت است، افزود: در پساتحریم فضای کسب‌وکار قطعاً رو به بهبود می‌رود و امکانات کشور هم افزایش پیدا خواهد کرد. در نتیجه برداشته شدن تحریم‌ها، مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی در اقتصاد کشور نیز افزایش می‌یابد و این تحولات باعث ایجاد رشد در بازار سرمایه و کار خواهد شد. طبیعتاً گروه خوارزمی هم این فرصت‌ها را از دست نخواهد داد و در راستای تحقق اهداف خود و چه‌بسا بالاتر از آن حداکثر تلاش را صورت خواهد داد.

برنامه‌ریزی‌هایی خوبی در شرکت برای ورود به فضای رقابتی جدی‌تر صورت گرفته است. خوارزمی قبل از نهایی شدن توافق ایران و +۵ و به فرجام رسیدن برجام برای بررسی همه‌جانبه این مسائل کمیته‌های کارشناسی تشکیل داده بود. حتی یکی از محورهای اصلی همایشی

که در آذرماه ۱۳۹۴ با شرکت مدیران عامل و اعضای هیئت مدیره تمامی شرکت‌های گروه خوارزمی در شهر اصفهان برگزار شد، چگونگی حضور در فضای بین‌المللی بود. بنابراین ما برای ورود به این دوران جدید آماده هستیم

با توجه به توسعه و تنوع فعالیت‌های شرکت و نیز با توجه به اهداف پیش رو، فضای اقتصادی داخل کشور برای فعالیت‌های جدید خوارزمی کافی نیست. اگر فهرست ۱۰۰ شرکت برتر - که کمتر از یک ماه پیش منتشر شد - را مرور کنید، متوجه می‌شوید که شرکت خوارزمی توانسته است رتبه ۱۰۷ را به خود اختصاص دهد. وقتی این رتبه را با رتبه چهار سال پیش که حدود ۴۰۰ بود، مقایسه کنید، رشد و پیشرفت سریع و چشم‌گیر این شرکت را در خواهید یافت

با داروسازهای معتبر خارجی برود و همچنین شرکت‌های بازرگانی و ساختمانی و دیگر شرکت‌های تابعه هم باید به جنبه‌های بین‌المللی کارشان توجه کنند.

به‌طور مثال شرکت توسعه ساختمان خوارزمی و شرکت توسعه فناوری اطلاعات خوارزمی در حال حاضر با سرمایه‌گذاران خارجی در حال مذاکره‌اند. شرکت توسعه معادن صدر جهان هم که عمرش به دو سال نمی‌رسد، مذاکرات بسیار خوبی با شرکت‌های خارجی داشته است. این‌ها برخی از دستاوردهای ما در سال گذشته بوده است. ضمن این‌که در سال گذشته، افزایش سودآوری و افزایش دارایی‌های گروه با نگاه به ظرفیت‌های موجود در داخل کشور نیز از دستاوردهای ارزشمند محسوب می‌شود. او درباره عوامل توسعه فعالیت‌های شرکت خوارزمی و موفقیت‌های آن گفت:

مهم‌ترین عامل را می‌توان تعریف و تعیین صحیح هدف و تلاش همه‌جانبه در جهت دستیابی به آن دانست. شاید بشود گفت تقریباً همه شرکت‌ها همین ادعا را دارند، ولی واقعیت این است که برخی از شرکت‌ها ابتدا تیرشان را پرتاب می‌کنند و بعد از اصابت به نقطه‌ای، دور آن را خط می‌کشند و می‌گویند که هدف ما همین نقطه بود! اما گروه خوارزمی این‌گونه عمل نکرده است. تدوین برنامه هفت‌ساله و تعهد به عملیاتی کردن آن، مویذ این امر است. این میزان پیشرفت خوارزمی به‌خاطر قبول ریسک‌های بزرگ و سرمایه‌گذاری‌هایی است که در وهله اول نشدنی به نظر می‌آمدند، ولی با موفقیت مدیریت شدند و به سرانجام رسیدند. همه این‌ها به دلیل توفیق گروه در شناسایی فرصت‌ها و مطالعه دقیق ریسک‌ها در جهت سودآوری بیشتر بوده است.

ما شرکت‌هایی داشته‌ایم که در سال گذشته زیان‌ده بوده‌اند، اما با تغییر مدیریت و انتخاب راه‌کارهای مناسب و البته مقارن شدن این تلاش‌ها با به ثمر نشستن برجام، در سال آینده سودآوری این شرکت‌ها را شاهد خواهیم بود.

ارجمندی در مورد وضعیت شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی در بورس گفت: در دو سال گذشته که وضعیت بورس مناسب نبود و حتی در مقطعی وخیم بود، شرکت خوارزمی متأثر از آن، بخشی از سود پیش‌بینی‌شده را از دست

داد. این در حالی است که خوارزمی در طی سال‌های گذشته همیشه رشد و سودآوری داشته و خوشبختانه امسال هم تراز مالی آن به همین شکل بوده است، اما میزان سود حاصل به دلایل یادشده کمتر بود. هر چند باید گفت سود خوارزمی هیچ‌وقت کمتر از درصد اعلامی در بودجه شرکت به بورس نبوده است.

بر اساس آمار موجود، شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی در سال‌های گذشته، رشد قابل قبولی داشته است و امسال اگر شرایط بورس بهتر باشد، که به نظر من بهتر هم خواهد بود، ما فرصت این را داریم که سود بیشتری را از بورس

به دست آوریم تا پیرو آن سودآوری شرکت افزایش پیدا کند. همچنین همکاران ما در معاونت سرمایه‌گذاری و توسعه به‌طور دائم بازار را رصد، دارایی شرکت را به‌روز و سودهای نهفته آن را شناسایی می‌کنند.

یکی از مهم‌ترین دارایی‌های ما نیروگاه است. نیروگاه به قیمت بسیار مناسبی خریداری شد و در زمان خریداری، ارزش آن به مراتب بیش از مبلغ خریداری‌شده بود. با تملک این نیروگاه و اصلاح ساختار آن توسط خوارزمی سود زیادی به دست آمد. نیروگاه دارایی بزرگی است و انتفاع ما از نیروگاه دو بخش دارد؛ بخش اول از محل فروش برق تولیدی و بخش دوم به واسطه دارایی‌های دیگر نیروگاه.

نیروگاه یک پتانسیل بسیار خوب برای ماست که به واسطه آن ظرف سال‌های آینده به سودآوری خوارزمی اضافه خواهد شد.

ارجمندی در ادامه با اشاره به چالش‌های بازار سرمایه گفت: ما در کشوری فعالیت می‌کنیم که خصوصی‌سازی به‌خوبی در آن جا نیفتاده است. با نگاهی به بورس درمی‌یابیم که بیش از ۸۰ درصد سهام آن متعلق به نهادهای عمومی است. در چنین شرایطی بازار ما خیلی کوچک می‌شود. به دلیل حضور دولت در همه بخش‌ها سطح تولید در تمام عرصه‌ها کاهش یافته و متأثر از آن تورم نیز افزایش پیدا کرده است. در حال حاضر بخش قابل توجهی از درآمد دولت به جای این‌که صرف سرمایه‌گذاری در تولید شود، صرف سرمایه‌گذاری در واردات و بازرگانی شده است. از طرفی، در مقطعی خلق پول صورت گرفته و دولت‌ها برای بازپرداخت بدهی‌های خود اسکناس چاپ کرده‌اند، اما از طرف دیگر تولید ما کاهش پیدا کرده است. طبعاً با این شرایط تورم اجتناب‌ناپذیر است. دولت یازدهم هم با اجرای سیاست کنترل تورم، برنامه‌های به‌شدت انقباضی را در پیش گرفته و در نتیجه رکودی سنگین بر اقتصاد کشور حاکم شده است. البته ناگفته نماند با تغییراتی که در کاهش نرخ سود بانکی صورت گرفته است، اگر منابع در مسیر مناسبی قرار بگیرد، امید بهبود اوضاع وجود دارد. کاهش سود سپرده‌ها موجب

خروج بخش مهمی از منابع از بانک‌ها می‌شود و اگر این منابع به سمت تولید هدایت شود، میزان تولیدات بالا می‌رود و اقتصاد کشور از رکود فعلی خارج خواهد شد. در واقع بازار سرمایه در ایران آن‌قدر بکر است که هرچقدر هم پول و سرمایه در آن وارد شود، جذب خواهد شد.

خوشبختانه مدیریت کنونی شرکت هم پتانسیل‌های آن را به‌خوبی شناخته است و هم برای استفاده از آن‌ها برنامه دارد. خوارزمی تجربه بسیار خوبی در بازار سرمایه کشور دارد. مدیران شرکت از چهره‌های باسابقه و مجرب بازار سرمایه‌اند. از طرف دیگر خوارزمی یک حامی معنوی مانند بانک صادرات ایران دارد. بانک می‌تواند حامی بسیار خوبی برای تامین مالی پروژه‌هایی باشد که خوارزمی در برنامه‌های آینده خود دیده است. البته بانک صادرات در این گروه، رأساً هیچ سهمی ندارد، اما از آن‌جا که کارکنان شاغل و بازنشسته بانک از سهام‌داران خوارزمی هستند، می‌تواند نقش موثری در حمایت از گروه خوارزمی داشته باشد. امتیاز مثبت دیگر تعامل با بانک صادرات این است که هرگاه بانک با طرف‌های خارجی یا داخلی مراداتی



به دلیل حضور دولت در همه بخش‌ها سطح تولید در تمام عرصه‌ها کاهش یافته و متأثر از آن تورم نیز افزایش پیدا کرده است. در حال حاضر بخش قابل توجهی از درآمد دولت به جای این‌که صرف سرمایه‌گذاری در تولید شود، صرف سرمایه‌گذاری در واردات و بازرگانی شده است. از طرفی، در مقطعی خلق پول صورت گرفته و دولت‌ها برای بازپرداخت بدهی‌های خود اسکناس چاپ کرده‌اند، اما از طرف دیگر تولید ما کاهش پیدا کرده است

دارد، خوارزمی هم می‌تواند وارد عرصه شود و سهم و نقشی درخور برعهده بگیرد. به‌طور مثال چنین تعاملی می‌تواند در حوزه‌هایی مانند فناوری اطلاعات و معادن برای هردو طرف مفید و سودآور باشد.

فرصت‌های بی‌بدیل برای سرمایه‌گذاری

پرهام سیدین، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری آتی‌نگر سپهر ایرانیان (سهامی خاص)

سال ۱۳۹۵ درحالی‌که از راه می‌رسد که اقتصاد ایران در آستانهٔ تحولات بزرگی است. از یک‌سو شرایط

جدید ایران در جامعهٔ بین‌المللی، در کنار سیاست‌های کلی نظام از جمله اقتصاد مقاومتی، دسترسی صنایع ما را به روش‌های جدید و متنوع تامین منابع مالی، فناوری و بازارهای جدید، گسترش قابل توجهی خواهد داد، از سوی دیگر درحالی‌که اقتصاد بسیاری از مناطق دنیا در رکود به سر برده

یا در منطقهٔ ما با مشکلات جدی امنیتی مواجه‌اند، ایران در فضایی امن در میان منطقه‌ای آشوب‌زده و با زیرساخت‌هایی آمادهٔ سرمایه‌گذاری، می‌تواند مقصد توجه بسیاری از سرمایه‌گذاران دنیا باشد.

از جمله این فرصت‌های سرمایه‌گذاری؛ می‌توان به فرصت‌های موجود در صنایع گردشگری، سلامت، معدن، انرژی، فناوری اطلاعات و نفت و گاز و پتروشیمی اشاره کرد. همچنین با توجه به نیاز دولت به تکمیل پروژه‌های خود و نیاز حدود ۸۰۰ تریلیون تومانی به منابع مالی، فرصتی طلایی برای سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و بین‌المللی خواهد بود، که با مشارکت در این طرح‌ها ضمن کمک به رشد اقتصاد ملی از منافع آن نیز منتفع شوند.

در چنین فضایی، فرصتی طلایی برای بازار سرمایهٔ ما ایجاد شده است، که با گسترش ابزارهای جدید نقشی کلیدی در مدیریت و هدایت سرمایه‌های خرد داخلی و سرمایه‌هایی با منشا خارجی ایفا کند. اکنون با ایجاد و گسترش بازار بدهی، گام‌های نخست در راه تامین مالی دولت و بنگاه‌های بزرگ با ایجاد بازار ثانویهٔ اوراق با درآمد ثابت برداشته شده است.

در کنار این ابزارها، یکی از بهترین روش‌های تامین مالی این‌گونه پروژه‌ها، صندوق‌های پروژه است. صندوق پروژه صندوقی است به منظور تامین منابع مالی پروژه‌های خاص، که از ابزارهای

مختلف موجود در بازار سرمایه از جمله اوراق مشابه سهام و اوراق با درآمد ثابت، استفاده می‌کند. شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی نیز به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های سرمایه‌گذاری سهامی عام پذیرفته‌شده در بورس، می‌تواند محور مدیریت و مشارکت منابع جذب‌شده در این‌گونه صندوق‌ها باشد، زیرا از طرفی اعتبار و شفافیت لازم برای جذب منابع سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را دارد و از سوی دیگر امکان و ظرفیت مدیریت مالی و حقوقی مشارکت‌های لازم جهت انجام پروژه‌های بزرگ‌وملی؛ (چه پروژه‌های مشارکت عمومی و خصوصی و چه پروژه‌های خصوصی) را دارد.



ایجاد این صندوق‌ها (چه داخلی و چه خارجی)؛ می‌تواند ضمن تامین مالی لازم برای انجام پروژه‌ها، بهره‌وری را نیز تا حد قابل توجهی بالا ببرد، چراکه این سازوکار با شفافیت و با نظارت سازمان بورس و از آن مهم‌تر سهام‌داران آگاه و حرفه‌ای عمل می‌کند.

از دیگر فعالیت‌های مهم که در شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی در زمینهٔ بازار سرمایه پی‌گیری می‌شود، حضور فعال و موثر در عرصهٔ سرمایه‌گذاری بین‌المللی، با رویکرد به فناوری مدرن است، که اکنون به‌عنوان مأموریت کلیدی شرکت سرمایه‌گذاری آتی‌نگر سپهر ایرانیان، به‌عنوان بازوی تخصصی مالی گروه خوارزمی تعریف شده، که ضمن گسترش فعالیت در بازار سرمایه همواره تلاش خود را در جهت استفاده از آخرین دستاوردهای دانش مالی به کار برده است. در این راستا شرکت آتی‌نگر سپهر ایرانیان، امید دارد که بتواند با گسترش هرچه بیشتر ارتباطات بین‌المللی و استفاده از تجارب جهانی، خدمات مالی را با استانداردهای نوین دنیا ارائه دهد. در حال حاضر شرکت فعالیت‌های خود را در شاخه‌های متعددی از جمله تلاش به خاطر جذب منابع برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌ها و سهام و همچنین مدیریت دارایی‌ها و مشاورهٔ اقتصادی و مالی آغاز کرده است و امید دارد با به بار نشستن آن‌ها، گامی موثر و شایسته در راستای اعتلای نام گروه خوارزمی بردارد.



خوشبخت خوارزمی

محسن وطنی؛ رئیس اداره روابط عمومی شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی



اگر از من بپرسند که خوشبخت کیست، بی‌درنگ خواهم گفت: خوشبخت زنی است که خانواده‌اش را و مردی است که خانواده و شغلش را عاشقانه دوست داشته باشد.

نه! لطفاً فمینیستی به این جمله من نگاه نکنید. منظورم این نیست که خانم‌ها در محیط کار، توان یا حقی کمتر از آقایان دارند. بلکه منظورم این است که برای یک زن، به‌ویژه یک زن ایرانی - که نماد

عشق به خانواده است - داشتن خانواده خوب می‌تواند تمام اسباب خوشبختی را فراهم کند. اما داشتن شغل برای آقایان اجتناب‌ناپذیر است.

موفقیت، موقعیت اجتماعی و میزان اعتبار مردها از زمانی که برای شکار از غار بیرون می‌رفتند، تا الان که برای کسب روزی حلال، به هزار مشقت بدتر از شکار تن می‌دهند، بیرون از محیط خانه تعریف شده است و مردها در بیشتر موارد ساعات بیشتری از وقتشان را در محیط کار صرف می‌کنند تا محیط خانه. در نتیجه مرد خوشبخت به مردی گفته می‌شود که علاوه بر خانواده‌اش شغلش را نیز عاشقانه دوست داشته باشد. تاکید می‌کنم: عاشقانه!

در روزگاری که حتی بین نیروهای متخصص نیز رقابت سرسختانه‌ای برای کسب موقعیت شغلی وجود دارد، طبیعی است که خیلی از شاغلین نتوانند به شغل دل‌خواهشان دست پیدا کنند. فراوانند آدم‌هایی که صبح تا شب با هزار دلخوری و مشقت محیط کارشان را تحمل می‌کنند تا ساعات اندکی را در کنار خانواده باشند. احتمالاً شما هم کارکنان زیادی را می‌شناسید که برای بازنشستگی روزشماری می‌کنند و از این کار هر روزه هیچ لذتی نمی‌برند. آیا واقعا در جهان چیزی کسل‌کننده‌تر از انتظار بازنشستگی می‌شناسید؟ شاید انتظار یک زندانی برای روز آزادی هم این‌قدر تلخ نباشد. بازنشستگی هیچ‌گاه نمی‌تواند شبیه آزادی برای یک زندانی تبدیل به یک رویای بزرگ بشود. و چقدر زیادند این زندانیان مشاغل!

خوارزمی از این منظر برای من شغل نیست. خوارزمی نمادی است که من عاشقانه دوستش دارم. خوارزمی رویای بزرگی است که احساس خوشبختی را به من هدیه کرده است.

حتی پیش از این که دیپلم بگیرم، هیچ تصویری از شغل، به غیر از حوزه ارتباطات در ذهنم نداشته‌ام. در کنکور - که زمان ما انتخاب یکصد رشته مجاز بود - من فقط یک انتخاب داشتم؛ ارتباطات.

بی‌اغراق از بد روزگار نزدیک به ۴۰ بار شغل عوض کرده‌ام، اما تمام این مشاغل در حوزه ارتباطات تعریف می‌شدند. در رسانه‌های تصویری و نوشتاری، در رادیو و تلویزیون و مطبوعات و در روابط عمومی چندین و چند شرکت کار کرده‌ام. متأسفانه به دلیل ناپایداری مشاغل فرهنگی، بر خلاف آرزوی قلبی‌ام که کار طولانی‌مدت در یک جای مشخص بود، مرتب مجبور به تغییر شغل می‌شدم. اما هیچ‌گاه به هیچ کاری غیر از رسانه و روابط عمومی و به هیچ نقشی خارج از تعریف ارتباطات، فکر

نکرده‌ام. من عاشق رسانه و روابط عمومی‌ام. همین و بس! اما یک آدم ذاتاً ارتباطاتی بدون رویاهای بزرگ هیچ‌وقت

احساس خوشبختی نمی‌کند. من برای احساس خوشبختی به یک رویای سازمانی بلندپروازانه و در عین حال دست‌یافتنی احتیاج داشتم تا به خانواده بزرگ خوارزمی پیوستم. در شرکت خوارزمی چیزی که مرا دل‌بسته کرد، «برنامه استراتژیک و سند چشم‌انداز هفت ساله» نام داشت. داشتن برنامه استراتژیک و سند چشم‌انداز، گم‌شده من در مشاغل قبلی بود. رویایی بزرگ که به آن ایمان داشته باشم و صبح به صبح با یادآوری اهداف آن به خودم انرژی بگیرم و احساس

کنم که من به همراه گروهی از دلسوزترین و متخصص‌ترین افراد کشورم، در مسیری درست و دقیق و علمی، برای اعتلای نام کشورم و آینده مردم سرزمینم تلاش می‌کنم. خوارزمی برنامه استراتژیک داشت.

حالا در جایی مشغول به کار هستم که می‌توانم در جمع اعضای خانواده‌ام، خویشاوندانم و دوستان عزیزم به بردن نام آن افتخار کنم. دوستی به من می‌گفت وقتی تو درباره شغلت حرف می‌زنی، لحن صدایت شبیه نظامی‌ها می‌شود، محکم و مطمئن حرف می‌زنی و سینه سپر می‌کنی. گفتم برای این که می‌دانم در کجا هستم.

سوی این موضوع که من لیاقت همراهی این گروه پرافتخار را داشته باشم یا این که از سر لطف بی‌حد خداوند یا دعای خیر کسی با این قافله همراه شده باشم، باید بگویم که نیروی انسانی و فکری خوارزمی، که اصلی‌ترین گنجینه و دارایی ماست، همگی از باتجربه‌ترین و متخصص‌ترین افراد در حوزه تخصصی خودشان انتخاب شده‌اند و این موضوع پشتوانه باور من به برنامه استراتژیک و دست‌یابی به سند چشم‌انداز هفت ساله است. برنامه‌ای که صبح به صبح صورتم را در آینه‌اش نگاه می‌کنم تا ببینم کجای راهم و بعد یکی دو دقیقه، با تصور خودم در جشن باشکوه دست‌یابی خوارزمی به اهداف سند چشم‌انداز، کیف می‌کنم و برای لذت بردن از کار روزانه آماده می‌شوم.

و البته علاوه بر داشتن برنامه منسجم و دقیق، خوارزمی را به سه دلیل دیگر نیز بسیار دوست می‌دارم:

۱- مفهوم کار گروهی در خوارزمی بسیار جا افتاده است. این‌جا فعالیت هیچ‌کس محدود به وظایفی که برایش تعیین شده نیست و هیچ‌کس هیچ کاری را به تنهایی انجام نمی‌دهد.

۲- اصول و مفاهیم بهره‌وری در خوارزمی یک شعار نیست، بلکه شیوه زندگی ماست.

۳- مدیریت دانش در شرکت خوارزمی کاملاً جا افتاده است. این‌جا تمام تجربیات، مستند و ثبت می‌شود و تجربه‌های انباشته‌شده با طبقه‌بندی‌های خاص و در بیشتر موارد در قالب چک لیست‌های دقیق و کارآمد به راحتی قابل دسترس است. این سه دلیل که همکاران گران‌قدرم پیش از ورود من به شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی، پایه‌های آن را ریخته‌اند، مزیت چشم‌گیری را برای این شرکت، در بین رقیبانش پدید آورده است. من خوشبختم؛ خوشبخت برای این که در جهت «ثروت‌آفرینی پایدار برای نسل‌ها» تلاش می‌کنم. شما هم خوشبختید.

میزبان یا شریک سرمایه‌گذاران خارجی؟



گفت‌وگو با سمیرا برزیمهر،
رئیس اداره حسابرسی داخلی
گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی



کمک شایانی می‌کند. همچنین رقابت بین‌المللی تقویت می‌شود و شرکت‌ها برای برخورداری از منابع خارجی و فرصت‌های بازارهای بین‌المللی به حفظ موقعیت رقابتی خود ناچار می‌شوند.

در رابطه با بازار سرمایه با توجه به اجرایی شدن اصول حاکمیت شرکتی در شرکت‌های بزرگ و شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار، این اصول مشوق و تشدیدکننده فعالیت‌های کمیته‌های هیئت‌مدیره شامل کمیته حسابرسی، حرفه حسابرسی داخلی و خدمات اطمینان‌بخشی است و تأثیرات زیادی در ارتقای سطح کنترل‌های داخلی و گزارشگری مالی در واحدهای اقتصادی کشور دارد.

توسعه فعالیت در بازار سرمایه
رئیس اداره حسابرسی داخلی شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی می‌افزاید: شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی توسعه فعالیت در بازار سرمایه را یکی از برنامه‌های اصلی پیش روی خود قرار داده و در حال برنامه‌ریزی و اقدامات لازم جهت گسترش فعالیت‌های بین‌المللی و حضور جدی در عرصه بین‌الملل از قبیل ایجاد گروه مالی بین‌المللی، شناسایی بازارهای بین‌المللی برای توسعه صادرات محصولات و خدمات شرکت‌های گروه، مذاکرات با بانک‌های اروپایی، ایجاد و توسعه کسب‌وکارهای جدید که قبلاً در ایران نبوده است، ورود به صنعت نفت و گاز و پتروشیمی و عضویت در ارگان‌ها و سازمان‌های عمومی بین‌المللی به‌عنوان

نقطه ارتباط با نهادهای بین‌المللی از جمله در اتاق‌های بازرگانی است. بدیهی است تمامی این تلاش‌ها در راستای اهداف عملیاتی و تحقق برنامه راهبردی هفت‌ساله گروه خوارزمی است.

در خاتمه، فرارسیدن عید سعید نوروز را به تمامی سهام‌داران ارجمند و خانواده بزرگ شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی تبریک گفته و امید دارم که سال ۱۳۹۵ همراه با دستاوردهای بزرگی برای مجموعه خوارزمی باشد.

در چند سال گذشته کاهش سرمایه‌گذاری در بازار ایران تغییرات محسوسی را در اقتصاد ایران به وجود آورده و سازمان‌های ایرانی را بر آن داشته که برنامه‌ریزی‌هایی را در راستای جذب سرمایه اتخاذ کنند و از آفت‌هایی که پیش روی آن‌ها قرار گرفته، رهایی پیدا کنند. در این میان توسعه فعالیت‌های خوارزمی در بازار سرمایه از جمله در عرصه بین‌المللی، یکی از برنامه‌های این شرکت است.

سمیرا برزیمهر، رئیس اداره حسابرسی داخلی شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی در گفت‌وگو با «خوارزم» در این باره می‌گوید: اقتصاد ایران در سال‌های اخیر به واسطه شرایط به‌وجودآمده با مشکلاتی از قبیل کاهش سرمایه‌گذاری‌ها، کاهش توان تولید و خدمات و رکود و بی‌کاری روبه‌رو بوده است. در حال حاضر و هم‌زمان با حصول توافق هسته‌ای و رفع تحریم‌ها و تغییر فضای سیاسی و اقتصادی کشور و دسترسی به بازارهای جهانی، باید هوشمندانه عمل کنیم و از فرصت‌ها به‌خوبی بهره‌جوییم و در همین راستا حوزه‌هایی را که در آن‌ها دارای مزیت نسبی و رقابتی هستیم، شناسایی و سازوکارهای متناسب برای ورود به عرصه بین‌الملل را پیاده‌سازی کنیم.

ایجاد زیرساخت مناسب
او ادامه می‌دهد: ایجاد فضای مناسب به منظور ورود سرمایه‌گذاران خارجی مستلزم ایجاد زیرساخت‌های مطمئن، قابل‌درک و قابل‌اتکای اطلاعاتی است. تهیه و تدوین گزارش‌ها و صورت‌های مالی طبق استانداردهای

بین‌المللی گزارشگری مالی از جمله موارد بااهمیتی است که می‌تواند در ایجاد این شرایط نقش حیاتی ایفا کند. تحقق چنین شرایطی جهت کسب اطمینان سرمایه‌گذاران بالقوه خارجی در رابطه با ورود به بازارهای ایران به‌عنوان عامل انگیزشی بااهمیتی محسوب خواهد شد.

نظام گزارش‌دهی باکیفیت و شفاف و همچنین در سطح بین‌المللی قابل‌مقایسه، جریان منابع مالی را تسهیل و هم‌زمان به کاهش فساد و سوءمدیریت منابع

هم‌زمان با حصول توافق هسته‌ای و رفع تحریم‌ها و تغییر فضای سیاسی و اقتصادی کشور و دسترسی به بازارهای جهانی، باید هوشمندانه عمل کنیم و از فرصت‌ها به‌خوبی بهره‌جوییم و در همین راستا حوزه‌هایی را که در آن‌ها دارای مزیت نسبی و رقابتی هستیم، شناسایی و سازوکارهای متناسب برای ورود به عرصه بین‌الملل را پیاده‌سازی کنیم



تغییر ماهیت نیروی کار با ورود رقبا جدید

گفت‌وگو با محمدشهاب رضوانی، رئیس اداره
مدیریت ریسک شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی

گام‌های هفت‌گانه مدیریت ریسک در شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی

بخشی از منابعی که در بازارهای موازی مانند ارز وجود دارد، جذب بازار سرمایه شود و از سوی دیگر موجب خارج شدن بخشی از منابع از بانک‌ها گردد.

گام‌های مختلف مدیریت ریسک

او با اشاره به این موضوع که «از دیدگاه مدیریت ریسک، شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی باید به‌ذی‌نفعان استراتژیک خود اطمینان‌هایی را بدهد»، ادامه می‌دهد: پیش‌بینی ریسک‌های عملیاتی، مالی، سرمایه‌گذاری، استراتژیک و... بسیار حائز اهمیت است و شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی باید در اولین گام برنامه‌ریزی‌های مناسبی را در این راستا انجام دهد. در گام دوم ریسک‌های موجود را شناسایی کند و سپس به‌صورت کیفی و کمی ریسک‌ها را تحلیل کند. سپس در گام چهارم برنامه‌ریزی عملیاتی برای به‌کارگیری مدیریت ریسک انجام شود. در گام پنجم اجرای عملیاتی مدیریت ریسک مدنظر قرار گیرد و در گام ششم پایش و کنترل انجام شود و اگر مورد قبول باشد، در گام آخر ثبت نتایج و گزارشگری صورت پذیرد و اگر مورد قبول واقع نشد، باید به گام اول و دوم بازگشت. سال آینده در راستای برنامه‌های اداره مدیریت ریسک و کمیته ریسک شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی، گام‌های فوق در دو شرکت برق و انرژی سپهر و سینا دارو با به‌کارگیری مشاوران مجرب پیاده‌سازی خواهد شد.

درخشش شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی

رضوانی در ادامه می‌گوید: شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی می‌تواند در بازارهای اولیه و ثانویه وارد شود و دو شرکت توسعه معادن صدر جهان و توسعه ساختمان خوارزمی با برنامه‌ریزی‌های لازم و هدف‌گذاری آینده‌نگر می‌توانند به موفقیت خوبی دست یابند. از طرفی شرکت برق و انرژی سپهر با توجه به برنامه‌های پیش روی خود، در راستای نوسازی و بهینه‌سازی فرایندهای تولید نیرو می‌تواند قدم‌های مثبتی بردارد. در این میان با توجه به ورود بازیگران جدید به بازار سرمایه، شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی می‌تواند سهم سود خود در بازار را با آن‌ها تقسیم کند و حتی در برخی از سرمایه‌گذاری‌ها شریک شود.

شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی تاکنون به اهداف پیش‌بینی‌شده سالانه در برنامه هفت‌ساله استراتژیک دست پیدا کرده و در این مسیر تجربیاتی را به دست آورده است که به‌عنوان یک سازمان یادگیرنده می‌تواند از آن تجربیات در آینده استفاده‌های بسیار خوبی به عمل بیاورد.

برداشته شدن تحریم‌ها، فرصت‌ها در عین حال چالش‌ها و ریسک‌های مختلفی را برای سازمان‌های ایرانی به همراه دارد. در این بازار شلوغ که هرروزه سرمایه‌گذاران خارجی در حال رصد کردن مداوم بازار ایران هستند و ورود آن‌ها به بازار ایران ممکن است سازمان‌های ایرانی را با چالش‌های جدی روبه‌رو کند، سازمانی می‌تواند این چالش‌ها و ریسک‌ها را به‌درستی مدیریت کند که استراتژی مشخصی را اتخاذ کرده باشد. شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی به گفته شهاب رضوانی، رئیس اداره مدیریت ریسک این شرکت، استراتژی‌های مشخصی را در راستای مدیریت و شناسایی این ریسک‌ها تدوین و تعیین کرده و در این راستا گام‌های هفت‌گانه‌ای را مدنظر قرار داده است. محمدشهاب رضوانی، رئیس اداره مدیریت ریسک و دبیر و عضو کمیته ریسک شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی در گفت‌وگو با «خوارزم» در این باره می‌گوید: ریسک‌هایی که شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی در سال آینده می‌تواند با آن‌ها دست‌وپنجه نرم کند، نوسان قیمت ارز، تغییرات نرخ سود بانکی و نرخ تسهیلات، شرایط حاکم بر اثرات روانی ناشی از فضای پست‌تحریم، شرایط بازار سرمایه، رکود در بازار مسکن، افزایش قیمت حامل‌های انرژی و تأثیرات آن بر نیروگاه‌ها و بنگاه‌های اقتصادی، وارد شدن رقبا جدید به بازار ایران و... را شامل می‌شود. به‌صورت کلی وارد شدن رقبا جدید به بازار ایران باعث ایجاد رقابت می‌شود. به‌عنوان نمونه در فضای کسب‌وکار فناوری اطلاعات و ارتباطات ایران با ورود رقبای جدید، تامین‌کننده‌ها و خریداران با قدرت چانه‌زنی بیشتر همراه خواهند بود و فشار تکنولوژی و تغییر ماهیت نیروی کار به‌عنوان اهمی برای بهبود فعالیت‌های کسب‌وکار روی شرکت‌ها تأثیر خواهد گذاشت. از طرفی با توجه به فعالیت شرکت‌های سرمایه‌گذاری، نیروی انسانی به‌عنوان ارزشمندترین دارایی محسوب می‌شود و شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی نیز طبعاً در آینده در حوزه منابع انسانی با ریسک‌هایی مواجه خواهد شد که در این خصوص کمیته سرمایه‌های انسانی و معاونت اداری و پشتیبانی برنامه‌ریزی‌های لازم برای مدیریت ریسک منابع انسانی با رویکرد توانمندسازی و مدیریت استعداد را انجام داده‌اند.

فرصت‌های پیش روی خوارزمی

رضوانی در ادامه می‌گوید: شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی باید مطابق با برنامه هفت‌ساله استراتژیک، تدابیر و برنامه‌ها را اتخاذ کند و سپس بر اساس این تدابیر و برنامه‌ها، ریسک‌های پیش روی سازمان را شناسایی و مستندسازی کند. از طرفی یکی از فرصت‌های جدید پیش روی شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی در شرایط پست‌تحریم ورود سرمایه‌گذاران و بنگاه‌های اقتصادی جدید برای سرمایه‌گذاری، فروش محصولات و در نهایت کسب سود در بازار ایران است. ورود این سرمایه‌ها باعث می‌شود از یک سو

بازار اوراق بهادار غیرسهامی در ایران؛ دستاوردها، کاستی‌ها و راهکارها

وحید زندیه (کارشناس ارشد معاونت سرمایه‌گذاری و توسعه شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی)



این مقاله کوتاه؛ می‌کوشد تا به سؤالی درباره نقش و جایگاه اوراق بهادار غیرسهامی در حل مشکلات اقتصاد ایران تا حد امکان پاسخ دهد و سپس راهکارهایی برای گسترش و ارتقای جایگاه این ابزار در حوزه تامین مالی در کشور، پیشنهاد دهد.

ابزارهای مالی در اقتصاد را می‌توان به چهار دسته کلی؛ (ابزارهایی با ماهیت مالکیت، با ماهیت بدهی، مشتقه و مختلط) تقسیم‌بندی کرد. بر این اساس، به جز دسته اول؛

ابزارهای بدهی، مشتقه و مختلط را می‌توان به‌عنوان اوراق بهادار غیرسهامی تلقی کرد.

در کشورهای اسلامی به دلایل اعتقادی، استفاده از ابزارهای بدهی که مهم‌ترین آن‌ها اوراق قرضه است، از نظر شریعت و دین مبین اسلام، ربوی است و استفاده از آن‌ها کارایی و مقبولیتی ندارد. ابزارهای مشتقه و مختلط نیز به دلیل پیچیدگی‌های موجود در مالکیت اوراق بهادار و ریسک‌های مترتب بر آن‌ها، به اندازه توسعه‌یافتگی در بازارهای مالی پیشرفته، توسعه نیافته است. از سویی، طی دو دهه اخیر شاهد شکل‌گیری ساختار ابزارهای مالی اسلامی مطابق با شریعت اسلام در کشورهای اسلامی بوده‌ایم تا با استفاده از نوآوری‌های موجود در اوراق بهادار اسلامی ساختاریافته که به «صکوک» شهرت یافته، بتوان خلاء ناشی از کمبود ابزارهای بدهی متعارف را جبران کرد. در ایران اسلامی نیز از دیرباز موضوع مالی اسلامی مدنظر بوده و پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر این موضوع تاکید دوچندانی شده است.

بررسی آمارها نشان می‌دهد که ارزش صکوک منتشرشده طی سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۱ میلادی در سطح جهانی بیش از ۷۱۸ میلیارد دلار بوده و کشور مالزی با ۴۴۷ میلیارد دلار بیشترین سهم (معادل ۶۲ درصد) و عربستان سعودی و امارات هریک با ۵۵ میلیارد دلار (با سهم به ترتیب ۸۲ درصد و ۸۱ درصد) و سپس کشورهای اندونزی، قطر، سوئد، بحرین، ترکیه و پاکستان در جایگاه‌های بعدی قرار داشته‌اند. شرکت‌های ایرانی نیز از سال ۲۰۱۴-۲۰۱۱ بالغ بر ۱/۳ میلیارد دلار (معادل ۱۹/۷ هزار میلیارد ریال) انواع صکوک (به جز اوراق مشارکت) با نرخ سود سالانه ۲۰ درصد و عمدتاً صکوک اجاره در بازار متشکل بدهی ایران از طریق فرابورس منتشر کرده‌اند. طی سال جاری میلادی تاکنون نیز مبلغ ۳۰۷ میلیون دلار (معادل ۹/۲ هزار میلیارد ریال) صکوک در ایران منتشر شده است، تا در مجموع بالغ بر ۱/۶ میلیارد دلار (معادل ۲۸/۹ هزار میلیارد ریال) ارزش صکوک منتشرشده در بازار متشکل بدهی ایران باشد، که سهم صکوک اجاره معادل ۹۲ درصد و سهم صکوک مرابحه معادل ۸ درصد از کل صکوک منتشره بوده است.

توسعه صکوک در جهت کمک به بهره‌مندی دولت‌های اسلامی و بنگاه‌های اقتصادی فعال در کشورهای مسلمان از مزایایی همچون کاهش هزینه‌های تامین وجوه، ارتقای توانایی متنوع‌سازی منابع تامین مالی، بالا بردن توانایی مدیریت ریسک شرکتی، راه‌گشایی برای نهادهای مالی که باید الزامات کفایت سرمایه را رعایت کنند (از طریق کاهش ضریب ریسک دارایی‌های ریسکی)، فراهم آوردن فرصت تامین مالی خارج از ترانزنامه و در نهایت ایجاد درآمد کارمندی از اهمیت بسیار ویژه‌ای نه تنها در کشورهای اسلامی بلکه در سایر کشورها برخوردار است.

بر اساس مطالعات تحلیلی انجام‌شده، رشد شاخص آزادی اقتصادی در کشورهای اسلامی، با سطح اطمینان معناداری از همبستگی مثبت با رشد ارزش صکوک منتشره بر خوردار است.

همچنین شاخص‌های آزادی سرمایه‌گذاری و آزادی تامین مالی کشورهای اسلامی در نتیجه استقبال روزافزون از صکوک بین‌المللی از همبستگی مثبت معناداری با ارزش صکوک منتشره برخوردارند. بنابراین، به نظر می‌رسد که رشد بازارهای صکوک اثری بااهمیت در توسعه فعالیت اقتصادی کشورهای اسلامی و در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی آن‌ها داشته باشد.^۱

بدین ترتیب، در حالی که سایر اوراق بهادار غیرسهامی توسعه چندانی در ایران نیافته است،

حرکت در مسیر رشد اقتصادی با توسعه کسب‌وکار در بخش‌های زیرساختی، حوزه املاک و مستغلات، معادن و صنایع معدنی، فلزات اساسی، صنایع نفت، گاز و پتروشیمی و دیگر حوزه‌های دارای پتانسیل فوق‌العاده سودآوری و دارای بازدهی مطلوب بالقوه، در چهارچوب بهره‌گیری از سازوکارهای انتشار صکوک به‌عنوان بخشی از ساختارهای متشکل سرمایه‌گذاری از جمله الزامات تامین رفاه اجتماعی برای آحاد جامعه و رشد توسعه اقتصادی کشور، می‌تواند تلقی می‌شود.

همراه با گسترش نسبی و سابقه فعالیت بورس اوراق بهادار تهران و بورس کالای ایران، اوراق بهادار غیرسهامی، از جمله اوراق فروش تبعی سهام، معاملات انواع کالاها و نیز قراردادهای آتی سکه، در بستر عملیاتی بازارهای مزبور مورد معامله قرار گرفته‌اند و از توسعه نسبی در قوانین و مقررات عملیاتی و نظارتی، همچنین از رشد نسبی حجم و ارزش معاملات نسبت به سایر اوراق بهادار غیرسهامی برخوردار بوده‌اند. تا پیش از شکل‌گیری بازار ساختاریافته صکوک در اسفندماه ۱۳۸۹، بازار بدهی ایران بر اساس دلایلی که در بالا ذکر شد، نتوانسته بود به‌صورت بازار متشکل شبیه آنچه در بورس‌های دیگر شاهد آن هستیم، توسعه یابد. انتشار اوراق مشارکت برای تامین مالی طرح‌های زیرساختی دولت و شهرداری‌ها نیز تا اواخر سال ۱۳۹۳ غالباً در اختیار بانک‌ها بوده و با توجه به پایه بانک بودن اقتصاد ایران، رغبت کمتری به معامله اوراق مشارکت در بورس‌های متشکل اوراق بهادار نشان داده شده است. این واقعیت در حالی است که در پنج سال اخیر، بسترهای انتشار صکوک، علاوه بر قراردادهای اسلامی که در صنعت بانکداری کشور شاهد هستیم، فراهم شده و جذابیت اوراق مذکور در کاهش ریسک سرمایه‌گذاری با توجه به نرخ‌های سود نسبتاً مناسب، می‌تواند سبب جذب سرمایه‌گذاران به سمت صکوک مذکور شود.

با توجه به ویژگی‌های صکوک که از نظر شریعت اسلام و فقه شیعی مورد پذیرش است، ضوابط صکوک اجاره به پیشنهاد هیئت‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار در سال ۱۳۸۶ به تصویب شورای عالی بورس رسید، تا با تاسیس کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار، هم‌اکنون شاهد تدوین دستورالعمل انتشار اوراق اجاره، مرابحه، سلف موازی، مشارکت، قرض الحسنه و نیز صکوک مضاربه و وکالت از سوی کمیته فقهی مذکور باشیم.

از سویی، در حال حاضر بازار ابزار مشتقه ایران تنها بازار قراردادهای آتی سکه و برخی محصولات کشاورزی و اختیار فروش تبعی سهام را شامل می‌شود و معاملات آتی بورس‌های کالای ایران و انرژی را نیز می‌توان در زمره اوراق بهادار غیرسهامی تلقی کرد. همچنین، فعالیت‌هایی در خصوص شکل‌دهی به ساختار و قوانین و مقررات ایجاد ابزارهایی همچون صندوق‌های سرمایه‌گذاری پروژه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری زمین و ساختمان، طی دو سال اخیر شکل تازه‌ای یافته است؛ هر چند محدودیت‌هایی هنوز در این حوزه وجود دارد.

بدین ترتیب، طی سال‌های اخیر، عمدتاً شاهد ساختاریافته‌ی بازار صکوک و اقبال نسبی سرمایه‌گذاران و استقبال بنگاه‌های اقتصادی برای تامین از طریق فرایندهای تسهیل‌شده و قابل اعتماد انتشار صکوک بوده‌ایم. همچنین، بررسی میزان ارزش صکوک منتشره در کشورهای اسلامی و مقایسه آن با این ارقام در ایران، حاکی از فاصله نسبتاً قابل ملاحظه ایران نسبت به کشورهای فعال اسلامی در این زمینه است، کما این که به جز صکوک اجاره به‌ندرت شاهد انتشار سایر صکوک هستیم، لذا تسریع در این پیشرفت ضرورتی انکارناپذیر است.

از سویی، لزوم توسعه بسترهای عملیاتی سایر ابزارهای بدهی و مشتقه و نیز صندوق‌های سرمایه‌گذاری مانند صندوق‌های زمین و ساختمان و صندوق پروژه و حتی ابزارهای مختلط که به نظر می‌رسد به دلیل پیچیدگی‌های محاسباتی و مبانی فقهی هنوز کاربرد عملیاتی در بازار سرمایه ایران نیافته است، بتواند نقش بسزایی در تامین مالی بنگاه‌های اقتصادی داخلی و حتی خارجی داشته باشد، که امید است با توجهات اخیر ارگان‌های نظارتی بتوان گام‌هایی موثر در پی‌گیری مسائل فقهی ابزارهای مختلف برداشت.

۱. منبع: مقاله «جایگاه اوراق بهادارسازی در رشد و توسعه اقتصادی کشورها (با تأکید بر نیاز به گسترش بازار اوراق بهادارسازی در ایران)»؛ زندیه، وحید؛ زندیه، سعید. فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری، سال چهارم، شماره شانزدهم، زمستان ۱۳۹۴.

ظرفیت‌های خوارزمی برای جذب سرمایه‌های خارجی

ژوبین منصوریان، مشاور امور بین‌الملل گروه خوارزمی



ژوبین منصوریان، مشاور امور بین‌الملل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی، در گفت‌وگو با «خوارزم» با اشاره به این‌که همواره ضعف‌ها و تهدیدها می‌تواند به فرصت تبدیل شوند، می‌گوید: بزرگ‌ترین چالش پیش روی شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. از طرفی جذب سرمایه‌گذار

خارجی در ایران در حال حاضر به‌سختی صورت می‌پذیرد، چون هنوز بستر لازم در کشور برای جذب سرمایه‌گذار وجود ندارد. به همین دلیل باید در ابتدا بستر مناسبی برای جذب سرمایه‌گذار ایجاد شود. هر سرمایه‌گذاری برای وارد شدن به بازارهای جدید و ناشناخته با این سوال مواجه است که در صورت ورود به این بازار جدید با چه ریسک‌هایی مواجه خواهد شد؟ و سرمایه‌گذاری او تا چه اندازه می‌تواند سودآور باشد؟ در این میان این نکته برای سرمایه‌گذاران خارجی بسیار دارای اهمیت است که چگونه می‌توانند ریسک‌های موجود در سرمایه‌گذاری را به حداقل برسانند. پاسخ به این سؤال‌ها برای سرمایه‌گذار از اهمیت بالایی برخوردار است.

نیاز به ابزارهای مناسب برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی

او ادامه می‌دهد: از طرفی هنوز ابزار مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران وجود ندارد. البته در مناطق آزاد ابزارها، تسهیلات و امکاناتی برای ورود سرمایه‌گذاران خارجی در نظر گرفته شده است که این موضوع می‌تواند برای آن‌ها جذاب باشد. در این میان باید برای ورود سرمایه‌گذاران خارجی تضمین‌هایی را در نظر گرفت که آن‌ها با خیال راحت‌تر سرمایه‌های خود را وارد بازار ایران کنند. چون کشور ما از استانداردهای لازم در حوزه مقابله با پول‌شویی و... برخوردار نیست و به عبارت دیگر در این زمینه هنوز با استانداردهای بین‌المللی فاصله دارد. ما در قدم اول به ابزارهای درست و دقیقی برای رفع ابهامات سرمایه‌گذاران خارجی نیاز داریم.

بعد از واقعه یازدهم سپتامبر قوانین بین‌الملل بانکی تغییر پیدا کرده و برای شرکت‌های خارجی این موضوع بسیار حائز اهمیت است که ببینند پول‌ها از کجا تولید می‌شود و مبدأ و منبع این پول کجاست. برای سرمایه‌گذاران و بانک‌های خارجی، قوانین کشور سرمایه‌پذیر در زمینه مقابله با پول‌شویی از اهمیت بالایی برخوردار است و کلیه نهادها اعم از نهادهای دولتی و خصوصی، باید نسبت به این موضوع توجه ویژه‌ای داشته باشند تا بتوانند به‌درستی بستر مناسب را برای ورود سرمایه‌گذاران خارجی مهیا کنند.

ایجاد استانداردهای لازم برای تعامل

مشاور امور بین‌الملل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی می‌گوید: شرکت‌های سرمایه‌گذاری ایرانی اگر بخواهند

شرکت‌های بورسی ایرانی را در بازار سهام اروپا معرفی کنند یا بالعکس، قبل از هر چیز دیگری نیازمند این هستند که رابطه‌ای بین این شرکت بورسی ایرانی، یک بانک ایرانی و یک بانک اروپایی وجود داشته باشد. در نتیجه بانک‌های اروپایی باید به این باور برسند که بانک‌های ایرانی از استانداردهای لازم در خصوص جلوگیری از پول‌شویی و فساد و... برخوردار هستند. از آنجایی که در چند سال گذشته بانک‌های اروپایی به علت تحریم‌ها در خصوص تعامل با شرکت‌های ایرانی دچار مشکل شده‌اند و حتی جریمه‌های سنگینی بر آن‌ها تحمیل شده است، در حال حاضر این بانک‌ها با احتیاط بیشتری بازار ایران را برای ورود و ایجاد تعامل مناسب رصد می‌کنند. در چنین شرایطی وظیفه ما این است که در حوزه تامین سلامت اقتصادی و شفافیت مالی، به‌خوبی بر قوانین حاکم بر بانک‌داری بین‌المللی تسلط پیدا کنیم و خود را به استانداردهای بین‌المللی برسانیم. در حال حاضر مزیت نسبی خوارزمی در بازارهای مالی بین‌المللی، تعهد به اجرای قوانین و شفافیت مالی است.

دریافت وام‌های کم‌بهره از بانک‌های اروپایی

منصوریان می‌گوید: شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی به‌عنوان یک هلدینگ با پتانسیل‌های بالا در صنایع مختلف، در پی این است که با سرمایه‌گذاران خارجی تعامل سازنده‌ای ایجاد کند و حتی در برخی از مواقع، شریک تجاری آن‌ها باشد. از طرفی در ایران، نیروی کار ارزان است، اما هزینه پول بالاست. به‌عنوان نمونه این هزینه در حدود ۲۶ تا ۳۰ درصد برای شرکت‌ها در نظر گرفته شده است که نسبت به وام‌هایی که بانک‌های معتبر اروپایی می‌دهند، رقم بسیار بالایی است. به‌عنوان نمونه سود وام‌ها در بانک‌هایی مانند بانک‌های کشور سوئیس نزدیک صفر درصد است و شرکت‌هایی که بابت دریافت وام به بانک‌های سوئیسی سود بدهند، با استقبال مناسبی از جانب این بانک‌ها مواجه می‌شوند. البته این موضوع وقتی محقق می‌شود که دادن وام به شرکت‌ها با سوخت‌وسوز همراه نباشد و این بانک‌ها از بازگشت پول خود اطمینان داشته باشند. شرکت خوارزمی با توجه به این موضوع تعامل مناسب با بانک‌های خارجی را در دستور کار خود قرار داده است. البته درباره این موضوع اتخاذ سیاست‌هایی که از افزایش نقدینگی و لطمه خوردن به اقتصاد ایران جلوگیری کند، بسیار حائز اهمیت است. مشاور امور بین‌الملل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی می‌افزاید: به آینده شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی باید بسیار خوش‌بین بود، چون این گروه در هریک، از بهترین، متخصص‌ترین و باتجربه‌ترین افراد استفاده کرده است. مدیران و کارکنان این شرکت با ذوق و شوق خاصی فعالیت‌های خود را پیش می‌برند و برای اعتلا و پیشرفت شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی از انگیزه بالایی برخوردارند. بزرگ‌ترین دارایی شرکت، افراد متخصص و دلسوزی هستند که در آن مشغول به کارند.



جشن کتاب

مجید اعزازی

گزارش اختصاصی از تولد یک کتاب متفاوت در حوزه مدیریت

«مدیر باش، رئیس!» رونمایی شد

کتاب «مدیر باش، رئیس!» که با بهره‌گیری از متون کلاسیک ادبیات ایران در حوزه علم مدیریت به رشته تحریر درآمده، با حمایت مادی و معنوی شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی (سهامی عام) و به همت نشر هرمس (وابسته به شهر کتاب) به زیور طبع آراسته شده است.

آیین رونمایی از کتاب «مدیر باش، رئیس!» نوشته شاعر نامی و پژوهش‌گر ادبیات، ساعد باقری با حضور برخی از چهره‌های فرهنگی کشور، اعضای خانه شاعران و همچنین مدیرعامل و جمعی از مدیران گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی و بنگاه انتشاراتی شهر کتاب نشر هرمس در محل فروشگاه و نمایشگاه شهر کتاب فرشته تهران برگزار شد.

تقسیم‌بندی بنگاه‌های پیچیده و غیرپیچیده طبقه‌بندی می‌شوند. به‌عنوان مثال، صنعت خودرو، با تمام بزرگی‌اش، صنعتی غیرپیچیده به شمار می‌رود، چراکه در این صنعت مجموعه‌ای از اجسام به یک دستگاه تبدیل می‌شود. اما مدیریت تولید یک کتاب یا یک روزنامه، مدیریتی پیچیده است، چراکه با انسان و رشته‌های مختلف سروکار دارد و از این نظر در زمره صنایع پیچیده به شمار می‌رود. فیروزان هم‌چنین از ابتنا و اتکال صرف به فرهنگ گذشته به‌عنوان یک «خطر» یاد کرد و گفت: «شرق از زمانی رو به افول نهاد که زمین را به کلی رها کرد و تنها به راه‌های آسمان چشم دوخت. زمین لعنت شد و در امتداد آسمان قرار نگرفت.»

مهندس فیروزان کتاب «مدیر باش، رئیس!» را گامی هوشمندانه در مسیر پیوند زدن میان میراث سترگ گذشته و نیازهای امروز جامعه رو به توسعه ایران ارزیابی کرد.

مهدی فیروزان؛ نقش فرهنگ در توسعه

آیین رونمایی این کتاب با سخنان مهندس مهدی فیروزان، مدیرعامل شهر کتاب و عضو هیئت مدیره نشر هرمس آغاز شد. فیروزان از این نکته سخن به میان آورد که شهر کتاب به‌عنوان یک واحد فرهنگی مستقل و برند شده وظیفه خود می‌داند در امر «توسعه» مشارکت جدی و فعالی داشته باشد، چراکه ایران امروز نیازمند توسعه فردی و اجتماعی است.

مدیرعامل شهر کتاب اما این سوال کلیدی و دیرینه را نیز که توسعه اقتصادی مقدم است یا توسعه فرهنگی، در جمع فرهیختگان حاضر این مراسم مطرح کرد و گفت: «درباره تقدم این دو مقوله بر یکدیگر، اختلاف نظر وجود دارد و وجود خواهد داشت، اما آنچه بر سر آن اتفاق نظر شکل گرفته، این نکته است که ماندگاری و نهادینه شدن توسعه در هر کشوری در گرو توسعه فرهنگی است.»

فیروزان با اشاره به نزدیکی به ایام نوروز و با استناد به این سخن انبشترین که «اشکالات امروز، حاصل پیش فرض‌های ماست»، بر ضرورت خانه‌تکانی پیش‌فرض‌های ذهنی ایرانیان در عرصه‌های گوناگون تاکید کرد.

عضو هیئت مدیره نشر هرمس با اشاره به پیوند ضعیف دانشگاه و «صنعت و تکنولوژی» در کشور گفت: «ارتباطات بین‌رشته‌ای برای تبدیل علم به تکنولوژی در کشور آغاز شده است، اما کافی نیست. گامی که شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی با حمایت از تالیف و انتشار کتاب «مدیر باش، رئیس!» برداشته و آن گونه که دکتر صیدی، مدیرعامل این شرکت، عنوان کرده، ادامه خواهد داد، در مسیر تقویت پیوند علم و تکنولوژی است. در مدیریت مدرن امروز، نگاه‌ها به کوچک و بزرگ تقسیم نمی‌شوند، بلکه در



مهندس فیروزان، کتاب «مدیر باش، رئیس!» را گامی هوشمندانه در مسیر پیوند زدن میان میراث سترگ گذشته و نیازهای امروز جامعه رو به توسعه ایران ارزیابی کرد

دکتر حجت‌اله صیدی، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی: آری، فرهنگ زیربناست...



به موضوع حمایت از انتشار کتابی در حوزه مدیریت با بهره‌گیری از میراث غنی فرهنگ و ادبیات فارسی گفت: «به دلیل سابقه آشنایی دیرین با شاعر و ادیب ارجمند، استاد ساعد باقری، سال گذشته خدمت ایشان رسیدیم و این ایده و ضرورت توجه به آن را در میان گذاشتیم و درخواست کردیم که به همت ایشان این گنجینه مدیریتی نهفته در ادبیات ایران را به جامعه معرفی کنیم. تسلط ایشان به متون ادبی عمیق و گسترده است و این شاعر و استاد ادبیات در واقع از مصالح کهن ادبی برای خلق یک اثر ادبی جدید استفاده کرده است. محتوای این کتاب ارزشمند چندلایه است و باید مطالب آن را دقیق و بارها خواند تا آن را بهتر درک کرد.

به سهم خود و از جانب گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی، انتشار این اثر را به جامعه بزرگ فعالان اقتصاد و مدیریت کشور تبریک می‌گویم و همان‌طور که آقای فیروزان گفتند، ما می‌کوشیم این راه را با جدیت ادامه دهیم و امیدوارم شاهد انتشار آثار ارزشمند و متعدد در این جهت باشیم.»

سهیل محمودی؛ ماندگاری اندیشه مکتوب

سهیل محمودی، شاعر نامی و مردمی و صدای آشنای رادیو نیز با نفس گرم خود بر صمیمیت مراسم رونمایی از کتاب «مدیر باش، رئیس!» افزود. محمودی که یار دیرآشنای ساعد باقری و هم‌چنین دکتر صیدی مدیرعامل شرکت خوارزمی، حامی اصلی انتشار این کتاب است، از تجربه مدیریتی دوست و همراه دیرآشنای خود ساعد باقری در رادیو و تلویزیون سخن به میان آورد و گفت:

«حاصل آن افکار و اندیشه‌های مبتنی بر مدیریتی خلاق و متأثر از ارزش‌های فرهنگی و انسانی در قالب کتاب «مدیر باش، رئیس!» تجلی یافته است.» محمودی با بیان این‌که امر مدیریت در ذات خود یک کار فرهنگی است، گفت: «حجت‌اله صیدی با تخلص شعری «مهیار کاوه» از اهالی دیرین عرصه فرهنگ

و ادبیات است که وارد حوزه‌های اقتصادی و مدیریتی نیز شده است و این اتفاق مبارکی است. چون اهالی فرهنگ در هر کاری که وارد می‌شوند، اغلب موفق و سربلند بیرون می‌آیند. اما برعکس این قضیه چه بسا فاجعه است. به‌عنوان مثال، مدیرانی در رأس برخی امور فرهنگی قرار داشته‌اند، که از اهالی فرهنگ نبوده‌اند و به همین واسطه آسیب‌های فراوانی متوجه فرهنگ شده است.»

او هم‌چنین با مقایسه حمایت از تالیف و انتشار کتابی مانند «مدیر باش، رئیس!» با تبلیغات محیطی در سطح شهر گفت: «اثر تبلیغات محیطی زودگذر و میرا است، اما امر فرهنگ و اندیشه مکتوب، انعکاسی عمیق و طولانی‌مدت در جامعه مخاطبان خود دارد و گاهی تاثیرگذاری فرهنگی یک کتاب شاید ۲۰ سال پس از انتشارش درک شود.»

هنرنامه‌ی حسام‌الدین سراج

حسام‌الدین سراج، هنرمند شاخص موسیقی اصیل ایرانی نیز از مهمانان مراسم رونمایی از کتاب «مدیر باش، رئیس!» بود که دقایقی کوتاه پشت تریبون قرار گرفت و پس از سخن گفتن در باب شخصیت ادبی ساعد باقری و شباهت دکلمه (متن خوانی)



دکتر حجت‌اله صیدی، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی - حامی اصلی انتشار کتاب «مدیر باش، رئیس!» - سخنران بعدی این آیین بود. او با اشاره به سخنان مدیرعامل شهر کتاب در باب نقش فرهنگ و اقتصاد در توسعه گفت: «درست است که هم‌چنان بر سر زیربنا بودن اقتصاد یا فرهنگ در امر توسعه

مناقشه وجود دارد، اما من، از همان هنگام که با اندیشه‌های دکتر شریعتی آشنا شدم، به این نتیجه رسیدم که فرهنگ زیربناست.

ایران یک درصد مساحت جهان و یک درصد جمعیت جهان را داراست. بنابراین شاید انتظار می‌رود سهمش از منابع طبیعی جهان هم یک درصد باشد. اما کشور ما هفت درصد از منابع خدادادی جهان را در اختیار دارد. یعنی هفت برابر سهم مورد انتظار از منابع طبیعی برخوردار است. با این همه واقعیت این است که میزان درآمد و تولید ناخالص داخلی کشورمان حتی کمتر از یک درصد از کل تولید ناخالص در جهان است. با توجه به این مسائل می‌فهمیم که نقش فرهنگ در توسعه چیست.

بر خلاف تمام زحماتی که در کشورمان کشیده شده و می‌شود، هم‌چنان می‌بینیم که «در حال توسعه» هستیم. زیرا هنوز مسئله فرهنگ در این جامعه حل نشده است. تولید ناخالص داخلی ما در یک سال ۳۵۰ میلیارد دلار است. این در حالی است که درآمد شرکت سامسونگ در پایان سال ۲۰۱۵ میلادی ۱۷۸ میلیارد دلار (یعنی بیش از ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی ایران) بوده است. از نظر من این مسائل مرتبط با مسائل و کاستی‌های فرهنگی است.»

او با طرح این سوال که چرا توسعه در غرب رخ داد نه در شرق؟ گفت: «چون غرب مسئله فرهنگ را جدی گرفت و کتاب از حالت دکوراتیو و اسباب فضل‌فروشی به کالایی تجاری و جاری در زندگی مردم تبدیل شد.

به‌عنوان یک دانشجوی مدیریت و هم‌چنین ادبیات، کتاب‌های زیادی از غربی‌ها و شرقی‌ها در زمینه مدیریت خوانده‌ام. اما باور کنید اغلب این کتاب‌ها نکته‌های واقعا جدید و بدیع برای من نداشتند. این در حالی است که به‌طور مثال گلستان سعدی سرشار است از این نکته‌ها.»

دکتر صیدی سپس با اشاره به انگیزه‌های مدیریت گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی

دکتر صیدی: بر خلاف تمام زحماتی که در کشورمان کشیده شده و می‌شود، هم‌چنان می‌بینیم که «در حال توسعه» هستیم. زیرا هنوز مسئله فرهنگ در این جامعه حل نشده است

روایت می‌کرد. بازخوانی این مقاله مورد استقبال و تشویق گرم حضار قرار گرفت.

دکتر حسن خجسته: آموزش اخلاق مدیریت

دکتر حسن خجسته، معاون طرح و برنامه سازمان صدا و سیما و مدیر سابق صدای جمهوری اسلامی ایران نیز در دقایق پایانی این مراسم به جمع حضار پیوست. او که استاد علوم ارتباطات در دانشگاه نیز هست، تلاش ساعد باقری را ستودنی توصیف کرد و گفت:



«متأسفانه هم در ایران و هم در بخش اعظمی از دنیا، مدیریت مبتنی بر نگاه طبقاتی است. به

گونه‌ای که وقتی فردی به جایگاه مدیریتی می‌رسد، از امتیازات و مزایایی برخوردار می‌شود و از همین رو، برای خود منزلتی خاص در نظر می‌گیرد. این مزایا، خصلت‌هایی را به دنبال دارد و فرد مدیر را در نظام طبقاتی مدیریتی قرار می‌دهد و بین او و دیگران فاصله ایجاد می‌کند.

اگر بتوانیم ساختار حاکم بر نظام مدیریت اجرایی را در دوره‌ای ۱۰ ساله عوض کنیم، به قول استاد باقری، او دیگر «رئیس» نیست، بلکه «مدیر» است. کتاب «مدیر باش، رئیس!» می‌تواند نقش مفیدی در آموزش اخلاق مدیریت، مبتنی بر ادبیات کهن، اما در چهارچوبی جدید، داشته باشد.»

حضور چهره‌های فرهنگی و هنری در مراسم:

در آیین رونمایی از کتاب «مدیر باش، رئیس!» چهره‌های نام‌آشنایی چون فاطمه راکعی، سید محسن و سید حسین موسوی بلده، اسرافیل شیرچی، رسول مرادی، بیوک ملکی، وحید امیری، سید عباس سجادی، سید اکبر میرجعفری، جواد زهتاب، خلیل جوادی و همچنین خانواده‌های مرحوم سید حسن حسینی و مرحوم قیصر امین‌پور حضور داشتند.



او با دکلمه شاعر فرهیخته قیصر امین‌پور، حضار این مراسم را به شنیدن آوای گرم خود با ابیاتی زیبا از مثنوی مهمان کرد.

کاظمی دینان: اهمیت اعتنا به فرهنگ

رضا کاظمی دینان، رئیس انجمن روابط عمومی ایران و مشاور رئیس کل بانک مرکزی نیز به‌عنوان یکی از مهمانان در سخنانی کوتاه در مراسم رونمایی از کتاب «مدیر باش، رئیس!» ضمن تبریک انتشار این اثر، تأکید کرد توسعه پایدار بدون اعتنای جدی به فرهنگ امکان‌پذیر نیست. زمانی می‌توانیم کشور را موفق بدانیم که مردم آگاه و دانا داشته باشیم. در این صورت توانا هستیم و جامعه شاد و موفق خواهیم داشت.»



ساعد باقری؛ فکر می‌کردم نشدنی است!

پس از برگزاری آیین رونمایی کتاب «مدیر باش، رئیس!» با حضور نویسنده، مدیران عامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی و شهر کتاب و تنی چند از اهالی فرهنگ و هنر و ادب، نوبت به ساعد باقری، پژوهش‌گر ادبیات، شاعر نامی و نویسنده این کتاب رسید تا پشت تریبون قرار گیرد.



او ابتدا با فروتنی از نقش موثر دکتر حجت‌اله صیدی در خلق این اثر سخن گفت:

«روزی که این پیشنهاد از سوی دکتر

صیدی به من ارائه شد، فکر کردم نشدنی باشد. می‌گفتم که متونی همچون «سیاست‌نامه» که در آن‌ها به‌طور مثال به جایگاه نویسندگان در سمت

راست، نظامیان در سمت چپ و علما روبه‌روی پادشاه اشاره شده است، برای مخاطب امروز چقدر می‌تواند جذاب باشد؟ هم‌چنین طرح این مباحث شاید برای آن‌چه مورد انتظار دکتر صیدی است، نتواند مفید باشد. اما پس از این‌که دکتر صیدی برای من یکی دو مثال ذکر کرد و در اطراف نگاه و نوع انتظارش سخن گفت، فکر کردم می‌شود در حوزه وسیع‌تری این مباحث را عنوان کرد. از این‌رو دست به کار شدم.

ساعد باقری با بیان این‌که این کتاب مشتمل بر دو فصل است، افزود: «هر فصل دارای شش مقاله است و در پایان هر مقاله «ملحقه» ای داریم که همان گزیده‌های متون کهن پارسی است.»

آن‌گاه نویسنده کتاب «مدیر باش، رئیس!» متن کامل اولین مقاله از این کتاب را با بیانی گرم برای حضار در مراسم بازخواند. مقاله‌ای که محتوای آن به یکی از تجربه‌های مدیریتی نویسنده در رادیو بازمی‌گشت و به شیوایی روح حاکم بر کل اثر را

یادداشتی در حاشیه انتشار کتاب «مدیر باش، رئیس!»

جادوی تمثیل در روایت عقلانیت و خلاقیت

قابل تطبیق باشد، حکم سیمرغ و کیمیا دارد.

ساعد باقری در «مدیر باش، رئیس» با قلمی صمیمی و خودمانی و با سادگی و به دور از افاضات مثلاً فاضلانیه یا حتی نظریه پردازی‌های برخاسته از جایگاه رفیع برج عاج (!) سعی کرده از خاطرات و تجربه‌ها و برداشت‌هایش با ما سخن بگوید؛ به فرهنگ غنی این مرز و بوم تکیه کند و در آخر هر بخش از صحبت‌هایش نمونه‌هایی از گنجینه ادب و نثر و شعر فارسی را هم چاشنی کند که به درک بهتر و عمیق‌تر مباحث و موضوعات مطروحه بینجامد.

بیان ساده و در عین حال جدی و عمیق ساعد باقری در این کتاب مصداق روشن همان چیزی است که ما در مباحث ادبی و فنون بلاغی بدان می‌گوییم «سهل و ممتنع». ساده دشوار. آسان غیرممکن. این هنری است ستودنی و درخور توجه که پیچیده‌ترین موضوعات و مشکلات و مفاهیم را به گونه‌ای بگویی و بنویسی که به راحتی قابل درک و فهم شود. می‌گویند که معمولاً فیلسوفان ساده‌ترین مفاهیم را به غامض‌ترین زبان بیان می‌کنند و شاعران و هنرمندان راستین، پیچیده‌ترین مسائل عالم و مباحث هستی‌شناسی را با ساده‌ترین و راحت‌ترین و قابل فهم‌ترین کلمات و نحوه بیان عرضه کرده‌اند. هنر ساعد باقری در این کتاب همین است؛ «سهل و ممتنع». و این ویژگی در بیان و زبان و گفتار و نوشتار به آسانی به دست نمی‌آید، مگر آن که شخص صاحب ذوق و برخوردار از استعداد، سال‌ها با متون ادب فارسی به استمرار و عاشقانه و مشتاقانه زیسته باشد.

اما وقتی می‌گوییم ریشه در فرهنگ ایران و ادب فارسی، من بلافاصله به یاد یکی از بهترین و اثرگذارترین شیوه‌ها در متون نظم و نثر می‌افتم و آن «تمثیل» است. جادوی سحرکننده کلام شیخ اجل سعدی در نظم و نثر و مولانا در مثنوی و میرزا صائب تبریزی در غزل، بیش از هر چیز بر تمثیل بنا شده است. تمثیل در یادآوری و هشدار و زنده نگه داشتن صمیمانه یک مفهوم و یک موضوع، نقشی معجزه‌بخش دارد. در این اثر، ساعد باقری عزیز، بیش از هر چیز از تمثیل برای عبور از پیچ و خم کوچه‌های مفاهیم و توضیحات آن‌ها بهره برده؛ و فکر نمی‌کنم اگر کسی به جز یک شاعر به موضوعاتی از این دست می‌پرداخت، می‌توانست این همه از عنصر تمثیل بهره ببرد. این فقط از یک شاعر برمی‌آید، آن هم کسی مانند ساعد باقری که با زیر و بم شعر و نثر فارسی آشناست و در این حوزه استادی است ورزیده و توانا.

در کنار این‌ها، بهره‌گیری او از برخی حکایات و اشعار و استنادش به متون گذشته ادب فارسی، خود نشانه استمرار زیستنش در طی دهه‌ها با این گونه آثار است.

کلام آخر این که شما در «مدیر باش، رئیس!» با جذابیتی در گفتار و نثر و زاویه دید نویسنده روبه‌روید که این‌ها برآمده از تجربه و صمیمیت و نیز صدق و صفای راوی - نویسنده است. این ویژگی را در قلم و مکتوبات و آثار کم کسانی می‌توان به شکل مجموعه دید. ساعد باقری نازنین یکی از آن‌هاست که قلیل‌اند و مغتنم‌اند و کم‌نظرند.



ساعداجان باقری را باید از نزدیک ببینی و بشناسی‌اش. البته اگر مانند من سی‌وپه‌هفت سال با او همدم لحظه‌ها و همراه روز هرروز باشی که عالی خواهد بود. اکنون که این موقعیت و فرصت برایت فراهم نشده، با چند جمله کوتاه و موجز می‌گویم که اولین خصلتی که در او خواهی دید، هوشمندی و فرزانی است؛ یا به تعبیری دیگر دقت و مروت. اندیشه‌ای ژرف و عواطفی عمیق. این دو ویژگی را شاید به‌طور توأمان در همه انسان‌ها و اطرافیانت نیابی و نبینی. دو گوهر گران‌سنگ هوشمندی و فرزانی که به لطف حق و نیز با مراقبت و سلوک خود او در وجود ساعد متبلور است.

ساعد باقری در آن‌چه امور متعارف و جاری زندگی است، انسانی است دقیق و اهل توجه. شخصیت بیرونی او گره خورده با عقلانیت و خردمندی. البته آن هم نه آن عقل و هوشی که گاه، با لحن منفی از آن یاد می‌کنیم، یعنی عقلی زیادی مصلحت‌اندیش، بلکه عقل و هوشی که برخاسته از فرهیختگی و اندیشیدن و تجربه زیستن در شرایط متفاوت و با نحلها و جماعت‌های گوناگون است و بر دانشی ارجمند و مطالعاتی درخور تکیه دارد.

از سویی دیگر ساعد باقری شاعر است و هنرمند. ذوق و عاطفه و احساس، بخش مهمی از وجود و شخصیت اوست. خلاقیت هنری و عواطف شاعرانه در او چشم‌گیر و ستودنی است. این دو وجه بیرونی و درونی از او انسانی ساخته صاحب کمال و ارجمند که دست به هر کاری بزند، رنگ زندگی و جلوه مینش او را می‌گیرد. باز هم می‌گویم باید مانند بنده سال‌ها با او و در کنار او به سر برده باشی تا دریایی چه می‌گویم و چه ارزش‌هایی در او سراغ دارم. چراکه معمولاً هم‌عصران ما ساعد را به شعرهایی محکم و استوار و دانش ادبی و صدایی باشکوه و پرتین و چهره‌ای باصفا و صمیمی می‌شناسند. البته این شناخت از راه دور هم در جای خود با اهمیت و ارجمند و مناسب است.

حالا تصور کن که این شخصیت با جامعیتی که پیش‌تر متذکر شدم، بخواهد اثری را پدید آورد که در حوزه مدیریتی و کاربردی و رئال است. آن هم در زمانی که بیش از نیم قرن از زندگی‌اش گذشته و تجربه و دانش و ذوق و خلاقیت و انصاف و درک و شعورش در اوج کمال و پختگی است.

ساعد باقری با تجربه زندگی هنری و نیز تجربه گاه به گاه مدیریت در بخش‌هایی از صدا و سیما و حوزه‌های فرهنگی و ادبی، به پیشنهاد دوست مشترک و همدم و همدل سال‌های دور و نزدیک ما، جناب دکتر حجت‌الله صیدی، که به چندین هنر وجود ارجمندش آراسته است، دست به تالیفی زده که موضوعاتش مبتنی است بر عقلانیت و خلاقیت و احساس و عاطفه.

«مدیر باش، رئیس» اثری است برخاسته از نوعی دل‌مشغولی که با احساس مسئولیت و ارائه طریق همراه است. نویسنده تلاش کرده متنی را پدید آورد که در فرهنگ ایران و در زبان فارسی جای خالی‌اش به خوبی حس می‌شود. ترجمه‌هایی در این خصوص دیده‌ایم؛ ترجمه‌هایی که بیشترشان با فرهنگ ایرانی شرقی ما فاصله‌شان فراوان است. در این حوزه، نوشته‌ها و آثار مکتوب ترجمه‌شده که با شرایط فرهنگی و بومی ما کاملاً

بخشی کوتاه از کتاب «مدیر باش، رئیس!»

بنا ندارم در اینجا بر اریکهٔ وعظ بنشینم و دربارهٔ آنچه شاید شما بیش از من خوانده‌اید و شنیده‌اید و تجربه کرده‌اید، سخن بگویم. پس مدح راست‌گویی و مذمت دروغ‌گویی و آثار مترتب بر هر یک را به مطالب برگزیده از متون کهن فارسی وامی‌گذاریم که در پیوند با این بخش کتاب، خواهید خواند.

در این باره فقط در گسترهٔ موضوع اصلی بحث - محبوب و دوست‌داشتنی بودن - شاید ذکر همین نکته کافی باشد که دروغ معمولاً برای جلب نفع و یا دفع ضرر گفته می‌شود و اگر دوربین آدمی چشم‌اندازهای دور را به‌درستی نشان دهد، سود حاصل از دروغ به رسوایی حاصل از کشف آن نمی‌ارزد! معمولاً دروغ‌ها دیر یا زود، و در مقیاس کم و زیاد، فاش می‌شوند. اگر فقط یک نفر روزی بفهمد که به او دروغ گفته‌ای، دست کم پیش او دیگر محبوب نخواهی بود و باید بپذیری که این منصفانه است.

سخن معروف منسوب به «ولتر» را به یاد بیاوریم که «دروغ به گلولهٔ برفی می‌ماند، هرچه آن را بغلتانی، عظیم‌تر می‌شود.»

اما چرا!... یک نکتهٔ مهم دیگر هم یاد آمد: بحث دروغ مصلحتی. این اصطلاح، موافقان و مخالفان بسیار دارد و به نظر این همه بحث و گفتگو ندارد! آدم عاقل و بالغی که مطلقاً «دروغ مصلحتی» را قبول ندارد، اگر فی‌المثل از کوچه‌های تودرتوی تنگ و باریک در حال عبور باشد و ناگهان ببیند که جوانی با جراحت شدید در حال گریز است و به کوچهٔ سمت چپ او می‌پیچد و دقیقه‌ای بعد، جوانی دیگر را خشمگین و چاقو به دست ببیند که از روبه‌رو می‌آید و می‌پرسد: از کدام طرف رفت، قطعاً اگر مسئولیت‌پذیر باشد، کوچهٔ سمت راست را نشان می‌دهد و خود نیز از مهلکه سریع بیرون می‌رود. اما اگر مسئولیت‌پذیر نباشد، نهایتاً جواب او را به «سکوت» یا «نمی‌دانم» برگزار خواهد کرد. همین آدمی که مطلقاً اصطلاح دروغ مصلحت‌آمیز را منکر است، اگر در هنگام مواجهه با این صحنه، با دادن جواب راست، جان هر دو جوان - قاتل و مقتول بالقوه - را به خطر بیندازد، قطعاً در عقل او باید شک کرد.

اما طرف دیگر بحث این است که در مواجهه با این اصطلاح یا اصلاً نمونه‌های عینی که بر آن تعبیر «دروغ مصلحت‌آمیز» بار می‌شود، باید پرسید: مصلحت چه کسی؟! واقعیت آن است که مصادرهٔ به مطلوب این اصطلاح و دستاویز قراردادن آن برای جلب نفع شخصی و یا گروهی و تیمی، سبب شده است تا این همه با آن مخالفت شود. در وقتِ وقت، و به هنگام پیش‌آمدن موقعیت، هر کسی می‌تواند بفهمد چه کاری درست است. اگر مصلحت، صرفاً مصلحت فرد یا باند و گروه و خانوادهٔ او باشد و نه مصلحت عمومی و منفعت عمومی، توسل به این اصطلاح قادر نخواهد بود که چراغ وجدان‌ها را خاموش کند. پس این همه بحث و جدل دربارهٔ اصطلاح «دروغ مصلحت‌آمیز» کاری است لغو و بیهوده. اصلِ خدشه‌ناپذیر، چیرگی قطعی «راستی و درستی» است که از مطلع «حقیقت» می‌تابد.

و اما خواجه عبدالله انصاری در یک بیت کوتاه، حرف مهمی زده است که سادگی آن، نباید باعث شود که پیش‌پا افتاده، فرض کنیم. اساساً عظیم‌ترین حقایق عالم، که دانستن یا ندانستنش زندگی آدمی را زیور و می‌کند، غالباً بسیار ساده و روان بیان می‌شود و گاه این سادگی باعث می‌شود که این حقایق را به ناروا، کم‌ارج و تکراری بشمریم و این خطای بزرگ آدمیان است. و اما آن بیت:

جز راست نباید گفت
هر راست نشاید گفت

در درستی گزارهٔ نخست، گمان نمی‌کنم که کسی تردید روا دارد، اما گزارهٔ دوم محل تأمل و تدبّر است: هر راست نشاید گفت.

به بحث دروغ مصلحتی و جوانب آن بر نمی‌گردم، اما یکی از جنبه‌های مهم دیگر در مبحث «چه بگوئیم و چگونه بگوئیم» و «چه نگوییم و چگونه نگوییم»، متضمن همان بخش آخر بند دوم از تعهدنامهٔ اعضای باشگاه «محبوبان استثنايي» است:

«... اما آن راست که به دروغ مانند است نیز مگوی.» این وصیت صاحب قابوسنامه است به فرزندش. نویسندهٔ کتاب، امیر عنصرالمعالی، در باب «آداب سخن گفتن» حکایتی جالب نیز نقل کرده است؛ از روزگاری که در شمار محتشمان بارگاه «امیر ابوالسوار» پادشاه گنجه بوده.

صاحب قابوسنامه، «امیر ابوالسوار» را پادشاهی بزرگ و زبیرک و عادل و شجاع و فصیح و متکلم و پاک‌دین خوانده، آنگاه ماجرای حکمت‌آمیز خود را با او بازگفته. از این قرار که شاه گنجه بسیار به عنصرالمعالی احترام گذاشته و به اصطلاح امروزی‌ها او را تحویل گرفته و ساعت‌ها با هم از هر دری سخن می‌گفته‌اند، تا یک روز اوضاع و احوال ولایت گرگان را از او جویا می‌شود. عنصرالمعالی می‌گوید:

«چون امیر از حال ناحیهٔ گرگان از من پرسید، من گفتم: در آنجا، دهی در ناحیهٔ کوهستانی واقع است. زنان آن ده، چون از چشمه، آب بردارند و سبو بر سر نهند و بازگردند، یکی از آنان، پیشاپیش حرکت می‌کند و نیک در راه بنگرد و جستجو کند. سبب این کار آن است که در زمین‌های آن ده، کرمی است سبزرنگ، و آن پیشرو هر کجا که آن کرم یابد، از راه به یک سوی افکند تا آن زنان پای بر آن کرم سبز نهند، چون اگر کسی از ایشان پای بر کرم نهد و کرم در زیر پای او بمیرد، فوراً آن آب‌ها در سبوها گندیده شود و باید دوباره برگردند و سبوها بشویند و از چشمه آب بردارند. چون من این سخن گفتم، امیر ابوالسوار روی ترش کرد و سر بگرداند و چند روز با من سرگران بود.

تا یک روز پیروزان دیلم با من گفت: امیر از تو گله کرد که فلائی مردی دنیادیده و سرد و گرم چشیده است،

چرا باید با من چنان سخن گوید که با کودکان گویند!

من - عنصرالمعالی - فوراً قاصدی از گنجه به گرگان فرستادم و شهادتنامه‌ای (به تعبیر امروزی‌ها استشهادی) تهیه کردم و فرستادم تا همهٔ بزرگان و معاریف از جمله رئیس و قاضی و خطیب و جملهٔ علما و اشرافِ گرگان امضا کردند که «آری، این ده، به چنین نام در این ناحیه است و ماجرای کرم سبز و آن آب‌های سبو، همه، حقیقت محض است.»

پس از چهار ماه این شهادتنامه از گرگان به دست من رسید و در این چهار ماه، امیر ابوالسوار همچنان با من سرسنگین و بی‌اعتنا بود. چون آن شهادتنامه، پیش وی نهادم، بدید و بخواند و تبسم کرد و گفت: من خود دانم که از چون تویی دروغ نیاید، اما خود انصاف ده، آن راست، به چه سبب باید گفتن تا چهارماه عمر صرف کنی و دوپست تن گواه شهادتنامه بیاوری، تا آن سخن راست، از تو قبول کنند؟»



فردین عموزاده خلیلی



۴۰ و چند سال است که یک پارادوکس ساده اما عجیب در ذهنم تلاطم دارد؛ تلاطمی که گاهی شدت گرفته و گاهی آرامش. پارادوکس میان اقتصاد و فرهنگ. گرچه در آن روزهای ۱۴ سالگی، من نباید درکی از مفهوم اقتصاد و فرهنگ داشته بوده باشم، اما حتما جدال پنهان میان پول و دل را خوب می‌فهمیدم.

می‌فهمیدم چیزهایی هست که بچه‌های ۱۴ ساله دوستش دارند و دلشان می‌خواهد، آرزوهایی که گاهی حتی چندان بزرگ هم نیست، اما نمی‌توانند به آن برسند، برای آن که یک مانع اساسی سر راهشان هست، مثل آرزوی دیدن فیلم‌های بز بزن یا سرگذشت‌دار (آن موقع به فیلم‌های مولودرام خانوادگی می‌گفتم سرگذشت‌دار!) مثل «گنج قارون» و «سلطان قلب‌ها» که عکس‌هایش را با حسرت روی سردر تنها سینمای شهرمان - ستاره - می‌دیدیم و نمی‌توانستیم بلیتش را بخریم و برویم تماشايش کنیم. یا کتاب‌های «تن تن» که تازه تازه با جلد‌های گالینگور و خوش‌آب‌ورنگ چاپ شده بود، با تصویرهای شگفت‌انگیزش که مثل یک فیلم عجیب افسون‌زده‌مان می‌کرد و از پشت تنها کتاب‌فروشی شهرمان - کتاب‌فروشی مشیری - بهت چشمک می‌زد و نمی‌توانستی داشته باشی‌شان، یا مجله‌های رنگارنگ ورزشی با عکس‌های فوتبالیست‌های محبوب - پروین، کلانی، حجازی - یا مجلات مخصوص بچه‌ها، دختران، پسران و کیهان بچه‌ها که روی تنها دکه روزنامه‌فروشی شهرمان - هاشمی - چیده شده بود و تو نمی‌توانستی...

چرا می‌توانستم، این یکی را دیگر می‌توانستم. کیهان بچه‌ها آن موقع‌ها پنج ریال بود و من می‌توانستم پول توجیبی‌ام را که روزی یک ریال بود، نگه دارم و در زنگ‌های تفریح از خیر خریدن شیرمال که آن همه عاشقش بودم و بهترین چیز برای گرسنگی بین زنگ‌های مدرسه بود، بگذرم، تا وقتی روزهای یک‌شنبه هر هفته از مدرسه برمی‌گردم، بروم سراغ آقای هاشمی و کیهان بچه‌های هفتگی‌ام را که برایم کنار گذاشته بود بگیرم و توی راه تا خانه‌مان که در سال‌های ۱۴ سالگی‌ام انگار تا بی‌نهایت دور بود، بیشترش را بخوانم و وقتی به خانه رسیدم، دیگر چیز زیادی برای خواندنم نمانده باشد...

باید همین روزها بوده باشد، دروغ چرا، روزش را دقیقا یادم نیست، اما سالش را چرا، فصل و سال و ماهش را چرا! ۱۴ ساله بودم. در روزهایی شبیه همین روزها. بلاتکلیف میان پارادوکس‌های اسفند و فروردین، میان پارادوکس سبزه عید و باروت چهارشنبه‌سوری، میان صدای دهل و سرنا می‌نوروزی و دایره زنگی حاجی فیروز. کیهان بچه‌هایم را خریده بودم، در راه طولانی مدرسه تا خانه بیشترش را خوانده بودم و حالا نشسته بودم توی اتاق روی فرش و به عملی کردن تصمیمی فکر می‌کردم که ناگهان همان‌جا مثل یک آتش‌فشان از ذهنم فوران کرده بود:

چرا من خودم مجله‌ای منتشر نکنم؟ واقعا می‌گویم. به

یک پارادوکس ساده اما عجیب

ذهنم زد که بنشینم و خودم مجله خودم را منتشر کنم. و نشستم و شروع کردم به نوشتن. سرمقاله‌اش را یادم هست درباره چهارشنبه‌سوری نوشتم که: «چه رسم خوبی است» و با این پند اخلاقی پایانی که: «آخرش که می‌خواهید بروید خانه‌تان، از خاموش شدن آتش مطمئن شده باشید». و نشستم خودم جدول پنج در پنجی تنظیم کردم و خودم شعرش را یک‌شبه سرودم: «این روزا که نوروزه/ نقل و آجیل از همه جا می‌ریزه...» و شاید به همین دلیل بود که دیگر هیچ‌وقت دوروبر شعر نگشتم، نشستم

داستانش را خودم نوشتم. الان بعد از حدود ۴۲ سال هنوز یادم هست آن داستان را. داستان پسر نوجوانی به نام مرتضی - حتی اسمش را یادم هست و نمی‌دانم چرا مرتضی - که پسر درس‌خوانی است، اما پدر ندارد و مادرش کمتر حواسش به اوست، گرفتار دوست‌های ناباب می‌شود، در نهایت او را سیگاری می‌کنند (یعنی سیگاری بودن اوج خلاف‌کاری‌ای بود که در آن ۱۴ سالگی معصومانه برای مرتضی به ذهنم می‌رسید) و یک روز که با رفقای نابابش کنار رودخانه شهرشان (این هم لابد یکی از حسرت‌های پنهان‌مانده بچه‌های کویر بود که در عمر ۱۴ ساله‌شان هنوز رودخانه‌ای ندیده بودند!) نشستند و سیگار می‌کشید، مادرش او را می‌بیند و الی آخر...

نوشتنی‌ها که تمام شد، نشستم فکر کردم با خریدن یک دفترچه ۴۰ برگ بی‌خط (اصرار داشتم بی‌خط باشد تا حس مجله‌ای داشته باشم نه دفتر مشقی) می‌توانم پنج تا مجله ۱۶ صفحه‌ای آماده کنم، در قطع دفترچه ۴۰ برگ که تقریبا همان قطع کیهان بچه‌ها بود. چیزی که لازم داشتم، کاربن بود. دایم کارمند مخابرات راه‌آهن بود که آن موقع‌ها بهش می‌گفتند تلگراف‌خانه، و توی دست و بالش پر بود از کاربن‌های لاجوردی. رفتم چند تا کاربن از او گرفتم و نشستم به تمرین کردن تکثیر کاربنی. در تحیرات کودکی من کاربن پدیده‌ای شگفت‌انگیز بود. پدیده‌ای که قادر بود هر آنچه می‌نوشتی و می‌کشیدی، با رنگی رویایی در صفحه‌ای دیگر کپی‌شان کند.

حالا کاربن‌های شگفت‌انگیز را داشتم و فقط آن دفترچه ۴۰ برگ بی‌خط را می‌خواستم تا کار نوشتن و تکثیر مجله‌ام را آغاز کنم. قیمت دفترچه بی‌خط ۴۰ برگ گمانم چهار ریال بود و من تازه پول توجیبی‌ام را داده بودم به مجله کیهان بچه‌ها.

فکر کردم اگر بتوانم با یک دفترچه ۴۰ برگ، مجله‌ای در تیراژ پنج نسخه منتشر کنم و بتوانم هر نسخه‌اش را ۲ ریال به بچه‌های همسایه و فامیل بفروشم، ۱۰ ریال بگیرم می‌آید که می‌شد آن موقع باهاش یک بلیت سینما ستاره (ردیف جلو، روی صندلی‌های آهنی تاشو ارج) خرید، و گرنه که می‌توانستم چهار ریالش را برای ادای قرض پول دفترچه بدهم که باید از مادرم می‌گرفتم و شش ریالش هم...

یادم نیست که آن موقع در رویای پیش از عید ۱۴ سالگی‌ام به این ماجرا با همین دقت فکر کرده‌ام یا نه. اما یادم هست که در تعطیلات پیش از عید، سه روز تمام نشستم سر مجله نوشتن. اول جلدش را آماده کردم با

عنوان و لوگو و تصویر روی جلد و قیمت: مجله «دنیای کودک» برای بچه‌های خوب، قیمت: فقط ۲ ریال! تصویر روی جلدش را همان پسری کشیدم که روبه‌روی رودخانه است و دارد سیگار دود می‌کند. و مادرش هم از کمی دورتر دارد نزدیک می‌شود. تصویر روی جلد و تصویرهای داخلی مجله باید رنگی می‌شد، اما بدتر این بود که بعد از آن که اولین صفحه را شروع به نوشتن کردم، دیدم نسخه‌های چهارم و پنجم زیر کاربن، خیلی کم‌رنگ شده‌اند، در نتیجه مجبور شدم دو بار کل مجله را رونویسی کنم، دو بار تصویرها را بکشم، دو بار تصویرها را رنگ کنم و این تقریبا تمام سه روز تعطیلی آخر اسفندم را پر کرد.

همه امیدم این بود که در روزهای عید که بچه‌های فامیل و آشنا، هم بی‌کارند و هم عیدی گرفته‌اند، مجله دنیای کودک مرا بخردند...

اما روزهای عید یکی‌یکی آمدند و رفتند، خویش و قوم و فامیل با بچه‌هایشان آمدند و رفتند، دایی، عمو، عمه و خاله و همه بزرگ‌ترها کلی تشویق کردند و آفرین گفتند که من چه بچه با استعدادی هستم و سرکوفتم را به بچه‌هایشان زدن که ببینید، از فلائی یاد بگیرید و بعد آن‌هایی که خواستند بیشتر تحویل بگیرند، گفتند: یکی از این کتابچه‌ها رو بده این بچه بخونه، بالاخره بهتر از اول گشته.

و تنها در یک مورد که من توانستم به خجالت‌م غلبه کنم و بگویم اون‌جا نوشته قیمت فقط دو ریال، شوهر عمه‌ام گفت: عیبی نداره، می‌خونه برمی‌گردونه بهت.

و به این ترتیب اولین تجربه من برای غلبه بر پارادوکس اقتصاد و فرهنگ و پول و دل، این چنین به پایان رسید. نمی‌توانم با قاطعیت بگویم شکست؛ چراکه پارادوکس عمیق‌تر برای من این‌جاست که بعد از ۴۲ سال هنوز تکلیف حس‌هایم با آن تجربه روشن نیست و نمی‌دانم در حس‌هایم به‌عنوان یک تجربه تلخ ذخیره شده است، یا یک تجربه شیرین. هنوز آن لذت عمیقی را که در لحظه لحظه دو بار نوشتن آن ۱۶ صفحه، آن هم با خودکاری که باید محکم به کاغذ می‌فشردی تا نسخه کپی برنگ شود، از یاد نبرده‌ام و حتی آن کیبودی و درد لذت‌بخش انگشت‌هایم که طی سه روز ۳۲ صفحه را محکم نوشته بودم...

واز سوی دیگر آن بغض فروخورده را وقتی به سیزدهمین روز تعطیلات بهار رسیدیم، از پنج نسخه دنیای کودک من فقط یک نسخه دست‌نویس برای من مانده بود و چهار ریال بدهی که از پول توجیبی‌هایم برای دفتر ۴۰ برگ رفته بود...

حالا این روزها بعد از حدود ۴۲ سال از آن روز، بعد از شنیدن این همه خبر بزرگ اقتصادی در عرصه فرهنگ جهان: فیلمی که تریلیاردها فروخته است، انیمیشنی در آمریکا که مفهوم اقتصاد سینما را عوض کرده است، کتابی که در انگلیس فروشی صدها میلیون تیراژی داشته، مجله‌ای که در ژاپن هم چنان تیراژ میلیونی دارد... و وقتی به حال و روز اقتصاد و فرهنگ در کشور خودمان نگاه می‌کنم و می‌بینم گویی جز با پشتوانه و در چهارچوب‌های حمایتی دولت اتفاق بزرگ فرهنگی شکل نمی‌گیرد... احساس می‌کنم هم‌چنان آن پارادوکس قدیمی در درونم به تلاطم است.

بورس

سحر قاسم نژاد

Wed 23 Jan 2016 12:59:34

پرونده بازار سهام در سالی که با احتیاط شروع شد و با خوش بینی به آخر رسید

رونق بورس، وام دار «برجام» است

رسیده بود، از نظر تحلیل گران از یک سو به دلیل تداوم مذاکرات و ابهام در به نتیجه رسیدن قطعی بود و از سوی دیگر از افت قیمت در بازارهای جهانی ناشی می شد. واقعیت هم این بوده و هنوز هم هست که بورس به عنوان و بترین اقتصادی کشور باید نشان دهنده تحولات واقعی این اقتصاد باشد و این تحولات مادامی که تحریمها لغو نمی شد و اثرات آن به بخش تولید کشور نمی رسید، سیگنال مثبتی به کل فعالان اقتصادی مخابره نمی کرد. اتفاق دیگری که امیدهای بازار سهام را به آینده ای روشن کم رنگ تر کرد، افت قیمت ها در بازار جهانی بود. به این ترتیب و با افت شدید قیمت نفت و در شرایطی که سایه تحریمها هنوز سنگین بود، برآورد سهام داران از آینده اقتصادی کشور دست کم در کوتاه مدت چندان امیدوارکننده نبود.

همین ناامیدی هم باعث شد تلاش های متولیان بازار سهام برای بازگشت امید به بورس از جمله افزایش دامنه نوسان از ۴ به ۵ درصد، تلاش برای فعال کردن صندوق توسعه بازار سهام، وعده حمایت از طریق نهادهای حقوقی و همچنین ارسال مستقیم گزارش های مالی توسط شرکتها روی سامانه کدال هیچ ثمری برای بورس به همراه نداشته باشد. این در حالی بود که با آغاز فصل مجامع و مخابره اخبار نه چندان امیدوارکننده از سوی شرکتها، وضعیت بفرنج تر از پیش هم شد.

۶ ماهی که سخت گذشت

گزارش های فصلی شرکتها نشان می داد که اکثر صنایع بورسی با رکودی شدید دست و پنجه نرم می کنند. نتیجه همه این تحولات این که بعد از مردادماه سراسر منفی، بازگشایی ۸ نماد بزرگ در اواسط شهریورماه ریزش دامنه داری را در تالار

اگر قرار بود هر سال در اقتصاد ایران اتفاقی به عنوان اتفاق سال انتخاب شود، قطعاً این عنوان در سال ۹۴ به توافق هسته ای ایران و ۵+۱ می رسید. این توافق برای بازار سرمایه هم آن چنان اهمیت داشت که تقویم این بازار را در سالی که گذشت، می توان به بعد و قبل از به نتیجه رسیدن برجام تقسیم کرد.

بازار سهام دست کم در دو سالی که گذشت، با واکنش های گاه و بی گاه خود نشان داد که تصمیم ندارد آینده خود را به وعده های حمایتی گره بزند. به عبارت دیگر اهالی بورس ظاهراً به این اتفاق نظر نانوشته رسیده بودند که هرگونه خوش بینی قبل از به نتیجه رسیدن قطعی توافق هسته ای و اجرای برجام ریسک بالایی است که عواقب آن را نمی توان به جان خرید.

در نتیجه پربدیپی بود که تمام تکاپوی دولت و متولیان بازار برای خروج از رکود به در بسته بخورد، چون اصولاً فعالان بورس هرگونه تصمیم گیری جدید و اثرگذار برای آینده حضور خود در این بازار را منوط به لغو تحریمها کرده بودند. بنابراین حتی اعلام توافق اولیه هسته ای هم نتوانست گره از کار تالار شیشه ای در نیمه اول سال ۹۴ باز کند.

دست آخر هم پرونده فعالیت بازار سهام تهران در نیمه اول سال با زیان ۱،۵ درصدی بسته شد و این بدان معنا بود که اکثر سهام داران از سرمایه گذاری خود سودی درخور انتظار نبردند و حتی بسیاری زیان هم کردند.

این در حالی بود که حرکت شاخص بورس تهران در سه ماه اول سال دست کم دو درصد سود به طور متوسط عاید سهام دارانش کرده بود. اما در ادامه و در روزهای گرم تابستان دماسنج بازار وارد مدار نزولی شد و با افت ۳،۵ درصدی، عایدی ۶ ماهه سهام داران به طور متوسط ۱،۵ درصد زیان بود.

این افت شاخص آن هم درحالی که توافق اولیه هسته ای بین ایران و ۵+۱ به امضا

حافظ رقم زد.

در مجموع این که در نیمه اول سالی که پشت سر گذاشتیم، بیش از ۶۸ میلیارد و ۸۹۰ میلیون سهم به ارزش بیش از هزار و ۱۳۹ میلیارد ریال در ۵ میلیون و ۹۳۰ هزار دفعه معامله شدند. بر این اساس هم می توان گفت حجم معاملات در نیمه ابتدای سال جاری نسبت به بازه زمانی مشابه در سال گذشته حدود ۲۰ درصد رشد داشته. اما ارزش معاملات افت ۲۱ درصدی را ثبت کرده است.

نکته دیگر این که میزان مشارکت سهامداران حقیقی که در بازه زمانی مشابه در سال ۹۳ حدود ۴۹ درصد بود (خرید و فروش)، در سال جاری به ۵۵ درصد افزایش یافت. بررسی ها نشان می دهد که در چهار ماه ابتدای سال مشارکت حقیقی ها در معاملات بیشتر از معامله گران حقوقی بوده است. به عبارت دیگر حقیقی ها در روزهای سخت بازار بیشتر از حقوقی ها به بورس تهران وفادار بودند و ریسک بیشتری را برای ادامه حضور در این بازار پذیرفتند.

در این ۶ ماه پرماجرا شاخص بیشتر گروه های بورسی با روند منفی شاخص کل همراهی کردند. به طوری که از میان ۳۶ گروه فعال بورسی، ۱۳ صنعت با رشد شاخص مواجه شدند. در این میان، گروه های ساخت وسایل و دستگاه های ارتباطی، حمل و نقل و منسوجات بیشترین رشد شاخص را در نیمه اول سال ۹۴ به ثبت رساندند. از سوی دیگر گروه های لاستیک و پلاستیک، استخراج نفت و گاز و محصولات چوبی بیشترین زیان از ابتدای سال را در میان صنایع بورسی تجربه کردند.

نزول بورس در نیمه اول سال ۹۴ البته در حالی صورت گرفت که بازار پول با حفظ پیشتازی خود در پرداخت سود تضمین شده کماکان رقیب سرسخت بازار سرمایه در جذب سرمایه ها به شمار می رفت. این در حالی بود که از مدت ها پیش این بازار چشم امید خود را به وعده های دولت برای کاهش نرخ سود بانکی دوخته بود. اما واقعیت این بود که بانکی ها به این سادگی حاضر به عقب نشینی خود نبودند و حاضر نمی شدند که در میدان داغ رقابت، قافیه را به رقبای بازاند و قدرت خود را در جذب سرمایه از دست بدهند. در نهایت هم تعهد به بازنگری مستمر در نرخ سود بانکی عملاً راه به جایی نبرد. در سوی دیگر در بازارهای موازی دلار رشد ۲،۲ درصدی را به نام خود ثبت کرد، اما سکه با ۲،۹ درصد افت قیمت مواجه شد.

و تلاش کرد تمام ناکامی های نیمه اول سال خود را به سرعت جبران کند. در نتیجه همین تلاش هم شاخص که برای مدت ها در ارتفاع بین ۶۰ تا ۶۵ هزار بندبازی می کرد، ناگهان از میانه های کانال ۶۵ هزار واحد به پرواز درآمد و یک ماه نشده یعنی در دوم بهمن ماه از مرز ۷۸ هزار واحد گذشت، یعنی تقریباً ۱۳ هزار واحد رشد در کمتر از یک ماه.

اخبار آن چنان خوشحال کننده بود که محمد فطانت، رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار، اعلام کرد بازار سرمایه پس از اجرایی شدن جزئیات توافق هسته ای در دی ماه و برداشته شدن تحریم ها در مسیر خوبی به حرکت خود ادامه دهد. آمارها هم نشان می دهد که در دو ماه زمستان ۹۴، یعنی از آغاز دی ماه تا آخر بهمن ماه ۹۴ بیشتر از یک میلیون و ۱۴۳ هزار نفر در بازارهای سهام سرمایه گذاری کردند. در این دوره میانگین بازده سرمایه گذاری در تالار شیشه ای به ۲۵ درصد رسید.

به این ترتیب نزولی که از دی ماه ۹۲ سایه اش را در بازار سهام گسترده بود، دی ماه ۹۴ از این بازار رفت؛ روندی که باعث شد که در بازه زمانی دو ساله میانگین تعداد خریداران سهام در دو سال گذشته از سطح ۹۵۰ هزار نفر در هر ماه به ۱۸۰ هزار نفر برسد.

اما از دی ماه امسال ورق برگشت، به طوری که در دی ماه تعداد خریداران با صد درصد رشد به ۳۶۶ هزار نفر رسید و در بهمن ماه رقم تعداد خریداران سهام با ۱۲ درصد رشد از مرز ۷۷۷ هزار نفر عبور کرد. آمارهای بورس تهران هم چنین نشان می دهد که با رشد ۱۷،۵ درصدی بازده سرمایه گذاری در بورس در بهمن ماه امسال میانگین بازده سهامداران در طول ۱۱ ماه امسال به ۲۵ درصد رسید. البته نباید فراموش کنیم که بخش زیادی از بازده سرمایه گذاری کسب شده در بورس مربوط به دو ماه اخیر است.

بر اساس آمار رسمی، از ابتدای سال تا پایان بهمن ماه شاخص کل بورس تهران ۱۵ هزار و ۳۵۶ واحد رشد کرده که از این مقدار ۱۱ هزار و ۳۲۶ واحد آن مربوط به معاملات انجام شده در بهمن ماه است. در بهمن ماه امسال هم چنین حجم و ارزش روزانه معاملات به ترتیب ۱۲۶ و ۱۱۶ درصد رشد کرد. سرمایه گذاران در بهمن ماه گذشته ۵۰ میلیارد سهم را به ارزش ۱۰ هزار میلیارد تومان خریداری کردند که در طول دو سال گذشته بی سابقه بود.

اسفندی که منفی آغاز شد

با وجود رشد شتابان دو ماه اخیر، آخرین ماه سال برای بورس با احتیاط آغاز شد. به عبارت دیگر به نظر می رسد در آستانه انتخابات هفتم اسفند مجلس شورای اسلامی که فضای سیاسی کشور را برای چهار سال دیگر روشن تر خواهد کرد، بازار سرمایه ترجیح داده است که کمی ترمز کند و برای ادامه خرید و فروش های خود منتظر بماند. به این ترتیب همین احتیاط باعث شد با کاهش ارزش سهام شرکت ها و افزایش تقاضا برای فروش سهام، نگرانی های سهامداران برای روند آتی بورس بیش از پیش افزایش یابد.

البته در میان این نگرانی ها اتفاقات مثبتی هم رخ داد که در روزها و ماه های پیش رو می تواند سهامداران را دوباره بر سر ذوق بیاورد. از جمله این امیدواری ها هم می توان به کاهش نرخ سود بانکی به ۱۸ درصد و احتمال کاهش

آن تا ۱۶ درصد اشاره کرد.

خبر خوش دیگر هم افزایش اقبال برای خرید سهام شرکت های خودروساز بود که به دلیل انتشار برخی از اخبار در خصوص واگذاری دارایی ها و همکاری مشترک با شرکت های خارجی منتشر شد. بهر حال پرونده بورس تهران در سال ۹۴ در حالی بسته می شود که چانه زنی در

فرا بورس شگفتی ساز شد

البته در روزهای سردی که بورس در بهار و تابستان ۹۴ گذراند، فرا بورس به مراتب حال و روز بهتری داشت. به این ترتیب که با تلاش های صورت گرفته برای طراحی بازارهای جدید و تعریف ابزارهای مالی کارا توانست حجم سرمایه های ورودی به این بازار را افزایش دهد. بازار فرا بورس ایران بالاترین نرخ رشد خود را در خرداد به دست آورد و طی آن به ارزش معاملاتی ۴ هزار و ۸۱۴ میلیارد تومان دست یافت. این بازار در پایان شهریور نسبت به ابتدای سال با ۴۳ درصد رشد ارزش معاملاتی خود را به ۳ هزار و ۲۷۴ میلیارد تومان رساند.

نیمه دوم سال ورق برگشت

نیمه دوم ماراتن ۹۴ برای بورس تهران داستانی کاملاً متفاوت نوشت. به خصوص بعد از به پایان رسیدن سه

ماه پاییزی تقریباً بلاتکلیف که همه منتظر خبرهای جدید بودند و سهامداران هم ترجیح می دادند صدور دستورهای خرید و فروش جدیدشان را بعد از اعلام تاریخ قطعی اجرای برجام موکول کنند.

به این ترتیب از ۲۷ دی ماه که طرفین مذاکرات هسته ای رسماً خبر از اجرای برجام و لغو تحریم ها دادند، شاخص بورس ناگهان روی سکوی پرتاب قرار گرفت

نزول بورس در نیمه اول سال ۹۴ البته در حالی صورت گرفت که بازار پول با حفظ پیشتازی خود در پرداخت سود تضمین شده کماکان رقیب سرسخت بازار سرمایه در جذب سرمایه ها به شمار می رفت. این در حالی بود که از مدت ها پیش این بازار چشم امید خود را به وعده های دولت برای کاهش نرخ سود بانکی دوخته بود

ادامه در صفحه ۲۵



نقش «تشکل‌های سرمایه‌گذاری» در توسعه ایران

در دهه‌های گذشته و بیشتر از هر زمان دیگری طی سال‌های گذشته بر قطر زیرساخت‌های معیوب اقتصادی افزوده است، اما باید این پرسش را مطرح کنیم که غیردولتی‌های بزرگ تا چه حد سعی کرده‌اند که از قطر این زیرساخت‌های معیوب کم کنند. مشکل این‌جاست که در اقتصاد ایران و در روند توسعه ایرانی، رفتار دولتی مترادف است با رفتار، اندیشه و اخلاق نفتی که شکل و شمایل و مختصات این مولفه‌ها امروز برای همه آشکار است. به عبارتی وقتی گفته می‌شود اقتصاد دولتی، تصویر نوعی از کارآمدی‌های تکراری و ناکارآمدی‌های همیشگی در مقابل چشم ظاهر می‌شوند که کمک می‌کنند تا درکی از معنای وابستگی اقتصاد به دولت و رفتارها و اخلاق‌های نفتی در ذهن شکل بگیرد. اما این رفتار یا این تعریف فقط مختص ارگان‌ها، سازمان‌ها و پرسنل اجرایی دولت نیست، بلکه می‌شود گفت کلیتی از اقتصاد، شامل گروه‌ها و نهادهای خصوصی نیز در جهت این تعریف یا برداشت ذهنی از اقتصاد دولتی شکل گرفته‌اند. به عبارتی معنای اقتصاد دولتی تنها

سال‌ها می‌شود که در ارزیابی چرایی عقب‌ماندگی توسعه در ایران یا آفت‌هایی که طی چند سال گذشته به جان اقتصاد ایران افتاده است، کارشناسان و تحلیل‌گران زیادی نقش ویژه‌ای برای نهاد دولت قائل هستند. این‌که اقتصاد دولتی ریشه همه ناکامی‌های ما در پیشرفت اقتصادی است، در واقع یک نظریه قدیمی و جاافتاده است، اما آیا تنها باید دولت و رفتارهای دولتی را مقصر بدانیم؟ واقعیت آن است که دولتی بودن اقتصاد و توسعه در ایران گرفتاری‌های زیادی را در طول تاریخ به وجود آورده است. نمی‌توان این واقعیت را نادیده گرفت که اقتصاد ایرانی به‌خاطر دولتی بودن ضربه‌های مهلکی را متحمل شده است، ولی در کنار این واقعیت حتما باید به این نکته نیز اندیشه کنیم که درست به موازات این پدیده، مخصوصاً طی سال‌های گذشته، فعالان خصوصی اقتصاد، تولیدکنندگان، بازرگانان و سرمایه‌گذاران نیز به گونه‌ای کاملاً متفاوت از هم‌نوعان و هم‌نسلان خود در کشورهای توسعه‌یافته عمل کرده‌اند. اقتصاد ایران به دلیل کدخدانمنشی‌های دولت

مورد بودجه سال آینده بعد از پایان انتخابات مجلس دوباره آغاز شده و خروجی نهایی این تلاش، افق پیش روی اقتصاد را روشن خواهد کرد و قطعاً فعالان اقتصادی از جمله مشتریان بورس تهران تصمیم‌های آینده خود را برای سرمایه‌گذاری بر اساس همین قانون اتخاذ خواهند کرد.

طالع بینی سال ۹۵

در این میان کارشناسان و حرفه‌ای‌های بورس معتقدند با توجه به این‌که وزیر اقتصاد از رشد اقتصادی پنج تا شش درصدی طی سال آینده خبر داده، که این امر با رشد سودآوری شرکت‌ها، جذب سرمایه‌گذاران خارجی و اعمال آثار مثبت ناشی از اجرای تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهای بر وضعیت سودآوری شرکت‌ها ناشی می‌شود، بازار سرمایه کماکان بهترین مکان برای جذب نقدینگی و اعطای بازدهی مثبت به سرمایه‌گذاران در سال آینده خواهد بود.

در این خصوص کیوان شیخی، رئیس مرکز آمار و اطلاعات شرکت بورس اوراق بهادار، معتقد است که افت شدید قیمت سهام باعث شده تا جذابیت خرید سهام در بازار سرمایه افزایش یابد. چون همه اهالی بازار معتقد بودند آینده شرکت‌های بورسی بسیار خیره‌کننده است و شکی در اعلام سودهای مناسب در بودجه سال‌های ۹۵ و ۹۶ این شرکت‌ها وجود ندارد. از طرفی دولت برنامه‌ریزی کرده است نقدینگی را از بازارهایی که باعث ایجاد تورم می‌شود، به سمت تولید و بازار سرمایه هدایت کند.

او با بیان این‌که دولت در اقدام اول با کاهش نرخ سود بین بانکی و سپس وعده کاهش نرخ سود سپرده‌های بانکی این اعتماد را برای رونق بازار سرمایه ایجاد کرد، افزود: اگر تورم کاهش یابد اما از طرفی نرخ سود بانکی کاهش نیابد، برای اقتصاد ایران مخرب خواهد بود، چراکه تولیدکننده را راغب به سپرده‌گذاری در بانک‌ها با نرخ سود ترجیحی خواهد کرد که در نهایت باعث انجماد نقدینگی در بانک‌ها و موسسات اعتباری می‌شود و این خطر بزرگی است. بنابراین دولت قول داد که این موضوع را تصحیح کند تا سرمایه‌ها با نقدینگی‌هایی که می‌خواهد به‌طور متورم‌شده در بانک‌ها برود، به سمت تولید حرکت کند و اشتغال و امید به رونق افزایش یابد. مجموعه این عوامل باعث می‌شود تا با ایجاد ثبات در بازار سرمایه، فروش و سودآوری شرکت‌ها رو به بالا باشد که در بلندمدت می‌تواند آثار مثبتی بر بازار سرمایه بگذارد.

این در حالی است که به گفته حسن قالیباف اصل، امیدواری به آینده بورس خارجی‌های بیشتری را هم به این بازار کشانده، به نحوی که از ۱۰ روز قبل از برجام تا ۱۰ روز بعد از برجام آمارهای معاملات خارجی‌ها تفاوت کرده و از ۵۰ میلیارد ریال خرید به ۵۰۰ میلیارد ریال خرید رسیده و تنها در این ۲۰ روز افزایش ۱۰ برابری در تردد سرمایه‌گذاران خارجی به چشم می‌خورد.

به گفته او شرکت‌های زیادی هم در حال پذیرش در بورس تهران هستند و با ورود این شرکت‌ها حجم بازار رشد می‌کند. نکته دیگر این‌که با توجه به بودجه سال ۹۵ و تخصیص حدود ۴۰۰ هزار میلیارد ریال برای بازپرداخت بدهی‌های دولت شاهد توسعه ابزار بدهی خواهیم بود و پذیرش این ابزار سبب گسترش بورس خواهد شد.

وابستگی اقتصاد به شکل عینی و وجود خارجی دولت نیست، بلکه این واژه در ذات و روح خود نوعی ناکارآمدی را نمایندگی می‌کند که حتی بسیاری از خصوصی‌ها نیز به آن مبتلا هستند. منتها چون در ایران زیرساخت‌های اقتصادی و همچنین شکل گرفتن بوروکراسی دست‌وپاگیر، به‌طور مستقیم ناشی از فعالیت دولت‌ها طی سالیان گذشته است، بخش خصوصی نیز عادت کرده است تا تنبلی مفرط خود را زیر سایه ناکارآمدی موجود در بدنه اقتصاد وابسته به نهاد دولت مخفی کند. در کشورهای توسعه‌یافته، بخش خصوصی بیشتر از آن‌که بخواهد یک گروه مردمی و فعال در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی باشد، یک فرهنگ را نمایندگی می‌کند که شناسه آن عدم نیاز به دولت در پیشبرد اهداف توسعه‌ای خود و جامعه است. در این کشورها به‌سختی می‌توان دست‌درازی را دید که سوی دولت کش آمده است، یا همه در انتظار نشستند تا دولت تکانی به خود بدهد که به واسطه آن شاید آن‌ها نیز تکانی بخورند. بخش خصوصی به معنای دیگر، فرهنگ تلاش و دوری از فساد است. چیزی که شاید در اقتصاد ایرانی برای خیلی از گروه‌های غیردولتی اقتصاد درکی ملموس از آن وجود ندارد. ظاهراً این‌جا همه پذیرفته‌اند که راه موفقیت شنا کردن در مسیر آب است. عینیت این ماجرا نیز فقدان انسجام همیشگی در میان بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران داخلی اقتصاد است. ما بعد از این همه سال که از اقتصاد دولتی نالیده‌ایم و راه برون‌رفت از معضلات اقتصادی را در دور شدن از دولت تحلیل کرده‌ایم، هنوز با تشکلهای اقتصادی برای تولیدکنندگان یا ان‌جی‌اوه‌های سرمایه‌گذاران داخلی بیگانه‌ایم. واقعا چرا با این همه مشکلات ریز و درشتی که در توسعه کشور و در صدر اقتصاد ایران وجود دارد، تولیدکنندگان و شرکت‌های سرمایه‌گذاری هنوز تشکل منسجمی ندارند که مانند یک رکن دموکراتیک در مقابل اقتصاد دولتی از اقتصاد ملی و توسعه برتر برای نسل آینده دفاع کند. این دفاع درواقع ترویج فرهنگ درست اندیشیدن و دور شدن از بسط و ترویج اخلاق نفتی است. باور کنیم زمان بسیار تنگ است. توسعه‌یافته‌ها تقریباً با سرعت نور پازل توسعه خود را دائم تکمیل و به‌روز می‌کنند. گروهی از کشورهای در حال توسعه نیز بر همین اساس سعی می‌کنند بدون عقلانیت قدم از قدم بردارند. آن وقت ایران با آن همه پتانسیل‌های طبیعی و غیرطبیعی هنوز درگیر اقتصاد دولتی است. غافل از این‌که برخی خصایل فرهنگی اقتصاد دولتی، یقه بخش خصوصی را نیز گرفته است. خیلی جالب است که معترضان اقتصاد دولتی یا نولیبرال‌هایی که از اقتصاد دولتی به ستوه آمده‌اند، خود طی سالیان گذشته همواره از بزرگ‌ترین شرکای دولت در گرفتن پروژه‌های اقتصادی بوده‌اند. این تضاد خود نشان می‌دهد که ظاهراً باور و فرهنگ اقتصاد دولتی در خون همه گروه‌های اقتصادی دویده است. گویی به نوعی همه کارمند دولت هستند. به تشکلهای اقتصادی نگاه کنید، از اتاق بازرگانی که پارلمان بخش خصوصی است تا تشکلهای رسمی کارگری و کارفرمایی، تقریباً آدم‌های زیادی از آن‌ها یا زمانی کارمند دولت بوده‌اند، یا امروز به‌طور رسمی دولت‌ها و برنامه‌های آن‌ها را نمایندگی می‌کنند. پس باید باور کنیم که گروه‌های موجود بسی بزرگ‌تر از آن چیزی است که ما گمان می‌بریم. فرهنگ نفتی اقتصاد دولتی امروز دیگر فقط به سیاست‌ها و برنامه‌های دولت در اقتصاد مربوط نمی‌شود، بلکه گروه‌های خصوصی نیز موجود هستند که با اخلاق و رفتار نفتی به گونه‌ای، منش و روشی دولتی دارند. اگر این‌گونه نبود، اکنون تشکلهای غیردولتی اقتصادی و تشکلهای منسجم بنگاه‌های سرمایه‌گذاری، در سطحی شکل گرفته بودند که بتوانند به گونه‌ای مدنی و به‌عنوان یک صدا یا یک کرسی از ناهنجاری هر چه بیشتر شاخص‌های توسعه جلوگیری کنند. این کرسی در دولت معنایش غوطه‌ور شدن در اقتصاد دولت نیست، بلکه تشکلهای و ان‌جی‌اوه‌های مورد نظر از آن‌جا که مردم را نمایندگی می‌کنند، برای پیشبرد تصمیم‌سازی‌ها باید بتوانند دولت‌های نفتی را نیز تحت‌تأثیر قرار دهند. ای کاش تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران به این پیشنهاد و راهبرد جدی اندیشه می‌کردند. راه‌اندازی تشکلهای اقتصادی یا ان‌جی‌اوه‌های تولید و سرمایه‌گذاری، نیاز به اقتصاد مولد را به بطن جامعه می‌برد و این می‌تواند شروعی مدنی برای یک تغییر بزرگ در فکر، ایده، اندیشه و باورهای نفتی باشد.

تحلیل فضای پیش روی اقتصاد ایران
در گفت‌وگو با دکتر نادر هوشمندیار

روزهای خوب اقتصاد درو راه است



سال ۹۴ به پایان رسید و هنوز حرف و حدیث‌ها، یا به معنای دقیق‌تر جدل‌ها در مورد اقتصاد ایران تا حد بسیار زیادی پا برج مانده‌اند. به نحوی که گروهی بر این باورند در دو سال گذشته اقتصاد ایران کارآمدی خوبی را تجربه کرده است و گروهی دیگر نیز می‌گویند که در این مدت کارآمدی مطلوبی در اقتصاد کشور شکل نگرفته است. البته دولت یازدهم با اقدام بزرگی به نام رفع معضل تحریم‌های تحمیلی و باز کردن گره‌های دیپلماسی یک برگ برنده تاریخی در اختیار دارد. اما با این وجود، بگو مگوها در مورد اقتصاد کشور همچنان وجود دارند. در این میان اما بخش خصوصی و فعالان اقتصادی و همچنین هسته‌های سرمایه‌گذاری چشم‌انتظار برطرف شدن حاشیه‌های بعضی سیاسی و غیراقتصادی از متن اقتصاد کشور هستند تا بتوانند با خیالی آسوده و در محیطی بهینه به فعالیت بپردازند. ما این فضا را در گفت‌وگو با دکتر نادر هوشمندیار، استاد دانشگاه، تحلیل‌گر نظریه‌های توسعه و نویسنده مطبوعات و رسانه‌های رسمی کشور، ارزیابی و کنکاش کردیم. نادر هوشمندیار دکترای اقتصاد سیاسی و همچنین دکترای مدیریت و بهره‌وری دارد و فارغ‌التحصیل انگلستان است. او دل‌پری از سیاسی‌کاری در فضای حاکم بر توسعه کشور دارد و حتی قبل و بعد از مصاحبه نیز از شکل گرفتن منفعت‌طلبی‌های گسترده در حواشی اقتصاد با عنوان مکانیسم‌های اصلی فساد یاد می‌کرد. هوشمندیار معتقد است که حتی به صرف خروج از ناکارآمدی‌های مدیریتی در چند سال گذشته می‌شود گفت اتفاق مثبت و بزرگی برای اقتصاد رخ داده است. او به آینده امیدوار است و می‌گوید: «باید در انتظار روزهای خوبی برای شاخص‌ها باشیم.»



تحلیل اقتصاد کشور وجود دارد. این مسئله طبیعی است؟

بله، این مسئله طبیعی است. با قطعیت می‌گویم که این مسئله طبیعی است. برخی انتظار دارند که اقتصاد ایران اکنون شرایط عالی و پرنشاطی را تجربه کند، اما وقتی از آن‌ها پرسیده می‌شود که چگونه باید یک اقتصاد در مدت زمان بسیار کوتاهی به ایده‌آل‌های استاندارد نزدیک شود، با هزار اما و اگرهای سیاسی یا حرف و سخن‌های غیراقتصادی پاسخ می‌دهند. من دوباره همان جواب قبلی را تکرار می‌کنم؛ اقتصاد ما نسبت به گذشته نه‌چندان دور حال‌وهوای خیلی بهتری دارد، اما حتماً از شرایط مطلوب هم دور است. این عجیب نیست. عجیب آن است که هر کس به نوعی پی‌گیر شرایط ایده‌آل در مورد اقتصاد است. یکی به‌خاطر تعلق سیاسی که دارد می‌گوید چرا شرایط در اقتصاد ایران مطلوب نیست، یکی هم مثل شما به تعجب می‌پرسد که چرا مطلوب نیستیم، مگر دو و نیم سال نمی‌گذرد؟!

برای شروع بحث از حال‌وهوای این روزهای اقتصاد ایران سخن بگویید. به نظر شما می‌توان اکنون مدعی شد که اقتصاد ایران شرایط مطلوبی را تجربه می‌کند؟

این پرسش شما خیلی کلی مطرح شد. برای بررسی مشخصات کنونی اقتصاد ایران خیلی از عناصر و مولفه‌ها را باید مورد ارزیابی قرار داد. به‌طور خلاصه فقط می‌توان گفت که حال‌وهوای این روزهای اقتصاد ایران حتماً از دیروزهای نه‌چندان دورش بهتر است و البته صحیح‌تر آن است که بگویم نسبت به گذشته خیلی بهتر است. اما این‌که آیا شرایط مطلوبی را تجربه می‌کنیم، با قطعیت می‌شود گفت که خیر، این‌گونه نیست و فاصله زیادی با این شرایط داریم.

آقای دکتر، الان که با شما گفت‌وگو می‌کنیم، سال ۹۴ آخرین روزهای خود را سپری می‌کند. بیش از دو و نیم سال از تغییر مدیریت اجرایی کشور می‌گذرد و همچنان یک حالت دوگانه در

نگاه ما کاملا غیرسیاسی است. این پرسش را هم به این خاطر مطرح کردم تا بیشتر بدانم که چرا هنوز به‌طور شفاف نمی‌شود مختصات دقیقی در مورد اقتصاد کشور ارائه داد؟

وقتی کسی با تعجب از نبودن شرایط مطلوب سخن می‌گوید، چه فرقی می‌کند که چه خاستگاه و جایگاهی دارد. مهم وجود ذهنیت‌هایی پیرامون ارتقای شاخص‌های توسعه کشور است که به نظر می‌رسد مجهز به معیارهای مشخصی برای ارزیابی موقعیت اقتصاد ایران، گذشته آن و جغرافیای آینده آن نیست. اگر خوب به محیط کنش و واکنش‌های اقتصادی کشور در ۱۰ سال گذشته نگاه کنیم، به‌وضوح روشن است که چرا منحنی اقتصاد ما در فضای توسعه کشور معلق میان زمین و زمان است. اگر شرایط اقتصاد ایران امروز مطلوب بود، باید تعجب می‌کردیم. ما بین سال‌های ۸۴ تا ۹۲ بدترین روزهای اقتصادی ایران را در چند دهه گذشته تجربه کردیم. درست است که آن روزها به پایان رسیده و بازگشت به آن دوران دردی از توسعه کشور دوا نمی‌کند، اما به نظر من حتما باید سال‌های ۸۴ تا ۹۲ به لحاظ اتفاقاتی که در توسعه ایران رخ داد، آسیب‌شناسی شود. نتیجه این بازیابی در سطوح مختلفی از اقتصاد و مدیریت می‌تواند برای نسل امروز و آینده ایران درس‌های بزرگی به همراه آورد. اقتصاد ایران هنوز هم تاوان آن هشت سال را می‌دهد. چون ما درست در شرایطی گرفتار بدسلیقتی‌های مدیریتی شدید که توسعه‌یافته‌ها و بسیاری از کشورهایی که جویای توسعه هستند، با سرعت

زیادی در هر لحظه خواهان پیشرفت و رشد بودند. تصمیم‌سازی‌های مسئله‌ساز در آن هشت سال حتی اگر ۱۰۰ سال پیش نیز رخ می‌داد، پیامدهای منفی زیادی برای توسعه کشور به همراه می‌آورد. حالا شما در نظر بگیرید که ما درست در دنیایی که به مدرن‌ترین ابزارها برای توسعه مجهز شده است، هشت سال گرفتار سردرگمی در تصمیم‌سازی توسعه بودیم. در این سال‌ها بیش از ۷۰۰ میلیارد دلار نفت فروخته شده است. در نزدیک به ۴۰ سال گذشته کمی بیشتر

از یک‌هزار میلیارد دلار نفت به فروش رفته است که بیش از ۷۰۰ میلیارد دلار آن مربوط به آن هشت سال می‌شود. با این رقم می‌شد یک بار برای همیشه اقتصاد کشور را مولد کرد، به توسعه صنعتی نزدیک شد، بانک‌ها را سامان‌دهی کرد، بازار سرمایه را رونق داد و هزار گره کوچک و بزرگ را باز کرد. اما ببینید چه اتفاقی افتاد. نقدینگی غیرمولد از ۷۰ هزار میلیارد تومان در سال ۸۴ به بیش از ۶۰۰ هزار میلیارد تومان در سال ۹۱ رسید و آن وقت نزدیک ۶۹ درصد صنایع تعطیل شده، فقدان نقدینگی را دلیل تعطیل شدن خود معرفی کردند. طنزی از این محکم‌تر در تاریخ توسعه ایران سراغ دارید؟ نقدینگی نزدیک به ۱۰ برابر رشد کند، آن وقت ۷۰ درصد صنایع دلیل تعطیل شدنشان نبودن نقدینگی باشد! در این آشفته‌بازار و اوج درآمدهای نفتی وقتی هم کار دولت در سال ۹۲ به پایان می‌رسد، بعد از مدتی معلوم می‌شود که بدهی معوق بانکی از ۵ هزار میلیارد تومان به ۱۰۰ هزار میلیارد تومان نزدیک شده است و دولت ۳۵۰ هزار میلیارد تومان بدهی نیز فقط در قبال پیمان‌کاران بالا آورده است. این حجم

بدهی به پیمان‌کاران، یعنی افرادی که بدنه اجرایی سازندگی را بر عهده دارند، مشخص‌ترین علامت برای نشان دادن آن چیزی است که بر اقتصاد ایران رفته است. وقتی نتوانیم پول پیمان‌کاران را بدهیم، در واقع پذیرای رکود فعالیت و

سازندگی شده‌ایم؛ همین اتفاقی که شکل گرفته است. حالا دولتی از راه رسیده است و سال ۹۲ این وضعیت قرمز را تحویل گرفته است. آیا می‌شود از مسئولان این دولت به اشکالی که این روزها می‌بینیم، انتظار داشت که همه چیز را در این فرصت کوتاه مطلوب کرده باشند؟

آقای دکتر، به‌هرحال باید بر این شرایط غلبه کرد. نمی‌شود چون آن سابقه پشت دولت و برنامه‌های اقتصادی وجود دارد، هر نوع اقدامی را پذیرفت. این مسئله را همه باید گوشزد کنند تا در سال آینده تصمیم‌سازی‌ها هر چه بهتر و بیشتر عقلانی باشند. آیا غیر از این است؟

درست است. نمی‌توان هر اقدامی را پذیرفت و نباید هم این‌گونه باشد. اما این فرق می‌کند با این‌که به شکلی غیرآگاهانه یقه برنامه‌سازان اقتصادی را بگیریم که چرا در دو و نیم سال گذشته همه چیز مطلوب نشده است. بدترین اتفاقی که باعث شد تا آن هشت سال توسعه ایران به خط قرمز برسد، سیاسی‌کاری در فضای اقتصاد بود. همان سیاسی‌کاری امروز به شکل دیگری اجرا می‌شود. برخی افرادی که در آن هشت سال سکوت کرده بودند و هیچ موضع‌گیری قابل‌تأملی در برابر ناکارآمدی شدید مدیریتی و بر باد رفتن منابع نداشتند، اکنون با صدایی بسیار بلند اعتراض می‌کنند که وضع اقتصاد خوب نیست و عقلانی با گره‌های آن برخورد نمی‌شود. شاید در مواردی هم این‌گونه باشد، یعنی بتوان مدعی شد که عقلانی برخورد نمی‌شود، اما حتما روند در شرایط فعلی هر چه هست، جهت و هدفی اصلاح‌گونه برای توسعه دارد و این نقطه تفاوت آن با گذشته است. من به‌عنوان یک معلم و سنجش‌گر توسعه هیچ پیمان اخوتی با دولت ندارم، منتها بر این باورم که اگر واقع‌بین باشیم، نمی‌توانیم این نکته را نادیده بگیریم که دولت فعلی به لحاظ آن‌که دولت را در بدترین شرایط تحویل گرفته، متفاوت‌ترین دولت در چند دهه گذشته است. تعارف که نداریم. اقتصاد عرصه علم است نه لفاظی‌های بیهوده. پس باید واقعیت‌ها را بدون تعارف گفت تا به راهبردی پویا برسند. واقعیت آن است که این دولت یک ویرانه‌ای از توسعه را تحویل گرفت. ویرانه را تحویل هر کس بدهی، کارش بسیار سخت و طاقت‌فرسا خواهد بود و باید با سعه صدر و حوصله کمک کرد تا آجر آجر بنای جدید دوباره بالا رود و به یک تکیه‌گاه تبدیل شود. اما متأسفانه این‌گونه نیست. به جای آن‌که به‌خاطر توسعه و برای توسعه همه دست به دست هم بدهند تا ویرانه‌های گذشته دوباره آباد شوند، سنگ‌اندازی‌های ریز و درشت برای دستیابی به اهداف گروهی را شاهدیم که هر روز نیز بیشتر می‌شوند. ما اگر خواهان پیشرفت

و رسیدن به سطح استاندارد توان رقابت هستیم، باید به این دانش و درک برسیم که فقدان توسعه می‌تواند برای همه زیان‌بار باشد. یعنی جناح اقتدار و غیراقتدار ندارد. سیاسی‌کاری در عرصه اقتصاد شاید منفعت آتی داشته باشد، اما باعث گسترش مکانیسم فساد می‌شود. این برای همه خطرناک است. چپ و راست ندارد. همه مسافر کشتی توسعه هستیم.

به ابتدای گفت‌وگو برگردیم. صحبت ما با سنجش موقعیت کنونی اقتصاد کشور آغاز شد. فارغ از این بحث‌ها به نظر شما تحلیل دقیق موقعیت کنونی اقتصاد ایران چگونه است؟ یا به عبارتی ما با چه شرایطی سال ۹۵ را آغاز می‌کنیم؟

بگذارید خیلی شفاف به شما پاسخ بدهم که برای اقتصاد ایران با توجه به آن‌چه بود یا آن‌چه شده بود، موقعیت مناسبی به وجود آمد. دوباره اشاره می‌کنم که اگر دست‌اندازهای سیاسی و برخی منفعت‌طلبی‌های گروهی نبود، حتما الان شرایط بهتر از این بود، یا می‌توانست آینده‌ای به مراتب بهتر در سال ۹۵ داشته باشد. با همه این‌ها من چون جزو افرادی هستم که خوش‌بینم، معتقدم مسیری را که آمدیم، شاید مطابق با داشته‌ها و توانایی‌هایمان نبود، یا می‌شود با انتقاد از نحوه حرکت

بدترین اتفاقی که باعث شد تا آن هشت سال توسعه ایران به خط قرمز برسند، سیاسی‌کاری در فضای اقتصاد بود. همان سیاسی‌کاری امروز به شکل دیگری اجرا می‌شود. برخی افرادی که در آن هشت سال سکوت کرده بودند و هیچ موضع‌گیری قابل‌تأملی در برابر ناکارآمدی شدید مدیریتی و بر باد رفتن منابع نداشتند، اکنون با صدایی بسیار بلند اعتراض می‌کنند که وضع اقتصاد خوب نیست و عقلانی با گره‌های آن برخورد نمی‌شود

۹۵ رویکردی جدی که از سوی سرمایه‌گذاران خارجی به اقتصاد ایران شکل گرفته است، می‌تواند نتیجه بدهد. تا امروز گروه‌های اقتصادی بزرگی از فرانسه، آلمان، ایتالیا و برخی کشورهای مطرح دیگر به ایران آمده‌اند و تمایل داشته‌اند تا در فضای ایران به سرمایه‌گذاری مبادرت ورزند. در سال ۹۵ که برخی از این قراردادها اجرایی شود، در کنار آمدگی مطلوبی که از سوی گروه‌های سرمایه‌گذار داخلی شکل گرفته است، می‌توان امید داشت که آرام‌آرام رونق خودش را در توسعه ایرانی نشان بدهد. این مسئله پشتوانه بزرگی برای اقتصاد کشور و پیشرفت در سال ۹۵ محسوب می‌شود. به نظر من در سال آینده باید در انتظار روزهای خوبی برای شاخص‌ها باشیم و تنها چیزی که می‌تواند به این روند آسیب وارد کند، سهم‌خواهی‌های ضد توسعه است که باید امیدوار باشیم به حداقل برسند.

چه پیشنهادی برای هموارتر شدن مسیر بهبود اقتصادی دارید. یا به عبارتی، به نظر شما دولت با چه اقداماتی می‌تواند این روند را تسهیل کند؟

البته تنها دولت نیست که باید برای تسهیل این روند تلاش کند. مردم و به معنای دقیق‌تر جامعه نیز باید برای نزدیک شدن به نقطه مطلوب تلاش کنند. اگر این درک که ما به توسعه نیاز داریم و برای رقابت در دنیای متکی بر توسعه صنعتی نیاز به عقلانیت داریم، عمومیت یابد، خیلی از گره‌ها زودتر از آن‌که فکرش را بکنیم، باز می‌شوند. یکی از بزرگ‌ترین موانع ما برای توسعه انزوای سرمایه‌های اجتماعی است. سرمایه‌های اجتماعی را همه مردم می‌سازند و شکل می‌دهند. سرمایه‌های اجتماعی در تعاریف نوین حرف نخست را در توسعه می‌زنند. از این منظر دولت یک وظیفه میان‌مدت دارد و یک وظیفه کوتاه‌مدت. در میان‌مدت باید زمینه عمومی شدن درک نیاز به توسعه فراهم شود. در جهان امروز که کشورهای مطرح و برخی در حال توسعه‌ها با سرعت روی منحنی توسعه صعود می‌کنند، باید به لحاظ کمی، اهداف بلندمدت را در میان‌مدت جست‌وجو کرد. در کوتاه‌مدت نیز برنامه‌ریزان اقتصادی باید به لحاظ ابزاری زمینه توسعه و پیشرفت را مهیا سازند. به‌عنوان مثال بازگرداندن رونق پویا به بورس باید یکی از اهداف کوتاه‌مدت دولت برای میزبانی از رشدی باشد

که به واسطه بهبود دیپلماسی شکل خواهد گرفت. بی‌شک یکی از بزرگ‌ترین مشکلات اقتصاد ایران که بارها نیز آن را تجربه کرده‌ایم، فقدان بورس کارآمد و واگذاری نقش آن به بانک‌هاست. در صورتی که بورس باید جعبه تقسیم منابع مالی کشور به فعالیت‌های مولد باشد. اگر این اتفاق رخ ندهد، در محیط بانکی با آن گرایشی که به بنگاهداری غیرکارآمد وجود دارد، باز هم تولید باید عقب بماند و متحمل زیان‌های کوچک و بزرگ شود. اگر تا امروز نتوانسته‌ایم نقش واقعی و ماندگار بورس را به آن بازگردانیم و مسیر بنگاه‌های سرمایه‌گذاری را هموار کنیم، حالا دیگر چاره‌ای نداریم جز این‌که تولید و فعالیت‌های مولد را از دست‌وپای ناکارآمدی بانک‌ها بیرون بکشیم و آن‌ها را برای تغذیه به دست بورس بسپاریم. چون سرمایه‌گذاران خارجی نیز وقتی وارد کشور شوند، بر حسب تجربه ذاتی خود حتما نمی‌توانند بورسی ضعیف و محدود را بپذیرند. به‌عنوان راه‌کار من معتقدم که برنامه‌ریزان اقتصادی دولت، باید ترمیم بورس را به نحوی که بتواند نقش توزیع‌کننده منابع مالی میان بخش‌های مولد اقتصاد را ایفا کند، در اولویت فعالیت‌های اجرایی کوتاه‌مدت خود قرار دهند. البته برای مشخص شدن زوایای چنین راهبردهایی دولت باید هر چه زودتر اتاق فکری متشکل از بدنه اقتصاد، یعنی تولیدکنندگان، بنگاه‌های سرمایه‌گذاری و کارشناسان تشکیل بدهد و از مشورت آن‌ها در مسیر بهبود کسب‌وکار در اقتصاد ایران و شناخت ظرفیت‌ها و راه‌کارهای اجرایی مناسب برای تحقق این هدف استفاده کند.

دولت یازدهم سخن گفت. اما در مجموع اتفاق مثبتی برای اقتصاد ایران رخ داده است. همین که آن شرایط نامطلوب هشت ساله در مدیریت توسعه به پایان رسید، خودش یک قدم بزرگ است. در واقع بخشی از این مثبت‌اندیشی دخیلی به کارایی یا ناکارآمدی دولت فعلی ندارد، بلکه پایان دولت قبلی خودش یک مولفه برای بهتر شدن اوضاع به لحاظ روان‌شناسی توسعه محسوب می‌شود. اقتصاد ایران به شدت نیاز به امید و انگیزه داشت که اگر فرض را بر این بگذاریم که در دو و نیم سال گذشته گره‌های زیادی به وجود آمده است، همین یک نکته تزریق امید و انگیزه به اقتصاد کشور می‌تواند به تنهایی برگ برنده‌ای قابل ملاحظه باشد. شما هم حتما فراموش نکرده‌اید که چگونه تغییر شرایط اقتصاد و گسترش شدید فرهنگ نوکیسه‌گی و ظهور سرمایه‌داران جدید باعث شده بود تا همه اقشار اقتصادی از تولیدکنندگان تا بنگاه‌های سرمایه‌گذاری و از دلان بازارهای مختلف تا فعالان بازار سرمایه نوعی کرحتی و بی‌امیدی را مزمره کنند. در همین یک دهه گذشته معروف شده بود که همه می‌خواهند یک‌شبه پول‌دار شوند. آیا شما تا به حال دیده بودید که این‌گونه از همه اقشار و مشاغل آدم‌های متعددی پیدا شوند که در پیاده‌رو خیابان‌های معروف دلار و سکه خرید و فروش کنند؟ دلالتی داشت تبدیل به یک فرهنگ می‌شد. رقم ۲۲ میلیارد دلاری که بابت ارزهای بایگانی‌شده در پستوهای منازل ارائه شد، حیرت‌انگیز بود. بدترین اتفاق این بود که تولیدکنندگان در این چند سال آرزو می‌کردند که ای کاش واردکننده بودند. بورس که در هر کشور توسعه‌یافته یا رو به توسعه‌ای مطلوب‌ترین و قابل اعتمادترین بازار برای سرمایه‌گذاری شناخته می‌شود، در ایران از دور نظاره می‌کرد که مردم پول‌هایشان را به حلق بازارهای حاشیه‌ای می‌ریزند، اما به بورس نمی‌آورند. بانک‌ها هم برای آن‌که از این اوضاع جا نمانند، به بنگاه‌دارهای حرفه‌ای تبدیل شده بودند و هم‌چنان نیز گرفتار عوارض همان سبک و سیاق هستند. این فضا برای بسیاری از ناظران خاتمه امید به توسعه بود، اما یک‌مرتبه ورق برگشت و یک بار دیگر امید و انگیزه به اقتصاد ایران آمد. اگر بخواهیم جزئی‌تر در مورد شرایط حاکم بر اقتصاد ایران سخن بگوییم، به نظر من این شکل گرفتن امید می‌تواند نخستین

و مهم‌ترین مولفه‌ای باشد که باید از آن سخن گفت. کم چیزی نیست تزریق امید به اقتصادی که سرگروه‌های آن می‌خواهند بازنشسته شوند. برای سال ۹۵ هم که من احساس می‌کنم این امید بیشتر از هر وقت دیگری در دو سال گذشته خودش را نشان می‌دهد. بازار سرمایه تصویر و بترین اقتصاد است. وقتی در آن‌جا سرمایه‌گذاران کوچک و بزرگ نیرو گرفته‌اند و شادمان شده‌اند و می‌خواهند با جدیت وارد روند اصلاح منحنی‌های توسعه شوند، باید باور کرد که انگیزه‌های مطلوب شکل گرفته است که می‌تواند در سال ۹۵ نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد.

آقای دکتر، این امید اگر بخواهد آن‌طور که شما می‌گویید، کارساز باشد، باید به پشتوانه‌ای محکم تکیه کند. اگر بر این باورید که امیدواری موجود می‌تواند سال ۹۵ را به نقطه عطفی تبدیل کند، پشتوانه این حرکت را چگونه تحلیل می‌کنید؟

سال ۹۵ یک برگ برنده بزرگ دارد و آن هم بهبود فضای دیپلماسی کشور و به تبع آن بهبود فضای دیپلماسی اقتصادی است. هرچقدر نقد به رفتار دولت یازدهم داشته باشیم، انصافاً پیروزی آن‌ها در حوزه دیپلماسی و گفت‌وگوهای هسته‌ای می‌تواند قله افتخار محسوب شود. البته من بر این باورم که قبل از تحریم‌های تحمیلی یا بیشتر از تحریم‌های تحمیلی ناکارآمدی‌های مدیریتی آفت جان اقتصاد ما بودند. به‌هرحال هر چه بود، دولت یازدهم توانست در حوزه دیپلماسی تحریم‌های هسته‌ای را از جلوی پای پیشرفت بردارد. در سال

دو نگاه به اقتصاد ایران

ماه گذشته تقریباً همهٔ بنگاه‌های تحقیقاتی جهان ارقام امیدوارکننده‌ای در مورد آیندهٔ اقتصاد ایران ارائه دادند. صندوق بین‌المللی پول رشد اقتصادی ایران را در سال ۲۰۱۶ و فعل و انفعالات اقتصادی کشور در سال ۹۵ را تا پنج درصد پیش‌بینی کرده است. داده‌های بنگاه‌های جهانی به سرمایه‌گذاران کلان اقتصاد جهانی برای حرکت و ایجاد هسته‌های سرمایه‌گذاری جهت می‌دهند. این داده‌ها رویکرد بسیاری از سرمایه‌گذاران را به اقتصاد ایران شکل داده است. جدول زیر برداشت چهار بنگاه معتبر از تغییر شاخص‌های اقتصاد ایران طی سال ۲۰۱۶ را نشان می‌دهد. رشد اقتصادی در همهٔ این برداشتها از اقتصاد ایران در سال ۹۵ روندی صعودی از دو درصد تا شش درصد را تصریح می‌کند و سایر شاخص‌های تعیین‌کننده نیز روندی کاهنده دارند. این در حالی است که در سال ۹۴ رشد اقتصادی بر عکس سال ۹۳ متوقف شد و به یک درصد رسید. سرمایه‌گذاران داخلی می‌توانند با اتکا به این داده‌ها به تحلیل مشخصی از آیندهٔ اقتصادی کشور برسند.

۲- چند هفته پیش یکی از فعالان اقتصادی ایتالیا که همراه با هیئت تجاری ایتالیا به ایران آمده بود، به خبرنگاران گفت که بازار بکر ایران می‌تواند از چند جهت قابل اهمیت باشد. نخست این که سوده‌های هنگفتی در سایهٔ فعالیت در اقتصاد ایران نهفته است و از سوی دیگر می‌توان از ایران به‌زودی به‌عنوان کمر بند دسترسی به سایر بازارهای منطقه استفاده کرد؛ چیزی که به نظر می‌رسد هنوز آن‌طور که باید، در معادلات اقتصادی ایران به آن توجه نشده است. این روزها فعالان اقتصادی کشورهای دیگر با حساسیت فعل و انفعالات اقتصادی را در ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند. این که سرمایه‌گذاران خارجی در امیدواری نسبت به اقتصاد ایران، گروه زیادی از سرمایه‌گذاران داخلی را جا گذاشته‌اند و از آن‌ها سبقت گرفته‌اند، به احتمال زیاد مربوط به شرایط اجتماعی-سیاسی داخل کشور نیز می‌شود. در چند سال گذشته به نوعی سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی کشور در نسبت به دریافت حس خطر ناشی از فرازونشیب‌های موجود شرطی شده‌اند. در نخستین قدم، فعالان اقتصادی خود باید برای باز کردن گره‌ای که آن‌ها را گرفتار کرده است، تلاش کنند. تشکیل کمیته‌های مدنی بین گروه‌های تأثیرگذار اقتصادی نظیر بنگاه‌های سرمایه‌گذاری می‌تواند راهبردهای موثری برای غلبه بر ناهمواری‌های اقتصادی به وجود آورد. در دنیای امروز قرار گرفتن در کنار سرمایه‌گذاران حرفه‌ای کشورهای توسعه‌یافته نیز نیاز به قابلیت‌هایی دارد که گروه‌های اقتصادی در تعامل با یکدیگر آن‌ها را بر طرف می‌سازند. کمیته فعالان اقتصادی در حوزه‌های متفاوت امری جالفتاده در برخی از کشورهای توسعه‌یافته است. تشکل‌های تولیدکنندگان و نهادهای غیردولتی سرمایه‌گذاران در برطرف کردن موانع اقتصادی بسیار جلوتر از دولت حرکت می‌کنند. در شرایط فعلی که بنگاه‌های توسعه‌یافته با دقت نظری که دارند، وضع حاکم بر اقتصاد ایران را سفید ارزیابی کرده‌اند و برای رسیدن به بازار ایران عجله دارند، سرمایه‌گذاران داخلی می‌توانند با سامان‌دهی تشکل‌های مختلف، حضور موثر و انسجام‌یافته در آیندهٔ اقتصاد ایران را تجربه کنند.

۱- سال ۹۴ بدون شک یکی از پرکارترین سال‌ها برای رسانه‌های معتبر جهانی در سخن گفتن از ایران بود. شاید تا به حال سابقه نداشتی است که در طول یک سال تا به این حد رسانه‌ها در مورد ایران گزارش تهیه کنند، یا خبرهای جدید روی تلکس خود بفرستند. نقطه عطف این همه خبر و اظهار نظر هم در این امر نهفته است که تقریباً تمام این مطالب با رویکردی مثبت و ارائهٔ خبرهای خوب همراه بوده است. پیش از این رسانه‌های جهانی عادت کرده بودند که نام ایران را با خبرها و اظهار نظرهای نه‌چندان مطلوب همراه کنند. هر چند که بسیاری از این رویکردها طی سال‌های قبل نتیجهٔ سنگ‌اندازی‌ها و موضع‌گیری‌های غیرواقعی برخی کشورها و نحوهٔ تعامل ناکارآمد برخی دستگاه‌های اجرایی با جهان بود. اما این وضعیت با گسترش تحریم‌ها توانسته بود اقتصاد ایران را در حاشیه قرار دهد. در مقابل این رویکرد، در سال ۹۴ تا حد زیادی به کلی ورق برگشت، به نحوی که بسیاری از کشورها با تکیه بر ذهنیتی جدید تمایل خود را برای ایستادن در کنار توسعهٔ ایران اعلام کردند. همین مسئله در داخل کشور نیز خواست عمومی را در میان فعالان اقتصادی برای تصحیح سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و کوتاه کردن مسیر دست‌یابی به توسعه افزایش داد. این روزها همهٔ اهالی اقتصاد کشور با جدیت نحوهٔ برنامه‌ریزی‌های اقتصادی دولت را پی‌گیری می‌کنند و با امید روزهایی هستند که وزن اقتصاد کشور به نقطهٔ مطلوب برسد. دولت نیز در یک سال گذشته سعی کرده است با ارائهٔ برنامه‌هایی عبور از بن‌بست‌های اقتصادی را ممکن کند. البته به دلیل تراکم گرفتاری‌های موجود و فشرده شدن آن‌ها طی چند سال گذشته به نظر می‌رسد هنوز اتفاق خاصی در تعدیل فضای کسب‌وکار رخ نداده است. این چیزی است که فعالان اقتصادی به آن اشاره می‌کنند. در آخرین روزهای سال با طراحی پرسشی کوتاه و در میان گذاشتن آن با ۵۰ فعال اقتصادی، این نتیجه به دست آمد که بیش از ۳۵ تن از آن‌ها با قاطعیت رکود را بزرگ‌ترین مشکل اقتصاد کشور معرفی کردند. سایر فعالان این دایره نیز با اشاره به پدیده‌هایی نظیر بوروکراسی اداری و کاستی‌ها در نهادهایی نظیر گمرک به این مسئله اشاره کردند که در اقتصاد ایران بزرگ‌ترین معضل، فقدان امکان برای فعالیت چابک و سالم در حیطهٔ اقتصاد است، اما در نهایت آن‌ها نیز در تحلیل‌های خود به رکود می‌رسیدند که مانع عمده بر سر راه رشد اقتصادی کشور به شمار می‌رود. این در حالی است که دولت سال ۹۴ را با برنامه‌ها و بسته‌های ویژهٔ خود برای خروج از رکود آغاز کرد، ولی اکنون در انتهای سال به باور فعالان اقتصادی، اصلی‌ترین ناهمواری در پیشبرد اهداف اقتصاد همین رکود است. در مقابل برنامه‌ریزان اقتصادی دولت بر این باورند که سال ۹۵ نتیجهٔ پیروزی‌های دیپلماسی ایران خودش را نشان می‌دهد و رکود، سایهٔ خود را از روی سر اقتصاد کشور کوتاه می‌کند. این نکته تنها روزنهٔ امید فعالان اقتصادی در سال ۹۵ محسوب می‌شود، با این ضمیمه که دولت باید امکان مرادده بخش خصوصی را با سرمایه‌گذاران خارجی فراهم کند تا کل مردم از تغییر فضای اقتصاد کشور و بهبود سرمایه‌گذاری‌ها بهره ببرند. در این میان کشورهای توسعه‌یافته با رویکرد متفاوتی به ارزیابی اقتصاد ایران می‌پردازند. در چند

نوآوری در

گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی

مقاله

جدول ۱ - یخشی از گزارش شاخص نوآوری جهانی در سال ۲۰۱۵

| Country/Economy | Score (0-100) | Rank |
|---------------------------|---------------|------|
| Switzerland | 68.30 | 1 |
| United Kingdom | 62.42 | 2 |
| Sweden | 62.40 | 3 |
| Netherlands | 61.58 | 4 |
| United States of America | 60.10 | 5 |
| Finland | 59.97 | 6 |
| Singapore | 59.36 | 7 |
| Ireland | 59.13 | 8 |
| Luxembourg | 59.02 | 9 |
| Denmark | 57.70 | 10 |
| Iran, Islamic Republic of | 28.37 | 106 |

دکتر اصغر ابن‌الرسول (۱)، دکتر شهرام قبادی (۲)
(معاونت طرح و برنامه شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی)

چکیده

ثروت‌آفرینی پایدار برای نسل‌ها مستلزم خلاقیت (۳) و نوآوری (۴) در فرایندهای گروه خوارزمی است. یکی از مهم‌ترین اقداماتی که شرکت‌های مادر تخصصی برتر به منظور گسترش خلاقیت و نوآوری انجام می‌دهند، تحریک نوآوری در شرکت‌های زیرمجموعه و توسعه فعالیت‌های نوآورانه و در نهایت تشویق شرکت‌های پیش‌رو در مقوله نوآوری است. این مقاله به نوآوری به‌عنوان یک دیدگاه استراتژیک می‌نگرد که برای سازمان مزیت رقابتی به ارمغان می‌آورد. در این مقاله به خطوط راهنما جهت شناسایی، تنظیم و تدوین استراتژی نوآوری در گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی پرداخته می‌شود، با این هدف که تمهیداتی لازم برای شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی جهت تحقق نوآوری، نهادینه‌سازی فرهنگ خلاقیت و نوآوری، توسعه رویه‌ها و رویکردهای ارتقای نوآوری و نیز ابزارهای پایش سطح حصول نوآوری در شرکت‌های گروه فراهم گردد.

کلیدواژه: نوآوری، شرکت مادر، مدل کانو، سرمایه‌های فکری، ایده

۱. مقدمه

ما اکنون در عصری قرار داریم که مهم‌ترین ویژگی آن عدم اطمینان، پیچیدگی، جهانی‌سازی و تغییرات فرایند تکنولوژیک است. سیر تحولات دنیا، ما و سازمان‌های ما را به نقطه‌ای کشانده است که بی‌تردید بدون نوآوری نه تنها نمی‌توانیم به هدف‌های خود برسیم، بلکه ماهیت حیات و بقایمان را نیز زیر سوال خواهد برد. موفقیت سازمانی تحت این شرایط، تغییر در فعالیت‌های سازمانی و به‌ویژه رهبری و اداره سازمان را ضروری می‌سازد. ابتکار، خلاقیت و توانایی حل مسئله و نوآوری از مهارت‌های کلیدی این دوره به شمار می‌روند. سازمان موفق سازمانی است که همیشه چند قدم فراتر از انتظار مشتریان خود گام بردارد و حتی نیازهای آینده آنان را پیش‌بینی و تعریف کند و به مرحله اجرا درآورد. بنابراین اگر سازمانی بخواهد بقا داشته باشد، به‌طور قطع لازم است با تکنولوژی و فناوری روز هماهنگ بوده و حتی برای بقا در بازار رقابتی لازم است علاوه بر بهبود مستمر کیفیت خدمات و محصولات خود به ایجاد کیفیت جدید نیز اندیشیده و برای کسب رضایت مشتریان کنونی و جلب مشتریان جدید حتی ابعاد جدیدی به کیفیت خود بیفزاید. که اگر چنین نکند، نه تنها مشتریان رضایت نخواهند داشت، بلکه ناراضی هم خواهند ماند. با مقایسه وضعیت نوآوری با سایر کشورها مشاهده می‌کنیم که در زمینه نوآوری در سطح ملی عقب‌تر از سایرین هستیم. با استفاده از گزارش شاخص نوآوری جهانی که هر ساله به صورت مشترک از سوی سازمان بین‌المللی مالکیت معنوی (۵)، دانشکده جهانی کسب‌وکار (۶) و دانشکده مدیریت ساموئل جانسون دانشگاه کورنل (۷) منتشر می‌شود (جدول ۱)، مشاهده شد که جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با سایر کشورها در بررسی وضعیت کلی از نظر نوآوری، در سال ۲۰۱۳ دارای رتبه ۱۱۱۳ از بین ۱۴۲ کشور و در سال ۲۰۱۵ دارای رتبه ۱۰۶ از بین ۱۴۱ کشور در زمینه نوآوری است. گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی با ارائه برنامه هفت ساله استراتژیک خود درصدد است استراتژی نوآوری در تولید محصولات نوین و ارائه خدمات جدید را عملیاتی کند تا دورنمای ترسیم‌شده آن در سال ۱۳۹۹ محقق شود.

۲. نوآوری

نوآوری، فرایند ترجمه یک ایده یا اختراع یک کالا یا خدمت است که باعث ایجاد ارزش خواهد شد. برای این‌که ایده‌های نوآوری نامیده شود، باید در هزینه مقرون به صرفه قابل تکرار باشد و بتواند نیاز خاصی را برآورده کند. نوآوری شامل کاربرد عمدی اطلاعات، تخیل و ابتکار در استخراج ارزش بیشتر یا متفاوت از منابع است و شامل تمام فرایندهایی می‌شود که توسط آن ایده‌های جدید تولید شده و تبدیل به محصولات مفید می‌گردند. ابتکار یک فرایند و یک شیوه نوین نگرش است. فرایند ذهنی کشف ایده‌ها و مفاهیم، یا آمیزش ایده‌ها و مفاهیم موجود است. ابتکار یعنی حل مسئله به روش جدید. آنچه مردم خلاقیت می‌نامند، به دست آوردن چیزی منحصر به فرد یا حداقل کمیاب است. هر خلاقیتی منجر به نوآوری نمی‌شود. ایجاد نوآوری مستلزم استفاده از خلاقیت در دنیای واقعی است. پس به‌طور خلاصه نوآوری یعنی:

● تبدیل ابتکار و اختراع به محصول، کالا یا فرایند بازارپسند.

● بهره‌برداری موفقیت‌آمیز از ایده‌های نو.

● ارائه ایده جدید و مفید و انتقال سریع آن به بازار و به‌کارگیری آن در سازمان، برای تولید ارزان‌تر و بهتر محصولات، خدمات یا کسب حمایت مؤثرتر مشتریان و سهام‌داران.

● به‌کارگیری ایده‌های نوین ناشی از خلاقیت.

۱-۲. حرکت از تقلید به نوآوری

نوآوری می‌تواند ابتدا با تقلید سپس بهینه‌سازی شروع شود و در نهایت به خلق یک ایده بی‌بدیل منجر شود. جزئیات حرکت از تقلید محض به سمت نوآوری ریشه‌های براساس مراحل ذیل است.

تقلید محض: ابتدا تقلید محض انجام می‌شود. به‌عنوان مثال شرکت داروسازی اقدام به نسخه‌برداری از فرایندها و فناوری‌های مشابه خارجی کرده و هیچ تغییری در فرایند ساخت ایجاد نمی‌کند.

تقلید تکراری: گام بعدی تقلید تکراری است. یعنی محصولات و فناوری‌های

تولیدشده، دقیقاً مشابه نمونه‌های قبلی تولید شده، اما اندکی بهبود در ساخت آنان اعمال می‌شود.

تقلید خلاقانه: در گام سوم تقلید خلاقانه صورت می‌پذیرد، یعنی حرکت از تقلید به نوآوری، بدین گونه که بهبود در برخی از مشخصه‌های عملکردی فناوری و ایجاد اندکی نوآوری در محصول ایجاد می‌شود. به عنوان مثال شرکت داروسازی با ایجاد نوآوری در تقلید تلاش می‌کند تا ضمن ثابت نگه داشتن ساختارهای مولکولی، در فرایند ساخت دارو و روش‌های آماده‌سازی آن تغییر ایجاد کند.

نوآوری تقلیدی: گام بعدی انطباق خلاقانه یا نوآوری تقلیدی خواهد بود، یعنی استفاده از توانمندی‌های نوآورانه قوی برای انجام فعالیت‌های تحقیق و توسعه و کسب شناخت از دانش فنی مورد مطالعه. به عنوان مثال شرکت داروسازی با ایجاد اصلاح و تغییر در ساختارهای مولکولی داروها و سطح عملکردی آنان، محصول جدید تولید می‌کند.

نوآوری مستقل: در این گام، به نوآوری مستقل دست یافته و می‌توان با استفاده از فناوری‌های پیشرفته، محصولات/خدمات با خواص جدید را شناسایی کرد.

نوآوری طراحانه: ضمن حفظ پایه‌های دانشی فناوری‌ها، به ایجاد تغییراتی در نحوه قرار گرفتن و چیدمان اجزای محصولات/خدمات کنار یکدیگر پرداخته می‌شود تا پدید آوردن کاربردی جدید از محصولات/خدمات محقق گردد.

نوآوری در اجزا: ضمن ایجاد تغییر در نحوه قرارگیری اجزای محصولات/خدمات قبل در کنار هم، از ریزه‌های سایر فناوری‌ها نیز در شکل‌دهی محصول جدید/خدمت جدید استفاده می‌شود.

نوآوری ریشه‌ای: پله آخر نردبان نوآوری است که پیشرفت عمیق در نوآوری در طراحی با استفاده از توانمندی‌های انجام تحقیق و توسعه در سطح کیفیت جهانی، قدرت تامین مالی مناسب و ریسک‌پذیری بالا است.

پس از معرفی یک نوآوری ریشه‌ای و جدید، رقابت در سطح بنگاه‌های دارنده فناوری آغاز می‌شود. کارآفرینان فنی اولین کسانی هستند که با احداث سازمان‌های کوچک و چابک، تلاش می‌کنند از فرصت ایجادشده استفاده ببرند. بنابراین هر کدام تلاش می‌کنند نیازهای بازار را شناسایی کنند و به طراحی محصولات جدید دست بزنند. رقابت در سطح قیمت و کاهش هزینه اتفاق می‌افتد و هر کدام دنبال روش‌های نوآورانه‌ای هستند تا قیمت تمام‌شده را کاهش دهند. برخی از شرکت‌های بزرگ در این میان، از راهبرد خرید شرکت‌های کوچک‌تر استفاده می‌کنند و تلاش می‌کنند از مزیت نسبت به مقیاس بهره ببرند. هر چه صنعت و بازار به سمت دوران بلوغ خود حرکت می‌کنند، رقابت بر سر قیمت‌ها افزایش می‌یابد. در این مرحله، شرکت‌ها تلاش می‌کنند تا با اتخاذ راهبردهای «یکپارچه‌سازی، خودکارسازی خط تولید، تولید نظام‌مند و افزایش سطح استاندارد محصولات تولیدی» دست به رقابت بزنند. حرکت از نوآوری بنیادی به نوآوری تدریجی مشهود و هدف شرکت‌ها افزایش کارایی آنان است. با ادغام نوآوری جدید و داشته‌های قبلی خود، نوآوری تدریجی نیز در فناوری‌های گذشته ایجاد شده و خلق ارزش می‌کند.

زمانی که رقابت در برخی صنایع و از طریق برخی فناوری‌ها، مزیت‌آفرین نیست، کشورهای پیشرفته برای استفاده از مزیت قیمت تمام‌شده پایین در کشورهای رو به پیشرفت، فناوری‌های خود را به آن‌ها انتقال می‌دهند.

۳- شرکت مادر تخصصی (هلدینگ)

تعابیر مختلفی از «Holding Company» یا «Parent Company» نظیر شرکت مادر، شرکت دارنده، شرکت کنترل‌کننده، شرکت مالک، شرکت صاحب، شرکت اصلی و... وجود دارد. به صورت جامع، هلدینگ، سازمانی است دارای هسته مرکزی شرکت مادر و زیرمجموعه شرکت‌های وابسته که با هم در یک شبکه برای تامین یک هدف بلندمدت در مسیر ارزش‌آفرینی و هم‌افزایی در تعامل‌اند. هلدینگ مالک سهام یک یا چند شرکت است و در سیاست‌های کلی آن‌ها مداخله می‌کند. هلدینگ شرکتی است که با هدف کنترل دیگر شرکت‌ها از طریق به دست آوردن مالکیت عمده آن‌ها شکل می‌گیرد و توانایی اعمال نفوذ در شرکت‌های تابعه خود را دارد و از این نفوذ در جهت کنترل

شرکت‌های تابعه استفاده می‌کند. هلدینگ‌ها عمدتاً تمام فعالیت خود را از طریق واحدهای تجاری دیگر انجام می‌دهند. از این رو این شرکت‌ها در تلاش‌اند تا از طریق تملک شرکت‌های دیگر که عموماً در صنایع مشابه فعالیت می‌کنند، یک گروه تخصصی را تشکیل دهند تا بدین طریق بتوانند از مزایای مالی هم‌افزایی برخوردار شوند.

استفاده از ساختار شرکت‌های مادر تخصصی در بسیاری از کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه، متداول است. از نظر ماهیتی تشکیل یک شرکت مادر یا هلدینگ یا نهادی که درصدد سودآفرینی از خرید و فروش سهام است، همگی مترادف با امر «سرمایه‌گذاری» است، اما یک شرکت سرمایه‌گذاری (۸) نهادی است که سودآفرینی را در خرید و فروش سهام پی می‌گیرد. حال آن‌که هلدینگ نهادی است که میزان سهامش در شرکت‌ها به او مسئولیت اداره بنگاه و سودآفرینی از طریق بنگاه‌داری را منتقل می‌کند (یا وکالتا این اداره بر عهده او قرار می‌گیرد). سرمایه‌گذاری در شرکت‌های دیگر، یعنی دارا شدن سهام آن شرکت در حد اکثریت مطلق، اکثریت نسبی، اقلیت با نفوذ، اقلیت نسبی یا خرده سهام‌دار که هر یک از حدود مذکور دارای اختیارات متفاوتی به ترتیب در حد موارد ذیل است:

- دارا بودن حق اختیار مجمع فوق‌العاده
 - دارا بودن حق تعیین اکثریت اعضای هیئت مدیره
 - دارا بودن حق حذف اختیار مطلق سهام‌دار عمده در مجمع فوق‌العاده
 - دارا بودن حق تعیین حداقل یک عضو هیئت مدیره
 - حضور در جمع سهام‌داران و حق رأی در مجمع عمومی
- هلدینگ نهادی است که اداره بنگاه‌ها را بر عهده دارد. شرکت سرمایه‌گذاری، بنگاهی است که به خرید و فروش مالکیت سایر شرکت‌ها می‌پردازد و شرکت‌های معمولی نیز تولید کالا یا ارائه خدمات را برعهده دارند. حال چنانچه خرید مالکیت شرکت‌های دیگر توسط یک شرکت سرمایه‌گذاری به گونه‌ای انجام پذیرد که دارای عضو هیئت مدیره در شرکت‌های دیگر باشد، طبیعتاً این امر، شرکت سرمایه‌گذاری را به یک هلدینگ تبدیل می‌کند.

۴. نوآوری در هلدینگ

مهم‌ترین فرایندها در شرکت‌های مادر تخصصی عبارت‌اند از مدیریت پرتفولیو، توسعه نام و نشان تجاری (برندینگ)، مدیریت مالی، حل‌وفصل اختلافات، استانداردسازی، ارزیابی عملکرد توابع و مدیران آن، برنامه‌ریزی ظرفیت شرکت‌های زیرمجموعه، ارائه خدمات مشترک، اخذ پروژه‌های مشترک، مدیریت و تعدیل بحران، توسعه صادرات شرکت‌های تابعه، خلاقیت و نوآوری مداوم در سطح شرکت مادر و...

بنابراین یکی از فرایندهای اصلی شرکت‌های مادر، توسعه، نوآوری و خلاقیت در سطح شرکت‌های زیرمجموعه است که این امر می‌تواند موفقیت آن‌ها را تضمین کند. شرکت‌های مادر در بدنه تخصصی خود دارای پتانسیل بالا و تخصص‌های گوناگون هستند. نوآوری و خلاقیت در سطح شرکت‌های مادر می‌تواند آن‌ها را در به وجود آوردن مزیت رقابتی پایدار (۹) کمک کند. بنابراین توسعه نوآوری در شرکت‌های زیرمجموعه شرکت‌های مادر تخصصی اهمیت زیادی یافته است، به طوری که شرکت‌های مادر تخصصی تمایل دارند مدیران شرکت‌های زیرمجموعه:

- برای مقوله نوآوری در کسب‌وکار خود اهمیت بسزایی قائل باشند.
- به محیط پیرامون خود با عینک نوآوری و خلاقیت بنگرند.
- استراتژی خلق محصولات جدید نوآورانه و استراتژی نفوذ در بازارهای پویا و پیچیده را در اولویت قرار دهند.
- خلاقیت و نوآوری را در تمام سطوح سازمانی اشاعه و توسعه دهند.
- زمان عرضه محصول/خدمت جدید به بازار را تقلیل دهند.

۴-۱. مؤلفه‌های نوآوری در هلدینگ

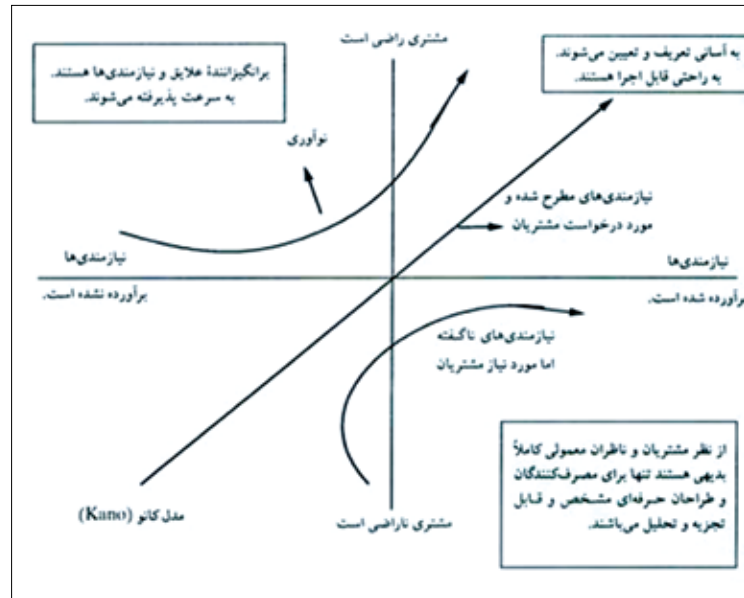
براساس ادبیات موضوع، مهم‌ترین مؤلفه‌های نوآوری در سازمان عبارت‌اند از: از اصلی‌ترین نیازهای شرکت‌های مادر تخصصی در عصر حاضر می‌توان به خلاقیت و نوآوری اشاره کرد. مهم‌ترین کلیدهای نوآوری ابتدا در نیازها و خواسته‌های

| عامل موثر بر نوآوری | تشریح عامل |
|---|---|
| رهبری | تعهد و تمایل مدیریت ارشد به حمایت از هر نوع نوآوری (محصول، فرایند...), درگیری مدیریت عالی در نوآوری |
| ساختار افقی یا شبکه‌ای | به‌کارگیری ساختار سازمانی یا تیم‌های پروژه‌ای متداخل در انجام فعالیت‌های سازمانی |
| عدم تمرکز در تصمیم‌گیری‌ها | مشارکت تعداد بیشتری از افراد مرتبط در رده‌های سازمانی مختلف در فرایند تصمیم‌گیری‌های سازمانی |
| تفویض اختیار | دادن اختیار به کارمندان، استخدام بهترین محققان، متخصصان و مخترعان و اختیار و قدرت دادن به آن‌ها |
| مدیریت خلاقیت و ایده | ایجاد سیستم فعال جمع‌آوری ایده و غربال ایده‌ها و موضوعات مرتبط با پروژه‌های بالقوه |
| مدیریت اثربخش اطلاعات | انتقال اطلاعات به سطوح قابل مدیریت از طریق مدیریت اثربخش اطلاعات |
| انعطاف‌پذیری | توانایی اتخاذ تصمیمات جدید جایگزین برای برنامه‌ها و طرح‌های شکست‌خورده |
| فعالیت براساس اطلاعات | تولید و فعالیت براساس اطلاعات مربوط و مناسب برای شناسایی راه‌های جدید |
| ارتباطات غیررسمی | برقراری ارتباطات دوجانبه خارج از مناسبات سازمانی |
| حداقل بروکراسی | حداقل آیین‌نامه‌ها، مقررات، خط‌مشی‌ها و کنترل‌های مشابه |
| ارتباطات سریع و همه‌جانبه بین واحدهای سازمانی | ارتباطات فرایندی در جهات بالا، پایین و افقی، ارتباطات میان کارکردی، میان سلسله‌مراتبی، میان فرهنگی و میان تکنولوژیکی |
| شناخت بازار و رقبا | شناسایی رقبای اصلی، تعیین اهداف رقبا، شناسایی خط‌مشی‌های رقبا، ارزیابی نقاط قوت و ضعف رقبا، برآورد الگوهای واکنشی رقبا، انتخاب رقبا برای حمله / گریز |
| امنیت شغلی بالا | کاهش ترس از اخراج به‌خاطر اشتباه در اجرای ایده‌های جدید |
| پذیرش اندیشه‌ها و سلاقی | تشویق تنوع اندیشه‌ها و نه صرفاً هماهنگی |
| پذیرش ابهام | عدم تاکید بیش از اندازه روی دقت و عینیت |
| حمایت از فرایند نوآوری | داشتن یک فرایند واضح برای نوآوری در سازمان و تعهد به نوآوری و پشتیبانی از آن |
| زمان خلاق | اختصاص دادن زمانی برای فکر کردن |
| ایجاد واحد مرتبط با خلاقیت و نوآوری در سازمان | وقتشان را صرف یافتن ایده‌های جدید برای ارائه خدمات یا ساختن محصول می‌کنند و گاهی تحقیق محض انجام می‌دهند |
| سازمان یادگیرنده | ایجاد سازوکار یادگیری دائمی و مستمر کارکنان از شرایط متفاوت محیطی |
| ارتقای همه‌جانبه و مستمر کارکنان | تاکید بر یادگیری و توسعه کارکنان |
| تاکید بر نظام باز | کنترل محیط و پاسخ سریع به تغییرات محیطی |
| حمایت از افراد ایده‌پور، نوآور و خلاق | وجود سیستم پاداش پرورش‌دهنده رفتار خلاق، اختصاص قسمتی از سود ناشی از نوآوری انجام‌شده به فرد مبتکر |
| وجود افراد کلیدی و پیشگامان تغییر | کسانی که از قبل آماده شده‌اند تا برای کمک به نوآوری، از طریق سیستم سازمانی، انرژی و شور و شوق بدهند |
| درگیری کل سازمان با نوآوری | مشارکت مستمر همه افراد از سطوح بالا تا پایین در نوآوری |
| ایجاد جو خلاق | تشویق خلاقیت در همه امور سازمانی؛ توسعه سیستماتیک نوآوری در ساختارهای سازمانی، سیاست‌های ارتباطی و رویه‌ها، سیستم‌های پاداش و تشویق و سیاست آموزش، سیستم‌های حسابداری |
| تیم‌سازی | ایجاد حد بالایی از کارگروهی، در تیم‌های پروژه و در گروه‌های بین سازمانی |
| تعیین هدف‌ها به‌طور مشخص | مشخص کردن هدف‌ها و دادن آزادی عمل به اعضای سازمان برای تحقق آن‌ها |
| استراتژی و چشم‌انداز | وجود چشم‌انداز و اهداف قابل درک و روشن برای نوآوری و استراتژی‌های دست‌یابی به آن‌ها |
| نتیجه‌گرایی | تاکید بر نتایج تا وسایل؛ برای رسیدن به یک هدف، راه‌حل‌های مختلفی وجود دارد |
| آماده‌سازی افراد برای تغییر | ایجاد اعتقاد در افراد به این امر که تغییر به نفع آن‌ها و سازمان است، همکاری افراد با مدیران در تصمیم‌گیری ایجاد جرئت در افراد برای تغییر |
| کاهش عدم اطمینان | کاهش عدم اطمینان ذاتی نسبت به ابهامات و پیچیدگی‌های نوآوری |
| تحمل شکست | پافشاری و توانایی فایق آمدن بر ناامیدی، شکست و ناکامی؛ تشویق کارکنان به کسب تجربه بدون ترس از احتمال شکست؛ اشتباهات، فرصت‌های یادگیری‌اند |
| حمایت از تعصب کاری | حمایت از کسانی که تعصب کاری دارند و همیشه لزوماً با چهارچوب سازمان جور در نمی‌آیند |
| مدیریت تکنولوژی | مرتبط کردن استراتژی‌های تکنولوژی به استراتژی‌های کسب‌وکار |
| پیش‌بینی | پیش‌بینی اثربخش به منظور تشخیص توسعه تکنولوژی، محصولات و بازارها در آینده |

ذی‌نفعان (۱۰) و به‌طور اخص در نیازهای مشتریان و سهام‌داران آن مستتر است و سپس در سرمایه‌های فکری و منابع انسانی آن هلدینگ نهفته است.

۴-۱. الزامات مشتریان و سهام‌داران

براساس مدل کانو در شکل ۱، نیازها، خواسته‌ها و الزامات ذی‌نفعان برحسب این‌که وجود یا عدم وجود ویژگی خاصی در یک کالا/ خدمت باعث چه حالتی در ذی‌نفعان می‌گردد (خشنودی/عدم رضایت)، به سه دسته اساسی، عملکردی و جذاب انگیزشی تقسیم می‌گردند. سرخ نوآوری را در نیازها و الزامات دسته سوم باید جست. نیازهای جذاب انگیزشی الزاماتی هستند که ذی‌نفعان آنان را بیان نمی‌کند و در صورتی که برآورده شود، رضایت ذی‌نفعان به‌شدت افزایش پیدا می‌کند و در صورتی که برآورده نشود، رضایت ذی‌نفعان تغییر محسوسی نخواهد داشت. این نوع از الزامات در زمان کاربرد محصول/خدمت به‌عنوان الزام دیده نمی‌اشود و در هر حد از تامین، تماما در بعد مثبت محور رضایت ذی‌نفعان قرار دارند. لازم به ذکر است که در طی زمان این نیازها به دسته‌های پایین‌تر نزول می‌کنند. در حدی که نیازهای جذاب انگیزشی خود به نیازی عملکردی و در نهایت به نیاز اساسی نزول می‌یابد که علت این مسئله با توجه به پیشرفت فناوری و طبیعی جلوه کردن یک‌سری از قابلیت‌ها در خدمات/محصولات، بدیهی و واضح است.



شکل ۱- مدل کانو

۴-۲. سرمایه‌های فکری سازمان

مهم‌ترین منبع دیگر که یک سازمان در اختیار دارد، سرمایه‌های فکری آن است. هیچ سازمانی بدون داشتن استعدادها، ذهنیت‌ها و تصورات کنجکاوانه افراد آن نمی‌تواند محصول نوین مهمی را تولید کند و تنها سازمان‌هایی در بلندمدت موفق و پیش‌رو خواهند بود که بتوانند منابع انسانی خود را به‌طور صحیح پرورش دهند. هیچ سازمانی بدون داشتن استعدادها، ذهنیت‌ها و تصورات کنجکاوانه افراد آن نمی‌تواند دانش نوین مهمی را تولید کند و تنها جوامعی در بلندمدت قرین موفقیت خواهند بود که بتوانند منابع انسانی خود را به‌طور صحیح پرورش دهند. مهم‌ترین منبع در این نوع سازمان‌ها سرمایه‌های فکری خلقی هستند. افراد خلقی، ایده‌های نو دارند و از مهارت‌های لازم برای خلاقیت و نوآوری برخوردار بوده، قادرند ایده‌های نوآورانه و خلاقانه خویش را به محصولات سودمند تبدیل کنند. این افراد غالباً دارای ذهنی تحلیل‌گر، کنجکاو و مستقل هستند و استقلال عمل، کار-محور بودن، انعطاف‌پذیری، اعتماد به نفس بالا و درون‌گرایی از بارزترین ویژگی‌های ذکرشده برای آنان است. در ضمن فرهنگ سازمانی در این دسته از سازمان‌ها مهم‌ترین زیرساخت خلاقیت و نوآوری محسوب می‌شود. سرمایه‌های فکری خلقی و نوآور، کسانی هستند که برای پیشرفت و ترقی، ترجیح می‌دهند بیشتر به دنبال داشتن شغلی با شاخصه‌های آرمانی مختلفی باشند و در هزاره سوم که توأم با تغییرات شدید محیطی است، در صنعتی که در حال فعالیت

و نوسان است، حرفی برای گفتن و ایده‌ای برای ارائه داشته باشد.

۵. راه‌کارهای ایجاد نوآوری در یک هلدینگ

امروزه سازمان‌ها در یک محیط رقابتی پویا به فعالیت می‌پردازند و از این جهت برای آن‌که بتوانند همواره فعال و به‌روز بمانند، باید راه‌کارهایی را برای بهبود مداوم خود داشته باشند. به همین دلیل ایده سازمان نوآور شکل گرفت. به بیان ساده هلدینگ نوآور، به هلدینگ‌هایی اطلاق می‌شود که نوآوری را در اساس اصول خود قرار دهند. مهم‌ترین ویژگی‌های هلدینگ نوآور را می‌توان مواردی نظیر داشتن چشم‌انداز، بهبود مداوم، جست‌وجوگری، نتیجه‌گرایی، اخلاق‌مداری، بانگیزه بودن و پویایی و برقراری ارتباطات متعدد برشمرد. مهم‌ترین راه‌کارهای ایجاد نوآوری در یک هلدینگ عبارت‌اند از:

- تعیین ساختارهای سازمان
- تعیین وضعیت موجود
- تعیین وضعیت مطلوب
- تعریف آینده سازمان
- تعریف چشم‌انداز سازمان
- تعیین رسالت سازمان
- تعریف اهداف سازمان
- تعریف مجدد ساختارها با توجه به چشم‌اندازهای سازمانی
- جذب ایده برای عبور از وضعیت فعلی و رسیدن به وضعیت مطلوب با توجه به تعاریف نوین
- طراحی پروژه بهبود
- طراحی پروژه نوآوری برای سازمان
- ایجاد نظام انگیزشی در سازمان
- پیاده‌سازی پروژه نوآوری
- حفظ، نگهداری و بهبود پروژه در سازمان (فرایند پویا و مستمر نوآوری)

۶. الزامات تحقق نوآوری در گروه خوارزمی

نوآوری‌ها در خلأ ظهور پیدا نمی‌کنند، آن‌ها برای خلق شدن و پیاده‌سازی نیازمند بستر سازمانی مناسب هستند. برخی از عواملی که این بستر سازمانی را پشتیبانی می‌کنند، عبارت‌اند از:

- داشتن چشم‌انداز و اهداف مشترک

چشم‌انداز هنر دیدن نادیدنی‌هاست. چشم‌انداز عبارت است از آینده‌ای واقع‌گرایانه، محقق‌الوقوع و جذاب برای گروه. چشم‌انداز بیان صریح از سرنوشتی است که گروه باید به آن سمت حرکت کند، آینده‌ای است که برای گروه، موفقیت‌آمیزتر و مطلوب‌تر از وضع فعلی آن است. چشم‌انداز سرنوشتی درخشان و راهی مشخص است که هیچ سازمان دیگری، حتی سازمانی که دقیقاً در همان کار فعالیت دارد، نمی‌تواند دارای همان چشم‌انداز باشد. داشتن چشم‌انداز مشترک، سبب خلق ایده‌های هم‌جهت در راستای توسعه گروه خواهد شد.

- تعهد مدیریت (اراده نوآوری)

از آن‌جا که بیشتر فرایند نوآوری مربوط به عدم اطمینان است، پروژه‌ها به‌طور سریع بازدهی تجاری نخواهند داشت. از این‌رو پشتیبانی مدیریت ارشد امری حیاتی برای نوآوری است. قبول ریسک توسط مدیریت ارشد لازمه نوآوری در سازمان است. باین‌حال، باید ریسک‌های عدم اطمینان از طریق جمع‌آوری اطلاعات و تحقیق کاسته شود.

- برخورداری از مدیران خلاق

مدیریت می‌تواند توانایی خلاقیت و نوآوری را در افراد ایجاد، ترویج و تشویق کند، یا رفتار و عملکرد او می‌تواند مانع این امر حیاتی شود. هنر مدیر خلاق عبارت است از استفاده از خلاقیت دیگران و پیدا کردن ذهن‌های خلاق. مدیریت خلاق نمی‌تواند در بند شیوه‌های سنتی و معمول باشد، بلکه سبکی را برای مدیریت برمی‌گزیند که برای سازمان خلاق و

نوآوری شامل کاربرد عمدی
اطلاعات، تخیل و ابتکار در
استخراج ارزش بیشتر یا متفاوت
از منابع است و شامل تمام
فرایندهایی می‌شود که توسط
آن ایده‌های جدید تولید شده
و تبدیل به محصولات مفید
می‌گردند. ابتکار یک فرایند و
یک شیوه نوری نگرش است



سوابق سازمان‌های با تجربه نشان می‌دهد که رابطه میان سرمایه‌گذاری در آموزش و افزایش قابلیت‌های نوآوری بسیار زیاد است. توانمندی به‌کارگیری تجهیزات جدید یا تولید محصولات و خدمات بدیع، همچنین ایجاد کیفیت و کارآمدی تا حد بسیار زیادی وابسته به دانش و مهارت افراد درگیر در تولید چنان نوآوری‌هایی است. نوآوری یک برنامه تغییر است و افراد به دلیل نداشتن مهارت‌های لازم در مقابل آن مقاومت می‌کنند. بنابراین، آموزش و ایجاد مهارت در افراد می‌تواند این مقاومت را کاهش دهد. افزایش مهارت کارکنان و اعتماد آن‌ها به به‌کارگیری این مهارت می‌تواند منجر به خلاقیت و نوآوری شود. و این امر جز با آموزش هدفمند حاصل نخواهد شد. نوآوری خصیصه سازمان یادگیرنده است. در چنین سازمانی خصلت یادگیری و تعلم نهادینه شده است.

- تیم‌سازی و کار تیمی موثر

از آن‌جا که نوآوری در سازمان اساساً ترکیب دیدگاه‌های گوناگون در حل مسائل است، کار تیمی بهتر از کار فردی زمینه‌ساز آن است. تیم‌ها مکانیسمی برای ایجاد ارتباط و پل زدن میان بخش‌های گوناگون یک سازمان است. اما این تیم‌ها تصادفی شکل نمی‌گیرند. ایجاد یک تیم مستلزم به وحدت رساندن باورها و ارزش‌های افراد گوناگون است.

- ایجاد فضا و محیط خلاق و نوآور

نوآوری خلق ایده و استفاده گسترده از آن است. قسمت اول نوآوری مستلزم یک حرکت جهشی ایده‌پردازانه فردی است، اما مابقی نیازمند مشارکت فعال افراد گوناگون در یک روند زمانی طولانی است. عوامل محیطی که تضعیف نوآوری را موجب می‌شوند، عبارت‌اند از:

ارتباطات ضعیف درونی و بیرونی

ابزارها و منابع محدود

تقویت فرهنگ حقارت (القای این مسئله که نوآوری حتماً باید از بیرون بیاید)

عدم حمایت مالی از فعالیت‌های نوآورانه

احساس مالکیت نکردن و از آن خود ندانستن سازمان توسط مدیران

فقدان یک فرایند گسترده و فراگیر جهت نوآوری

نوآور مناسب باشد و منجر به محیطی گردد که روح ابتکار و نوآوری در آن حاکم باشد. در سازمان‌های خلاق روابط بین مدیران و کارکنان مبتنی بر صمیمیت، روشنی و تشریک مساعی است و این امر منجر به احساس امنیت و آرامش خاطر در افراد می‌شود.

- ساختار سازمانی مناسب

سازمان‌هایی با ساختار سلسله مراتبی از بالا به پایین و یک طرفه نمی‌توانند نوآوری را در ابعاد گوناگون به وجود آورند. هر چه کارها کمتر برنامه‌ریزی شده باشد و عدم اطمینان در آن‌ها موج بزند، ساختار سازمانی منعطف‌تری لازم است تا آن کارها انجام گیرد. هر چه محیط متلاطم‌تر باشد و قابل پیش‌بینی نباشد، ساختار سازمانی منعطف‌تری جهت واکنش سریع لازم است.

- بازمهندسی فرایندهای سازمانی

ویژگی نوآوری «تخریب خلاق» است، یعنی حذف فرایندهای قدیمی و جایگزینی آن با فرایندهای جدید. ایجاد تغییر و نوآوری با چسبیدن به فرایندها و روال‌های گذشته تناسب ندارد.

- توجه به سرمایه‌های فکری کلیدی (نوآوران)

نوآوری با اطلاعات و دانش و گردش آن‌ها عجین است. افراد نوآور افرادی هستند که اطلاعات و دانش را از منابع مختلف جمع‌آوری می‌کنند و با ایجاد ارتباطات خوب با افراد دیگر شرایط نوآوری را فراهم می‌آورند. نوآوران به نوعی مدیران دانش هستند. چنین مدیریتی نمی‌تواند توسط نرم‌افزارهای هوشمند انجام گیرد.

- مدیریت دانش لازمه نوآوری

نوآوری مستلزم یکپارچه‌سازی انبوهی از دانش‌ها و تجربه‌هاست. بنابراین مدیریت دانش یک زیرساخت و ابزار اساسی نوآوری در سازمان است.

- تاکید روی آموزش و توانمندسازی مدیران و کارکنان

عدم ارتباط بین پروژه‌ها و طرح‌ها با راهبرد سازمان توسعه ندادن ابزارها و سنجش‌های اندازه‌گیری پیشرفت عدم وجود مربیان و مدیران توانا در تیم‌های نوآوری فقدان یک سیستم ایده‌پرداز مدیریتی طراحی سامانه‌های موثر پاداش یکی از عوامل مهم رشد فرهنگ نوآوری است. باید به افراد یا تیم‌هایی پاداش داد که ایده‌های خلاقانه از خود نشان می‌دهند و طرح نویی درمی‌اندازند.

- توجه به بیرون از سازمان و تمرکز خارجی

نگاه به مشتری و بازار از عوامل تحریک‌کننده نوآوری است. شرکا، تامین‌کنندگان، مشارکت‌کنندگان و حتی رقبای نیز می‌توانند منشأ نوآوری باشند.

- ارتباطات گسترده

نوآوری نیازمند خلق، ترکیب، تسهیم و به‌کارگیری دانش است و این امر مستلزم وجود ارتباطات گسترده است. شبکه‌های دانشی یکی از ابزارهای مناسب نوآوری است.

- حرکت به سمت یک سازمان یادگیرنده

ایجاد ظرفیت تغییر و نوآوری، همت یک سازمان یادگیرنده است، زیرا در شرایط متلاطم کنونی، یادگیری یعنی ایجاد ظرفیت تغییر.

- تقویت فرهنگ خلاقیت و نوآوری

نوآوری توسط افراد رخ می‌دهد. اگر فرهنگ انگیزش، حس تعلق سازمانی و اعتماد سازمانی وجود نداشته باشد، نوآوری رشد نخواهد کرد.

- تقویت زیرساخت فناوری اطلاعات

نوآوری مستلزم چرخش اطلاعات، دانش و شکل‌گیری شبکه متخصصان است. IT می‌تواند زیرساخت بسیار مناسبی جهت مطرح شدن طرح‌های نوآورانه و تحقق عملی آن‌ها باشد.

- توجه به افراد کلیدی و جانشین‌پروری

تحقیقات نشان می‌دهد که امکان خلاقیت و نوآوری در نیروهای جوان بیشتر از سایر افراد است. شادابی، نام‌جویی، قدرت ریسک بالا، میل به رشد و ویژگی‌های دیگر جوانی از عواملی هستند که شایستگی این قشر را برای خلاقیت و نوآوری بیشتر می‌کنند.

۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

به‌طور خلاصه مولفه‌های اصلی نوآوری در گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی عبارت است از: آموزش و توسعه مستمر کارکنان، تحلیل و تمرکز بر محیط خارجی سازمان، جو خلاق رهبری، سازمان یادگیرنده، درگیری همه‌جانبه با نوآوری، برخورداری افراد کلیدی، ساختار سازمانی مناسب، ارتباطات گسترده برون‌سازمانی و تیم‌سازی.

خلاقیت و نوآوری در سازمان‌ها، دارای سه رکن اساسی هستند که در صورت وجود ویژگی‌های خلاق در هر یک، امکان تحقق همه‌جانبه خلاقیت و نوآوری به وجود می‌آید. این ارکان سه‌گانه شامل مدیر خلاق، سازمان خلاق و کارکنان خلاق است که می‌توان تاثیر نقش مدیران خلاق را در رأس این مثلث قرار داد. توانمندسازی مدیران یا انتخاب مدیران حامی و متعهد و پذیرای ایده‌های جدید، عاملی تاثیرگذار در عملیاتی شدن موفق ایده‌ها در قالب نوآوری سازمانی خواهد بود. بدون ایجاد دانش مرتبط با نیازهای صنعت و بازار در کارکنان گروه خوارزمی نمی‌توان از آن‌ها انتظار داشت به راه‌حل‌های جدید بیندیشند. دانش و تخصص مناسب و مرتبط و به‌روز شده، درک درستی از فرایندها، محصولات و خدمات و به‌طور کلی آن‌چه را در حال انجامش هستیم، در اختیار کارکنان قرار می‌دهد. توجه به تغییرات محیط، نیازهای مشتریان و سهام‌داران و بازار، توجه به نوآوری‌های

انجام‌شده و در حال وقوع در صنعت، فعالیت‌های نوینی که رقبا برای جذب و تامین نیازهای مشتریان و سهام‌دارانشان انجام می‌دهند، عامل مهمی در ایجاد نوآوری در سطح گروه خوارزمی قلمداد می‌شود. نقش افراد کلیدی به‌عنوان عامل انسانی پشتیبان نوآوری در محیط کار انکارناپذیر است؛ افرادی که در سیستم سازمانی حضور دارند و صرف‌نظر از تخصصی که دارند، به نوآوران سازمانی کمک می‌کنند که ایده‌های خود را عملی کنند و به ایده‌های جدید بیندیشند. گسترش یک رویکرد برون‌گرایی به سوی مشتریان و بازار و توجه به فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی برای تمرکز افزون‌تر بر محیط خارجی سازمان توصیه می‌شود. نیاز مشتریان، سهام‌داران و بازار است که لزوم تغییر و بهبود در نحوه تولید محصول/ارائه خدمات یا تولید محصول جدید/ارائه خدمات جدید را هدایت می‌کند. ایجاد جو خلاق و فرهنگ سازمانی مناسب منجر به توسعه سیستماتیک خلاقیت در گروه، سازمان، رویه‌ها، فرایندها و محصولات و خدمات خواهد شد. تمرکز بر کارگروهی، ایجاد تیم‌های تخصصی پروژه‌ای و گروه‌های بین‌سازمانی حل مسئله، به‌عنوان عاملی جهت ارائه و کاربردی‌سازی ایده‌های جدید در سازمان خواهد بود. درنهایت استفاده از ساختار ارتباطی سریع و یکپارچه، تسهیل‌کننده جاری‌سازی فرایند نوآوری در گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی خواهد بود.

مراجع

۱. صحت، سعید و محمدپور، مرضیه، شناسایی و رتبه‌بندی مؤلفه‌های نوآوری در صنعت بیمه، نشریه تازه‌های جهان بیمه، شماره ۱۶۳
۲. شهرآرای، مهرناز و مدنی پور، رضا، سازمان خلاق و نوآوری، نشریه دانش مدیریت، شماره ۳۳
۳. میرمحمدی، محمد و ایزدخواه، محمدمهدی، اندازه‌گیری نوآوری در شرکت‌های هلدینگ، نشریه مطالعات مدیریت راهبردی، شماره ۱۳
۴. پژوهشنامه شماره ۲۰: نوآوری و کارآفرینی، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام
۵. مزده، محمد مهدوی و ضرغامی، حمیدرضا، خلاقیت و نوآوری رمز دستیابی به استراتژی‌های رقابتی اثربخش در هزاره سوم، پنجمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت استراتژیک
۶. علی احمدی، علیرضا، اللهیاری، احمد، استراتژی رقابت و نوآوری در کسب و کار، تهران، انتشارات تولید دانش
۷. یداللهی فارسی، جهانگیر و کلاتهایی، زهرا، جایگاه تجاری‌سازی در مدیریت نوآوری، فصلنامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد، سال نهم، شماره ۳۳

8-The Global Innovation Index 2015: Effective Innovation Policies for Development, Cornell University, INSEAD, and the World Intellectual Property Organization (WIPO), www.globalinnovationindex.org/content/page/GII-Home

پی‌نوشت‌ها:

- 1- ebnerasoul@kharazmi.ir
- 2- ghobadi@kharazmi.ir
- 3- Creativity
- 4- Innovation
- 5- WIPO (World intellectual property Organization)
- 6- INSEAD (The Business School for the World)
- 7- Samuel Curtis Johnson Graduate School of Management at Cornell University
- 8- Investment Company
- 9- Sustainable Competitive advantage
- 10- Stakeholders

33 days

28 days

ریتم‌های حیانی زندگی (بیوریتیم)

Physical — Emotional — Intellectual



دکتر عبدالمجید دهقان؛ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره)، کارشناس ارشد معاونت شرکت‌ها و مجامع گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی

چکیده

این مقاله به بررسی و تبیین مفهومی منحنی‌های بیوریتیمیک^۱ (زیست‌آهنگ) و تاثیر آن‌ها بر حالات مختلف فیزیکی، احساسی و ذهنی انسان‌ها پرداخته و سعی دارد به‌صورتی ساده و روان، مفهوم بیوریتیم و اثرات آن در زندگی روزمره را با مصادیق کاربردی و علمی ارائه دهد. در این راستا خلاصه‌ای از نتایج پژوهش‌های صورت گرفته توسط نگارنده در این حوزه و چگونگی محاسبه و ترسیم منحنی‌های زیست‌آهنگ به روشی ساده و قابل دسترس برای مخاطبان ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی:

منحنی‌های بیوریتیمیک، مدل‌های ذهنی، رفتار سینیوسی

مقدمه

عجیب است که بعضی روزها از توانایی و انرژی زیادی برخورداریم و قادر به انجام هر کاری هستیم و بعضی روزها آنقدر خسته و کسل هستیم که از انجام کارهای ساده نیز رنجور می‌شویم، گاهی اوقات سرزنده و شاداب هستیم و برعکس بعضی روزها بی‌دلیل خموده و بی‌حوصله هستیم. قدرت ذهن ما نیز چنین است؛ بعضی روزها خوب یاد می‌گیریم و حافظه ما از قدرت بالایی برخوردار است اما برخی مواقع حافظه ما جهت انجام امور روزمره یاری نمی‌دهد. و در نهایت روزهایی در زندگی ما وجود دارد که احساسات و عواطف ما به راحتی تحریک شده و تحت-تاثیر محرک‌های گوناگون قرار می‌گیرند و برخی روزها این‌گونه نیست. به‌راستی چرا چنین حالتی در ما رخ می‌دهد؟

برای تبیین این موضوع، می‌بایست مصادیق کاربردی این مفهوم مورد سوال قرار گیرد. مثلاً؛ چرا قدرت تحلیل و تصمیم‌گیری یک سرمایه‌گذار جهت انجام معاملات سهام طی روزهای مختلف، متفاوت است؟ یا چرا یک بانکدار جهت انجام

امور بانکداری و از منظر حالات جسمی، ذهنی و عاطفی روزهای متفاوتی را در محل کار خود تجربه می‌کند؟ یا چرا ورزشکاران یا تیم‌های ورزشی در برهه‌های زمانی مختلف دچار نوسانات جسمی، ذهنی و عاطفی شده و نتایجی دور از انتظار شما و خودشان کسب می‌کنند؟

پاسخ به تمامی سوالات بالا به خاطر وجود بیوریتیم (زیست‌آهنگ) در سیستم بدن ما است. در واقع انرژی فیزیکی، حالات روحی و وضعیت احساسات ما و نیز توان فکری و قدرت یادگیری و حتی حس ششم ما، همه و همه به شکل دوره‌های کم و زیاد می‌شوند. به عبارت دیگر؛ در وجود انسان سطوح انرژی‌های مختلفی وجود دارد که از بدو تولد شروع به افزایش و کاهش کرده و در طول زندگی، حالات مختلف انسان را رقم می‌زنند.

اگر بخواهیم شرحی مفهومی از بیوریتیم ارائه کنیم، باید بیوریتیم را مجموعه‌ای از سیکل‌های فیزیکی، احساسی و ذهنی که حالات مختلف انسان را از زمان تولد تا پایان حیات به‌صورتی سینیوسی رقم می‌زنند، تعریف کنیم. واژه بیوریتیم در واژه‌نامه آکسفورد به‌صورت زیر تعریف شده است: «هر الگوی مکرری از فعالیت‌های فیزیکی، احساسی و ادراکی که بر رفتار انسان اثر می‌گذارد.»

تاریخچه کشف بیوریتیم

در سال ۱۸۹۰ میلادی، پزشکی آلمانی به نام ویلیام فلیس^۲ وجود سیکل‌های بیوریتیم در بدن انسان را کشف کرد. او که آمار و تحقیقات زیادی روی وضعیت بیمارانش انجام می‌داد، پی به وجود سیکل‌های ۲۳ روزه فیزیکی و ۲۸ روزه احساسی در وجود بیماران خود برد، همزمان با او و بدون اطلاع از نتایج او، روانشناس دیگری به نام پروفسور هرمان اسوبودا^۳ در اتریش در تحقیقات خود متوجه شد که حالت جسمی و احساسی بیماران او نیز به‌صورت چرخه‌های تغییر می‌کند. او با ثبت دوره‌های بیماری و سکت قلبی و توهمت بیماران خود، متوجه شد که چرخه (سیکل) تکرار اوج و نزول انرژی فیزیکی و جسمی افراد هر ۲۳ روز یک‌بار و چرخه شارژ و دشارژ انرژی احساسی افراد، هر ۲۸ روز یک‌بار تکرار می‌شود. این نتایج یکسان و مستقل از هم، به‌طور شگفت‌انگیز باعث تایید نظریه بیوریتیم و علاقه‌مندی دیگر دانشمندان همچون فروید و نیز انجام آزمایشات دیگری در این زمینه شد. در سال ۱۹۲۰ دکتر آلفرد تلتشر، با بررسی توان

فرکانس از این موج سه ناحیه دارد. ناحیه اول؛ ناحیه مثبت یا پراثری است که در بالای نقطه صفر قرار دارد، ناحیه دوم؛ ناحیه منفی و کم‌ارزش است که در پایین نقطه صفر قرار دارد و ناحیه سوم نقطه بحرانی است که دقیقاً مرز نقطه صفر است و مرحله گذر از ناحیه مثبت به ناحیه منفی یا بالعکس است. این نقاط بسیار حساس هستند و در این روزها هیچ چیز قابل حدس نیست و طبیعت، خلق و خو و رفتارهای فیزیکی احساسی و ذهنی انسان به‌طور چشمگیری تغییر می‌کند؛ معمولاً لحظات بحرانی زندگی افراد روزهایی هستند که هریک از منحنی‌ها از حالت مثبت به حالت منفی تغییر می‌کنند. از آن‌جا که هریک از چرخه‌ها دارای فرکانس‌های متفاوتی هستند، نمودار بیوریتیم انسان در هر روز می‌تواند شرایط متفاوت و تفسیر خاص خود را داشته باشد و حال اگر تمامی منحنی‌های بیوریتیم فردی در منفی‌ترین حالت ممکن قرار داشته باشد، به معنی آن است که انرژی حیاتی بدن او در بدترین و آسیب‌پذیرترین شرایط قرار دارد و انسان نباید طبق عادت، به واکنش‌های جسمی، روحی و ذهنی خود اعتماد کند.

روز آغازین همان‌طور که در شکل شماره ۱ ملاحظه می‌کنید؛ ابتدا نمودار در بالای خط مبنا در منطقه مثبت یا فعال حرکت کرده سپس به اوج خود رسیده و بعد شروع به حرکت به سمت پایین و وارد شدن به منطقه غیرفعال یا منفی (زیر خط مبنا) می‌کند. در واقع زمانی که یک سیکل در منطقه مثبت قرار دارد، فرد دارای حداکثر انرژی بوده و هرچه جلوتر می‌رود انرژی خود را از دست می‌دهد و زمانی هم که سیکل مورد نظر وارد منطقه منفی می‌شود، سطح انرژی پایین و آرام آرام انرژی از دست‌رفته جبران می‌شود.

انواع سیکل‌های بیوریتیمیک

سیکل جسمی یا فیزیکی^۴

این چرخه که بیشتر در مردان غالب است، ۲۳ روز به طول می‌انجامد (۱۱/۵ روز منطقه مثبت و ۱۱/۵ روز منطقه منفی)؛ ناحیه مثبت زمان مناسب برای انجام فعالیت‌های سنگین بدنی، مقاوم در برابر سختی‌ها و بیماری‌ها، هماهنگی چشم و دست، اشتیاق به ورزش، آمادگی برای سفر، جراحی، امور دندان‌پزشکی و...، ناحیه منفی با ویژگی‌هایی همچون کسل و بی‌حوصله بودن، خستگی، احساس کوفتگی بدن، استعداد بیشتر برای خطاهای فیزیکی و... که در این دوران نیاز به استراحت کافی وجود دارد.



شکل شماره ۲- سیکل فیزیکی بیوریتیمیک به همراه دوره و روز بحرانی

مثال کاربردی

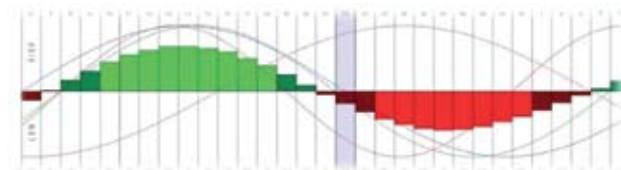
شاید توجه شما نیز به این موضوع جلب شده باشد، که در برخی مواقع جسم فیزیکی ما انتظارمان را در انجام امور روزمره برآورده نمی‌کند؛ مثلاً روزهایی که حوصله از خواب برخاستن را نداشته و احساس خستگی فیزیکی داریم؛ در همین زمان است که اگر به ورزش روزانه بپردازیم دچار عدم پوشش برنامه ورزشی خود شده و به بدنمان فشار زیادی وارد می‌آید. در این حالت از خود می‌پرسیم که چرا امروز از قدرت و توان پایینی برخوردارم؟ در صورتی که دلیل اصلی این موضوع، قرار گرفتن در منطقه مینیمم (نزولی) سیکل جسمی یا روز بحرانی است. مثال دیگر می‌تواند عملکرد متفاوت ورزشکاران یا تیم‌های ورزشی در دوره‌های زمانی مختلف باشد؛ به‌عنوان نمونه همیشه این سوال مطرح است که چرا بعضی مواقع یک تیم فوتبال بازی بسیار خوبی را به نمایش گذاشته و عملکردی بیش از انتظار طرفداران، مربیان و حتی خود بازیکنان را به همراه دارد؟ یکی از دلایل اصلی این موضوع، قرار گرفتن سیکل فیزیکی و ذهنی اکثریت بازیکنان در آن روز در منطقه ماکزیمم یا اوج است. در این روز بیشتر بازیکنان از حداکثر توانایی فیزیکی و ذهنی برخوردار بوده و بالاترین کارایی را به ثبت می‌رسانند و همچنین این موضوع به‌صورت عکس نیز قابل تفسیر است.



یادگیری و قدرت فکر شاگردان خود، سیکل ۳۳ روزه ادراکی را کشف کرد و بعدها سیکل ۳۸ روزه که بر حس ششم و الهامات درونی تاثیر داشت نیز کشف شد.

مبانی نظری و پیشینه

علم بیوریتیم سال‌هاست که در عرصه علوم مختلف رخنه کرده و در حال تثبیت جایگاه در رشته‌های مختلفی از جمله مدیریت است. با توجه به کشفیات علم بیوریتیم، افراد طی زمان‌های مختلف، رفتارهای متفاوتی در زمینه‌های مختلف از خود بروز می‌دهند. بیوریتیم یا زیست‌آهنگ؛ ادعا می‌کند زندگی هر فرد تحت تاثیر این سیکل‌ها بوده و رفتار افراد طی روزهای مختلف از این سیکل‌ها متاثر می‌شود. سیکل‌های بیوریتیم زیادی در بدن ما وجود دارد که در این مقاله به بررسی سه سیکل اصلی فیزیکی، احساسی، ذهنی و سیکل فرعی حس ششم پرداخته شده است. تمام سیکل‌های بیوریتیم به شکل نمودار سینوسی از بدو تولد آغاز شده و حول خط مبنا یا محور زمان با دوره‌های متفاوت در حال زیاد و کم شدن ادامه می‌یابند. همان‌طور که در شکل شماره ۱ مشاهده می‌شود، هر سیکل دارای دو ناحیه مثبت (بخش سبز) و منفی (بخش قرمز) بوده که این حالت ریتمیک سینوسی تا پایان حیات هر انسان و در طول خط زمان ادامه می‌یابد. هر زمان یکی از سیکل‌های بیوریتیمیک شما در منطقه مثبت (بالای خط مبنا یا منطقه سبز) قرار بگیرد، از منظر آن سیکل، شما در شرایط ایده‌آلی قرار داشته و انرژی و قدرت شما در آن سیکل در شرایط حداکثر است و برعکس. لازم به ذکر است که تعداد روزهای قرار گرفتن در منطقه مثبت و منفی هر سیکل (یک دوره) ثابت بوده و به‌صورت مداوم تکرار می‌شود؛ به‌عبارت دیگر حالات انسان‌ها از مناظر مختلف جسمی، ذهنی و احساسی در حال تغییرات سینوسی است.



شکل شماره ۱- سیکل‌های بیوریتیمیک ترسیم‌شده به همراه نواحی مثبت و منفی و نقاط بحرانی

مفاهیم کلی بیوریتیم

هر یک از چرخه‌های سه‌گانه بیوریتیم براساس موج سینوسی حرکت می‌کنند. هر

سیکل احساسی^۵

این سیکل بیشتر در خانم‌ها غالب بوده و چرخه آن ۲۸ روز به طول می‌انجامد؛ (۱۴ روز منطقه مثبت و ۱۴ روز منطقه منفی)؛ این سیکل تنظیم‌کننده هیجانات، احساسات، خلق، فانتزی‌ها، مزاج، عواطف، خلاقیت و واکنش‌هاست. ناحیه مثبت شامل مواردی همچون تمایل به شرکت در جمع دوستان و فعالیت‌های گروهی، حسن نیت عمومی، شادی، توازن و همسازی، آمادگی جهت انجام آزمون‌ها و مسابقات، احساس خلاق بودن، ظاهر عمومی مناسب و خوب و در ناحیه منفی فرد تمایل به گوشه‌گیری و عدم مشارکت داشته و بسیار تحریک‌پذیر است.



شکل شماره ۳- سیکل احساسی بیوریتیمیک به همراه دوره و روز بحرانی

مثال کاربردی

تصور کنید شنبه یکی از آثار موسیقی اصیل ایرانی را در دستگاه سه‌گاه گوش می‌دهید (فرض کنید این اثر را بارها شنیده‌اید). این آواز فضای نسبتاً آندوهناکی را در شما ایجاد می‌کند؛ پنج‌شنبه (چند روز بعد) دوباره همان قطعه آوازی را در همان اتاق و در همان دستگاه پخش و با ثابت بودن کلیه شرایط (به جز زمان) گوش داده و این بار شاید از شدت اندوه، اشک از چشمان شما جاری شود. به راستی چرا این اتفاق رخ می‌دهد؟ دلیل اصلی، قرار گرفتن شما در آن روز خاص در منطقه اوج منحنی احساسی است؛ در این حالت و به دلیل تغییر حالات بیوریتیمیک شما در طول زمان، احساسات شما بسیار حساس و تحریک‌پذیر بوده و با کوچک‌ترین محرکی از خود واکنش نشان می‌دهد.

سیکل ذهنی (عقلانی)^۲

این چرخه ۳۳ روز به طول می‌انجامد (۱۶/۵ روز منطقه مثبت و ۱۶/۵ روز منطقه منفی)؛ این سیکل تنظیم‌کننده هوش، منطق، واکنش‌های ذهنی، آگاهی، تصمیم‌گیری، قضاوت، قدرت استدلال و حافظه است. در ناحیه مثبت بیشترین فعالیت نیروی فکری و ذهنی وجود داشته و مطالب جدید به سرعت و با آمادگی آموخته می‌شوند؛ به عبارت دیگر تفکر تحلیلی منطقی و قدرت تصمیم‌گیری، حافظه کارا و افکار واضح و روشن از خصوصیات این دوره است. ناحیه منفی کاهش توانایی تمرکز، آشفتگی ذهنی، زمان بسیار نامناسب برای تصمیم‌گیری، نیاز به زمان بیشتر برای امور فکری دقیق و ... را شامل می‌شود.



شکل شماره ۴- سیکل ذهنی بیوریتیمیک به همراه دوره و روز بحرانی

مثال کاربردی

درمورد منحنی ذهنی و تاثیر آن در زندگی روزمره افراد نیز می‌توان به موارد زیادی اشاره کرد. مثلاً برخی مواقع حافظه ما از توانایی بسیار بالایی برخوردار بوده و از هر منظر قدرت بالایی دارد، این توانایی در بعضی روزها به حدی می‌رسد که خودمان، خودمان را تحسین می‌کنیم؛ به‌طور مثال شماره تلفن، اسامی افراد، آدرس و همه چیز به سرعت در ذهنمان بازیابی می‌شود و قدرت تحلیلی ذهن به شدت افزایش می‌یابد و در مقابل برخی روزها بسیار در این زمینه‌ها ضعیف و ناکارا عمل می‌کنیم. یکی از دلایل اصلی این رخداد، قرارگیری افراد در مناطق مثبت و منفی سیکل ذهنی طی روزهای مختلف است. در نهایت شاید شما هم با این موضوع روبه‌رو شده‌اید که فردی

برای امتحان تلاش می‌کند ولی در روز آزمون، با کیفیت ضعیفی آزمون می‌دهد؛ توجیه این فرد این است که خیلی مطالعه داشته ولی برخی از موضوعات را در روز امتحان فراموش کرده است، بله این موضوع هم با توجه به قرارگرفتن این فرد در منطقه کاهش سیکل ذهنی قابل تفسیر است.

سیکل شهودی^۸ (حس ششم)

این چرخه ۳۸ روز به طول می‌انجامد (۱۹ روز منطقه مثبت و ۱۹ روز منطقه منفی)؛ این سیکل از سیکل‌های فرعی محسوب شده و موثر بر حس ششم و الهام و دریافت مستقیم است. یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های این دوره، درک ناخودآگاه و توانایی‌های روحانی - معنوی است.

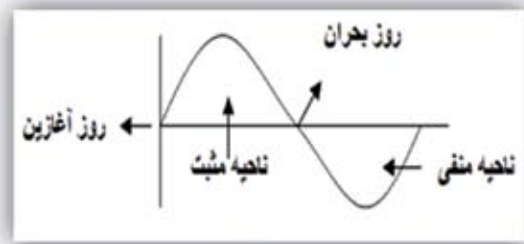


شکل شماره ۵- سیکل شهودی بیوریتیمیک به همراه دوره و روز بحرانی

روز بحرانی^۹

همان‌گونه که در شکل شماره ۶ نمایش داده شده است، لحظه‌ای که نمودار از منطقه مثبت به منطقه منفی وارد و از خط مبنا می‌گذرد لحظه بحرانی یا روز بحرانی نامیده می‌شود. در واقع سطح انرژی یک لحظه صفر می‌شود؛ مثل باتری که یک لحظه خالی می‌شود تا دوباره شارژ شود. بحران بیوریتیمیک شبیه به این است که جسم گرمی در یک لحظه زمانی وارد محیط سرد می‌شود؛ این گرم و سرد شدن مانند شوک، در آن ریتم ایجاد ناپایداری می‌کند. روز بحرانی هر سیکل ناپایداری و تزلزل در آن ریتم ایجاد کرده و آشفتگی و احتمال بروز خطا و اشتباه برای فرد را به دنبال خواهد داشت. در نتیجه به افراد توصیه می‌شود در این روز بیشتر مراقب خود بوده و کارهای حساس را به روزهای دیگر موکول کنند. روزهای بحرانی سیکل فیزیکی، احساسی، ادراکی و حس ششم به ترتیب در روزهای ۱۱/۵ و ۱۴ و ۱۶/۵ و ۱۹ روز از ابتدای نمودار محسوب شده و به تلخیص برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های روزهای بحرانی، به تفکیک هر سیکل در جدول شماره ۱ آمده است.

شکل شماره ۶-۹- مختلف سه، متم

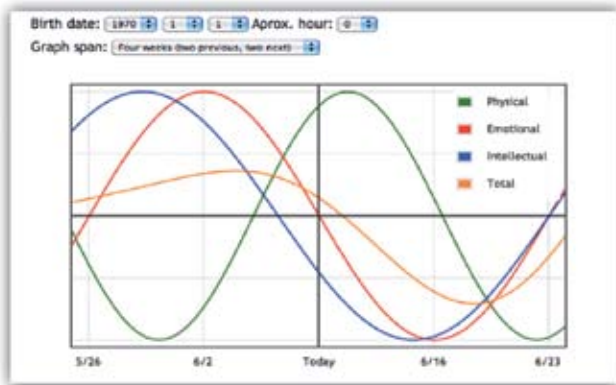


| نام سیکل | ویژگی روزهای بحرانی |
|----------|--|
| جسمی | احتمال تصادف، سرماخوردگی، خستگی و ناراحتی‌های بدن، کسل و بی‌حوصله بودن |
| احساسی | ستیزه‌جویی، سردرگمی، ضعف روحی، گوشه‌گیری مفرط، تحریک‌پذیری احساسی |
| ذهنی | اشتباهات قضاوتی، مشکلات یادگیری و حافظه، ضعف فکری، کاهش توانایی تمرکز |

جدول شماره ۱- برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های روزهای بحرانی به تفکیک هر سیکل

مثالی کاربردی برای درک مفهوم بیوریتیم

همه ما با کارکرد باتری‌های قابل شارژ یا اصطلاحاً خشک آشنا هستیم، خاصیت این نوع



شکل شماره ۷- ترسیم منحنیهای بیوریتیمیک از طریق نرم افزار

باتری این است که ابتدا کاملا به شما انرژی داده و پس از استفاده از قدرت آن کاسته شده تا کاملا خالی از انرژی شود؛ وضعیت بیوریتیمیک بدن شما نیز مکانیزمی شبیه به این دارد؛ ابتدا کاملا شارژ بوده و در منطقه اوج قرار دارد و آرام آرام از قدرت آن کاسته شده تا به منطقه صفر برسد، مثلا اگر یک لامپ روشنایی به این باتری متصل شود ابتدا لامپ نور فراوانی داشته و با گذشت زمان از میزان انرژی و نور لامپ کاسته شده تا به حد صفر برسد و لامپ خاموش شود؛ در این لحظه شما هیچ گونه روشنایی ندارید تا باتری زیر شارژ قرار گیرد این لحظه صفر و بیانرژی را روز بحرانی در بیوریتیم شما گویند، پس از قرار گرفتن باتری در حالت شارژ، وجود روشنایی برای شما امکانپذیر شده و این مانند ناحیه منفی بیوریتیم است تا زمانی که باتری کاملا شارژ شود، در هر دو حالت شارژ و دشارژ می توان روشنایی داشت، اما زمان قبل از شارژ یا روز بحران هیچ انرژی وجود ندارد پس ما باید بسیار مراقب روزهای بحرانی باشیم.

هدف و کاربرد بیوریتیم

هدف از ترسیم چرخه های بیوریتیم (زیست آهنگ) تعیین و محاسبه چرخه های ریتمی افراد، تعیین تاثیر ریتم ها بر حالات فردی، محاسبه روزهای بهینه و بحرانی، اجرای بهینه فعالیت ها، عدم اجرای برخی فعالیت ها در اوقات بحرانی و پیش بینی زمان های ضعف و قدرت است. براساس پژوهش های انجام شده و نتایج حاصل، مشخص شده است که با در نظر گرفتن نقاط بالا و پایین این چرخه ها و تطبیق فعالیت ها با آن ها، می توان کیفیت زندگی و فعالیت ها را ارتقا داد. به عنوان مثال اوج انرژی فیزیکی (ناحیه مثبت سیکل جسمی) برای کارهای سنگین، مسابقات ورزشی، اعمال جراحی و دندان پزشکی بسیار مناسب است و نیز برای مدیران نیز اتخاذ تصمیم های مهم در دوره مثبت تفکر و ادراک (سیکل ذهنی) نتیجه بهتری دارد؛ همچنین می بایست آزمون ها و موارد مهم فکری در بازه های که فعالیت ذهنی در سطح بالایی قرار دارد، برنامه ریزی شود. در این راستا دانستن روزهای بحرانی نیز از اهمیت خاصی برخوردار است چراکه فرد باید بیشتر مراقب خود بوده و از انجام کارهای حساس و پرخطر دوری کند. در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، به خلبان ها و رانندگان قطارهای پرسرعت در روزهای بحرانی اجازه کار داده نمی شود و حتی در کارهای پرخطر صنعتی به کارگران در روزهای بحرانی مرخصی می دهند و این باعث شده که آمار حوادث و تلفات آن ها تا حدود زیادی کاهش یابد. در حال حاضر در سازمان های چابک، برخی مدیران نمودارهای سه گانه بیوریتیمیک را به طور مستمر برای کارکنان خود ترسیم کرده تا متناسب با شرایط جسمی، حسی و ذهنی آن ها فعالیت های روزانه را به آن ها تخصیص دهند. کارمندان نیز می توانند طبق این نظریه، در روزهایی که نمودار ذهنی آن ها در نقاط مثبت است، اقدام به تصمیم گیری و تجزیه و تحلیل و برنامه ریزی کنند.

نتایج برخی از پژوهش های صورت گرفته در زمینه بیوریتیم

در حوزه منحنی های بیوریتیمیک و تاثیر گذاری آن ها بر رفتار و حالات انسان ها، نگارنده به بررسی تاثیر سیکل های بیوریتیمیک بر کیفیت تصمیم گیری مدیران ارشد سازمان های دولتی پرداخته است؛ یافته های پژوهش حاکی از آن است که سیکل های بیوریتیمیک (احساسی، ذهنی و جسمی) بر تصمیمات مدیران تاثیر گذار است، همچنین نتایج این پژوهش نشان می دهد که هریک از منحنی های بیوریتیمیک، به میزان متفاوتی بر تصمیم گیری مدیران اثر گذار بوده است؛ با توجه به آزمون های صورت گرفته و میانگین های آماری به دست آمده، سیکل احساسی، بیشترین تاثیر و سیکل جسمی کمترین تاثیر را به خود اختصاص داده اند. در پژوهش دیگری با عنوان بررسی تاثیر سیکل های بیوریتیمیک (زیست آهنگ)، بر قدرت تصمیم گیری مدیران صندوق های سرمایه گذاری در بازار سرمایه ایران نیز تاثیر سیکل های زیست آهنگ بر قدرت تصمیم سازی مدیران این صندوق ها تایید و نتایجی جانبی نسبتا همسانی با پژوهش های پیشین صورت گرفته به دست آمد.

چگونگی محاسبه و ترسیم منحنی های بیوریتیم:

برای ترسیم منحنی های بیوریتیم، کافی است به سادگی از طریق رایانه و نرم افزارهای رایگان موجود در سایت های گوناگون و همچنین ارائه داده هایی شامل تاریخ تولد (تاریخ تولد دقیق و واقعی) و تاریخ گزارش (تاریخ روزی که از نرم افزار استفاده می کنید)، به ترسیم منحنی های بیوریتیمیک خود که عموما به صورت هفتگی، ماهانه و سالانه است، بپردازید. همان طور که در شکل شماره ۷ مشاهده می شود، منحنی های زیست آهنگ به صورت فرضی و برای حدود یک ماه آینده یک شخص فرضی ترسیم شده است؛ با

کمی دقت قابل استنباط است که در تاریخ ۰۶/۱۶ سیکل احساسی و ذهنی (قرمز و آبی) در پایین ترین وضعیت خود قرار داشته و فرد مورد نظر در این تاریخ از کمترین میزان احساسات و قدرت ذهنی برخوردار است، از منظر سیکل جسمی (سبز) نیز این فرد در منطقه مثبت بوده و قدرت جسمی او در منطقه مناسبی قرار دارد. حال اگر به تاریخ ۰۶/۲۳ توجه کنید، سیکل های احساسی و ذهنی در حال افزایش بوده و سیکل جسمی در پایین ترین وضعیت خود قرار دارد؛ این بدان معنی است که فرد مورد نظر باید در این تاریخ از انجام اموری که به توانایی جسمی نیاز دارد خودداری کند. لازم به توضیح است که روز بحرانی این فرد نیز در تاریخ ۰۶/۲۳ و برای سیکل های احساسی و ذهنی شکل می گیرد؛ چراکه در این تاریخ دو سیکل مطروحه از منطقه منفی (زیر خط صفر «خاکستری») به سمت منطقه مثبت تغییر جهت داده اند.

نتیجه گیری

ارزشمندترین پیامد محاسبه و تحلیل منحنی های زیست آهنگ (بیوریتیم)، تشخیص و پیش بینی وضعیت حالات مختلف افراد در آینده است، به عبارت دیگر اگر افراد از طریق نرم افزارهای موجود به ترسیم منحنی های بیوریتیمیک خود اقدام کنند، قابلیت پیش بینی وضعیت جسمی، ذهنی و احساسی خود را در آتی داشته و می توانند برنامه کاری و روزمره خود را به نسبت وضعیت های بیوریتیمیک، هماهنگ و مدیریت کنند.

پانویس:

- ۱- Biorhythm Cycles
- ۲- William Files
- ۳- Herman Swoboda
- ۴- Physical Cycle
- ۵- Emotional Cycle
- ۶- سه گاه یکی از دستگاه های موسیقی اصیل ایران است. این دستگاه تقریبا در تمام ممالک اسلامی متداول بوده و بیشتر برای بیان احساس غم و اندوه که به امیدواری می گراید مناسب است. گوشه های مهم این دستگاه عبارتند از: درآمد، مویه، زابل، مخالف و حصار
- ۷- Intellectual Cycle
- ۸- Intuitive Cycle
- ۹- Critical Point(Day)

Reference :

[1] Epstein, M.J. (1994). Social disclosure and the individual investor, *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 4, pp.94-109. [6].

[2] Merlikas, A. and Prasad, d. (2003). Factor influencing Greek investor behavior on the Athens stock Exchange, paper presented at the Annual meeting of Academy of Financial Services, Colorado, October 87] 9-].

[3] Katrin, B. & Christian, S. Are entrepreneurs' decisions more biased? An experimental investigation of the susceptibility to status quo bias. *Journal of Business Venturing*, 22 pp.340-362

[4] Dehghan, Abdolmajid. (2007), Mental Factors that influence the Individuals Intention to Invest on Stock Exchange, *Tehran Stock Exchange*, No 26..

مراجع:

۵- ملکی، مهزی (۱۳۸۹) کاربرد زیست آهنگ در صنعت - نشریه تدبیر ۱۷۵

۶- مزروعی، حسین. (۱۳۸۴) مدل پنجره نگاه؛ دانش مدیریت، شماره ۷۰

۷- مرادیان، محسن. (۱۳۷۷) «بیوریتمولوژی»، نشریه پژوهش یار، شماره ۹، بهار.

۸- مجیدیان، محمدعلی. (۱۳۷۸) «نوبت کاری از دیدگاه ارگونومی و بیوریتمولوژی»، نشریه روش، شماره ۵، سال هشتم، خردادماه.

۹- سرمسعدی، سهیل. (۱۳۷۸) «تئوری بیوریتیم ها»، نشریه روش، شماره ۵۰، سال هشتم، خردادماه.

۱۰- قفقی فرهمند، ناصر. (۱۳۷۸) «مدیریت بیوریتیم»، نشریه مدیریت، سال نهم، شماره ۴۰ و ۴۱، بهمن و اسفند.

۱۱- مقالات تخصصی سایت پرشین فال در زمینه مدیریت چرخه های زندگی و منحنی های بیوریتیمیک.

ثروتی که در سفرهای تفریحی به جیب همسایه‌ها می‌رود!

اگر ایران کشور توسعه‌یافته‌ای بود که درآمد سرانه شهروندان آن به بیش از ۳۵ هزار دلار می‌رسید و نرخ سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مولد نسبت به تولید ناخالص داخلی رقم قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌داد، دغدغه‌گروهی از کارشناسان هرگز شکل نمی‌گرفت. اما موضوع این‌جاست که سفر ایرانی‌ها به خارج درصدی ناچیز از تولید ملی را تکان می‌دهد. درست در شرایطی که توسعه در ایران بیش از هر زمان دیگری نیاز به عقلانیت در تولید سود و کنترل منابع مالی دارد، به‌راحتی هر سال نزدیک ۱۱ هزار میلیارد تومان صرف سفرهای تفریحی می‌شود. در واقع ما تلاش می‌کنیم، اما به جای انباشت ثروت در کشور، مناطق دیگری از منطقه را صاحب ثروت می‌کنیم. هر سال چهار میلیون ایرانی به عربستان، ترکیه، مالزی، امارات و تایلند سفر می‌کنند و این کشورها به‌خاطر سفر ایرانی‌ها به ترتیب پنج هزار میلیارد تومان، چهار هزار میلیارد تومان، ۳۶۰ میلیارد تومان، ۵۰۰ میلیارد تومان و ۴۰۰ میلیارد تومان درآمد کسب می‌کنند. بخش اصلی این درآمد البته در ایام نوروز نصیب برخی از این کشورها می‌شود. برای لحظه‌ای در نظر بگیرید که اگر بخشی از این پول می‌توانست در صنعت گردشگری ایران بچرخد، یا صرف تولید ثروت در بخش‌های مولد می‌شد، چه اتفاقی رخ می‌داد. تا این‌جای کار که هنوز این تحلیل‌ها هیچ جایگاهی در بطن و بدنه جامعه ندارد و امسال در آستانه نوروز ۹۵ یک بار دیگر به نظر می‌رسد موج سفر به کشورهایی نظیر ترکیه به‌شدت شکل گرفته است. تا حدی که تورهای مسافرتی برای رساندن سرمایه‌هایی که در داخل ایران تولید شده‌اند، به جایی نظیر ترکیه، مدل‌ها و الگوهای جدیدی طراحی کرده‌اند. چند وقت پیش اقتصاد آن‌لاین در گزارشی نوشت، در کنار ترفندهای عجیب که برای تسهیل سفر به کار گرفته شده، این‌بار سفر قسطی و سفر با وثیقه طلا رونق پیدا کرده است. مسافران می‌توانند با ۵۰ درصد پرداخت و ۵۰ درصد اقساط به سفر بروند و پس از بازگشت، اقساط سفر خود را سه تا شش ماه پرداخت کنند. به عبارتی آن‌قدر تب سفر بالا گرفته است که مانند کالاهای ضروری در

به‌طور حتم سفر یکی از مولفه‌هایی است که می‌تواند تاثیر بسزایی روی روند زندگی هر فردی ایفا کند. در متون مدیریتی و کارآفرینی آمده است، مدیران، کارمندان و بدنه اجرایی هر سامانه‌ای در سال اگر یک یا دو مرتبه سفر کنند، بدون شک ارزش افزوده کار و فعالیت او افزایش می‌یابد. برای همین نمی‌شود مزایای سفر را که از هر جهت قابل اندازه‌گیری است، رد کرد، اما در مورد ایران آن‌قدر گرفتاری‌های اقتصادی در سطوح کلان و خرد در هم گره خورده‌اند که کارشناسان هر از گاهی نه‌تنها شهروندان را به سفر تشویق نمی‌کنند، بلکه در نقطه مقابل همواره با نگرانی از سفرهای سالانه طیف‌ها و بخش‌های مختلف مردم به کشورهای توریستی اطراف ایران، سخن می‌گویند. البته به‌رغم آن‌که همه به نوعی از مزیت‌های سفر آگاه هستند، ولی درنهایت باز هم به دلیل همان گرفتاری‌هایی که مسیر توسعه ایرانی را پرسنگلاخ کرده است، خیلی از شنونده‌ها نه‌تنها رویکرد کارشناسان ایرانی نسبت به سفرهای شهروندان ایرانی را رد نمی‌کنند، بلکه با آن همراهی هم می‌کنند. دلیل این مسئله

نیز تا حد زیادی روشن است.

ایرانی‌ها هر سال فقط در

سفر به پنج کشور بیش از

۱۰ هزار میلیارد تومان

هزینه می‌کنند.

همه دلخوری‌ها از

سفرهای تفریحی

سالانه که در

ایام نوروز به

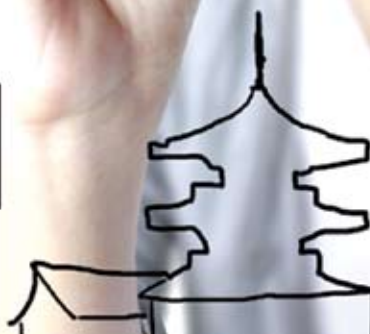
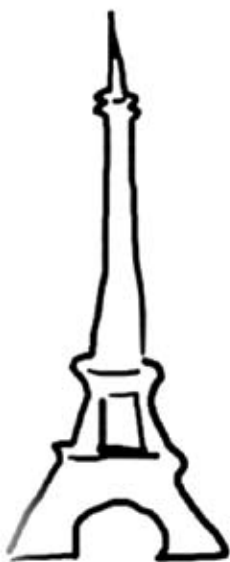
اوج می‌رسد،

به‌خاطر همین

رقم ۱۰ هزار

میلیارد تومانی

است. شاید



جریان زندگی سفر هم به شکل قسطی به فروش می‌رسد. یکی از کارشناسان فروش در یک شرکت خدمات تور و مسافرتی می‌گوید: جهت رفاه حال مسافران برای تورهای آذربایجان، ارمنستان، تایلند، دبی، کیش و مشهد طلا را به‌عنوان وثیقه و ضمانت پرداخت هزینه‌های تور بعد از سفر قبول می‌کنیم.

او در مورد کارمزد این وثیقه نیز گفت: در حال حاضر برخی از تورگردان‌ها بیش از سه تا چهار درصد کارمزد اقساط دریافت می‌کنند که البته این کارمزد برای تور ما حدود دو درصد است. اگر هزینه یک سفر خارجی ۱۰ میلیون تومان باشد، باید وثیقه ۱۵ میلیون تومانی داشته باشند. وثیقه‌ها به این صورت است که متقاضی باید از یک طلافروش فاکتوری برابر با سه میلیون تومان (برای سفر به کشورهای مجاور) یا فاکتور بیش از ۱۵ میلیون تومانی (برای سفرهای اروپایی) بیاورد.

واحد شمال می‌گوید: حتما نمی‌توان برای مردم تعیین تکلیف کرد که کجا سفر بروید، یا با دارایی‌های خود هنگام سفر چگونه برخورد کنید. اما می‌شود با فرهنگ‌سازی این نگاه را در آن‌ها ایجاد کرد که در شرایط فعلی و برای رشد توسعه ملی نباید بخشی از ثروت کشور را طی ۱۳ روز از سال به جیب رقبای منطقه‌ای کشور بریزیم. یکی از پیش‌زمینه‌ها برای ایجاد درک ملی و تحلیل سفر به کشورهای خارجی ساخت بستری است که به واسطه آن هم شهروندان داخلی و هم مسافران خارجی بتوانند با آرامش از موقعیت‌های توریستی کشور استفاده کنند. ولی هنوز این بستر شکل نگرفته است. توریسم و گردشگری یکی از پردرآمدترین فعالیت‌های صنعتی - اقتصادی در دنیای امروز محسوب می‌شود. پیشنهاد می‌کنیم سرمایه‌گذاران داخلی کارتهایی برای تسهیل سفر در داخل ایجاد کنند و منفعت مورد نظر خود را به دست آورند.

ناهدید موسوی‌تبار، یکی دیگر از دانشجویان کارشناسی ارشد گردشگری نیز می‌گوید:

ثروتی که از کشور برای گردشگری در ترکیه و کشورهای نظیر ترکیه از ایران خارج می‌شود، توسط جمعیتی بسیار کوچک انتقال می‌یابد. فراموش نکنیم که سفر در شرایط امروز یک کالای لوکس است و همه شهروندان توان استفاده از آن را ندارند. فرض کنید به جای چهار میلیون نفر ۲۰ میلیون نفر می‌توانستند هر سال نوروز یا تابستان به ترکیه و امارات و تایلند و... سفر کنند. آن وقت خروج این ثروت در یکی از حساس‌ترین زمان‌های تاریخ توسعه کشور حتما می‌توانست یک فاجعه اقتصادی باشد. من هم معتقدم که نمی‌شود به مردم گفت سفر نروید، اما می‌شود آن‌ها را در جریان اتفاق‌های ناخوشایندی که برای منابع کشور می‌افتد، قرار داد. امیدوارم دولت در سال ۹۵ درصد اعتماد مردم به بخش‌های دولتی و حاکمیتی را بالا ببرد. چون اصلاح هر مولفه کلانی در توسعه بدون اعتماد میان بخش‌ها و نهادهای مختلف در ارتباطی دو سویه با مردم، هم هزینه زمان را بالا می‌برد و هم باعث می‌شود که هر ذره از اصلاح نرخ غیراستانداردی داشته باشد. سال‌ها می‌شود که صاحب‌نظران از ضرورت بهینه کردن صنعت توریسم در ایران و ارتقای موقعیت‌های گردشگری در کشور سخن می‌گویند. حتی بارها محاسبه شده است که در صورت بهره‌برداری از موقعیت‌های گردشگری کشور، از این حوزه اقتصادی می‌توان هر سال درآمدی مطابق با درآمد نفت به دست آورد. اما معلوم نیست که چرا کماکان اتفاق خاصی رخ نمی‌دهد و هر سال در ایام نوروز به یاد می‌آوریم که چه ثروت بزرگی از کشور در حال خارج شدن است و این دور ادامه می‌یابد تا سال بعد که باز هم رقم‌های چند هزار میلیاردی جای ضعیف صنعت گردشگری ایران را به رخ می‌کشند. شاید اگر به اندازه چهار میلیون گردشگر ایرانی که هر سال از کشور خارج می‌شوند، چهار میلیون گردشگر خارجی به ایران می‌آمدند، ارقام هزار میلیارد تومانی که از کشور خارج می‌شوند، موجب آزرده‌گی خاطر نمی‌شد. ولی گیر کار این‌جاست که کفه ترازو در صنعت گردشگری به سمت خروج گردشگران داخلی از کشور سنگینی می‌کند. این‌که بنگاه‌های سرمایه‌گذاری می‌توانند با حضور در این بخش مشکلات را برطرف کنند، حتما پذیرفتنی است، ولی این چالش برای بنگاه‌های سرمایه‌گذاری وجود دارد که چه تضمینی برای جلوگیری از برخوردهای غیراقتصادی با حوزه گردشگری وجود دارد. تجربه سال‌های گذشته نشان داده که در مواقع زیادی از صنعت گردشگری در موضع‌گیری‌های سیاسی به‌عنوان ابزار استفاده شده است. این مسئله هم سرمایه‌گذاری در این بخش را تهدید می‌کند و هم همیشه عاملی بوده است که بخش مهمی از گردشگران خارجی از انتخاب ایران به‌عنوان هدفی برای گردشگری خودداری کنند. سال ۹۵ اگر قرار است به لحاظ جهش در اصلاحات اقتصادی یک سال تاریخی برای توسعه در ایران و دیپلماسی اقتصادی باشد، دولت باید دستور پرداختن به معضلات موجود در احیای گردشگری داخلی را در لیست برنامه‌های اولویت‌دار خود قرار دهد. مبلغ ۱۱ هزار میلیارد تومان که در گزارش‌های مختلف به‌عنوان رقم خروجی سالانه از کشور برای سفرهای تفریحی مطرح شده، آن‌قدر بزرگ است که بتواند حسرت بخش‌های مولد را که به‌خاطر نداشتن نقدینگی ورشکست می‌شوند، افزایش دهد. با ۱۱ هزار میلیارد تومان چه کارهایی می‌شود در اقتصاد ایران انجام داد؟ به مردم کمک کنیم تا پاسخ این پرسش را بدانند.

| ردیف | مقصد | مدت اقامت | درجه هتل | قیمت تقریبی |
|------|---------------|----------------|----------|---------------------------------------|
| ۱ | استانبول | ۶ شب و ۷ روز | ۵ ستاره | ۳ میلیون و ۵۰ هزار تومان |
| ۲ | آنتالیا | ۶ شب و ۷ روز | ۵ ستاره | ۳ میلیون و ۶۷۵ هزار تومان |
| ۳ | دبی | ۵ شب و ۶ روز | ۴ ستاره | ۳ میلیون و ۵۰ هزار تومان |
| ۴ | ارمنستان | ۵ شب و ۶ روز | ۳ ستاره | یک میلیون و ۹۹۰ هزار تومان |
| ۵ | مالزی | ۷ روز و ۸ شب | ۴ ستاره | ۳ میلیون و ۶۶۰ هزار تومان |
| ۶ | پانایا | ۷ شب و ۸ روز | ۴ ستاره | ۳ میلیون و ۶۵۰ هزار تومان |
| ۷ | چین | ۷ شب و ۸ روز | ۴ ستاره | ۴ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان |
| ۸ | مالدیو | ۵ شب و ۶ روز | ۴ ستاره | ۶ میلیون و ۷۰ هزار تومان |
| ۹ | ویتنام | ۸ شب و ۹ روز | ۴ ستاره | ۷ میلیون و ۴۵۰ هزار تومان |
| ۱۰ | کوشی آداسی | ۶ شب و ۷ روز | ۵ ستاره | ۲ میلیون و ۶۳۵ هزار تومان |
| ۱۱ | بالی | ۷ شب و ۸ روز | ۴ ستاره | ۷ میلیون و ۹۹۰ هزار تومان |
| ۱۲ | برزیل | ۱۴ شب و ۱۵ روز | ۴ ستاره | ۱۶ میلیون و ۹۵۰ هزار تومان |
| ۱۳ | آفریقای جنوبی | ۹ شب و ۱۰ روز | ۴ ستاره | ۱۳ میلیون و ۹۹۵ هزار تومان |
| ۱۴ | فرانسه | ۷ شب و ۸ روز | ۴ ستاره | ۸ میلیون و ۹۹۰ هزار تومان |
| ۱۵ | استرالیا | ۱۳ شب و ۱۴ روز | ۴ ستاره | ۴۲۹۰ دلار + ۷ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان |
| ۱۶ | انگلستان | ۷ شب و ۸ روز | ۴ ستاره | ۲۳۹۰ دلار + ۳ میلیون و ۱۹۰ هزار تومان |

نکاهی به میانگین بهای تورهای گردشگری خارجی در نوروز

در جدول این گزارش نرخ سفر به کشورهایی که متقاضی زیادی برای سفر دارند، ارائه شده است. این نرخ‌ها به اضافه کارمزد آن بهای سفر را برای شهروندان مشخص می‌کند. البته برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد که در سفرهای قسطی به دلیل ضمانت‌هایی که وجود دارد، برخی از مدیران تور بعد از اتمام سفر درخواست مبلغی بیشتر دارند. با این همه در آستانه نوروز تورهای مسافرتی از چند روز قبل پر می‌شوند و خیلی از شهروندان برای دریافت کارت سفر باید چند روز در نوبت بمانند. فراموش نکنیم که ایران خود یکی از بزرگ‌ترین مزیت‌ها و موقعیت‌های توریستی را درون خود جای داده است؛ موقعیت‌هایی که بسیاری از شهروندان کشورهای اروپایی و آسیایی و حتی آمریکایی برای دیدن آن اشتیاق زیادی از خود نشان می‌دهند. بارها گفته شده و نوشته شده است و امروز نیز به‌طور قطع خیلی از شهروندان می‌دانند که اگر صنعت گردشگری در ایران به حاشیه رانده نمی‌شد، امروز بودند مسافران داخلی که سفر تفریحی در داخل مرزهای ایران را ترجیح می‌دادند، نه این‌که با تهیه ارز به هر قیمتی و در هر فرصتی برای سفر به ترکیه شال و کلاه کنند.

فلاح رضایی، یکی از دانشجویان ارشد رشته گردشگری در دانشگاه آزاد تهران

پیش‌نیازهای اصلاحات اقتصادی در سال ۹۵

یک سال دیگر گذشت و این روزها تمام فعالان اقتصادی در حال برنامه‌ریزی و تخمین شرایط خود در سال ۹۵ هستند. البته اکنون شرایط به کلی دگرگون شده است. در چند سال گذشته تقریباً در آستانه سال جدید همه با ناامیدی به روزهای آینده نگاه می‌کردند و به تحلیل آن می‌پرداختند. اما امسال روزنه‌ای روشن وجود دارد که باعث شده است تا برای سال ۹۵ نیرویی تازه در فعالان اقتصادی برای حضور در گردونه اقتصاد کشور به وجود آید. تلاشی که تیم دیپلمات کشور برای آشتی اقتصادی با جهان داشتند، بهترین محرک برای ایجاد این نیرو محسوب می‌شود. برای آن که بشود از این نیرو استفاده مطلوب کرد، چند نکته ضرورت دارد که برای سال ۹۵ باید به آن‌ها پرداخت.

شاید این کاهش تورم را لمس نمی‌کنند. برای همین گاهی تحلیل‌های غیرواقعی در میان مردم نسبت به رفتارهای اقتصادی موجود و مدیریت کلان اقتصادی شکل می‌گیرد. این تحلیل‌ها می‌توانند یک بار دیگر این نگرانی را به وجود آورند که نگاه و اندیشه‌های زبان‌بار اقتصادی بتوانند سهمی ویژه را در سالیان آتی در عرصه سیاست از آن خود کنند. برای دور شدن از خطر نهفته در کمین مدیریت توسعه کشور از یک سو و حمایت‌های مردمی از برنامه‌های اصلاح اقتصادی از سوی دیگر، دولت در سال ۹۵ باید سیاست‌هایی را تدوین و اجرا کند که به واسطه آن مردم بتوانند کاهش تورم و تاثیر سایر اتفاقات مثبت اقتصادی را درک کنند.

سه) به دلیل کاهش شدید سرمایه‌گذاری‌های غیرمولد طی سال‌های گذشته، بی‌کاری اکنون به یک معضل تبدیل شده است. معضلی که فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و غیردانشگاهی را با مشکلات عدیده‌ای همراه کرده است. بر همین اساس باید سیاست مقابله با بی‌کاری در رأس برنامه‌های اقتصادی قرار بگیرد. حتماً زمانی طول می‌کشد تا در دوره پساتحریم سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته به نتیجه برسد و دردی هم از بی‌کاری دوا کند. دولت باید با الگو قرار دادن کشورهای نظیر هند در سال ۹۵ به سمتی حرکت کند که نیروهای جوان و تحصیل‌کرده بتوانند کارآفرینی شخصی را تجربه کنند. کشور هند چند سال پیش با باز گذاشتن مسیر جوانان در صنعت نرم‌افزار باعث شد تا در مدتی کوتاه به قول یک روزنامه‌نگار خارجی همه زیرپله‌های کشور هندوستان به مغازه‌ای برای عرضه محصولات نرم‌افزاری تبدیل شود. آمارهای موجود نشان می‌دهد که اکنون هند به واسطه فعالیت این زیرپله‌ها و کاری که جوانان بدون دریافت هر

اگر واقعا اصلاح اقتصاد عزمی جدی در میان مدیران کلان اقتصادی باشد، حتماً این روند نیاز به همراهی طیف‌های مختلفی از مردم دارد. در سال گذشته برای کاهش تورم زحمتهای زیادی کشیده شد. حتماً کار کوچکی نبوده است که نرخ تورم از ۴۰ درصد تا نزدیک ۱۳ درصد کاهش یابد، اما به دلیل شرایط نامطلوب حاکم بر اقتصاد و همچنین گره‌های ساختاری، مردم آن‌گونه که باید و شاید این کاهش تورم را لمس نمی‌کنند.

یک) رکود به‌عنوان یک مولفه اقتصادی مدت زمان زیادی است که فعالان اقتصادی از سرمایه‌گذاران بزرگ تا فعالان کوچک اقتصاد را آزار داده است. این موضوعی است که دولت یازدهم نیز به آن اعتراف می‌کند و یکی از برنامه‌های اصلی خود را در سال ۹۴ با تهیه اسناد مختلف، مبارزه با رکود اقتصادی معرفی کرد. کارشناسان زیادی نیز در این باره بحث‌های مختلفی را مطرح کردند. عزم دولت برای مبارزه با رکود و تهیه اسناد جامع در این باره، بر گرمی بازار بحث‌های مربوط به رکود اقتصادی افزود، اما در شرایط فعلی که قرار است یک سال مالی و اقتصادی دیگر آغاز شود، آیا می‌توان مدعی شد که رکود اقتصادی مخصوصاً

برای فعالیتهای مولد به حداقل رسیده است؟ بدون شک دولت باید با این پرسش سال ۹۵ را آغاز کند. مسئولان اقتصادی بر این باورند که با وارد شدن سرمایه‌گذاران اقتصادی و افزایش ضریب سرمایه در اقتصاد کشور حتماً از رکود خارج می‌شویم، اما این نگرانی وجود دارد که اگر سرمایه‌گذاران خارجی نیز در دایره بسته‌ای به شراکت با شبه‌دولتی‌ها و بنگاه‌های غیرخصوصی بپردازند، باز می‌شود امید داشت که حضور آن‌ها منجر به رهایی از رکود شود؟ تا این‌جای کار که هیچ شکی برای صاحب‌نظران وجود ندارد که اگر دوره تازه فعالیتهای اقتصادی همراه باشد با حلقه جدیدی به نام شبه‌دولتی‌ها و نهادهای غیرخصوصی در کنار سرمایه‌گذاران خارجی، در واقع دور تازه‌ای از حیات اقتصاد غیرشفاف آغاز می‌شود که هیچ راهی به سمت خروج از رکود نمی‌یابد. برای همین دولت در بدو شروع سال جدید باید تکلیف خود را با رکود از زاویه درک چالش‌های جدید مشخص کند.

دو) اگر واقعا اصلاح اقتصاد عزمی جدی در میان مدیران کلان اقتصادی باشد، حتماً این روند نیاز به همراهی طیف‌های مختلفی از مردم دارد. در سال گذشته برای کاهش تورم زحمتهای زیادی کشیده شد. حتماً کار کوچکی نبوده است که نرخ تورم از ۴۰ درصد تا نزدیک ۱۳ درصد کاهش یابد، اما به دلیل شرایط نامطلوب حاکم بر اقتصاد و همچنین گره‌های ساختاری، مردم آن‌گونه که باید و

کمکی از دولت انجام می‌دهند، سالی نزدیک به ۱۵۰ میلیارد تومان صادرات نرم‌افزار داشته باشد. با این طیف گسترده جوانان بی‌کاری که اغلب مسافرخشی را پیشه خود کرده‌اند، آیا نمی‌توان دایره وسیعی از تولید ارزش افزوده‌های شخصی را فراهم کرد؟ منظور از این پرسش اشاره به طرح‌های خوداشتغالی و بنگاه‌های زودبازده نیست که آسیب‌های زیادی به اقتصاد کشور زدند. بلکه منظور این است

خواندنی‌های نروزی در زمینه اقتصاد و مدیریت

کتاب را «خوراک روح» می‌دانند. این که این گزاره چقدر مورد قبول است، موضوعی نیست که قرار باشد در این مجال به آن بپردازیم، زیرا به یقین، مجادله و چالش فراوانی را درباره‌ی درستی و نادرستی این گزاره در پیش خواهیم داشت. دست‌کم می‌توان این گزاره را قابل احترام دانست و به این دلیل که اعتقاد گروهی از کتاب‌خوان‌هاست، آن را پذیرفت. پذیرفتن این گزاره به این دلیل توصیه می‌شود که گاهی موضوعی علیه چنین دیدگاه‌هایی گرفته می‌شود. حتی برخی جوان‌ترها راه را به سوی پیش گرفته‌اند که با کتاب‌خوانی به روشنی زاویه می‌گیرند و در برخی موارد مخالفت می‌کنند. آن‌ها می‌گویند روش‌های بهتری برای کسب آگاهی هست و کتاب خواندن به این دلیل که وقت زیادی می‌طلبد، در این زمانه، چیزی نیست که بتوان به آن اتکا کرد. این گروه بر این اعتقاد هستند که تنها راه مطالعه و کسب اطلاع، کتاب خواندن نیست. می‌توان فیلم دید و اطلاعات دامنه‌داری کسب کرد. می‌توان تئاتر تماشا کرد، یا به موسیقی گوش داد. آن‌ها می‌گویند ما برای کسب اطلاع سراغ اینترنت می‌رویم و در زمان کوتاه‌تر، به اطلاعات بیشتری دست پیدا می‌کنیم. نظری که از سوی گروهی دیگر و در اصل کتاب‌خوان‌های حرفه‌ای رد می‌شود. این گروه نیز دلایل زیادی برای رد نظرات جوان‌ترها دارند. آن‌ها معتقدند اطلاعاتی که از سایت‌های اینترنتی و به مدد شبکه‌های اجتماعی به دست می‌آید، اطلاعات کم‌دامنه و کم‌عمق است. حتی برخی از موسسید کرده‌های این گروه، دلایلی می‌آورند که نشان می‌دهد آن‌هایی که برای کسب اطلاع و به‌ویژه «آگاهی» تنها سراغ منابعی غیر از کتاب می‌روند، «سطحی» بار می‌آیند...

اما قرار نیست در این مجال به اختلافات این دو نگاه وارد شویم. با این حال باید این واقعیت را بپذیریم که در کنار تمام آمارهایی که در گذشته درباره‌ی کتاب‌خوانی، میزان و سرائه مطالعه در ایران منتشر شده، شیوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی مانند تلگرام و... میزان مطالعه را بیش از گذشته کاهش داده است.

به هر روی همان‌طور که برخی از گروه‌های گریزان از کتاب خواندن به درستی اشاره می‌کنند، مطالعه آثار مکتوب، زمان‌بر است. به همین دلیل آن‌ها که اهل کتاب خواندن و مطالعه آثار مکتوب هستند، در زمان‌هایی که فرصت کافی به دست می‌آید، دنبال مطالعه هدفمند هستند. از همین رو در فرصت تعطیلات سال نو، وقت مناسبی برای این نوع مطالعه به وجود می‌آید. معرفی برخی آثار در زمینه مدیریت، اقتصاد، کارآفرینی و سرمایه‌گذاری به علاقه‌مندان کمک می‌کند تا برخی آثار خواندنی را بشناسند و اگر مایل بودند، به سراغشان بروند.

که دولت به جای توزیع پول بین بی‌کاران، روند آموزش کارآفرینی و ارزش‌آفرینی را به جوانان آغاز کند.

چهار این درست است که سرمایه‌گذاران خارجی تشنه حضور در بازار بکر ایران هستند، اما با همه این‌ها دولت باید به سرمایه‌گذاران داخلی بهای بیشتری برای حضور در این تعامل بدهد. به معنای دیگر باید از عقلانیت و تجربه اقتصادی بنگاه‌های سرمایه‌گذاری به بهترین نحو استفاده کرد. راه‌کار رسیدن به این هدف برقراری ضابطه‌ای است که بر اساس آن بنگاه‌های سرمایه‌گذاری بتوانند پای ثابتی در قراردادهای خارجی باشند. به این ترتیب، نگرانی ناشی از شرکای سرمایه‌گذاران خارجی نیز برطرف می‌شود. در همه جای دنیا کمیته‌های مختلفی برای سنجش تاثیر یک سرمایه‌گذاری خارجی روی توسعه وجود دارد. در ایران می‌توان این کمیته‌ها را با دعوت از هسته‌های سرمایه‌گذاری داخلی به وجود آورد. این نکته را نیز نباید از یاد برد که انتقال دانش بنگاه‌های صنعتی که به ایران می‌آیند، دارای ارزش بسیار فراوانی است. ما باید به گونه‌ای از دانش آن‌ها بهره ببریم که بتوانیم در چند سال آینده بدون حضور آن‌ها زمینه صنعتی شدن اقتصاد کشور را فراهم کنیم.

پنج) تولید، صنعت و توسعه صنعتی در مفاهیم توسعه نوین، اصل و زیربنا برای هر صعودی معرفی شده‌اند. البته در توسعه ایرانی آرزوی صنعتی شدن در واقع تبدیل به یک تمایل تاریخی شده است. اما اگر حالا قرار است با شراکت توسعه‌یافته‌ها به سمتی برویم که ما نیز صاحب قدرت رقابت شویم، باید بدون شعارزدگی و تعارف‌های بدون خاصیت تولید را باور کنیم. صنایع ما نیاز به نقدینگی دارند و بانک‌ها نیز نشان داده‌اند به‌عنوان بنگاه‌داران فعال در بازار توان تامین نیاز آن‌ها به نقدینگی را ندارند. پس اگر واقعا باور کنیم که باید به تولید بپردازیم، قبل از هر چیز باید منابع مورد نیاز آن‌ها تامین شود. در آشفته‌بازار مالی ایران، مانند همه جای دنیا، بورس می‌تواند بهترین مولفه برای تامین مالی تولید باشد. به همین خاطر دولت چاره‌ای ندارد جز این‌که در سال ۹۵ بورس را در پیشانی اقتصاد کشور قرار دهد. حضور شرکت‌های صنعتی از کشورهای توسعه‌یافته نیز ضرورت پرداختن به این نیاز را دو چندان می‌کنند. به‌طور خلاصه یکی از محورهای اصلی برجام ۲ باید بهبود جدی فضای بورس باشد. برای این کار فعالان بورس و در رأس آن‌ها کارتل‌های سرمایه‌گذاری داخلی می‌توانند عناصر یاری‌رسان مفیدی باشند. البته بعد از رفع تحریم‌های تحمیلی در سال ۹۴ شاخص‌ها در موقعیتی مناسب قرار گرفتند، اما این اتفاق زیرساخت مناسبی در بورس ندارد. با شروع سال ۹۵ دولت باید برنامه مشخصی برای تبدیل بورس به نهاد تامین‌کننده منابع مالی تولید داشته باشد و زمینه اجرای آن را به‌فوری فراهم کند. برای رونق بورس و داشتن بازار سرمایه‌ای که بتواند توسعه را روی شانه خود بلند کند، وقت زیادی تلف شده است. دوره پس‌برجام بهترین زمان برای رسیدن به این هدف است.

بهبود نگهداشت و قابلیت اطمینان از طریق تغییر فرهنگی

«سازمان» بر خلاف شکل ساده آن که مدیریت را در کشور ما، راحت به نظر می‌آورد، مانند هزارتویی است که اگر کوچک‌ترین اشتباه در آن صورت گیرد، ضررهای غیرقابل جبرانی به بار می‌آورد. البته باید بر این نکته تأکید کرد که مقصود از سازمان و اهمیت «ضرر جبران‌ناپذیر» در آن معطوف به سازمان‌های خصوصی است، زیرا از اساس چنین مباحثی در سازمان‌های دولتی کشور ما، فاقد «شان» است. سوالی که مدیران سازمان‌های کارآمد از خود می‌پرسند، این است: شیوه‌های انجام نگهداشت و قابلیت اطمینان را در سازمان چگونه



تغییر دهیم؟ در پاسخ به این سوال در آغاز باید به این موضوع توجه داشت که تغییر روش‌ها و عادت‌های افراد، مستلزم درک و مواجهه و احتمالاً تغییر فرهنگ سازمانی است. این تغییرات موضوع کتاب «بهبود نگهداشت و قابلیت اطمینان از طریق تغییر فرهنگی» است که به نظر می‌رسد در کشور ما چندان مورد توجه واقع نشده است. موضوع کتاب مورد اشاره، «تغییرات» در سازمان با رویکرد فرهنگی است. سازمانی که در این مجال از آن صحبت می‌شود، سازمان به معنای عام است و همهٔ بنگاه‌های اقتصادی و حتی کسب‌وکارهای خرد را هم در نظر دارد. واقعیت این است که حتی برخورداری از بهترین مهندسی، دانش و فناوری نیز نمی‌تواند موفقیت کسب‌وکار در «نگهداشت» و «قابلیت اطمینان» را تضمین کند. درست است که بدون این «ابزارهای سخت» به آسانی به موفقیت نمی‌رسیم، اما این ابزارهای سخت، به‌تنهایی موفقیتی را به ارمغان نمی‌آورند. برای نهادینه‌سازی تغییرات باید بتوانید فرهنگ سازمانتان را درک و آن را مدیریت کنید. مجاب کردن افراد به پذیرش رویه‌های جدید و تطبیق با این شیوه‌های «جدید و بهتر» برای انجام کسب‌وکار، همیشه اقدامی دشوار است. درک و حل این موانع علاوه بر «ابزارهای سخت» به «ابزارهای نرم» هم نیاز دارد و یکی از این ابزارهای نرم کلیدی، تغییر فرهنگ سازمان است که در کتاب مورد اشاره به آن پرداخته شده است. این کتاب نوشتهٔ استیون توماس و ترجمهٔ سارا بانکی، علی زواشکیانی و محسن ربیعی است.

سرمایه مالی

«پژوهشی در باب تازه‌ترین مرحلهٔ تحول سرمایه‌داری»

این کتاب نوشتهٔ رودولف هیلفردینگ و با ترجمهٔ احمد تدین به بازار ارائه شده است. کتاب «سرمایه مالی» کتابی است که کارل کائوتسکی، مشهور به «پاپ مارکسیسم» آن را «تکملهٔ جلد‌های دوم و سوم سرمایه» خوانده و اوتو باوئر از مفسران بزرگ آثار مارکس، با صراحت بیشتری آن را «جلد چهارم سرمایهٔ مارکس» نام نهاده است. ولادیمیر لنین از طریق کتاب «امپریالیسم و اقتصاد جهانی» نوشتهٔ نیکلای بوخارین، با «سرمایه مالی» آشنا شد و او هم، به احتمال زیاد، متأثر از عنوان و محتوای این کتاب، عنوان نام‌دارترین و موثرترین کتابش را گذاشت «امپریالیسم: بالاترین مرحلهٔ سرمایه‌داری».

«سرمایه مالی» از آغاز قرن بیستم تاکنون مهم‌ترین و تأثیرگذارترین متن اقتصاد سیاسی مارکسیستی بوده است. این کتاب سرآغاز بزرگ‌ترین بازاندیشی در نقد اقتصاد سیاسی کاپیتالیستی است که حوزهٔ تأثیرش از جنبش جهانی چپ فراتر رفته و حتی کینزین‌های جدید، تحولات دو دههٔ اخیر در اقتصاد جهانی و بحران‌های مالی ۱۹۹۷ به بعد را در پرتو این متن تفسیر کرده‌اند.

کتاب «سرمایه مالی» بر یک نظریهٔ بنیانی استوار است: سرمایه‌داری در جریال تحولش، از تولید کالا فراتر می‌رود و به امکان‌هایی تازه برای ارزش‌افزایی و سودآفرینی دست می‌یابد. این تحول، سرمایهٔ صنعتی و سرمایهٔ تجاری را منقاد سرمایهٔ پولی می‌کند و محصول نهایی این تحولات، صورت‌بندی تازه‌ای در سرمایه‌داری یا همانا «سرمایه مالی» است. هیلفردینگ برای توضیح دادن این تحول، همهٔ پرسش‌ها را در قالب سه مبحث کلی مطرح می‌کند و می‌کوشد کار ناتمام مارکس و انگلس را در زمینهٔ نظریهٔ اقتصادی توضیح دهد و فرجامی دیگر برای نظام سرمایه‌داری ترسیم کند که جوهرش همان است که مارکس گفته، اما سیمای بیرونی‌اش چیز دیگری است. دست بر قضا همان بخشی که هیلفردینگ بر نظریات مارکس و انگلس افزود، محرک تحولاتی مهم در حوزهٔ نظر و عمل پیروان مارکس از اوایل قرن بیستم تاکنون شده است.



مفاهیم اولیه بورس (به زبان ساده)



کتاب «مفاهیم اولیه بورس (به زبان ساده)» از جمله کتبی است که مفهوم پیچیدهٔ بورس را به زبانی همه کس فهم توضیح داده و به نظر می‌رسد با خواندن آن می‌توان به بخشی از پیچیدگی‌های بازار سرمایه، آشنایی پیدا کرد. بورس در ایران چنان‌که باید، رونق نیافته و بخش بزرگی از جمعیت ایران با این موضوع بیگانه‌اند. حتی افرادی که در این زمینه فعالیت می‌کنند، با پیچیدگی‌های این حوزه آشنایی ندارند. این گروه به صورت سنتی وارد بازار سرمایه شده و بدون تحقیق و آشنایی کامل، بر اساس برخی از برداشتها اقدام به خرید می‌کنند. کتاب «مفاهیم اولیه بورس» به تمام علاقه‌مندان حوزهٔ اقتصاد پیشنهاد می‌شود. در این کتاب که توسط رضا صبری و کامیار فراهانی‌فرد نوشته شده، مفاهیمی مانند بازار بورس، شرکت سهامی عام و خاص، انواع شرکت‌ها و همهٔ شاخص‌های اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته و راه‌های گزینش سبد سهام، معرفی شده است. بازار اولیه و ثانویه، قیمت اسمی، پرتفوی و بده، سال مالی، شاخص‌ها، سود، حاشیهٔ سود، تحلیل تکنیکی، مدیریت ریسک، بازارهای خرید، نرخ بازده و همهٔ مفاهیم و موضوعاتی که مورد نیاز حضور یا اطلاع از بازار سرمایه است، مورد توجه قرار گرفته است.

مدیریت در اروپا

«تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای و استنباط ضمنی»

کتاب «مدیریت در اروپا» با همکاری انجمن اروپایی مدیریتی کارکنان (EAPM) به رشتهٔ تحریر درآمده و چالش‌های خاص و متفاوت مدیریت منابع انسانی در اتحادیهٔ اروپا را مورد واکاوی قرار داده است. در این کتاب تجزیه و تحلیلی ارائه می‌شود که برای هر یک از کشورهای اروپایی، توسط نویسندگانی از همان کشور، تدوین شده و محیطی را که «کسب‌وکار»ها با آن مواجه هستند، ارزیابی می‌کند. مدیران شرکت‌ها و بازرگانان، مخاطبان بالقوهٔ این کتاب هستند. هر چند علاقه‌مندان عام مباحث مدیریتی نیز می‌توانند از این کتاب بهره ببرند. باید این نکته را مورد توجه قرار داد که پس از لغو تحریم‌ها ارتباط شرکت‌های ایران با اروپایی‌ها رو به گسترش است. البته ارتباط ایرانی‌ها با هم‌تایان اروپایی‌شان در دوره‌های قبل نیز در زمینهٔ روابط اقتصادی و تجاری، وجود داشته است و همین ارتباط الزام‌آور بودن شناخت دربارهٔ مدیریت در اروپا را به وجود آورده است. ضمن این‌که می‌توان با استفاده از محتویات آن و تجربیات دیگران، نوعی از مدیریت را در سازمان‌های خودمان رواج دهیم. به هر روی این کتاب برای صاحبان صنایع، تجار و سرمایه‌گذاران ایرانی که قصد دارند ارتباط تجاری خود را با کشورهای اروپایی توسعه دهند، یا مدیرانی که می‌خواهند با استفاده از تجربیات مدیریت منابع انسانی، تغییری در سازمان خود بدهند، راه‌گشاست. کریستین شولتز وهانس بوم نویسندگان و سیدمسعود همایون‌فر و احمد فنائی‌پور مترجمان آن هستند.



مدیریت منابع انسانی در صنعت گردشگری

ایران طی این سال‌ها همواره بر این نظر بوده که صنعت گردشگری در کشور را توسعه دهد. جدای برخی از شرایط که فقدان آن‌ها نتوانسته آن‌طور که باید، گردشگری را در کشور ما توسعه دهد، تمرکز بر برخی از ویژگی‌های وطنی، این احتمال را به وجود می‌آورد که گردشگری از «توع ایرانی» آن به کمک آید و بخشی از توریست‌ها را که علاقه‌مندی به بازدید از اماکن تاریخی دارند، جذب کند. اما مهم‌تر از این، صنعت گردشگری برای توسعه همه‌جانبه و علمی خود، نیازمند توجه به «منابع انسانی» و «آموزش و کارآمد کردن نیروی انسانی» است.

کتاب «مدیریت منابع انسانی در صنعت گردشگری و مهمان‌نوازی» که دکتر ابوالفضل تاج‌زاده نمین آن را گردآوری و تألیف کرده، می‌تواند در این مسیر سودمند باشد. او عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی است و تجربیاتی در این زمینه دارد.

این کتاب تأکید بر «آموزش مهمان‌نوازی» را به‌عنوان یک اصل مدنظر دارد و آن را فرایندی برنامه‌ریزی شده برای اصلاح طرز برخورد، دانش و مهارت رفتاری، از طریق تجربه یادگیری برای رسیدن به کارکردی موثر در یک یا چند فعالیت می‌داند.

در این کتاب، مدیریت منابع انسانی در گردشگری و مهمان‌نوازی در مباحث برنامه‌ریزی منابع انسانی، بازار کار، فرصت‌های برابر و مدیریت تنوع و گوناگونی، نقش منابع انسانی در برنامه‌ریزی راهبردی و تغییر سازمانی، طراحی شغل، کارمندیابی، جذب و استخدام، مدیریت عملکرد و ارزش‌یابی عملکرد، آموزش و توسعه، پاداش، حقوق و مزایا، روابط کارکنان و مشارکت‌ها و... مورد بررسی قرار گرفته است.



نقش‌های نوین رهبران منابع انسانی

در معرفی کتاب «نقش‌های نوین رهبران منابع انسانی» آمده است: مدیران منابع انسانی (که سابق بر این رئیس پرسنل نامیده می‌شد)، به صورت سنتی، تا حد زیادی نقشی اداری را در اغلب سازمان‌ها به عهده دارند. هرچند این موضوع ظرف سال‌های گذشته مورد مناقشه بوده است.

در دو دهه گذشته شاهد کشف‌های نوینی در جایگاه و نقش منابع انسانی در سازمان‌ها بوده‌ایم و همین امر

جایگاه مدیران منابع انسانی را تغییر داده است. وظایف منابع انسانی و به‌خصوص آن‌هایی که در رأس امور هستند، تغییر کرده و انتظارات متفاوتی از آنان ایجاد شده است. جک ولش در کتاب Winning در خصوص نقش مدیران منابع انسانی (CHRO)، می‌گوید: بدون تردید، مدیر منابع انسانی می‌بایست دومین فرد مهم در هر سازمان باشد. از نقطه نظر مدیر اجرایی، گرداننده امور منابع انسانی می‌بایست دست‌کم، برابر با مدیر امور مالی محسوب شود. این واقعیت‌ها نشان می‌دهد که ما نیازمند دگراندیشی در نقش مدیران منابع انسانی در سازمان‌ها هستیم و در این راه با چالش‌هایی مواجه هستیم. پاتریک ام رایت کتاب را نوشته و بنیاد توانمندسازی منابع انسانی ایران به ترجمه آن همت گماشته است.



مدیریت منابع انسانی برای توسعه پایدار

در جهان امروز، هر گونه کسب‌وکاری مستلزم توسعه فرهنگ مسئولیت‌پذیری اجتماعی و پاسخ‌گویی به جامعه با رویکرد فعالیت‌های مسئولانه به همراه تولید ثروت است. درواقع این موضوع از رفتارهای تجاری همه ذی‌نفعان اعم از سهام‌داران، مشتریان و شخصیت منابع انسانی در سازمان‌ها و نگاه‌های تولیدی و خدماتی، ناشی می‌شود.

در این کتاب، ارتباط بین منابع انسانی، مفاهیم «مسئولیت‌پذیری شرکتی» و «مسئولیت‌پذیری اجتماعی» مورد توجه واقع شده و به این سوال که «چگونه از طریق کسب‌وکارهای مسئولانه



در تولید و ایجاد ثروت فعالیت کنیم؟» پاسخی در حد مقدرات داده شده است. «آیا شرکت ما با سایر سازمان‌های اجتماعی در رفع چالش‌های اجتماعی همکاری دارد؟»، «آیا بازاریابی ما با رفع چالش‌های اجتماعی پیوند خورده تا نامی ماندگارتر داشته باشیم؟»، «آیا شرکت ما از طریق توسعه فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی قادر به دمیدن روح تازه‌ای در کارکنان برای افزایش انگیزه بیشتر آن‌ها در خدمت به جامعه شده است؟»، «آیا شرکت ما در شناسایی چالش‌های اجتماعی و مشارکت در رفع آن‌ها، محصولات و خدمات جدیدی ارائه کرده است؟» از جمله موضوعاتی است که در این کتاب به آن اشاره شده است.

کتاب توسط استفان دیلچرت، دنیز اس. وانس و سوزان ای جکسون نوشته شده و توسط شهرین ستوده ترجمه شده است. اما روی جلد آن از «بنیاد توانمندسازی منابع انسانی ایران» به‌عنوان تدوین و ترجمه و از محمد حسن امامی و مجید سرایداریان به‌عنوان ناظرین علمی یاد شده است.

مدیریت سرمایه‌گذاری

کتاب «مدیریت سرمایه‌گذاری» نوشته چارلز پی. جونز از دیگر آثار است که خواندن آن برای علاقه‌مندان حوزه اقتصاد پیشنهاد می‌شود. این کتاب توسط دکتر رضا تهرانی و عسگر نوربخش ترجمه شده و تاکنون هشت بار تجدید چاپ و یک بار ویرایش اساسی شده است. کتاب از جمله متون آموزشی نیز هست، اما برای علاقه‌مندان اقتصاد به‌ویژه کسانی که می‌خواهند از مقوله سرمایه‌گذاری اطلاع داشته باشند، بسیار مفید می‌نماید.



چهار فصل اول این کتاب به بررسی مفاهیم اولیه سرمایه‌گذاری، انواع اوراق بهادار، بازارهای اوراق بهادار و نحوه معامله اوراق بهادار می‌پردازد. فصل پنجم به معرفی ریسک و بازده و نحوه اندازه‌گیری آن‌ها پرداخته و در فصل ششم تئوری پرتفلیو بیان شده است. فصل ششم به بررسی مدل‌های قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای پرداخته و ارزیابی عملکرد سرمایه‌گذاری در فصل هشتم مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. فصول ۹ تا ۱۲ در خصوص سهام عادی، ارزش‌یابی و استراتژی‌های مربوط به آن است. کارایی بازار یکی دیگر از مباحثی است که موضوع فصل ۱۲ را شکل می‌دهد. فصل ۱۳ تا ۱۵ مباحث مربوط به سه سطح تحلیل بنیادی است و در فصل ۱۶ نیز تحلیل تکنیکال مورد بحث قرار گرفته است. فصول ۱۷ و ۱۸ به ارزیابی اوراق قرضه و استراتژی‌های مربوط به آن می‌پردازد. فصل ۱۹ مربوط به اوراق اختیار معامله و در نهایت در فصل بیستم در خصوص پیمان‌های آتی بحث شده است.

چرا کشورها شکست می‌خورند «سرچشمه‌های شکوفایی و فقر و غنای کشورها»

است. از این حیث، با وجود این که مشرب اقتصادی مولفان (نهادگرایی) در سراسر کتاب با قوت تمام جاری است، کتاب بیش از آن که ذیل یکی از نحلتهای اقتصادی قرار گیرد، از جنس تاریخ است.

بنیان این کتاب بر هشت اصطلاح کلیدی استوار است و انواع و اقسام مثال‌ها و استدلال‌های کتاب در خدمت تشریح همین هشت اصطلاح است. در این کتاب به «نهادهای فراگیر» و «نهادهای بهره‌کش» اشاره شده است. منظور از نهادهای فراگیر، اعم از نهادهای سیاسی و اقتصادی، نهادهایی است که امکان فعالیت آزاد را برای همه شهروندان فراهم می‌کنند. نهادهای بهره‌کش در نقطه مقابل قرار دارند و راه ورود عموم را به قدرت سیاسی و فعالیت اقتصادی می‌بندند و این مزایا را در اختیار نخبگان خاص قرار می‌دهند. جان مایه تحلیل کتاب این است که هر جامعه‌ای که نهادهای فراگیر در آن حاکم شده‌اند، آن جامعه راه رشد اقتصادی و سعادت را پیموده است. برعکس جوامعی که نهادهای بهره‌کش بر آن مسلط شده‌اند، به راه خودکامگی و تهیدستی افتاده‌اند.



کتاب «چرا کشورها شکست می‌خورند» با تالیف دارون عجم اوغلو و جیمز رابینسون و ترجمه پویا جبل عاملی و محمدرضا فرهادی پور طبق معیارهای متعارف دانشگاهی، اثری اقتصادی نیست و باز طبق همین معیارها اثری سیاسی، جامعه‌شناختی، حقوقی و تاریخی هم نیست و در عین حال کتابی است بس دقیق و جامع درباره همه این رشته‌های علمی. همین ویژگی اخیر است که تحسین عالمان اقتصاد و سیاست و فرهنگ و جامعه و تاریخ را برانگیخته است. ستاینندگان کتاب به تصریح یا تلویح، آن را از نمونه‌های درخشان مطالعات بین رشته‌ای تشخیص داده و گفته‌اند که مولفان، دانش‌نامه‌ای کم‌نظیر در علوم اجتماعی آفریده‌اند که به پرسش‌های بنیادی در باب علل فقر و غنای کشورها پاسخ‌هایی قانع‌کننده داده است.

«چرا کشورها شکست می‌خورند» درباره وضع «اقتصادی» انواع جوامع از جماعات و آبادی‌های اولیه تا کشورهای امروزی است. اما ارجاعات پرشمار مولفان به تجربه‌های جهانی، به کتاب خصلتی تاریخی هم داده است، و حتی می‌توان گفت این کتاب درباره تاریخ تحولات اقتصادی جوامع و با تأکید بر مبحث توسعه

بیماری هلندی در اقتصاد ایران

این کتاب به موضوعی پرداخته که به‌وفور درباره آن بحث شده است، اما به نظر می‌رسد درباره بیماری هلندی برداشت‌های نادقیقی هم وجود دارد. رضا منوچهری راد و ناصر شمس قارنه این موضوع را دست‌مایه خود در کتاب قرار داده‌اند.

در معرفی کتاب آمده است: بیماری هلندی، بیماری شناخته‌شده‌ای در عرصه اقتصاد است. بیماری هلندی یک مفهوم اقتصادی است که تلاش می‌کند تا رابطه بین بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی و رکود در بخش صنعت را توضیح دهد. این مفهوم بیان می‌کند که افزایش درآمد ناشی از منابع طبیعی می‌تواند اقتصاد ملی را از حالت صنعتی بیرون بیاورد. این اتفاق به علت افزایش نرخ ارز واقعی موثر صورت می‌گیرد، که بخش صنعت را در رقابت ضعیف می‌کند. درحالی‌که این بیماری اغلب مربوط به اکتشاف منابع طبیعی می‌شود، می‌تواند به «هر فعالیت توسعه‌ای که نتیجه‌اش ورود بی‌رویه ارز خارجی می‌شود» مربوط شود. مانند نوسان شدید در قیمت منابع طبیعی، کمک‌های اقتصادی خارجی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی. هدف از تألیف این کتاب شناخت و پاسخ به سوال‌هایی خواهد بود که ممکن است برای علاقه‌مندان حوزه اقتصاد و به‌ویژه اقتصاد کشورهای صادرکننده نفت اهمیت بسزایی داشته باشد.



قدرت و بازار؛ دولت و اقتصاد

این کتاب تالیف مورای روتبارد و ترجمه متین پدram و وحیده رحمانی است. روتبارد در سرتاسر این اثر توضیح می‌دهد که برخلاف تصور حامیان نهاد دولت، این نهاد نیروی بی‌خطری نیست. دولت نهادی قهری است که در روابط داوطلبانه موجود در بازار مداخله می‌کند. محور همه مباحث کتاب این است که نهاد دولت به هزار توجیه متوسل می‌شود که حضور خود را در عرصه زندگی و کسب‌وکار مردم، موجه نشان دهد. حال آن‌که بیشتر گرفتاری‌های جوامع محصول همین مداخله‌هاست. تحلیل روتبارد درباره دولت چنان نقادانه و رادیکال است که حتی دولت را برای اموری مانند امنیت و دفاع نیز ضروری نمی‌داند و معتقد است همه امور را می‌توان به بخش خصوصی واگذار کرد. تفکری که روتبارد از آن دفاع می‌کند، با عنوان آنارکوکاپیتالیسم شناخته می‌شود.



اقتصاد سیاسی مهاجرت نخبگان ایران

(بررسی جنبه‌های نظری و عملی مهاجرت نخبگان ایرانی در سال‌های ۹۰-۱۳۷۰)

از سرمایه انسانی بالا و بسیار کارآمدی همچون اساتید دانشگاه‌ها، پزشکان، پژوهش‌گران، مهندسان و غیره، به‌صورت یک معضل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در کشور درآمده و بیم‌ها و نگرانی‌های زیادی را در کشور برانگیخته است.

این کتاب با عنایت به واقعیت مطرح‌شده در بالا، عوامل اثرگذار در حوزه اقتصاد سیاسی را بر مهاجرت نخبگان در کشور به‌ویژه در دهه ۱۳۸۰ بررسی کرده است. تمرکز حوزه بحث کتاب بر عوامل اقتصاد سیاسی و تأکید اثر بر بهره‌گیری از یک رویکرد نظری مناسب در تحلیل موضوع، از ویژگی‌های برجسته این کتاب است.



مهاجرت چشم‌گیر نخبگان علمی ایران سعید خاوری‌نژاد را واداشته تا بر این موضوع تمرکز کند و آن را به‌عنوان مسئله‌ای نگران‌کننده بررسی کند و روند توسعه دانش و فناوری در ایران را از آثار مخرب آن بانداند. مهاجرت به معنای حرکت از مبدأ دفع‌کننده به مقصد جذب‌کننده است و بنابراین پدیده مهاجرت نخبگان هم در عوامل و زمینه‌های داخلی یک کشور ریشه دارد و هم در عوامل و زمینه‌های بیرونی خارج از کشور.

دامنه پدیده فرار مغزها در ایران گویای این واقعیت است که امروزه جریان خروج نیروی انسانی متخصص و برخوردار

مدیریت استراتژیک با رویکرد امروزی



نویسنده این کتاب رابرت ام گرنت و مترجم آن دکتر آرش خلیلی نصر است. در معرفی آن آمده است: استادان و دانشجویان مدیریت در سراسر دنیا این کتاب را ارزشمند دانسته‌اند. این موضوع اطمینان می‌دهد که مفاهیم محوری و چهارچوب‌های پایه در تحلیل استراتژی در گستره وسیعی از شرایط کسب‌وکار کاربرد دارد. البته کاربرد ابزارهای استراتژی مستلزم در نظر گرفتن شرایط ویژه

کسب‌وکار در هر کشور است. اقتصاد ایران به دلیل بهره‌مندی از منابع طبیعی غنی، اصول شرعی حاکم بر مدیریت کسب‌وکار و تحریم‌هایی که کسب‌وکارهای ایرانی را محدود کرده است، از سایر کشورها متمایز می‌شود. حالا با رفع تحریم‌ها و حضور ایران در جامعه بین‌الملل، اهمیت مدیریت استراتژیک برای کسب‌وکارهای ایرانی به منظور در نظر گرفتن چالش‌ها و فرصت‌های بازارهای جهانی افزایش خواهد یافت.

ویرایش هشتم این کتاب با چند ویژگی جدید متمایز شده است. رویکرد وسیع‌تر به خلق ارزش و در نظر گرفتن مجموعه گسترده‌تری از ذی‌نفعان به جای توجه صرف به صاحبان سهام، تاکید روزافزون بر نقش تکنولوژی، توجه بیشتر بر روش ایجاد قابلیت‌های سازمانی در شرکت‌ها، نگاه یکپارچه‌تری به اجرای استراتژی و فصل جدیدی درباره خرید، ادغام و اتحادهای استراتژیک از جمله این ویژگی‌ها هستند.

چین چگونه سرمایه‌داری شد



این کتاب نوشته رونالد کوز، نینگ وانگ است و پیمان اسدی آن را ترجمه کرده است. چین به‌عنوان کشوری کمونیستی که حالا با اقتصادی نسبتاً آزاد مدیریت می‌شود، از جمله کشورهایی است که باید تحقیق و بررسی بیشتری درباره آن صورت گیرد. شگفت‌آورترین جنبه اصلاحات اقتصادی چین شاید این باشد که حزب کمونیست چین در سه دهه اصلاحات نه‌تنها به حیات خود ادامه داد، بلکه به موفقیت و شکوفایی دست یافت. این مسئله به‌روشنی نشان‌دهنده انعطاف سازمانی و وفق‌پذیری حزب بعد از ناکام ماندن تجربه سوسیالیسم بود، نه شکست‌ناپذیری و برتری مبنایی متصور سوسیالیسم. اما شگفت‌آور این است که اصلاحاتی که قصد حفظ سوسیالیسم را داشت، به صورت

غیربرنامه‌ریزی شده چین را تبدیل به اقتصاد بازار کرد. اسب تروای این داستان حیرت‌انگیز، اصل چینی «استخراج حقیقت از واقعیت» بود که دنگ شیائوپنگ به اشتباه آن را عصاره و جوهره مارکسیسم خواند. وقتی چین به آزمایشگاه عظیم اقتصادی تبدیل شد، نیروهای رقابتی توانستند جادوی خود را انجام دهند.

آنچه در این کتاب به‌عنوان ریشه و منشأ اصلی اصلاحات اقتصادی چین مورد تاکید قرار می‌گیرد، بازیگران و نیروهای حاشیه‌ای و در واقع به حاشیه رانده شده بوده که جلوتر از اقدامات اصلاحی دولتی اقتصاد بازار و انگیزه و کارآفرینی خصوصی را بازمی‌گرداند و سرمایه‌داری با مشخصه‌های چینی را رقم می‌زند. این کتاب از آن‌جا که تحولات اقتصادی و سیاسی چین را از دهه ۱۹۴۰ و از زمان به قدرت رسیدن حزب کمونیست، رصد کرده و با دیدی تاریخی اتفاقات و رویدادهای این دوره را در چهارچوبی تئوریک مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده است، حاوی نکات و تجارب ارزنده‌ای بوده و نگرشی روشن به خواننده می‌دهد. از این جهت مطالعه این کتاب به پژوهش‌گران، دانشجویان و علاقه‌مندان به علوم اجتماعی خصوصاً اقتصاد توصیه می‌شود. هم‌چنین برای مدیران و سیاست‌گذاران اقتصادی نکات قابل توجهی دربردارد.

جنگ‌های ارزی

«روایتی حیرت‌انگیز از جنگ اقتصادی کشورها با ابزار پول و طلا.»

جیمز ریکاردز در کتاب خود، جنگ‌های ارزی را که اکنون در دنیا رواج یافته، بررسی کرده است.

جیمز ریکاردز از این جهت نویسنده‌ای مهم است که ۳۵ سال در بازار بورس نیویورک (خیابان وال استریت) کار کرده است. هم‌چنین اشراف او به مسائل مالی ایالات متحده سبب شد که در سپتامبر ۲۰۰۹ نمایندگان مجلس ایالات متحده از او بخواهند تا در مورد خطرات الگوی مالی و بحران‌های آن و نیز بحران مالی سال ۲۰۰۸ نظرات خود را ارائه دهد.

اصطلاح «جنگ ارزی» حاصل زمانی پس از بحران مالی ۲۰۰۸ میلادی در آمریکاست. ریکاردز معتقد است: رشد جهانی شدن، قراردادهای مشتقات مالی (که ارزش آن‌ها بستگی به ارزش دارایی دیگری چون سهام، شاخص بورس، طلا، نفت و... دارد) و اهرم مالی (مفهومی از نوسان بدهی‌ها دارد) در ۴۰ سال



گذشته وقوع بحران مالی و سرایت آن به همه کشورها را غیرقابل اجتناب کرده است. به‌طوری‌که بحران جدید از بازار ارز آغاز و به‌سرعت به بازار سهام و اوراق قرضه و بازار کالا سرایت خواهد کرد.

این کتاب سه مشخصه مهم دارد: یک، بررسی تاریخ است و این‌که نشان می‌دهد چقدر اتفاقات امروز دنیا در گذشته تکرار شده‌اند و چقدر از مصایب امروز دنیا در تصمیمات غلط و نیاموختن از درس‌های گذشته ریشه دارد. دو، این کتاب نقش قدرت‌ها و بازیگران مهم به‌خصوص آمریکا و دلار این کشور و نیز قدرت نوظهوری به نام چین را در معاملات و معادلات اقتصادی و سیاسی امروز بیان می‌کند. سه، نقد تئوری‌ها و تفکراتی که ما را تا به این‌جا رسانده‌اند.

کتاب حاضر، از جنگ ارزی حال حاضر دنیا با توجه به اتفاقات مشابه تاریخی، سیاست‌های اقتصادی و مسائل امنیت ملی، روایتی بی‌تکلف و ساده ارائه می‌کند. این کتاب از شبکه تودرتوی الگوهای فکری شکست‌خورده، آرزوهای غیرعملی اقتصادی و مالی و تکبری که بر سیاست‌گذاری حوزه عمومی فعلی دنیا حاکم است، رمزگشایی می‌کند و به‌عنوان راه‌حل، مجموعه‌ای از اقدامات موثر و آگاهانه‌تر را پیشنهاد می‌کند. درنهایت، خواننده خواهد فهمید چرا جنگ ارزی جدید مهم‌ترین جنگ‌ها در دنیای امروزی است. درحقیقت، عاقبت این جنگ، نتیجه جنگ‌های دیگر را رقم خواهد زد. این کتاب را حسین راهداری ترجمه کرده است.

همه چیز درباره راه‌اندازی کسب‌وکار موفق

«همه چیز درباره راه‌اندازی کسب‌وکار موفق، از صفر تا صد» نام کتابی است که نویسنده آن رضا فریدون‌نژاد است. او در این کتاب نوشته است: شروع و راه‌اندازی یک کسب‌وکار می‌تواند یکی از جالب‌ترین عملکردهای یک فرد



باشد. هر ساله تعداد بسیاری کسب‌وکاری را آغاز می‌کنند، ولی متأسفانه تعداد بسیاری از این افراد هم با ورشکستگی مواجه می‌شوند!

برای موفقیت در بازار کار باید از یک‌سری قواعد و اصول مهم پیروی کرد تا بتوان ریسک کار را پایین آورد. در این کتاب شما با اطلاعات مفید و باارزشی که برای شروع و راه‌اندازی و اداره موفق یک کسب‌وکار نیاز دارید، آشنا خواهید شد.

«اصول راه‌اندازی یک کسب‌وکار موفق» کتاب دیگری در این زمینه، نوشته میثم مهدی‌پور است.

مانده تا آمدن قاصدک سبز بهار

زیر نور ماه

مجله فرهنگ و خانواده

مانده تا برف سپید آب شود و دل نیلوفر مست در سرازیری یک کوه کبود.
مانده تا سینه دشت پر شود از شرم شقایق که دهد بوسه به باد.
مانده بر سر کند این خاک سیاه چارقد سبز چمن، مانده بر بطن بنوازد بر بطن.
مانده تا سر شود هذیان شبی تار و بلند، مانده تا رقص آفاقی با باد.

مانده تا آمدن چلچله‌ها، مانده تا حال زمین په شود از آمدنت، مانده تا چون طاووس سپید، بال هزار رنگ را بگشایی به دلبری. مانده تا بیایی و دل ببری. زمین به انتظار نشست تا سبد سبد بنفشه بریزی در دل تنگش، به انتظار نشست تا مشتمت سوسن و یاس و رازقی بیاشی بر سرش، زمین تشنه یک جرعه نجواست، یک زمزمه مستانه از تو. زمین گوش به زنگ صدای خنده‌ها نشست، خنده‌ای که بی‌پروا می‌ریزی در آواز چلچله‌های عاشق، زمین بوسه گرم ترا می‌خواهد که زنده شود، که جان بگیرد. دلش رفته برای عطر تنت که بیاشی بر گیسوی بیدها و مجنون ترشان کنی، دلش رفته برای یک نگاه دزدکی، وقتی خیره می‌شوی به رود که از هیجان در آغوش کشیدنت به تلاطم می‌افتد، دلش می‌خواهد چشم‌های تو را تماشا کند وقتی پیچک‌ها از شوق به گردنت می‌آویزند، وقتی نسترن‌ها به هوایت گردن می‌کشند. زمین دست درخت‌ها را هم خوانده، خوب می‌داند که خواب نیستند، می‌داند که خودشان را به خواب زده‌اند تا تو دستی بر سرشان بکشی، می‌داند درخت‌ها هم دلشان رفته برای لمس پنجه‌هایت، برای این که دوباره شکوفه بزنند. زمین بی‌قراری چلچله‌ها و قمری‌ها را می‌فهمد و حال شاپرک‌های چشم به راه، در پیله انتظار را. زمین دل‌تنگی غوک‌های توی بیشه را از آوازشان می‌خواند. زمین دم به دم به قاصدک‌های سرگردان مزدگانی می‌دهد تا خبر آمدنت را بیاورند. در طلعت خوانده که یک قدم مانده به صبح سر می‌رسی، می‌داند که سحر به یمن قدمت پیاله پیاله زاله سر می‌کشد. زمین به سعد بودن قدمت عقیده دارد، بس که هر جا قدم می‌گذاری، سبز می‌شود و زنده و بیدار. زمین اسپند را پیش پایت به آتش می‌ریزد، عود را می‌سوزاند و دلش پر می‌کشد که از راه برسی، برسی و با تلنگر ناخن‌های حناست‌ها شیشه هفت رنگ دلش را بشکنی، بشکنی تا از غصه‌های هفتاد رنگ پر نشود. رگ خواب زمین دست توست، شهرزادی، خوب بلدی کنار گوشش قصه هزار و یک یلدای سرد و تاریک را بگویی و خوابش کنی، بلدی دلش را ببری، بلدی سحرش کنی تا همیشه به پایت بماند، زمین به پای تو زنده می‌شود، عاشق می‌شود، دلش می‌شکند، پیرت می‌شود، گیسش سفید می‌شود، برایت جان می‌دهد و تو دوباره از راه می‌رسی و به دمی، به نفسی گرم زنده‌اش می‌کنی. باور داری که زمین دوستت دارد، باور داری که که افسون‌گری، که به وردی از دل خشکیده بیدمشک پیر جوانه می‌زنی، باور داری که از این شاخه‌های رنگ‌پریده یاسمن می‌روید و از دل این خاک سیاه یک بغل لاله سرخ.

کسی جز تو راز این ساحری را نمی‌داند، حتی زمین که این همه عاشقت بوده، حتی رود که هزار بار در آغوش کشیده، حتی دشت که بر قدم‌هایت بوسه زده... کسی نمی‌داند چه می‌گویی در گوش برف که دلش نرم می‌شود به رفتن، اما حتما رازی هست، رازی در سینه کائنات! رازی که با آن حال زمین و زمان به می‌شود، کسی هست در سراپرده کائنات که دل‌ها و دیده‌ها به امرش تغییر می‌کند، کسی که راز این سحر را به تو آموخته، آموخته تا با آمدنت چشم و دل زمین و زمان را روشن کنی. هم اویی که تدبیرگر شب و روز است و گرداننده زمین و آسمان. سال را از پی سال می‌گرداند و حال را از پی حالی دیگر. زمین پیش‌تر از آمدنت دست گشوده به سویش تا تو بیایی و احوالش را دگرگون کنی، تا سردی و دل‌تنگی‌اش به مهرت گرم و روشن شود و درخت هم نیز، درخت هم در نبودنت سر بر آسمان برده که بیایی و بیدارش کنی و رود که خواسته منقلبش کنی و پرستو که آشیانه‌اش را میان دستان تو می‌جوید.

و من نیز، من نیز چون زمین و درخت و رود و پرستو چشم‌انتظار توام، آن دم که چون درختی خفته و خشک به نسیم نگاهت سبز و بیدارم کن، لبریزم کن عشقی که بر شکوفه‌ها می‌بخشی و بازم گردان به آشیانی امن چون چلچله‌های مسافر که راهبرشان هستی. بیا که با آمدنت حال من نیز په شود چون حال زمین و زمان.
*بربط هم به معنای مرغابی است و هم نوعی ساز قدیمی است.

دقیقا کجا برم؟

راهنمای سفر

فرید دانشفر

تعطیلات عید نوروز زمان مناسبی است که با برنامه‌ریزی دقیق و درست، سفر کرد. سفری که شاید جزو آرزوها و محالات ما باشد، اما با یک نگاه درست به این که چگونه سفر کنیم و چه مقصدی را انتخاب کنیم، می‌تواند محقق شود. قرار است یک بسته جمع‌وجور و مفید درباره سفر به کشورهای مختلف را که جاذبه‌های شگفت‌انگیز دارند، به شما عرضه کنیم تا راه دشوار سفر برایتان بسیار آسان شود و بدانید سفر به چه کشوری می‌تواند نهایت لذت را در این تعطیلات نصیب شما کند.

هند



- با توجه به جمعیت زیاد هند، احتمال دیدن مراسم عروسی در خیابان‌های شهر بسیار زیاد است و هم‌چنین مراسم تدفین را هم به‌راحتی می‌توانید در شهرهای مذهبی مثل وارناسی (بنارس) از نزدیک ببینید. سوزاندن اجساد از صحنه‌های فراموش‌نشده این سفر محسوب می‌شود.
- تاج محل روزهای جمعه تعطیل است.
- آسان‌ترین وسیله حمل‌ونقل داخل شهری ریکشوا است که دو نوع مختلف دارد؛

موتور ریکشوا و سایکل ریکشوا. از هر جا به هر جای دیگر بخواهید بروید، می‌توانید با موتور ریکشوا بروید و در بعضی از مسیرها حتی از مترو هم مقرون به صرفه‌تر است. نکته مهم این است که باید حتما کرایه را با راننده ریکشوا فیکس کنید. اگر پیشنهاد دادند که تاکسی‌متر را روشن می‌کنند، باز هم قبول نکنید، چون معمولاً دستکاری شده است!

- مترو در دهلی نو بسیار خوب و مقرون به صرفه است. فقط باید حواستان حسابی جمع باشد، چون بسیار شلوغ است و احتمال سرقت پول و وسایل شخصی هم دارد!

- فاصله تهران تا دهلی حدود سه یا چهار ساعت به صورت هوایی است.
- برای سفر به هند بهتر است با خود دلار ببرید، زیرا پیدا کردن روپیه در صرافی‌ها دشوار است و دلار را می‌توان به‌راحتی در هند تبدیل به روپیه کرد.
- همان‌طور که اطلاع دارید، غذاهای هند تند است. شما می‌توانید از مسئول رستوران بخواهید که از ادویه تند در غذای شما استفاده نکند. اما چندان هم امیدوار نباشید که نتیجه آن باب تبع ما ایرانی‌ها باشد!



- متاسفانه مراکز اصلی شهر و غیره از وضعیت بهداشتی بسیار ضعیفی برخوردار هستند. خودتان هم احتمالا با سفر به هند متوجه خواهید شد. جمعیت بالا و همین‌طور ضعف فرهنگی در بهداشت عامل این امر شده است.
- شاید این سوال برایتان پیش بیاید سفر به گوا بهتر است یا به دهلی - آگرا-جیبور. باید گفت که هر کدام جای خودش را دارد. گوا یک شهر ساحلی و تفریحی است. گردشگران اروپایی به این شهر علاقه زیادی دارند. اما مسیر دهلی-آگرا-جی پور که معروف به مثلث طلایی است، یک نوع سفر به عمق فرهنگ کهن و فرهنگ هندی است.

ترکیه

- این کار به شمار می‌آید.
- ۱۰ جاذبه برتر استانبول عبارت‌اند از:
 - مسجد و موزه ایاصوفیه، قصر غرق‌شده، مسجد سلیمانیه، مسجد آبی، قایق‌های بسفر، قصر توپکاپی، کاخ دولما باغچه، مسجد فاتح، مسجد رستم پاشا، مسجد سلیمانیه، مسجد سلطان احمد (مسجد آبی)، خیابان استقلال، افسوس، سنت ساییز و بازار بزرگ.
- در طول اقامت در ترکیه باید از خوردن آب لوله‌کشی خودداری کنید.

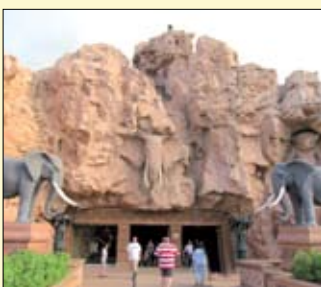


- اگر اهل خیابان‌گردی باشید، محله‌های تاریخی استانبول مثل اورتاکوی و محله‌های بشیکتاش بهترین جا برای کشف گوشه‌کنار شهر و فرهنگ و زندگی بومی‌هاست.
- در خیابان استقلال که معروف‌ترین خیابان ترکیه است، می‌توانید قدم بزنید، خرید کنید و موسیقی بشنوید.

- برای سفر به این کشور از طریق زمینی و هوایی می‌توان اقدام کرد.
- اگر قصد دارید با خودروی شخصی تا مرز بروید و بعد از آن را با خودروی عمومی سفر کنید، باید هزینه مربوط به پارکینگ را پرداخت کنید.
- در صورتی که می‌خواهید با خودروی عمومی به سفر خود ادامه دهید، باید بدانید که بعد از خروج از مرز تاکسی‌های وان ترکیه در انتظار شما هستند. این تاکسی‌ها برای این مسافت ۲۰ لیتر برای هر نفر دریافت می‌کنند. لازم به ذکر است که موقع برگشت از وان نیز هزینه همین مقدار است.
- برای رفت‌وآمد در داخل شهر تاکسی را فراموش کنید. هزینه تاکسی در ترکیه بسیار بالاست. در عوض می‌توانید از مینی‌بوس‌هایی که در خیابان‌های مرکز شهر ایستگاه دارند، استفاده کنید.
- اگر هدفتان از سفر فقط خرید کردن است، شهر استانبول گزینه خوبی برای

آفریقای جنوبی

- خیلی هیجان‌انگیز خواهد بود.
- از تهران به ژوهانسبورگ، یا دیگر شهرهای آفریقای جنوبی که دارای فرودگاه بین‌المللی هستند، پرواز مستقیم وجود ندارد. اما بهترین مسیر تهران-دبی-ژوهانسبورگ است.
- تا جایی که می‌توانید، به صورت دسته‌جمعی به گردش بپردازید. از جابه‌جایی مقدار زیاد پول نقد و در معرض دید قرار دادن آن به شدت بپرهیزید.
- اگر در آفریقای جنوبی قصد اجاره خودرو دارید، به روش‌های ساده‌ای می‌توانید خودروی مورد نظر خود را اجاره کنید. برای این منظور می‌توانید از روش‌های زیر استفاده کنید:
- شرکت‌های اجاره خودرو در ترمینال‌های فرودگاه‌ها
- به صورت آن‌لاین و جست‌وجوی اینترنتی
- مراجعه به «مراکز اطلاعات گردشگری (tourism and information desk)»
- واقع در کیپ تاون و ژوهانسبورگ



- آفریقای جنوبی به دلیل مهاجرت از لحاظ نژادی بسیار متنوع است. بزرگ‌ترین جمعیت‌های دورگه و اروپایی و هندی در آفریقا در این کشور مستقر هستند.
- اگر می‌خواهید به آفریقای جنوبی بروید، فراموش نکنید که در فصلی بروید که در ایران هوا سرد است. زیرا در آفریقای جنوبی به دلیل بودن در نیمکره جنوبی آب‌وهوا و فصول آن دقیقاً عکس ایران است.
- یکی از سایت‌های معروف به نام فوربس در میان ۱۰ ساحل برتر دنیا، سواحل شهر کیپ تاون در کشور آفریقای جنوبی را به‌عنوان دومین سواحل برتر جهان برگزیده است.
- از ما می‌شنوید، موقع چمدان بستن یک ساک خالی هم توی چمدانتان بگذارید، چون خریدهایتان از کیپ تاون توی چمدانتان جا نمی‌شوند. درواقع، کیپ تاون از آن شهرهایی است که از شیر مرغ تا جان آدمیزاد را توی بازارهایش پیدا می‌کنید و اگر اهل خرید باشید، قطعاً خرید در کیپ تاون برایتان



گرجستان

پخته، تکه‌های بادمجان، تکه‌های گوشت بره، فلفل سبز درشت همراه با سیر و سبزیجات.



- اگر بخواهید، می‌توانید به صورت زمینی از سه طریق به گرجستان سفر کنید؛ جمهوری آذربایجان، ترکیه و ارمنستان.
- پتانسیل گردشگری کشور گرجستان را می‌توان عمدتاً در دو بخش جست‌وجو کرد؛ آثار تاریخی و مناطق سرسبز و سواحل غربی.
- برای خرید خیابان‌های پکینی و روستاوی مناسب هستند. سعی کنید به نمایندگی‌های برندهای معروف سری بزنید و اگر فروشگاه‌های دارای تخفیف بود، حتماً از اجناس آن دیدن کنید.
- پارک بین‌المللی گرجستان از غنی‌ترین پوشش گیاهی جهان برخوردار است، به صورتی که از ارتفاع صفر یعنی سطح دریا تا ارتفاع ۱۶۰۰ متری گیاهان مختلف از اقصی نقاط دنیا در این پارک زیبا جمع‌آوری شده و پرورش داده می‌شود که این نشان‌دهنده آب‌وهوای معتدل و بارندگی‌های زیاد است.
- تفلیس شهری است که شب‌ها هم زنده است و در اروپا تنها چند شهر چنین خصوصیتی را دارند.
- چنانچه، معروف‌ترین غذای گرجستان، تشکیل شده است از گوجه‌های درسته

پنج اپلیکیشن کاربردی برای مدیریت کار گروهی

گروهی را برای شما فهرست کرده‌ایم. البته مطمئن با بسیاری از ابزارهای این چنین در فضای مجازی آشنا هستید، اما یادآوری ویژگی‌های آن‌ها به شما کمک خواهد کرد تا بتوانید بر اساس نوع کار یا نیازهای خود یک ابزار کارآمد و مناسب را انتخاب کنید.

ابزارهای مدیریت تبدیل به سلاطین دنیای گجت‌ها شده‌اند. این روزها دیگر کمتر فردی را پیدا می‌کنید که روی گوشی یا تبلت خود ابزاری برای مدیریت پروژه‌های گروهی یا برنامه‌های فردی نداشته باشد، یا در پی انتخاب و نصب یکی از آن‌ها نباشد. ما در این مقاله پنج ابزار رایگان و آنلاین مدیریت کار

۲۴Bitrix

این شبکه داخلی امکان اشتراک اسناد، وظایف، کارهای گروهی، تقویم کاری و موارد بسیار دیگری را در اختیار دارند. این ابزار هم‌چنین امکان خوبی برای جست‌وجوی آسان برای یافتن اعضای پروژه، وظایف آن‌ها و اسناد دارد و به راحتی می‌تواند جایگزین خوبی برای ابزارهای CRM و ابزارهای پیچیده مدیریت پروژه باشد. ۲۴Bitrix بر خلاف سایر برنامه‌های مدیریت کار گروهی آنلاین می‌تواند روی سرور اختصاصی مورد استفاده قرار بگیرد و این استفاده از آن را بر اساس شرایط شما برایتان راحت‌تر خواهد کرد.



این ابزار متعلق به نسل جدیدی از ابزارهای مدیریت پروژه و کار گروهی است؛ بستری برای یک شبکه اجتماعی داخلی که ترکیبی عجیب از برنامه‌های مختلف مانند فیس‌بوک، گوگل داکز، اسکایپ، واتس‌آپ، شیرپوینت و بیس کمپ است. ۲۴Bitrix در واقع یک شبکه اجتماعی داخلی بیزنس محور است که به اعضای یک پروژه اجازه می‌دهد تا آشفتگی‌ها، راه‌کارها و برنامه‌های خود را برای یک پروژه مشخص با دیگر همکاران خود در میان بگذارند. افراد عضو در

MindMeister



کمتر پیش می‌آید که اعضای یک گروه با استفاده از نقشه ذهنی پروژه خود را پیش ببرند، اما اگر شما از گروه‌های رقیب خود در این زمینه پیش هستید، می‌توانید از MindMeister برای کار کمک بگیرید.

MindMeister ابزاری است که به شما اجازه می‌دهد تا نقشه ذهنی خود را درباره بخشی از پروژه یا تمام آن با دیگر همکاران خود به اشتراک بگذارید. یک نرم‌افزار پیش‌رو در ترسیم طرح اولیه پروژه با کمک نقشه ذهنی که اپلیکیشن‌های خوبی برای اندروید، ios و ویندوزفون دارد و از این نظر دست همه را در استفاده از آن باز گذاشته است.

Asana

Asana یک مجموعه‌ی مدیریت پروژه آنلاین است

که ایده‌هایی شبیه ۲۴Bitrix دارد، با این تفاوت که این برنامه فقط و فقط برای مدیریت پروژه طراحی شده است. طراحان Asana روابط خوبی را میان کاربران آن تعریف کرده‌اند و نسخه رایگان آن می‌تواند برای مدیریت و هماهنگی پروژه برای یک تیم ۱۵ نفره کافی باشد.

درواقع Asana از ابتدا برای بهبود بهره‌وری کارکنان فیس‌بوک طراحی شده است و تاکید آن روی مدیریت پروژه به صورت آنلاین و بدون استفاده از ایمیل است. فضای این ابزار بر اساس

پروژه‌ها، زیرمجموعه‌های آن‌ها و نیز اعضای پروژه تعریف شده است و کاربران این امکان را دارند که یادداشت‌ها، نظرات، فایل‌های اضافه و برچسب‌هایی را به این فضاها اضافه کنند.



GroupMe

ابزار اطلاع‌رسانی گروهی شرکت مایکروسافت که روی پلت‌فرم‌های مختلف کار می‌کند و مورد توجه تعداد زیادی از افراد است. GroupMe بر خلاف سایر ابزارهایی که به شما معرفی کردیم، مبتنی بر کسب‌وکار یا بیزنس محور نیست، اما قابل نصب روی ویندوزفون و بلک بری است که هر دو در دنیای تجارت بسیار محبوب هستند و متأسفانه هیچ‌کدام از آن‌ها ابزاری حرفه‌ای مانند ۲۴Bitrix را ساپورت نمی‌کنند.

FreshDesk

از ارائه‌های خوب شرکت ZenDesk است که نسخه رایگان آن اجازه استفاده از سوی سه کاربر را به شما می‌دهد که تعجبی نیز ندارد، چون ZenDesk معمولاً ابزار رایگان تولید نمی‌کند. ویژگی خوب این ابزار این است که شما می‌توانید برای مدیریت کار گروهی و پروژه خود راه‌های مختلفی را انتخاب کنید و به یک روش محدود نخواهید بود. با استفاده از این ابزار شما امکان استفاده از فروم‌های مختلف و نیز فضاهای دیگر را برای تبادل اطلاعات آزاد خواهید داشت و از این نظر ابزار تقریباً منحصر به فردی را انتخاب کرده‌اید.



ایام نوروز چه سریال‌هایی از تلویزیون پخش خواهند شد

جعبه جادویی در تکاپوی آشتی دوباره با مخاطب

بعد از رکود صدا و سیما در ماه‌های اخیر و عدم توجه به مسئله کمیت و کیفیت در تولید مجموعه‌ها، حالا چند وقتی است که تلویزیون به فکر ساخت سریال‌هایی برای ایام نوروز افتاده، تا شاید بتواند دل مخاطبانی را که مدت‌هاست با جعبه جادویی قهر کرده‌اند و دیگر مجموعه شاخصی را در آن نمی‌بینند، به دست آورد. هر چند سریال‌های ایام نوروز بیشتر جنبه سرگرمی دارند و خیلی نمی‌توان شاهد مجموعه شاخصی در میان آن‌ها بود، اما به نظر می‌رسد که سریال‌های امسال، به لحاظ مضمون و ساختار تفاوت عمده‌ای با دیگر مجموعه‌های سال‌های قبل داشته باشند. با این حال باید منتظر ماند و دید آیا این مجموعه‌ها می‌توانند در غیاب مجموعه موفق «کلاه قرمزی» در امسال، رضایت مخاطبان را به دست آورند، یا این که دوباره شاهد مجموعه‌های تکراری و بی‌محتوا خواهیم بود.

در حاشیه حضور بازیگر میلیاردری

سریال «دورهمی»، اولین مجموعه نوروزی شبکه نسیم است که قرار است در ایام نوروز پخش شود. در این مجموعه که هنوز اسمی از کارگردان آن در جایی درج نشده، مه‌رمان مدیری به همراه امیرمهدی ژوله، به‌عنوان بازیگران اصلی بازی دارند. پس از امیرمهدی ژوله که اولین تجربه بازی در یک سریال را از سر می‌گذراند، حضور مه‌رمان مدیری در این سریال اتفاق جالب توجهی است. درحالی‌که شنیده می‌شد مه‌رمان مدیری برای بازی در این مجموعه، همانند سریال «قلب یخی»، رقم میلیاردری برای بازی گرفته، اما تهیه‌کننده سریال، موضوع دریافت دستمزد میلیاردری مه‌رمان مدیری برای حضور در این سریال را کذب محض و دستمزد مدیری را کاملاً مطابق با برآوردهای سازمان صدا و سیما دانست و به نوعی پرداخت رقم میلیاردری به مدیری را لاپوشانی کرد! هر چند مدیری در سریال «قلب یخی» هم به‌عنوان بازیگر حضور داشت، اما این سریال در شبکه نمایش خانگی توزیع می‌شد و با این حساب آخرین حضور او به‌عنوان بازیگر در تلویزیون، در سریالی که خودش کارگردانی آن را بر عهده ندارد، به سال ۱۳۸۰ و «دردسره‌های والدین» به کارگردانی مسعود نوایی برمی‌گردد. سیامک انصاری، شقایق دهقان، الیکا عبدالرزاقی، مه‌رمان رنجبر و محمد نادری دیگر بازیگران این مجموعه ۱۵۶ قسمتی هستند. این مجموعه که پخش آن از چند روز مانده به عید آغاز می‌شود، قرار است با ساختاری متفاوت روی آنتن برود و در هر قسمت از آن ۳۰۰ نفر از مخاطبان که طی یک فراخوان برای حضور در برنامه ثبت‌نام کرده‌اند، به تماشای بازی بازیگران می‌نشینند.

ماجراهای یک جوان پردردسر

سعید آقاخانی، که بعد از بازی در فیلم‌های «خداحافظی طولانی» و «من دیه‌گو مارادونا هستم» و دریافت سیمرغ از جشنواره سی‌وسوم، مدتی از فضای سریال‌سازی در تلویزیون فاصله گرفته بود و عده‌ای گمان می‌کردند که او هم مثل رضا عطاران، دیگر به سمت تلویزیون روی نخواهد آورد، از پاییز امسال به فکر ساخت مجموعه‌ای نوروزی به همراه گروهی کاملاً حرفه‌ای افتاد. این سریال که «بیمار استاندارد» نام دارد، به نویسندگی بهرام توکلی (کارگردان «پرسه در مه» و «اینجا بدون من») در ۱۵ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای و به تهیه‌کنندگی مسعود ردایی برای پخش از شبکه سه تهیه شده است. «بیمار استاندارد» قصه بهنام (با بازی بابک حمیدیان) را به تصویر می‌کشد که خود را در موقعیتی عجیب و باورنکردنی قرار می‌دهد و وارد ماجراهایی می‌شود که تا به حال تجربه‌شان نکرده است. در این مجموعه علاوه بر حمیدیان، جواد عزتی، شیدا خداداد، پوریا پورسرخ، خاطره حاتمی، حسین محب‌اهری، هومن حاجی عبداللهی و امید روحانی به‌عنوان بازیگران اصلی حضور دارند. این مجموعه در ۱۴ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای توسط مرکز گسترش فیلمنامه‌نویسی صدا و سیما تهیه و تولید شده است.



در تکاپوی موفقیت سری اول یک سریال



بعد از استقبال‌هایی که از مجموعه «دودکش» در رمضان سال ۹۲ شد، محمدحسین لطیفی برای موفقیت دوباره این مجموعه، تصمیم گرفت که ادامه آن را برای نوروز ۹۵ بسازد. با این حال آدم‌ها و حال‌وهوای قصه «دودکش ۲» همگی برای بیننده‌ها آشنا هستند و فیروز و قالی‌شویی پرماجریش را اغلب مخاطبان این سریال می‌شناسند. تنها تغییر این سریال، حضور کوروش نریمانی به‌عنوان نویسنده و سیدمحمد رضوی به‌عنوان تهیه‌کننده است که پیش از این برزو نیک‌نژاد و زینب تقوایی مسئولیت هر یک از این بخش‌ها را به عهده داشتند. در این مجموعه که سری اول آن به دلیل تکیه کلام‌های شخصیت‌های آن با استقبال بسیاری مواجه شد، هومن برق‌نورد، بهنام تشکر، سیما تیرانداز، امیرحسین رستمی، نگار عابدی، محمدرضا شیرخانلو، یاس نوروزی، مجید یاسر و بازیگر خردسال زینب فلاح‌پیشه به ایفای نقش می‌پردازند. مجموعه تلویزیونی «تنهایی لایلا» کار قبلی محمدحسین لطیفی بود که تابستان امسال از شبکه سوم پخش شد.

قرعه به نام کدام سریال می‌افتد؟

اما شبکه دو سیما امسال برای نوروز دو سریال را تدارک دیده که هنوز مشخص نیست کدام مجموعه شانس بیشتری را برای پخش در ایام نوروز داشته باشد. یکی از این مجموعه‌ها که از پاییز امسال تولیدش آغاز شد، سریال «زعفرانی» به کارگردانی حامد محمدی و به نویسندگی سعید جلالی، حامد محمدی و آزاده محسنی است. «زعفرانی» از آغاز تولید، با حاشیه‌های فراوانی مواجه بود. ابتدا قرار بود فاطمه معتمدآریا به‌عنوان بازیگر اصلی روبه‌روی مهدی هاشمی در این سریال بازی کند، اما درنهایت و به دلایلی، حضور او در این سریال شکل نگرفت و ستاره اسکندری جایگزین این بازیگر شد. به گفته سازندگان این مجموعه، «زعفرانی» به لحاظ تنوع میان قصه‌های سریال‌ها، کار متفاوتی است و مهدی هاشمی در این کار شخصیت جدیدی از خودش خلق کرده است. او در این کار نقش متفاوتی دارد که مردی اهل خانواده و شوخ است. ماجراهای این سریال در یک قهوه‌خانه می‌گذرد که اداره آن را مهدی هاشمی برعهده دارد. مهران احمدی، نرگس محمدی، حدیث میرامینی و هادی کاظمی از دیگر بازیگران این مجموعه هستند.

اما مجموعه تلویزیونی «قرعه»، از دیگر گزینه‌های پخش در ایام نوروز از شبکه دو سیماست. داستان این مجموعه که به کارگردانی برزو نیک‌نژاد و تهیه‌کنندگی محمود اتحادی تولید می‌شود، درباره چند خانواده ایرانی است که با نزدیک شدن به ایام نوروز با مشکلاتی مواجه می‌شوند. فیلمنامه این سریال را محمد تنبند نوشته و بازیگرانی چون حمیدرضا آذرنگ، فریبا متخصص، هدایت هاشمی، نسرين نصرتی، سحر ولدبیگی و پرستو گلستانی به ایفای نقش می‌پردازند. ابتدا قرار بود مجموعه ۱۵ قسمتی «قرعه» به تهیه‌کنندگی الهام غفوری و کارگردانی سیروس مقدم به جمع سریال‌های نوروزی ۹۵ بپیوندد، ولی از آن‌جا که این زوج درگیر پیش‌تولید مجموعه «سنگ پا» هستند، برزو نیک‌نژاد کارگردانی این مجموعه نوروزی را به عهده گرفت. او سال گذشته مجموعه «روزهای بد به در» را برای پخش در ایام نوروز از شبکه سه روی آنتن داشت.





سیزده بهدر؛ روز طبیعت

از هزاران گره مانده به راه تو بیاتا گره‌ای باز کنیم!

تیر و جشن تیرگان که در سیزدهم «تیرروز» در تیرماه، برگزار می‌شود، به نوبه خود گفته‌ها و نوشته‌های زیادی وجود دارد. بنابراین این روز در باورها و اعتقادات مردم ایران باستان به هیچ عنوان نحس نبوده است. اگر دقت کنید در جدول مربوط به سعد و نحس روزها نیز روز سیزدهم مبارک آمده است. مردم باستان در مورد این روز معتقد بودند که جمشید شاه (بنیان‌گذار نوروز) روز سیزده نوروز را در صحرای سبز و خرم، خیمه و خرگاه برپا می‌کرد و بار عام می‌داد. چندین سال متوالی این کار را انجام داد که در نتیجه این مراسم در ایران زمین به صورت سنت و مراسم درآمد.

سیزده بهدر نحس است یا مبارک؟

خیلی از افراد نه تنها به نحسی عدد ۱۳ اعتقادی ندارند، بلکه درکل عدد خاصی را در سرنوشت خود موثر نمی‌دانند، ولی این مسئله که در گذشته‌ها این عدد را خوش‌یمن تلقی نمی‌کرده‌اند، شاید علتش این بوده که در طالع‌نمای نجومی، قدما معتقد بودند که آسمان ۱۲ برج دارد و هر تولدی که صورت می‌گیرد، دارای ستاره‌ای در یکی از ۱۲ برج است و بنا بر این که کدام ستاره در کدام برج قرار گرفته، طالع و خوی فرد متولدشده شکل می‌گیرد و خارج از ۱۲ برج که عدد ۱۳ است، نابجا و نحس محسوب می‌شده است. به‌رحال حالا دیگر نحسی عدد ۱۳ مورد باور و قبول همه نیست و می‌توان گفت بیشتر جنبه خرافی دارد.

رسم‌های روز سیزده بهدر

به گفته دیگر این‌طور بیان می‌شود که ایرانیان بعد از ۱۲ روز جشن گرفتن، دور هم بودن، دید و بازدید، مسافرت، شادی کردن و... که به یاد ۱۲ ماه از سال است، سیزدهمین روز از سال نو را که فرخنده است، به فضایی سبز یا به صحرا می‌رفتند و آن روز را به شادی می‌گذراندند و درحقیقت به این ترتیب رسمی

روز سیزده بهدر را می‌توان یکی از بهترین روزهای نوروز قلمداد کرد. بسیاری از مردم بعد از پشت سر گذاشتن ۱۲ روز مهمان‌داری، تفریح، گردش، مسافرت و برگزاری جشن‌های سال نو، سیزدهمین روز از سال جدید را به دل طبیعت می‌روند و ساعتی را در کنار هم خوش می‌گذرانند. این روز یک نمایش ملی است. بسیاری از مردم اعتقاد دارند برای این که نحسی این روز را دور کنند، می‌بایستی از خانه‌شان خارج شوند و سیزده بهدر کنند تا نحسی روز در طبیعت به در شود. در این روز سبزه‌های سبزشده را که در چند روز اول سال نو مهمان سفره هفت سین بوده، به آب روان می‌سپارند. خوراکی‌های باقی‌مانده نوروز مصرف می‌شود و دوره‌می‌ها و بساط بازی‌های دسته‌جمعی به‌پاست. کمتر کسی را می‌توان مشاهده کرد که در روز سیزدهم فروردین در منزلش بماند و به دل طبیعت نرود. نظر به این که این روز مشتاقان و طرفداران زیادی دارد، از همان اوایل روز خیابان‌ها شلوغ و پررفت‌وآمد هستند و پارک‌ها و فضاهای سبز محله‌ها و مناظر طبیعی اطراف شهر پذیرای هزاران نفر از زن و مردم و جوان و پیر و کودک است. بسیاری از خانواده‌ها با دلی خوش و با صفا و صمیمیت در کنار هم می‌نشینند و ساعتی را به گفت‌وگو، بازی، میل کردن غذا، آجیل‌های باقی‌مانده از روزهای اول سال نو و... می‌پردازند و گل می‌گویند و گل می‌شنوند. بسیاری از افرادی که در طول سال و در هیاهوی شهر به دنبال مسائل زندگی هستند و با هم روابطی سرد و خشک دارند، در این روز تغییری در رفتارشان رخ می‌دهد و همه مهربان و شادمان هستند؛ گویی بهترین روز سال همین روز است. هرچند هستند افرادی که این روز را نحس می‌دانند، ولی در این روز همه چیز و همه کس رنگ شادی به خود می‌گیرد و همه از کنار هم بودن لذت می‌برند. با این تفاسیر، آیا روز سیزده بهدر نحس است؟ افرادی این‌گونه می‌گویند: روز سیزدهم هر ماه در جدول ۳۰ روز ایران باستان، مربوط است به فرشته تیر یا تیشتر که ستاره باران است و ارتباط با آب و باران دارد و بسیار روز خجسته و مبارکی است. در مورد فرشته

الانبياء» صفحه‌های ۲۳ تا ۲۹ و گفته‌های مسعودی در کتاب «مروج الذهب» جلد دوم صفحه‌های ۱۱۰ و ۱۱۱ و بیرونی در کتاب «آثار الباقیه» بر پایه همان آگاهی است که در منبع پهلوی وجود دارد که:

«مَشیه» و «مَشیانه» که دختر و پسر دو قلی کیومرث بودند، روز سیزدهم فروردین برای نخستین بار در جهان با هم ازدواج کردند. در آن زمان چون عقد و نکاحی شناخته نشده بود! آن دو به وسیله گره زدن دو شاخه «مُورد»، پایه ازدواج خود را بنا نهادند و چون ایرانیان باستان از این راز به‌خوبی آگاهی داشتند، آن مراسم را به‌ویژه دختران و پسران دم بخت روز سیزده به‌در انجام می‌دادند. امروزه نیز دختران و پسران برای بستن پیمان زناشویی، نیت می‌کنند و علف گره می‌زنند. این رسم (علف

گره زدن در روز سیزده به‌در) از زمان کیانیان تقریباً فراموش شد و در زمان هخامنشیان دوباره آغاز شد و تا امروز باقی مانده است. در کتاب «مُجمل التواریخ» چنین آمده است: «... اول مردی که به زمین ظاهر شد، پارسیان آن را «گل‌شاه» نامیدند، زیرا که پادشاهی او الا بر گل نبود، پس پسر و دختری از او ماند که مشیه و مشیانه نام گرفتند و روز سیزده نوروز با هم ازدواج کردند و در مدت ۵۰ سال، ۱۸ فرزند به وجود آوردند و چون مُردند، جهان ۹۴ سال بی‌پادشاه بماند.»

همان‌گونه که شباهتی بین چهارشنبه سوری و نوروز امروزی متداول در تهران و شهرهای بزرگ، با شیوه‌های اصیل و کهن آن وجود ندارد، سیزده به‌در امروزی نیز تنها نامی از یک جشن کهن را بر خود داشته و هیچ شباهتی به آیین کهن و یادگار نیاکان ما ندارد. نحوه اجرای جشن سیزده به‌در، مانند بسیاری از دیگر آیین‌های ایرانی، عمیقاً از شیوه اصیل و باستانی خود دور شده است و به شکل فعلی آن، دارای سابقه تاریخی در ایران نیست.

اگر کمی به گذشته برگردیم، پدرها و مادرهایمان سبزه‌هایی را که از شب سال نو درست کرده بودند، بعد از این‌که در اولین روزهای عید به‌خوبی از آن‌ها مراقبت می‌کردند، در روز سیزده به‌در به صحرا می‌بردند و برای احترام به زمین و گیاه، این سبزه‌ها را در آغوش زمین می‌کاشتند. ولی متأسفانه بعضی از افراد امروز سبزه‌ها را در دل طبیعت

رها می‌کنند و باعث شلوعی و کثیفی محیط پیرامون خودشان می‌شوند. یا این سبزه‌ها را در جوی آب می‌اندازند و جلوی آبراه‌ها را می‌گیرند و به نوعی فضا و محیط شهری را آلوده می‌کنند. عده‌ای شنیده‌اند که باید سبزه را به آب سپرد؛ بلکه درست است، ولی باید به آب روانی سپرد که غالباً در بیرون از شهرها یا در روستاها وجود دارند، نه آبی که در جوی‌ها جاری است. با انداختن سبزه‌ها درون این آب‌ها، نه تنها خود آن شخص لذتی نمی‌برد، بلکه هر لحظه بر گرفتگی آب‌ها افزوده می‌شود. با توجه به این‌که جمعیت شهرها و حتی شهرستان‌ها هر روز بیشتر و بیشتر می‌شود، سعی کنیم تا جایی که می‌توانیم، از طبیعت و روزهای خاصی مثل سیزده به‌در به‌خوبی و شایسته استفاده کنیم و هیچ‌وقت این طبیعتی را که برای استفاده همگان (چه نسل فعلی و چه نسل آینده) است، با ریختن حتی کوچک‌ترین آشغال یا ته‌مانده غذا کثیف نکنیم و به عبارت ساده‌تر، زیبایی و جان طبیعت را نگیریم.

بودن دوره نوروز را به اتمام می‌رساند. در بررسی دیگری این‌گونه بیان می‌شود که اعتقاد به عمر ۱۲ هزار ساله جهان نزد زرتشتیان، تحت تاثیر نجوم بین‌النهرین است که اعتقاد داشتند هر کدام از ۱۲ اختر که خود به یکی از برج‌های دوازده‌گانه حاکم است، هزار سال بر جهان حکومت خواهد کرد. در این صورت جهان عمری ۱۲ هزار ساله خواهد داشت و موقعی که ۱۲ هزار سال به اتمام می‌رسد، زمین و آسمان در هم خواهد شد.

بنابراین اصل اعتقاد به ۱۲ هزار سال و ۱۲ ماه سال تاثیر معتقدات بابلی است. بعد از ۱۲ هزار سال، آشفستگی اول باز خواهد گشت، پس جشن‌های ۱۲ روز در اولین ماه سال (فروردین) آغاز سال با سال ۱۲ ماهه و دوره ۱۲ هزار ساله عمر جهان مرتبط است. انسان هر چیزی را که در این ۱۲ روز اتفاق می‌افتاد، به‌عنوان سرنوشت سال خود می‌پنداشت. قبل از نوروز انواع و اقسام دانه‌ها را می‌کاشتند و هر دانه‌ای که در مدت این ۱۲ روز به صورتی بیشتر و بهتر رشد می‌یافت، آن دانه را برای کاشت آن سال به‌کار می‌بردند و تصور می‌کردند اگر اولین روزهای سال نو به ناراحتی و اندوه سپری شود، تمام سال نیز به همین منوال با اندوه خواهد گذشت.

مدل‌های برپایی مراسم سیزده به‌در

همان‌طور که می‌دانید، شیوه‌های برگزاری روز سیزده به‌در و نیز مراسم و آداب این روز تا حدود زیادی گسترده و متفاوت است، به صورتی که در این مطلب نمی‌توان تمام آن را جا داد و به همه آن‌ها اشاره کرد. بخشی دیگر از آیین‌های سیزده به‌در را باورهای تشکیلی می‌دهند که به نوعی با تقدیر و سرنوشت در پیوند است. برای مثال فال‌گیری (به‌ویژه فال کوزه)، گره زدن سبزه و گشودن آن، بخت‌گشایی (که در سمرقند و بخارا رایج است) و نمونه‌های پرشمار دیگر، از مراسم روز سیزده به‌در به شمار می‌روند.

از آیین‌های دیگر سیزده به‌در که مثل مراسم چهارشنبه سوری و نوروز، پرشمار، زیبا و دوست‌داشتنی هستند، جمع شدن در کنار هم و پرداختن به بازی‌های گروهی، ترانه‌ها و رقص‌های دسته‌جمعی، گردآوری گیاهان صحرائی، خوراکی‌های عمومی، بادبادک‌پرانی، سوارکاری، نمایش‌های شاد، هم‌وردجویی جوانان، آب‌پاشی و آب‌بازی است که ریشه‌های عمیق در باورها و فرهنگ اساطیری دارند. همین‌طور شادی کردن و خندیدن به معنی فروریختن اندیشه‌های پلید و تیره، روبوسی نماد آشتی، به آب سپردن سبزه سفره نوروزی به نشانه هدیه دادن به ایزد آب «آناهیتا»، گره زدن علف برای شاهد قرار دادن مادر طبیعت در پیوند میان زن و مرد و مسابقه‌های اسبدوانی که یادآور کشمکش ایزد باران و دیو خشک‌سالی است.

علف گره زدن

افسانه آفرینش در ایران باستان و موضوع نخستین بشر و نخستین شاه و دانستن روایاتی درباره کیومرث دارای اهمیت زیادی است. در «اوستا» چندین بار از کیومرث سخن به میان آمده و او را نخستین پادشاه و نیز نخستین بشر نامیده است. گفته‌های حمزه اصفهانی در کتاب «سنی ملوک الارض و



نوستالژی‌های نوروز دهه هشتاد

دهه جنگ و صلح

معمولا اتفاقاتی که در نوروز هر سال می‌افتد، در ذهن اکثریت افراد نقش می‌بندد. زیرا با شروع سال جدید به خصوص در روزهای نخست، سعی می‌کنیم تا کارهای متفاوتی انجام دهیم و معمولا در این روزها تصمیم‌های جدیدی نیز برای زندگی می‌گیریم. در این گزارش اتفاقات مهم دهه ۸۰ را به تفکیک هر سال بررسی می‌کنیم.



نوروز ۱۳۸۱: جهان پرفتنه شده

حدسی که با مرگ ویلیام هانا، در نوروز سال ۸۰ زده بودیم، شش ماه بعد رنگ واقعیت گرفت. روز ۲۰ شهریور ۸۰ (۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱) کسانی که بی‌خبر تلویزیونشان را روشن کردند، با صحنه‌های عجیبی روبه‌رو شدند که تا آن زمان مخصوص ساعت‌های پخش فیلم سینمایی بود. ساختمان‌های بلند در آتش می‌سوخت، کسانی از ترس خودشان را از آن ارتفاع به زمین پرت می‌کردند و بعد، کل ساختمان فرو ریخت. عجیب‌تر از همه این‌که این تصاویر فیلم و حقه سینمایی نبود و واقعی بود. حمله به برج‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی در نیویورک که هنوز هم بدرستی معلوم نشده کار چه گروه و سازمانی بوده، بلافاصله جهان را در وضعیت جنگی قرار داد.

نوروز ۱۳۸۰: مرگ کودکی

اولین عید این دهه، بعد از مرگ احمد شاملو، فریدون مشیری، هوشنگ گلشیری و چهره‌های بسیاری از هنرمندان و نویسندگان دیگر سر رسید و در همان روز ابتدایی نوروز، خبر مرگ ویلیام هانا، خالق کارتون محبوب «تام و جری» هم به همه آن درگذشت‌ها اضافه شد تا معلوم شود که این دهه، به کلی متفاوت است از دهه‌های پیش.



اولین بار، تام و جری ۶۰ سال پیش از این تاریخ ظاهر شده بودند. به‌رحال هرچه بود، مرگ ویلیام هانا، نمادی بود از پایان عصر معصومیت و کودکی.

نوروز ۱۳۸۲: تکذیب‌های سعیدالصحاف

مقصد بعدی جنگ، همسایه غربی ما بود. دو روز مانده به عید ۸۲، جنگی که از ماه‌ها قبل تهدیدهایش آغاز شده بود، رسماً شروع شد. بهانه جنگ این بود که رژیم صدام تسلیحات کشتار جمعی غیرمتمعارف در اختیار دارد و این، لابد برای صلح جهانی مخاطره‌آمیز بود. «رژیم عراق طرح تولید گاز اعصاب و سیاه‌زخم و سلاح‌های اتمی را به مدت یک دهه دنبال کرده است.» شش سال بعد معلوم شد که گزارش‌های بازرسان آژانس انرژی اتمی که به استناد آن‌ها جنگ شروع شده بوده، از اساس دروغین بوده‌اند. به‌رحال هرچه بود، روز ۲۱ جنگ (۷ آوریل یا ۱۹ فروردین) نیروهای آمریکایی وارد کاخ‌های صدام در بغداد شدند. جنایت‌کارترین دیکتاتور منطقه فرار کرد. سعیدالصحاف هم همین‌طور. در سه هفته بمباران مداوم شهرهای باستانی عراق، میراث فرهنگی و آثار باستانی اولین تمدن‌های بشری آسیب شدید دید. آمریکا و انگلیس تا هفت سال بعد مالک عراق و نفت عراق شدند. شش ماه بعد، صدام با ریش انبوه در مخفیگاهی در شمال عراق پیدا و اعدام شد. سعیدالصحاف اما امروز در کویت به کار تجارت مشغول است.



نوروز ۱۳۸۳: گل‌پونه‌های وحشی دشت امیدم

با وجود تجربه دو نوروز با جنگ، این یکی نوروز از همه غمگین‌تر بود. هنوز شش ماه از زلزله ویران‌گر بم نگذشته بود که عمو نوروز بی‌خبر از همه جا سر رسید و داغ خانواده‌های ۳۵ هزار قربانی زلزله را تازه کرد. بامداد روز جمعه ۵ دی ۸۳، ایران با این خبر از خواب بیدار شده بود: «زمین‌لرزه شهرستان بم را تکان داد.» اول همه دعا می‌کردند که ماجرا جدی نباشد و خسارت‌ها کم. اما در همان چند ساعت اول مشخص شد که آن‌چه بر بم گذشته، هرگز از ذهن‌ها و خاطره‌ها محو نخواهد شد. شهر زیبایی که با ارگ باصلابتش قرن‌ها در کویر خشک و بی‌آب‌وعلف همچون ستاره‌ای تابناک می‌درخشید، یک‌باره زبرورو شده و با اهل و بنایش به ویرانه تبدیل شده بود. امدادگرها و کمک‌ها از سرتاسر دنیا راهی بم شد. بسیاری از ورزشکاران، هنرمندان و چهره‌ها رفتند تا تسلی خاطر بازماندگان شوند، اما هیچ‌کدامشان نتوانستند جهان‌پهلوان تختی را تکرار کنند.





نوروز ۱۳۸۴: بازگشت سیاستمدار

سال آخر ریاست جمهوری حجت الاسلام خاتمی بود و فصل انتخابات. همه منتظر بودند تا این بار هم مثل هشت سال قبل، با شگفتی‌های تازه دنیای سیاست روبه‌رو شوند و بحث اصلی همه عیددین‌ها گمانه‌زنی درباره انتخابات، آرایش نیروهای سیاسی، کاندیداهای احتمالی و نتیجه انتخابات بود. سوال اصلی این بود: «هاشمی رفسنجانی می‌آید یا نه؟» همه می‌دانستند که آمدن سیاستمدار کهنه‌کار به میدان، یعنی جدی شدن بازی. اتفاقی که اتفاقاً هم افتاد و برای اولین بار، رقابت ریاست جمهوری را به دور دوم کشید. نتیجه هم مثل هشت سال قبل، شگفتی و تازگی داشت. شهردار تهران شد رئیس‌جمهور ایران و حتی بر سیاستمدار پیر هم پیشی گرفت. این، سیاسی‌ترین نوروز این دهه بود. نوروزی که همه از هم می‌پرسیدند: «چه خواهد شد؟»

از دیگر خبرهای این عید، مرگ پاپ ژان پل دوم بود، که جوان‌ترها اسمش را مخفف می‌کردند و می‌گفتند «پدر ژپتو». با مرگ این پاپ معتقد به گفت‌وگوی ادیان، پاپ جدیدی بر سر کار آمد که عقایدی دیگر داشت و هوای جنگ به سرش بود. ظاهراً دهه ۸۰، هنوز از جنگ خسته نشده بود.



نوروز ۱۳۸۶: طنز ترش و شیرین

«نوروز ۷۵» هم اسم سال بود و هم اسم یک جنگ تلویزیونی که گروهی از استعدادهای طنز را به ما معرفی کرد. مهران مدیری، مهران غفوریان، جواد رضویان، آرش صیادی، سعید آقاخانی، رضا شفیعی جم، رضا عطاران و... همگی از آن سال شروع کردند. منتها تا شکوفایی کامل و بروز استعدادهای هر کدام، زمان بیشتری لازم بود. برای رضا عطاران این زمان ۱۰ سال طول کشید تا با سریال «ترش و شیرین» به نقطه اوج کارنامه هنری‌اش برسد.

رضا عطاران در سریال «ترش و شیرین» اش چند کار را انجام داده بود: اولاً از طنز خاص مهران مدیری که کل نیمه اول دهه ۸۰ را مال خودش کرده بود، فاصله گرفته بود. طنز او، سبک خاص خودش را داشت. دوم این‌که، طنز او طنز اجتماعی شده بود و به جای خلق فضاهای دور و بیگانه با امروز مثل «برره»، توی همین خیابان‌های آشنا می‌گذشت. و سومین کار عطاران، کشف و به‌کارگیری استعداد درخشانی بود به اسم احمد پورمخبر که در بین آن همه سریال و بازیگر، پدیده سریال‌های نوروزی سال ۸۶ شد.



نوروز ۱۳۸۵: هر کول‌ها و آمپول‌ها

با آمدن عزت‌الله ضرغامی به تلویزیون، برنامه‌های سرگرمی‌ساز این رسانه هم بیشتر و بیشتر شد و روال سال‌های قبل، در مورد بمباران فیلم و سریال در ایام نوروز هم شدت بیشتری گرفت. در عید این سال، سریال «وفا» با بازی هانیه توسلی و پوریا پورسرخ، این دو چهره جوان را ستاره کرد، اما جالب‌تر و پربیننده‌تر از آن سریال، مسابقه «مردان آهنین» (یا قوی‌ترین مردان ایران) بود که هر چند ششمین دوره‌اش را می‌گذرانند، اما با آسیب دیدن یکی از شرکت‌کنندگان جنجالی شد. به‌علاوه که در این سال، برادران فاطمی هم ظاهر شدند که تا چهار سال بعدی، عنوان قوی‌ترین مردان ایران را در خانواده خودشان نگه داشتند.



نوروز ۱۳۸۷: همه علیه مهران

سنت سریال‌های نوروزی، سریال‌های طنز و کارهای خاص مهران مدیری، هیچ‌کدام مانع از آن نشدند که سریال «مرد هزارچهره» سروصدا به راه نیندازد. مهران مدیری در سریال نوروزی این سالش (که سال بعد هم همان را تکرار کرد)، کارمند دست‌وپاچلفتی صاف و ساده‌ای را تصویر کرده بود که بر اثر تصادف، پایش به ماجراهای مختلفی باز می‌شود و مجبور به بازی کردن در نقش‌هایی که هیچ‌کدامشان خود او نیستند. اول جراح مغز و اعصاب می‌شود، بعد به حلقه شاعران راه پیدا می‌کند، مدتی پلیس است و دست آخر به میان خلاف‌کاران می‌رود.

نوروز ۱۳۸۹: آغاز هدفمندی

آخرین نوروز دهه ۸۰، با یک خبر اقتصادی مهم همراه بود: «هدفمندی یارانه‌ها». این، چیزی بود که مجلس در تصویب قانون بودجه سال ۸۹ پیش‌بینی‌اش را انجام داده بود و همه از همان روزهای اول سال، می‌خواستند درباره آن و چند و چونش بدانند. موضوع بیشتر دید و بازدیدهای عید ۸۹ سوال همین برنامه بود.

به جز ماجرای هدفمندی و سوال‌های مربوط به آن، عید ۸۹ یک ماجرای خاص دیگر هم داشت؛ افول وحشتناک تلویزیون و برنامه‌های آن. اگر در همه این سال‌ها سریال‌ها، فیلم‌ها، برنامه‌ها و اخبار تلویزیونی در ایام نوروز می‌توانست بینندگان را در پای جعبه جادو میخکوب کند، سپردن سریال‌سازی نوروزی به مسعود دهنمکی که به لطف عبور از خط قرمزها در دو فیلم «خراجی‌ها» ۱ و ۲ توانسته بود فروشی در گیشه سینما به دست بیاورد، یک شکست فاحش بود. سریال «دارا و ندار» دهنمکی حتی از طرف دوستانش هم مورد انتقاد شدید واقع شد. با ظهور کانال ماهواره‌ای «فارسی‌وان» در اواخر بهار ۸۹، زنگ خطری که این انتقادها برای تلویزیون به صدا درآورده بود، جدی‌تر هم شد تا صدا و سیما به خود بیاید و سریال‌هایی مثل «مختارنامه» را روانه آنتن کند. دهه ۸۰، دهه‌ای که با مرگ یکی از نمادهای تلویزیون دهه‌های قبل شروع شده بود، با پخش مستقیم جنگ‌ها ادامه پیدا کرده بود و با تثبیت تلویزیون به‌عنوان تنها منبع سرگرمی در ایام نوروز داشت به کار خودش پایان می‌داد، باز هم با یک پدیده تلویزیونی دیگر همراه شد. دهه ۸۰، مطلقاً دهه تلویزیون بود.

نوروز ۱۳۸۸: شکست در آزادی

چهار سال قبل، خیلی راحت با برانکو ایوانکوویچ به جام جهانی صعود کرده بودیم و این بار هم تدارکات و شانس و همه چیز، مساعد بود برای صعود. حتی یک قهرمان به اسم علی دایی را کرده بودند سرمربی تیم ملی و آن هم درست زمانی که مذاکره با افشین قطبی که در سال ۱۳۸۷ پرسپولیس را با «قلب شیر» قهرمان ایران کرده بود، تمام شده بود و خبر سرمربی‌گری او هم اعلام. همه چیز در ظاهر خوب و خوش بود که بازی سنتی ایران-عربستان رسید. روز ششم فروردین، یعنی در اوج تعطیلات، ۱۰۰ هزار نفر به ورزشگاه آزادی آمدند تا لذت صعود را با شکست رقیب همیشگی جشن بگیرند. حتی رئیس‌جمهور هم به استادیوم آمده بود. اما بازی برده، یک‌باره با باخت جایگزین شد.





چهاردهمین دوره رقابت‌های فوتسال قهرمانی آسیا در حالی با قهرمانی تیم ملی فوتسال ایران به پایان رسید، که شاگردان محمد ناظم‌الشریعه بعد از دو دوره توانستند جام قهرمانی را پس بگیرند و سهمیه جام جهانی ۲۰۱۶ کلمبیا را هم به‌عنوان بهترین تیم آسیا کسب کنند. در کنار عنوان قهرمانی این رقابت‌ها برای تیم ملی فوتسال کشورمان، عنوان بهترین و ارزشمندترین بازیکن هم به علی‌اصغر حسن‌زاده، بازیکن ریزنقش و تکنیکی ایران رسید. بعد از بازگشت تیم ملی فوتسال ایران از ازبکستان با حسن‌زاده گفت‌وگو کردیم تا از حال و هوای قهرمانی و کسب این عنوان با او سخن بگوییم.

تبریک می‌گوییم، بعد از دو دوره ناکامی توانستید جام قهرمانی را پس بگیرید.

تمام ذهن خود را معطوف کرده بودیم تا این اتفاق رخ دهد. اگر تیم ملی فوتسال ایران نتوانست که در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ هم عنوان قهرمانی آسیا را از آن خود کند، بیشتر به اتفاقات بازمی‌گردد تا عدم توانایی ما. فوتسال ایران آقای خود را در آسیا ثابت کرده است و بچه‌ها هم‌قسم شده بودند تا قهرمانی را بازپس گیرند.

قطعا همین عامل انگیزه شما را دوچندان کرده بود...

ما اول به دنبال این بودیم که تیم ملی فوتسال ایران را به جایگاه اصلی‌اش برگردانیم، آن هم در سال منتهی به رقابت‌های جام جهانی که انگیزه همه تیم‌ها بالاتر است. ما سطحمان واقعا از آسیا بالاتر است و به جهانی فکر می‌کنیم.

به نظر میزبانی ازبک‌ها برای ایران خوش‌یمن است.

دقیقا همین‌طور است. آخرین قهرمانی ایران در مسابقات فوتسال قهرمانی آسیا در همین ازبکستان به دست آمد که در سال ۲۰۱۰ توانستیم این تیم را در فینال شکست دهیم.

شما چندمین حضورت در این مسابقات را تجربه می‌کردی؟

من از سال ۲۰۰۶ در همه مسابقات حاضر بوده‌ام و فکر می‌کنم این ششمین حضورم در مسابقات قهرمانی آسیا بود.

عنوان بهترین بازیکن این رقابت‌ها هم به تو اختصاص پیدا کرد. لذت قهرمانی برای تو با این عنوان بیشتر شد؟

خب قطعا از کسب این عنوان خوشحالم، اما نباید فراموش کنیم که این عناوین انفرادی وقتی ارزش پیدا می‌کند که بتوانیم عناوین تیمی یعنی قهرمانی در آسیا را هم کسب کنیم که خوشبختانه در این دوره به دست آمد. مهم در وهله اول برای من قهرمانی تیم ایران بود، اگر هم قرعه به نام من افتاد و عنوان ارزشمندترین بازیکن قهرمانی آسیا را کسب کردم، با تلاش تمام بازیکنان تیم ملی ایران حاصل شد و همه برای این مقام زحمت کشیدند.

نتایج ایران تا قبل از دیدار نهایی آن قدر خوب بود که توقع یک برد پرگل در دیدار نهایی به وجود آمده بود. اما انگار داستان فینال متفاوت بود و برد با حداقل اختلاف را کسب کردید.

من پیش‌بینی می‌کردم نتوانیم مانند سایر مسابقاتمان با اختلاف از سد ازبکستان عبور کنیم. شما بدانید داستان مسابقه نهایی با همه مسابقات تفاوت دارد، ضمن این‌که حریف تیم ازبکستان بود که از حمایت هزاران تماشاگر بهره می‌برد و فقط به قهرمانی فکر می‌کرد. ما اول بازی روی یک اتفاق گل خوردیم و همین موضوع باعث شد کمی محتاط‌تر کارمان را دنبال کنیم. ضمن این‌که مهم قهرمانی بود و فرقی نمی‌کرد ۱۰ بر صفر پیروز شویم یا دو بر یک.

سال ۹۴ با قهرمانی‌ها و عناوین مختلفی برای تو رو به پایان است.

گفت‌وگو با علی‌اصغر حسن‌زاده، ارزشمندترین بازیکن

مسابقات فوتسال قهرمانی آسیا

غیر از ایران هیچ تیمی شایسته قهرمانی نبود

برای گرفتن سهمیه کار سختی در پیش داریم امید نوروژی: دیگر نمی‌خواهم اعتراض کنم

تیم ملی کشتی فرنگی برای تکمیل سهمیه‌هایش در بازی‌های المپیک نیاز به حضور در رقابت‌های گزینشی قزاقستان دارد. مسابقاتی که ۲۴ اسفند تیم ملی راهی این رقابت‌ها خواهد شد و سه کشتی‌گیر تیم ملی کشتی فرنگی باید در این رقابت‌ها کسب سهمیه کنند. یکی از این کشتی‌گیران امید نوروژی است که باید سهمیه وزن ۶۶ کیلوگرم را به دست بیاورد. البته او کار بسیار دشواری را هم در پیش دارد. از بین همه مدعیان کشتی فرنگی در آسیا فقط کشتی‌گیر کره جنوبی سهمیه را در جهانی آمریکا کسب کرده است. این یعنی تیم‌های آسیایی در وزن ۶۶ کیلوگرم با اقتدار راهی گزینشی قزاقستان خواهند شد. با این وجود امید نوروژی از آمادگی بالایی خودش برای حضور در این مسابقات می‌گوید و از این که کار را در قزاقستان یک‌سره خواهد کرد.

خستگی بعد از تمرین نشان از تمرینات فشرده برای حضور در گزینشی المپیک دارد!

به‌رحال دیگر زمان به اتمام رسیده است. فرصت کمی تا گزینشی داریم و باید در همین مسابقات کار سهمیه را یک‌سره کنیم.

به نظر کار سختی دارید.

وزن ۶۶ کیلوگرم که من باید به نمایندگی از ایران به آن رقابت‌ها اعزام شوم، مسابقات سختی را در پیش دارد. فقط هان ریو سو از کره جنوبی توانسته در جهانی لاس‌وگاس سهمیه بگیرد و این یعنی که مدعیان سایر کشورهای آسیایی برای گرفتن سهمیه به این رقابت‌ها خواهند آمد.

حریفی هم از قزاقستان خواهی داشت که باید در کشور خودش برای گرفتن سهمیه مبارزه کند.

من فقط نگران داوری‌ها هستم. در قهرمانی آسیا هم داوران خیلی به تیم ما ضربه زدند. اگر داورها مشکلی را به وجود نیآورند، از پس همه حریفان برمی‌آیم.

با این حساب خیلی هم آماده هستی.

مدت زیادی است که در تمرینات با جدیت حضور دارم. تلاش زیادی کردم و الان خدا را شکر به فرم مطلوبی رسیدم. البته چند روزی است که به دلیل آسیب‌دیدگی در تمرینات از ناحیه دنده دچار مشکل شدم، اما خدا را شکر در آمادگی کامل به مسابقات خواهیم رسید.

آسیب‌دیدگی ات جدی نیست؟

نه خوشبختانه. البته چند شب از درد نتوانستم بخوابم. حتی در تمرین روز گذشته هم خوب نتوانستم مرور فن داشته باشم.

این آرامشی که در تیم به وجود آمده به نظر روی تو هم تاثیر گذاشته، از آن مصاحبه‌های قبلی خبری نیست.

به‌رحال محمد بنا حواسش به همه چیز است. وقتی او هست، آرامش کاملا برقرار است. البته الان هم مشکلات زیادی داریم، اما دیگر نمی‌خواهم اعتراض کنم. وقتی هم که اعتراض درحالی که همه حرف من توجه کردن به به‌رحال محمد بنا حواسش به همه چیز است. وقتی او هست، آرامش کاملا برقرار است. البته الان هم مشکلات زیادی داریم، اما دیگر نمی‌خواهم اعتراض کنم. وقتی هم که اعتراض درحالی که همه حرف من توجه کردن به

یعنی همه حواست

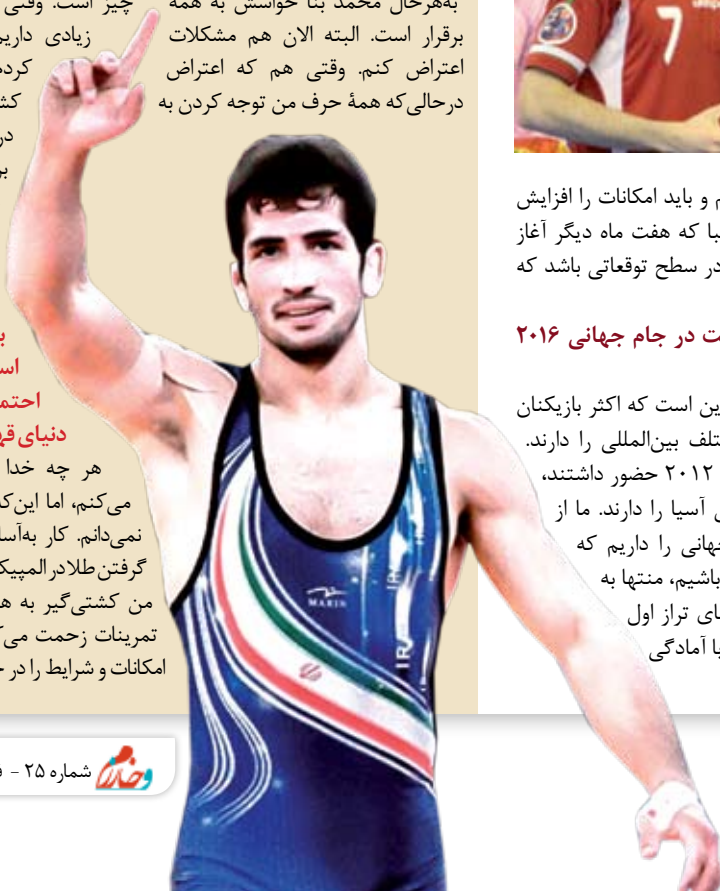
به طلای دوم المپیک

است و بعد هم که

احتمالا خداحافظی از

دنیای قهرمانی؟

هر چه خدا بخواهد. تمام تلاشم را می‌کنم، اما این که چه اتفاقی رخ بدهد را نمی‌دانم. کار به آسانی انجام نمی‌شود. برای گرفتن طلا در المپیک باید همه زحمت بکشند. من کشتی‌گیر به همراه مربیانم در اردوها و تمرینات زحمت می‌کشیم. مسئولان هم باید امکانات و شرایط را در حد امکان فراهم کنند.



فکر می‌کردی این همه موفقیت را به دست بیاوری؟

نه، واقعا فکرش را نمی‌کردم. من وقتی در اوایل سال از لیگ روسیه به ایران بازگشتم و به تیم تاسیسات پیوستم، می‌دانستم این تیم در ایران میزبان جام باشگاه‌های آسیاست. در رقابت‌های باشگاه‌های آسیا هم دو دوره ناکامی را تجربه کردیم و همین عامل فشار روی تیم را بالا برده بود. خوشبختانه توانستیم در اصفهان عنوان قهرمانی در آسیا را کسب کنیم و جام را در ایران نگه داریم. بعد از آن هم قهرمانی لیگ برتر را به دست آوردیم و من هم آقای گل مسابقات شدم و در پایان هم به همراه تیم ملی جام قهرمانی در آسیا را بالای سر بردیم. سال ۹۴ بهترین و پرافتخارترین سال دوران ورزشی من است.

اتفاق عجیب مسابقات قهرمانی آسیا هم قطعاً ناکامی ژاپنی‌ها بود...

اکثر تیم‌ها در فوتسال آسیا طی سالیان اخیر پیشرفت قابل ملاحظه‌ای کرده‌اند و واقعا دیگر هیچ تیمی را نمی‌توان از پیش برنده دانست. ژاپنی‌ها با پشتوانه دو دوره قهرمانی اخیر در آسیا خودشان را از پیش برنده می‌دانستند و همین تفکر کار دستشان داد. این موضوع زنگ خطر را برای ما هم به صدا درآورد که در باد این قهرمانی نخواهیم. همه رقبا ما در آسیا برنامه‌ریزی بلندمدتی کرده‌اند و



ما هم فقط نباید دلخوش به غیرت بچه‌ها باشیم و باید امکانات را افزایش دهیم و تدارکات خوبی در راه جام جهانی کلمبیا که هفت ماه دیگر آغاز خواهد شد، داشته باشیم. امکانات برای ما باید در سطح توقعاتی باشد که از تیم ملی فوتسال ایران وجود دارد.

فکر می‌کنی این تیم پتانسیل موفقیت در جام جهانی ۲۰۱۶ کلمبیا را دارد؟

یکی از خصوصیات بارز تیم ملی فوتسال ایران این است که اکثر بازیکنان به‌رغم جوانی، تجربه حضور در رقابت‌های مختلف بین‌المللی را دارند. خیلی از بازیکنان فعلی تیم ملی در جام جهانی ۲۰۱۲ حضور داشتند، ضمن این که سابقه حضور در مسابقات قهرمانی آسیا را دارند. ما از لحاظ فنی نه‌تنها پتانسیل موفقیت در جام جهانی را داریم که حتی می‌توانیم روی سکوها جهانی هم حاضر باشیم، منتها به شرطی که دیدارهای تدارکاتی خوبی را با تیم‌های تراز اول جهان تا قبل از جام جهانی پشت سر بگذاریم تا با آمادگی بیشتری راهی کلمبیا شویم.

یکی از خصوصیات بارز تیم ملی فوتسال ایران این است که اکثر بازیکنان به‌رغم جوانی، تجربه حضور در رقابت‌های مختلف بین‌المللی را دارند. خیلی از بازیکنان فعلی تیم ملی در جام جهانی ۲۰۱۲ حضور داشتند، ضمن این که سابقه حضور در مسابقات قهرمانی آسیا را دارند

نگاهی به «مستر سبیل» های فوتبال ایران

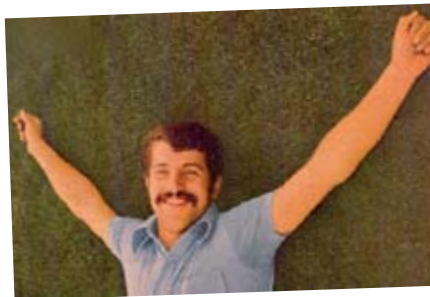
فوتبال در گرویک تار مو

امسال و از اول لیگ برتر ظاهرا داشتن سبیل در فوتبال ایران حسابی مد شده است. شاید باور نکنید، اما در حالی که سال گذشته ریش مد شده بود، امسال سبیل مد شده است. حنیف عمران زاده، امید عالیشاه، میلاد میداودی، یونس شاکری، عزتی کرامت، محمد قاضی، مهرداد بایرامی و محمد ابراهیمی بازیکنانی بودند که سبیل گذاشته‌اند و البته ما در این مطلب سعی کرده‌ایم به سبیل‌های فوتبال ایران بپردازیم. در فوتبال ایران زمانی تارهای موی سبیل‌ها ارزش داشت، اما این روزها دیگر مثل آن روزها نیست.



جای خالی عمو سبیلو

در حالی که تونی اولیویرا به عمو سبیلوی فوتبال ایران معروف شده بود، اما در میانه فصل به دلیل مشکلاتی که وجود داشت، تبریز را ترک کرد. لقب تونی در پرتغال «سبیلوی پرتغالی» است.



علی پروین با سبیل خوش تیپ تر بود

تصاویر قدیمی از علی پروین نشان می‌دهد که او روزگاری با سبیل خوش تیپ تر بوده است. بهتر است مقایسه کنید همین عکسی را که از استاد داریم، با عکس‌های کنونی‌اش. آن پروین با سبیل تودل پروتر نبود؟



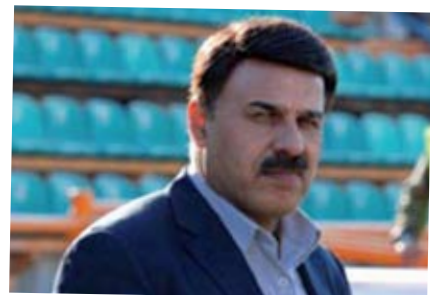
روزی روزگاری سرهنگ علیفر

سرهنگ علیفر عمو سبیلو که این روزها به خاطر گزارش‌های دابسمش خورش حسابی روی فرم آمده و همه به او توجه می‌کنند، هم از کسانی بود که بی‌خیال داشتن سبیل نمی‌شد. اما در دو سه سال پیش راضی به زدن سبیل شد و اتفاقاً در انتظار عمومی هم حاضر شد. در هر حال علیفر در محافل خصوصی می‌گوید دلش برای روزگاری که سبیل داشت، تنگ شده است.



علی فتح‌الله زاده با سبیل و بی سبیل

به عنوان یک مدیرعامل زمانی با ریش و زمانی بی ریش بود. اما سبیل را حفظ می‌کرد. همیشه با محاسن در انظار حاضر می‌شد و اما در نهایت دو فصل پیش که مدیرعامل استقلال بود، قید سبیل‌هایش را زد و از سوی وزارت ورزش برکنار شد تا بهرام افشارزاده جایش را بگیرد. البته روزنامه علی فتح‌الله زاده یعنی استقلال جوان با رفتن او از استقلال و البته بر باد رفتن سبیل‌هایش فعلاً تعطیل شده است.



روزی روزگاری پرویز مظلومی

پرویز مظلومی، سرمربی کنونی استقلال هم از کسانی بود که او را یک سبیل پرست می‌دانستند و به هیچ عنوان حاضر نمی‌شد سبیلش را بزند. او سال‌های سال سبیل‌هایش را نزد تا این که پنج سال پیش دختر مظلومی از آمریکا به او پیغام داد که سبیل داشتن دیگر به مظلومی نمی‌آید و بهتر است سبیل‌هایش را بزند. این بود که پرویز خان، قید داشتن سبیل را زد.



روزگار سبیلوی

نزدیکی‌های چانه‌شان سبیل باشد. همه بازیکنانی که گفتیم البته سعی کرده‌اند یک شکل سبیل بگذارند. حنیف عمران‌زاده، امید عالیشاه، میلاد میداودی، یونس شاکری، عزتی‌کرامت، محمد قاضی، مهرداد بایرامی و محمد ابراهیمی سبیل گذاشتند که تصاویرشان را می‌بینید. همه سعی کرده‌اند یک شکل سبیل بگذارند تا فوتبال ایران پس از عصر پشت موها و سه‌تیغ‌ها و موبلندها و ریشوها، دوباره به روزگار سبیلویی برگردد. اما این‌ها تنها سبیلوهای فوتبال ایران نبوده‌اند. در همین چند سال گذشته سوشا مکنی، محمد نوری، رضا محمدی، کریم انصاری‌فرد و میلاد میداودی زمانی که سبیل داشتند، حسابی سوژه بود.

همین هفته گذشته بود که در دیدار با گسترش فولاد با ظاهری جدید مشاهده شد. بچه غول آبی‌ها در این دیدار سبیل گذاشته بود تا برای مهاجمان تیم مقابل، ترسناک‌تر از همیشه باشد. البته این اولین باری نبود که حنیف را با این چهره می‌دیدیم. عمران‌زاده هم مانند میداودی هر از گاهی با این ظاهر در مسابقات دیده می‌شود. میلاد هم چه در زمانی که در استقلال حضور داشت و چه حالا که لباس سایپا را به تن می‌کند، سبیل‌هایش را به معرض نمایش می‌کشد. محمد ابراهیمی هم دیگر بازیکنی است که هرچند هفته، سیاهی دور لبش را به همه نشان می‌دهد. البته آن‌ها سعی می‌کنند به شیوه قدیمی سبیل بگذارند و تا



سلطان سبیل‌های سرمربیان

منصور ابراهیم‌زاده، سرمربی اصفهانی فوتبال ایران اما از وفاداران به سبیل است. او هرگز حاضر به زدن سبیل‌هایش نشد و البته همیشه به داشتن این سبیل‌ها افتخار می‌کند. منصور ابراهیم‌زاده مدت‌هاست که تیم نمی‌گرفته و ظاهراً منتظر است که به او پیشنهاد بدهند. البته او پس از این‌که از ذوب آهن به راه آهن پیوست، افت کرد و در نهایت فعلاً از او خبری نیست.

تهامی با سبیل‌های به یادماندنی

استاد ابراهیم تهامی هم مربی سبیلوی استقلال اهواز است و از آن بازیکنانی است که حسابی به خاطر سبیل‌هایش در دوره بازیگری معروف بود. او هنوز هم که هنوز است، سبیل‌هایش را زنده است و به قول خودش تا زمانی که زنده است، سبیل‌هایش را نمی‌زند.



خوانندگان گرامی مجله در این صفحه شما را دعوت می‌کنیم تا ضمن سرگرم شدن با یافتن پاسخ مربوطه در قرعه کشی جایزه‌ای نفیس شرکت کنید. با جواب دادن به جدول این صفحه اسم خود را در گردونه شانس قرار دهید. در ضمن پاسخ‌های خود را تا تاریخ ۲۰ هر ماه به آدرس ای میل صفحه ارسال کنید. همراهمان گرامی جواب‌ها را هم در شماره آینده و خارزم مشاهده خواهید کرد.

برنده این ماه نشریه خارزم آقای **اردلان حسن زاده نظامی** هستند از تهران برای دریافت جایزه با ایشان تماس گرفته خواهد شد.

جدول سخت

| | | | | | | | | | | | | | | | |
|----|----|----|----|----|----|----|---|---|---|---|---|---|---|---|----|
| ۱۶ | ۱۵ | ۱۴ | ۱۳ | ۱۲ | ۱۱ | ۱۰ | ۹ | ۸ | ۷ | ۶ | ۵ | ۴ | ۳ | ۲ | |
| | | | | | | | | | | | | | | | ۱ |
| | | | | | | | | | | | | | | | ۲ |
| | | | | | | | | | | | | | | | ۳ |
| | | | | | | | | | | | | | | | ۴ |
| | | | | | | | | | | | | | | | ۵ |
| | | | | | | | | | | | | | | | ۶ |
| | | | | | | | | | | | | | | | ۷ |
| | | | | | | | | | | | | | | | ۸ |
| | | | | | | | | | | | | | | | ۹ |
| | | | | | | | | | | | | | | | ۱۰ |
| | | | | | | | | | | | | | | | ۱۱ |
| | | | | | | | | | | | | | | | ۱۲ |
| | | | | | | | | | | | | | | | ۱۳ |
| | | | | | | | | | | | | | | | ۱۴ |
| | | | | | | | | | | | | | | | ۱۵ |
| | | | | | | | | | | | | | | | ۱۶ |

افقی:

۱. رستگار - ملکه فرانسه که در سال ۱۹۷۳ با گیوتین اعدام شد.
۲. شکستنی جایزه دار - یاقوت - رمان تسوایک.
۳. پریا - دیوار گلی - درخت تسبیح.
۴. دریا - کاشف سیاه زخم قبل از پاستور - مردم - بخار آب گرم.
۵. تعمیر خرابی - صحرای بی آب و علف.
۶. دست شیمیایی - فراری - نوعی پنبه.
۷. ساز هندی - هدیه ای برای نگهداری و خاطره دوستی - عدد ماه.
۸. سرخ کننده مطبخ - الفت - مرض مسری - در قرآن بجویید.
۹. کارگردان سریال ارتش سری - شکننده - باید تهرانی‌ها - پشت‌پا.
۱۰. مادر آهنگ - مبتدی - فیلمی با بازی و کارگردانی جان وین.
۱۱. بدھکار - فیلم راجر کورمن - واحد سطح.
۱۲. کاشف مغناطیس برق - کتاب علی دشتی.
۱۳. جهاز عروس - فیلمی بابازی پل نیومن - چفت و بست - درخت انگور.
۱۴. عقیده - شهری در ترکیه - حمل و نقل.
۱۵. نوشیدنی حرام - اولین فیلم رنگی فارسی - شجاع.
۱۶. نویسنده توانای رمان خانم دالووی - فرید

عمودی:

۱. قصیده سرای دوران غزنویان با نود هزار بیت شعر ناب - مرکز کشور لهستان.
۲. نام دخترانه - دینداری - گریزان.
۳. نه آدری - میوه سه رنگ - معاون دادستان.
۴. این‌هم برای خود خانه‌ای دارد - قمر - فرق سر - برنج رشتی.
۵. ده متر تمام - پول بنگلادش.

۱۵. حرکت پاندولی - هنر هفتم - رحم و انصاف.
۱۶. با هیچ کسی کاری ندارد - نقاش نامی مکزیک که شاهکاری استثنایی چون انقلاب زاپاتا را کشید.



بطری آب کی زودتر یخ می‌بندد؟

دوتا برادر به نام های سعید و مجید. هر یک از آن‌ها باید یک بطری ۲۵۰ میلی لیتری آب که از یک شکل و یک جنس باشد را داخل فریزر قرار دهند. آب بطری هر کس زودتر یخ بزند به عنوان پسر موفق خانواده شناخته می‌شود. این مسابقه سه شرط دارد:

۱. هر دو باید از شیر آشپزخانه برای پر کردن بطری استفاده کنند.
 ۲. هر دو باید از یک فریزر استفاده کنند.
 ۳. در یک زمان باید بطری‌ها را داخل فریزر قرار دهند.
- آیا شما می‌توانید به سعید کمک کنید تا راه حلی برای معمای علمی بطری آب را پیدا کند و در مسابقه پیروز شود؟



**جدول
اسنان**

| | | | | | | | | | |
|----|---|---|---|---|---|---|---|---|----|
| 10 | 9 | 8 | 7 | 6 | 5 | 4 | 3 | 2 | 1 |
| | | | | | | | | | 1 |
| | | | | | | | | | 2 |
| | | | | | | | | | 3 |
| | | | | | | | | | 4 |
| | | | | | | | | | 5 |
| | | | | | | | | | 6 |
| | | | | | | | | | 7 |
| | | | | | | | | | 8 |
| | | | | | | | | | 9 |
| | | | | | | | | | 10 |

عمودی:

1. شپادی
2. شهر فرانسوی - این هم شهری در ایتالیا
3. کشور آسیایی - سرزمین بلقیس - وحشی
4. از گل ها
5. پایه - مادر عربی - مخترع اره چوب بری
6. خواب - آفت - درخت انداز
7. عنوان اثری از قائم مقام فراهانی
8. ویتامین خونی - وسیله ورزشی
9. خارپشت - رب النوع هندی
10. کاشف انگلیسی ساره اورانوس

افقی:

1. قله مرتفع آفریقا
2. بندری در قبرس - حرف ندا
3. پاندول - خوردنی
4. نفس خسته - رمق - کمک
5. شهر غرب ایران - یازده
6. پول روسیه - از القاب اروپایی
7. هوشیاری - ماده سمی خون
8. وی - پیوستگی
9. حيله گر - حاشیه - رنگ مو فوری
10. به رسم خاطره - سنه



چیستان

- 1- آن چیست که چه پر باشد و چه خالی وزنش یکی است؟
- 2- آن چیست که سر ندارد، کلاه دارد، یک پا دارد و کفش ندارد؟
- 3- آن چیست که در رادیو و دریا مشترک و هر دو آن را دارند؟
- 4- چیست آن گرد گنبد بی در پوست در پوست گرد یکدیگر هر که بگشاید این معما را رخس از آب دیده گردد تر
- 5- بالای آن جای حساب است، پایین آن بازی تاب است؟
- 6- آن چیست که یک چشم و یک پا دارد؟
- 7- چراغ راهنمایی و رانندگی که روبروی خیابان است قرمز است، افسر راهنمایی هم در آنجا ایستاده است، با اینحال راننده ای از چراغ قرمز می گذرد و کسی مزاحم او نمی شود. چطور چنین چیزی ممکن است؟
- 8- آن چیست قبای زرد در بر دارد، اندام ظریف چون صنوبر دارد، زرد است، به مشام تلخ است ولی طعمی چون شکر دارد؟

تعداد سوراخ‌های موجود در لباس زیر چند عدد است



**جدول
سودوکو**

جدول سودوکو به جدول ژاپنی که بهش جدول اعداد متقاطع هم گفته میشه. این جدول به جدول مربعی شکله که از 9 سطر و

| | | | | | | | | |
|---|--|---|---|---|---|---|---|---|
| 8 | | | 2 | | 1 | | | |
| | | 1 | 8 | 6 | | | | 7 |
| | | 9 | | | | 5 | 3 | |
| | | | 5 | | | 3 | | 4 |
| | | | 3 | 6 | | 4 | 7 | |
| 4 | | | | 8 | | | 1 | |
| | | 6 | 9 | | | | | 7 |
| 5 | | | | 2 | 1 | | 6 | |
| | | 2 | | | 6 | | | 1 |

- 1- همه سطر و ستون ها شامل اعداد بین 1 تا 9 باشه.
- 2- تو هیچ سطر و عدد تکراری نباشه.
- 3- تو هیچ ستونی عدد تکراری نباشه.
- 4- تو هیچ بلوکی عدد تکراری نباشه...

قاب طنز



بدون شرح!!!

تیم ملی فقط با کی روش به جام جهانی می‌رود

جلال حسینی: کت و شلوار پوشا از تیم ملی انتقاد می‌کند

پدر شدن برای او یک احساس دوباره بود. ستاره کهنه‌کاری که پیش‌تر این تجربه شیرین را با نورا لمس کرده بود، حالا باز هم با نیلا به این تجربه شیرین سلام می‌کند. آن قدر شیرین که سبب شده تا آقای شماره ۴ در پذیرش پیشنهاد تازه از خاور دور مردد شود. پیشنهادی دندان‌گیر که او را هم‌تراز لاوتزی، رامیرس، ژروینیو و... قرار خواهد داد، اما فعلا دور، دور نیلاست و این فرشته از راه‌رسیده بر تمامی ستاره‌های ریز و درشتی که در چین انتظار او را می‌کشند، ارجحیت دارد. سیدجلال حسینی هنوز در ایران است و بر سر دوراهی تهران - پکن گیر افتاده؛ دوراهی منطق و احساس. از یک سو وسوسه تقابل با ستاره‌های بزرگ او را راحت نمی‌گذارد و از سوی دیگر نیلا پای او را در تهران بند کرده. آن چه سبب شده تا مدافع تیم ملی در توصیف این پیشنهاد و احتمال حضورش در چین عبارت ۵۰-۵۰ را به کار ببرد.

حضور این ستاره‌ها، رسانه‌ها بیشتر از گذشته اخبار لیگ چین را پوشش می‌دهند و همین می‌تواند موضوعی مهم برای بازیکنانی باشد که در این کشور بازی می‌کنند.

با حضور این ستاره‌ها، ترسی از تقابل با آن‌ها نداری؟ با توجه به این که اکثر آن‌ها مهاجم هستند.

سخت است و باید تمرکز بالا باشد، اما به‌هیچ‌وجه نمی‌ترسم. آمادگی کامل دارم که مبارزه کنم. اگر رفته، سعی می‌کنم موثر باشم و اگر هم نه که کنار دخترم می‌مانم، چون او واجب‌تر و مهم‌تر است.

کمی از تیم ملی صحبت کنیم. درباره استعفای کی‌روش. تو به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترهای تیم این استعفا را به سود فوتبال ملی می‌دانی یا نه؟

حرف‌های کی‌روش حرف دل بازیکنان تیم ملی است. متأسفانه نه کسی حرفش را گوش می‌دهد و نه امکاناتی برایش فراهم می‌کند. ما لباس نداریم، زمین تمرین نداریم، اما آن‌هایی که چیزی از فوتبال نمی‌دانند، انتقاد می‌کنند. کی‌روش برای موفقیت ایران تلاشش را می‌کند، اما کسی توجه ندارد. یک سوال از شما دارم.

پیرس...

کی‌روش تیم ملی را جوان کرده. آیا بازیکنان جوان به اردو و بازی تدارکاتی نیاز ندارند تا آبدیده شوند؟ آن‌ها باید در زمین مناسب تمرین کنند و از حداقل امکانات بهره ببرند تا حرفه‌ای‌تر شوند. این اتفاق در ماه‌ها یا بهتر بگویم سال‌های گذشته رخ نداد. همین کی‌روش را خسته کرده. او فشار بالایی را تحمل می‌کند. به جای این که کسی حرفش را گوش بدهد، برخی‌ها کت و شلوار می‌پوشند و مدام نظر می‌دهند و انتقاد می‌کنند.

این کت و شلوار پوشا چه کسانی هستند؟

آن‌هایی که در زمین نیستند، میانه‌ای با فوتبال ندارند و نمی‌دانند مهم‌ترین ابزار یک مربی برای موفقیت زمین تمرین است. کی‌روش بارها این نکات را یادآوری کرده، اما انگار گوش شنوایی وجود ندارد.

خودت چقدر امید داری که این امکانات مهیا شود؟

نمی‌دانم چه بگویم. وقتی هیچ تلاشی صورت نمی‌گیرد، فکر نمی‌کنم امیدواری وجود داشته باشد. یک کلام، شرایط اصلا خوب نیست. اما این را هم باید بگویم که تیم ملی فقط با کی‌روش به جام جهانی می‌رود.



بالاخره به لیگ چین می‌روی یا نه؟ ماجرای انتقال تو به کجا رسید؟

فعلا که چند روز به پایان نقل و انتقالات چین مانده و باشگاه مورد نظر منتظر جواب من است.

چرا دست دست می‌کنی؟

دخترم ۱۰ روز است به دنیا آمده و الان فکر و ذکرم پیش اوست. قبلا درگیر مصدومیت بودم و حالا هم نیلا به دنیا آمده و تمام وقت مرا به خود اختصاص داده. این‌ها اما دلیلی نشده که از فوتبال دور باشم. خیلی خوب تمرین می‌کنم و چند روز هم وقت دارم تا درباره حضور در چین تصمیم بگیرم.

اگر به چین نروی، تنها دلیلش نیلاست؟

صددرصد. همه مذاکرات برای این انتقال انجام شده و فقط یک دلیل می‌تواند آن را منتهی کند. آن هم تولد نیلا است که مرا برای تصمیم‌گیری مردد کرده.

چند درصد احتمال دارد که به لیگ پرستاره چین منتقل شوی؟

۵۰-۵۰ است. باید ببینم طی چند روز آینده چه اتفاقی رخ می‌دهد.

تیم چینی آن قدر خوب هست که وسوسه شوی دوری از نیلا را تحمل کنی و به شرق آسیا بروی؟

تیمی که مرا می‌خواهد، جزو تیم‌های قدرتمند لیگ چین است. اسمش را نگویم بهتر است، اما پیشنهادشان خوب بوده و به جذب من علاقه بسیاری دارند. فقط مانده جواب مثبت من تا قرارداد نهایی شود.

حتما می‌دانی که بازیکنان بزرگ فوتبال جهان، یکی یکی به لیگ چین می‌روند؟

شنیدم لاوتزی، ژروینیو و رامیرس به چین رفته‌اند تا آن‌جا بازی کنند. به همین خاطر بازی‌ها دشوار و طاقت‌فرسا می‌شود. از طرفی با